

# دینیا

---

نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

---

سال هشتم ، شماره ۲







# نیما

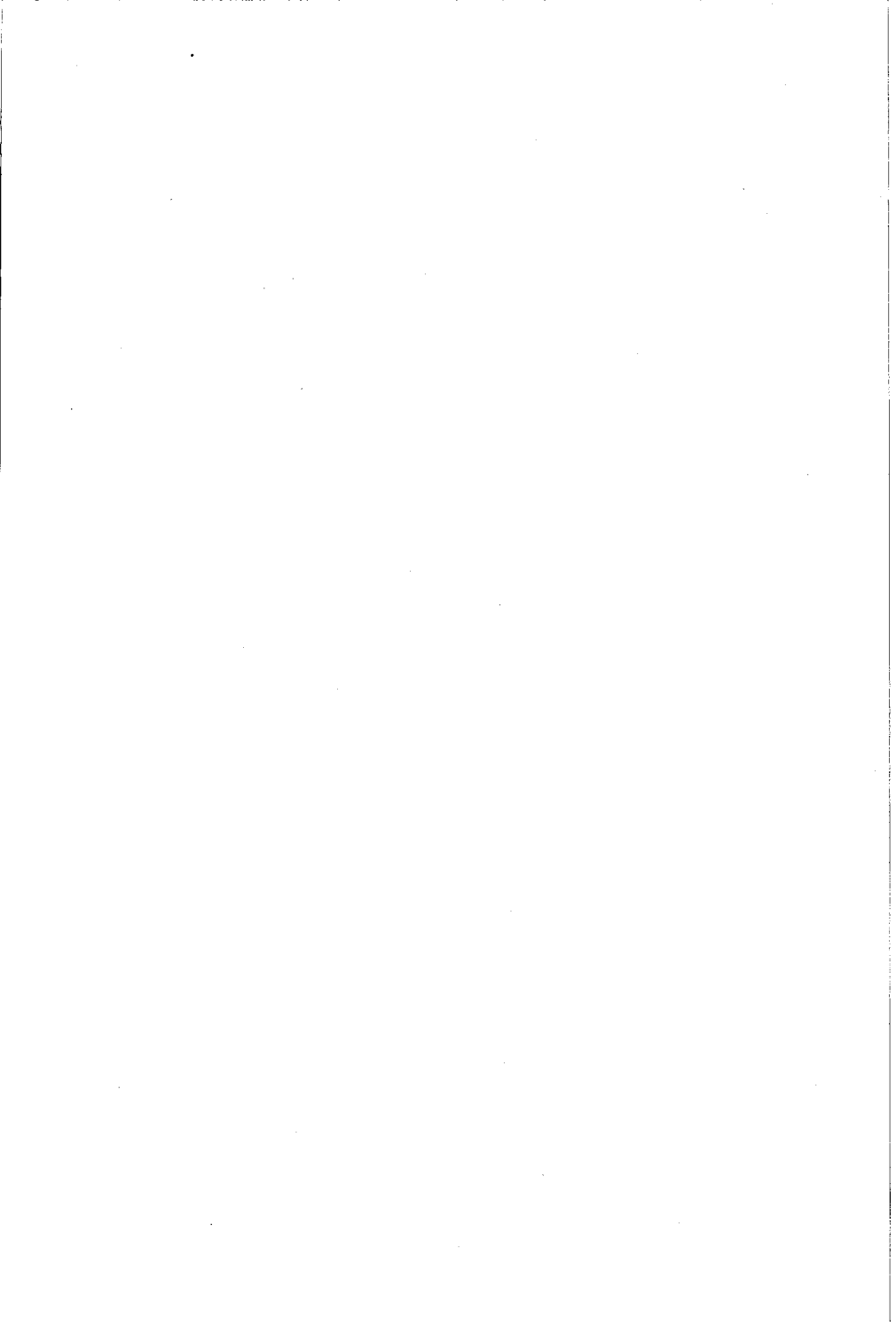
شماره مخصوص

## در این شماره

صفحه	
۱	اهمیت جهانی و تاریخی انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر
۱۳	لنینیسم پرچم اندیشه ای انقلاب اکتبر
۳۴	انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر و جنبش رهایی بخش مردم ایران
۵۸	در وصف لنین
۵۹	در وصف شوروی
۶۰	سیری در رویدادهای اکتبر بزرگ
۷۵	بازهم در وصف لنین
۷۶	سقوط تزار
۷۷	پیروزی درخشان نخستین آزمایش شگرف تاریخی
۸۶	ایده آل انقلاب • شعله انقلاب
۸۷	پیام لنین • بناسبت دهمین سال انقلاب
	گزارش درباره سمینارهای علمی حزب ما بناسبت پنجاهمین سالگذشت
۸۸	انقلاب کبیر اکتبر
۱۱۲	سرود مرغ طوفان
۱۱۳	در ثنای کمونیسم • پرششهای یک کارگر
۱۱۵	ارزیابیها و گواهیها

---

نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران  
هر سه ماه یکبار تحت نظر هیئت تحریریه منتشر میشود  
دوره دوم  
سال هشتم  
شماره دوم  
تابستان سال ۱۳۴۶



## اهمیت جهانی و تاریخی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

حزب کمونیست اتحاد شوروی، مظهراندیشه و اراده همهٔ خلقهای شوروی، مشعلد ارراه صلح، آزادی، ترقی و سوسیالیسم و کمونیسم در قیام جهانی در پیشاپیش کمونیستها و زحمتکشان سراسر گیتی و همهٔ بشریت مترقی پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، این بزرگترین حادثه تاریخ را در شرایط سرشار از کامیابیهای بزرگ در کلیهٔ زمینه‌های مادی و معنوی جشن میگیرد و با تکیه بر پایه‌های مستحکم که اکتبر بنا نهاد است با سرعت و شتابی بیشتر بسوی آینده‌ای درخشان‌تر و شکوفاتر و جهانی آزاد از بندگی و استثمار و جنگ به پیش میرود.

حزب ما این جشن بزرگ تاریخی را به خلق قهرمان شوروی، به وارثین اکتبر، به حزب کمونیست اتحاد شوروی که راه لنین بزرگ را با سر بلند و شهامت دنبال کرده و میکند از طرف خود و بنا بر پندگی از جانب همهٔ زحمتکشان و خلقهای ساکن مبین ما و همهٔ محافل مترقی و ملی ایران صمیمانه تبریک میگوید، موفقیت‌ها و پیروزیهای بازم بزرگتری را برای خلقهای قهرمان شوروی بر رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و رهبری لنینی آن آرزو میکند.

\* \* \* \*

بهترین طریق برگزاری جشن پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر مطالعه و تعمق بیشتر مبانی تئوریک و پراکتیک آن، آموزش دروسهای آن، استفاده از تجاربند قیمت و نمونه برجسته آنست. انقلاب اکتبر ثمرهٔ مبارزه‌ایست که طی مدت بسیار طولانی در روسیه علیه ستکری بسیار وحشیانه و در دشمنانه تزاریم جریان داشته است. ارقام مترقی در روسیه از سالهای ۴۰ تا سالهای ۹۰ قرن گذشته، قریب نهمین، در شرایط فشار تزاریم که در توحش و ارتجاع نظیرند است در جستجوی یک تئوری انقلابی صحیح بود. لنین میگوید:

" برای روسیه تاریخ بدست آوردن مارکسیسم بعنوان یگانه تئوری صحیح انقلابی، واقعا سیر صائب بود. بدین معنی که آنرا بهیای نیم قرن شکنجه و قهرانیهای بی‌پایان، قهرمانی انقلابی، به نظیر، انرژی تصورناپذیر، تفحص فداکارانه، علم آموزی، آزمایش در عمل، دلسردی و نومیدی، و ارسبی و مقایسه با تجربه اروپا تحصیل نمود. در نتیجه مهاجرت‌های اجباری که تزاریم موجب آن بود، روسیه انقلابی در نیمه دوم قرن نوزدهم از لحاظ روابط بین المللی چنان غنی بود و از شکلها و تئوریهای جنبش انقلابی در سراسر جهان چنان

اطلاعات شگرفی داشت که هیچک از کشورهای جهان بهای وی نمرسید\*  
(آثار منتخبه لنین بزبان فارسی جلد دوم قسمت دوم صفحات ۴۱۴-۱۴۲)

تاریخ ، بلشویسم ، مارکسیسم دوران امپریالیسم ، بلشویسم و انقلاب اکثریت را با نام لنین — بزرگ درآمیخته است.

تتبعات لنین در فلسفه و اقتصاد و سوسیالیسم علی اجزا\* سه گانه مارکسیسم نقش مهمی در تهیه و تدارک تئوریک و پراتیک انقلاب اکثریت داشته است.

لنین در فلسفه ، تئوری شناخت ماتریالیسم دیاکتیکی مارکس را بنیاده تئوری انعکاس عینی جهان موجود بسط و توسعه داد.

لنین قانونیت مرحله امپریالیستی تحول سرمایه داری و ماهیت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم را کشف نمود.

لنین با کشف ماهیت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم بقانون رشد نامساوی کشورهای سرمایه داری در دوران امپریالیسم رسید و از آن نتیجه متبهرانه ای گرفت مبنی بر اینکه دردوران امپریالیسم پیروزی سوسیالیسم ابتدا در چند و یا حتی در یک کشور امکان پذیر است.

لنین استراتژی و تاکتیک مبارزه طبقاتی پرولتاریا ، تئوری انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا ، تئوری انقلاب رهائی بخش ملی و گذار بسوسیالیسم با طفره رفتن از مرحله سرمایه داری ، دانش حزب نوع جدید — حزب طراز نوین طبقه کارگر و دولت سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را بنیان نهاد.

فعالیت تئوریک لنین از مبارزه علی و انقلابی وی جدا نبود. بلشویسم که در سال ۱۹۰۳ بر مبنای تئوری مارکسیسم پدید آمد ، بود در جریان ۱۵ سال (۱۹۰۳-۱۹۱۷) مبارزه بر پایه و اساس تئوری و پراتیک انقلابی لنین رشد و تکامل یافت و با شناخت نیروی سیاسی مبدل گردید که از لحاظ غنا\* تجربه در جهان نظیرند داشت. بلشویسم توانست از شرایط بحرانی جنگ استفاده نموده در راهس بزرگترین انقلابهای تاریخ قرار گیرد و آنرا به پیروزی رساند.

\* \* \*

لنین در نخستین فصل کتاب " بیماری کودکی " چپ روی " در کمونیسم " تحت عنوان " برای اهمیت بین المللی انقلاب روس چه مفهومی میتوان قائل شد " مینویسد :

" در راه های نخستین ممکن بود چنین بنظر رسد که فرق عظیم بین روسیه عقب مسانده و کشورهای پیشرو اروپای باختری ، انقلاب پرولتاریا را در این کشورها خیلی کم به انقلاب ما شبیه خواهد نمود . ولی اکنون ما تجربه بین المللی بس قابل ملاحظه ای در دست داریم که بانها پت صراحت گواهی میدهد که برخی از مشخصات اصلی انقلاب ما دارای اهمیت محلی یعنی اهمیت اختصاصا ملی و صرفا روسی نبود ، بلکه اهمیت بین المللی دارد . منظور من از اهمیت بین المللی در اینجا معنای وسیع کلمه نیست ، زیرا نه تنها برخی ، بلکه همه\* مشخصات اصلی و بسیاری از مشخصات فرعی انقلاب ما از لحاظ تا\* حیوان در کلیه کشورها اهمیت بین المللی دارد ، نه ، چنین اهمیتی را باید بمعنای کاملا محدود کلمه برای برخی از مشخصات اصلی انقلاب ما قائل شد . بدین معنی که اهمیت بین المللی را باید در اینجا به مفهوم قدر و ارزش بین المللی یا ناگزیری تاریخی تکرار آن چیزی بقیاس بین المللی درک نمود که در کشور ما روی داده است ."

لنین در توضیح اهمیت بین المللی انقلاب اکثریت بیشتر به اصل " ناگزیری تاریخی تکرار " آنچه که در روسیه روی داده است تکیه میکند زیرا انقلاب اکثریت برای اولین بار در عمل صحت و قدرت مارکسیسم-لنینیسم را مبنی بر ناگزیر بودن گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم در یک ششم مسکون کره\* زمین به ثبوت رساند و با آن ضربه سختی به ایدئولوژی های رنگارنگ جهان سرمایه داری ، به اپروتونیسم ، به رفرمیسم در درون



جنبش کارگری، به سوسیال‌شویسم و ناسیونالیسم ارتجاعی وارد ساخته است.  
از اینجهت است که انقلاب اکثر رانها باید فقط يك انقلاب در "چهارچوب ملی" روسیه تزاری تلقی  
نمود. انقلاب اکثر قبل از همه انقلاب بین المللی در نظم جهانی است. آن نقطه تحولی در تاریخ جهانی  
است که با آن بشریت سیر خود را از جهان کهنه سرمایه داری به جهان نو - جهان سوسیالیستی آغاز  
نموده است. لنین میگوید: اکثر در تاریخ جهانی پشابه تعویض دو دوران وارد کرده است.  
انقلاب اکثر از همه انقلابهای گذشته که طبقه استثمارگری را جانشین طبقه استثمارگرند  
متما یز است. انقلاب اکثر برای نخستین بار در کشور پهناوری قدرت را از دست اقلیت استثمارگر برد و به  
اکثریت استثمارشونده انتقال داد. باین ترتیب بعصر جهان شعول سرمایه داری خاتمه داده شد. ثبات  
و استحکام سرمایه داری در مجموع خود متزلزل گردید و عصر جدیدی در تاریخ بشری آغاز گردید که مضمون  
عده آن گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است.  
لنین در سال ۱۹۲۰ در این باره چنین میگوید:

"انهدام سرمایه داری و آثار آن اجرای اساسی نظم کمونیستی، محتوی اساسی دوران جدید  
تاریخ جهانیست که اکنون شروع شده است".

(کلیات آثار، چاپ روسی، جلد ۴۱ صفحه ۴۲۵)

انقلاب اکثر در کشوری که با وجود سطح متوسط رشد سرمایه داری وارد مرحله امپریالیستی شده بود  
پیروز گردید. در کشوری پیروز شد که هنوز بقایای مناسبات فئودالی در آن حفظ شده بود و در نواحی آسیائی  
آن خلیفاهائی بودند که در شرایط مستعمره و نیمه مستعمره بسر میبردند. در کشوری پیروز شد که در آن حتی  
نواحی ای وجود داشت که هنوز مناسبات قبیله ای در آن نواحی حکمفرما بود.  
بلشویکها توانستند مبارزه پرولتاریای روسیه را برای برانداختن سرمایه داری و استقرار دیکتاتوری  
پرولتاریا، جنبش دموکراتیک دهقانان را برای گرفتن زمین، جنبش رهایی بخش خلیفاهای اسیر روسیه  
تزاری و جنبش وسیع و عمومی دموکراتیک علیه جنگ رادهم آمیزند، به سیل خروشانیه انقلاب اکثر را پیروزی  
رسانند بدل سازند.

بلشویکها توانستند بهترین راه انقلاب سوسیالیستی و سپس بهترین شکل و شیوه ساختن سوسیالیسم  
راد در کشور پهناوری که در آن مناسبات تولیدی متفاوتی وجود داشت عمل نمایند.

باین ترتیب مادرانقلاب اکثر و در پیروزی ساختن سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی نمونه  
برجسته ای برای کشورهای مختلف که در شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوتی بسر میبرند می یابیم و این خود  
یکی از جهات مهم اهمیت تاریخی جهانی انقلاب اکثر است که راه تحولات و شکل و شیوه اصلاحات انقلابی  
را به همه خلیفان نشان میدهد. آزمایش انقلاب سوسیالیستی اکثر غنا را یزال نشوری و پراتیک مبارزه  
انقلابی و نمونه درخشان استراتژی و تاکتیک علمی است.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر به افسانه لا یزال بودن سیستم سرمایه داری خاتمه بخشید، در عمل  
ثابت نمود که آنی تز که پاتالیسم سوسیالیسم است. تقسیم جهان بد سیستم اقتصادی واجتمعا  
انتاگونیست می داند عمل سیستم سرمایه داری را ننگ نمود و علاوه در داخل میدان منور تغییرات جدی داد.  
با جنگ اول جهانی و انقلاب سوسیالیستی اکثر سیستم سرمایه داری با بحرانی عمومی که تمام ششون  
سیاسی و اقتصادی واجتمعا ای اش را در بر میگیرد روبرو گردید.

نیروی نمونه و نفوذ دائم التزاید اندیشه های اکثر قدرت و موقعیت امپریالیسم را هم در متروپل و هم  
در مستعمرات ضعیف نمود. تقریباً در تمام کشورهای سرمایه داری و در برخی از کشورهای نیمه مستعمره و  
وابسته احزاب کمونیستی، احزاب طراز نوین طبقه کارگر از روی نمونه حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل  
شدند. احزاب منور در برخی از این کشورها بتدریج با احزاب خلقی تبدیل گردیدند و عملاً رهبری طبقه  
کارگر و جنبش عمومی دموکراتیک کشورهای خود را بدست گرفتند.

تشکیل احزاب کمونیستی و کارگری در عهد قابل ملاحظه ای از کشورهای تازه استقلال یافته، برهبری لنین بزرگ موجبات اساسی نضج و تکامل عامل ذهنی انقلاب یعنی تشکیل و جان گیری فکری و سیاسی پیشقراولان طبقه کارگرا در عهد ای از کشورهای متقدم و تکامل عامل ذهنی پیروان انقلاب را در مقیاس جهانی فراهم نمود.

بر تضاد های اساسی سیستم سرمایه داری و امپریالیستی یعنی تضاد مابین کار و سرمایه، تضاد مابین کشورهای امپریالیستی و تضاد مابین کشورهای امپریالیستی و ملل متلاطم کشورهای مستعمره و وابسته، تضاد جدیدی - تضاد مابین امپریالیسم و سوسیالیسم افزود و گردید.

با انقلاب اکثر و قدرت دائم التزاید نخستین کشور سوسیالیستی برداشته و عمق تضاد های سابق با سرعت و شتاب بیشینستری افزود و شد. تضاد جدید - تضاد مابین سوسیالیسم و امپریالیسم بحامل بسیار مهمی در سیر تکامل بعدی جامعه بشری تبدیل گردید.

احزاب کمونیستی و کارگری و جنبشهای ملی و دموکراتیک در وجود اتحاد جماهیر شوروی آنچنان مرکز و پایگاه نیرومندی بدست آوردند که در تاریخ بی سابقه است. نیرو و وزن مخصوص، شجاعت و پیکار جسوتی طبقات متلاطم جهان آنچنان ارتقا یافت که طبقات حاکمه مجبور گردیدند از این پس آنرا بشابه یک عامل جدید تازه بحساب آرند.

انقلاب اکثر برای همه خلفها و طبقات متلاطم در وجود اتحاد شوروی مشعلی فروزان بوجود آورد که بکلی آن راه روشن و دورنمای آیند خود را یافتند.

باین ترتیب انقلاب اکثر بر سرمایه داری جهانی جراحات مرگباری وارد ساخت و سرمایه داری از آن "آرامش"، "آزان"، "اطمینان" و "آزان" ثبات و تعادل و استواری" سابق که به آن می بالیدند یکسر هیچگاه برخوردار نگردد و نخواهد گردید. و حال آنکه با پایان یافتن کامل ساختن سوسیالیسم در اتحاد شوروی و آغاز گذاران بساختن پایه های مادی و فنی جامعه کمونیستی کشور شورا روز بروز نیرومند تر گردید و میگردد.

ساختن نخستین جامعه سوسیالیستی در مین اکثر حائز اهمیت فراوان جهانی و تاریخی است، زیرا این در اتحاد جماهیر شوروی است که برای نخستین بار در تاریخ نوع جدید دولت - دولت سوسیالیستی و نوع جدید دموکراسی - دموکراسی سوسیالیستی مظهر پیوسته است. زیرا این در اتحاد شوروی است که برای نخستین بار در تاریخ، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید لغو شد و مالکیت عمومی دولتی و تعاونی جانشین آن گردید و اقتصاد طبق نقشه جانشین آنارشی تولید سرمایه داری گردید، زیرا این در اتحاد شوروی است که برای نخستین بار در تاریخ، هرگونه استثمار انسان از انسان از بین رفت و جامعه بدون طبقات بوجود آمد و یک وحدت فکری، سیاسی و اجتماعی بی سابقه ای تمام اقشار جامعه شوروی را فرا گرفت، بالاخره، زیرا این در اتحاد جماهیر شوروی است که برای نخستین بار در تاریخ، مارکسیسم - لنینیسم به جهان بهی تمام خلفهای شوروی تبدیل گردید.

تاریخ نویسان سرمایه داری همواره میکوشند که تا "تیر جهانی و تاریخی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر را در رشد و تکامل جوامع بشری یانفی کنند و یا آنرا فقط بعدت کوتاه سالهای ۱۹۲۳-۱۹۱۸ که بتاثیر مستقیم انقلاب اکثر یک سلسله تحولات و انقلابات در عهد ای از کشورهای اروپا و آسیا و از جمله در مین ما صورت گرفته است محدود سازند. بدون تردید این تا "تیرات عظیم بوده است. کشور مایکی از صحنه های تحولات و انقلابات مزبور بوده است که متاسفانه باناکامی روبرو گردید. معذک خطا خواهد بود اگر تا "تیر اکثر و ساختن نخستین جامعه سوسیالیستی در اتحاد شوروی را بر روی پیوسته رشد و تکامل کشورهای سرمایه داری در سالهای باصطلاح تعادل موقت نسبی سرمایه داری و یاد سالهای ۱۹۲۳-۱۹۲۹ بزرگترین بحران اقتصادی سرمایه داری و بالاخره وازهمه مهمتر در جنگ دوم جهانی و پس از جنگ از نظر دوارم. نیم قرن تاریخ سیر مجموعه حوادث بین المللی نشان دهند است که بر اهمیت جهانی

و تاریخی انقلاب کبیرا کثیره مواره افزوده شده است.

تعمیرات قانونی ای که در روسیه با انقلاب اکثر منتهی گردید، رشد و تکامل خود را با نیروی خاصی در مرحله جدید رشد و تکامل جامعه بشری پیروزه پس از جنگ دوم جهانی که با شکست فاشیسم المان و میلپارتیسم ژاپن پایان یافت همچنان ادامه داده و بموجب تغییرات شگرفی در تناسب نیروها در صحنه جهانی گردید ۱۹۴۸. نوسازی انقلابی جهان که با انقلاب اکثر شروع گردید و در پیروزی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی تجسم یافت با پیروزی انقلابهای سوسیالیستی در یک عدد از کشورهای اروپا و آسیا و امریکای لاتین ادامه یافت و به تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی منتهی گردید. تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی بزرگترین حادثه تاریخی پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتر است.

ساختن سوسیالیسم در کشورهای جدید که انقلاب سوسیالیستی در آنها پیروز شده است در شرایط مساعد بیشتری انجام گرفت. کشورهای منور از همان آغاز به اتحاد شوروی - چین اکتر و مهمان سوسیالیسم تکیه نموده و توانستند در مدت کوتاهی به پیروزیهای بزرگی در کلیه شئون مادی و معنوی نائل آیند.

رشد جوشان قدرت و نفوذ بین المللی کشور اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، سیستم جهانی سوسیالیستی را بصورت عامل قطعی در تکامل جامعه بشری تبدیل می نماید. در اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری نوامبر ۱۹۶۰ بدستور گفته شده است که:

"مضمون عمده، جهت عمده و خصوصیات عمده تکامل جامعه بشری را در دوران معاصر سیستم جهانی سوسیالیستی و نیروهای معین میکنند که بر علیه امپریالیسم و بخراطر نوسازی جامعه در مبارزه اند. هیچگونه تلاشی از جانب امپریالیسم نمیتواند تکامل مترقیانه تاریخ را متوقف گرداند، دگرزمنه استواری برای پیروزیهای قطعی سوسیالیسم بوجود آید. است، پیروزی کامل سوسیالیسم ناگزیر است."

مادرهنگامی جشن پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر را برگذار میکنیم که سیستم جهانی سوسیالیستی از رودخانه الب تا اقیانوس آرام بسط یافته است. نخستین پایگاه سوسیالیستی در امریکای لاتین با پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کوبا بوجود آمده است. بیش از یک میلیارد از ساکنین کره زمین یعنی تقریباً یک ثلث جامعه بشری به برانداختن سیستم سرمایه داری در کشورهای خود نائل آید. اند و در زیر پرچم ظفر نمون سوسیالیسم اداره و رهبری میگردند. تولید صنعتی در سیستم سوسیالیستی که در سال ۱۹۱۷ فقط سه درصد تولید صنعتی جهان را تشکیل میداد در سال ۱۹۶۴ به سی و هشت درصد بالغ گردید و وزن مخصوص تولید صنعتی جهان سرمایه داری از نود و هفت درصد در سال ۱۹۱۷ به شصت و دو درصد در سال ۱۹۶۴ تنزل نموده است.

سیستم جهانی سوسیالیستی و در راه آن اتحاد جماهیر شوروی هر روز به کامیابیهای تازه ایدر زمینه تولید و علم و فن و در زمینه ایجاد جامعه نو نائل میگردد. روزگاری که سوسیالیسم از لحاظ وزن مخصوص خود در تولید جهانی در مقام اول قرار گیرد نزد یک میشود. در اینصورت سوسیالیسم در قاطعترین عرصه فعالیت بشری یعنی در عرصه تولید مادی بر سرمایه داری پیروز خواهد گردید.

طبقه کارگر جهان مولود عمده آن یعنی سیستم جهانی سوسیالیستی در مرکز دوران معاصر قرار دارد. کشورهای سوسیالیستی که طبقه کارگر آنها راهبری میکند همین هژمونی پرولتاریا در مقیاس جهانی است. وجود رشد و تکامل سیستم جهانی سوسیالیستی، مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را در کشورهای سرمایه داری تسهیل مینماید و شرایط جدید مساعدی را برای پیروزی طبقه کارگر در کشورهای منور فراهم میسازد.

سیستم جهانی سوسیالیستی بطور غیر مستقیم در پیروسی سیاسی و اقتصادی و ایدولوژیک جهان سرمایه داری تأثیر میکند. علاوه بطور جدی عمل سرمایه را در مناطقی که هنوز سلطه وی باقی است ترمز

مینماید. این نهاد خود مظاهری از شکل ویژه مبارزه طبقاتی در مرقیاس جهانی مابین دو سیستم اجتماع‌سی و اقتصادی متفاوت است.

مبارزه طبقاتی در داخل کشورهای سرمایه داری در ترکیب مبارزه طبقاتی دو سیستم متضاد در مرقیاس جهانی د اثنا جهان سرمایه داری را مجبور به عقب نشینی‌هایی میسازد تا خود را تا آنجا که ممکن است با شرایط جدید تناسب نیروها وفق دهد و از نیروست که به نوسان‌هایی دست میزند و به بعضی از خواسته‌های زحمتکشسان رضایت میدهد.

سیاست پیگیر صلح و همزیستی مسالمت آمیز که از جانب اتحاد شوروی و اکثریت کشورهای سوسیالیستی تعقیب میشود در برابر کورس سیاست خارجی تهاجمی امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم امریکا مسانح بزرگی ایجاد مینماید.

سیستم جهانی سوسیالیستی بنهجه خود از اثرات وجود سیستم سرمایه داری و از اذامات خرابکارانه امپریالیسم مصون نیست. کشورهای سوسیالیستی برای مقابله با سیاست تهاجم و تجاوز و جنگ کشورهای امپریالیستی پیوسته مجبورند قسمت مهمی از منابع و ذخائر خود را برای تسلیحات صرف کنند، امری که ترقی اقتصادی و اجتماعی کشورهای سوسیالیستی را تا درجه ای ترمز میکند. همچنین سرمایه داری از طریق مکانیسم تعیین قیمت‌ها در بازار جهان نیز با اقتصاد سوسیالیستی لطمه میزند و بحالوه امپریالیسم از طریق مانورهای سیاسی بخنظر بهم زد ن وحدت کشورهای سوسیالیستی و ایجاد شکاف مابین آنها و قرار دادن آنها در برابر یکدیگر موجب تضعیف وحدت و قدرت سیستم جهانی سوسیالیستی میگردد.

معد لك خصوصیت عمده پیوسته رشد و تکامل جهانی در قرن بیستم، ثبات و برتری سوسیالیسم و مارش ظفر نمون آن در مرقیاس جهانی است. ایده های انقلابی سرحد نمیشناسد. آنچه سوسیالیسم بخلقها عطا میکند نمیشود نه از طریق تبلیغات ضد کمونیستی، نه از طریق "پردۀ آهنین" و نه از طریق پساتون پلپس از مردم مخفی نگهداشت. نیروی نمونه سلاح مهم سوسیالیسم است.

اشتباه خواهد بود اگر تصور شود که نیروی نمونه تنها تا "تیر اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سوسیالیستی در جنبش انقلابی جهانی است. نیروی نمونه عاهل مهمی است ولی نه تنها عاامل. وضع بین المللی بوسیله اد امه استحکام همه جانبه جامعه سوسیالیستی، شرایط بین المللی مساعدی را برای مبارزه طبقه کارگر و سوسیالیسم و انقلاب‌های رهائی بخش ملی فراهم میسازد. قبل از انقلاب اکتبر و پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و بعد ایش سیستم جهانی سوسیالیستی تقریباً پیروزی انقلابی از مد اخله امپریالیستی و جنگ‌های خونین داخلی خلاص نبود. اما امروز کشورهای سوسیالیستی و نیروهای دیگر انقلابی قادرند تا درجه زیادی تشبثات امپریالیستی را برای صدور ضد انقلاب خنثی سازند، میتوانند باعث مقاومت جسدی خلقها در برابر تهاجم و تجاوز ارتجاع و امپریالیسم گردند.

در مسابقه يك انقلاب فقط در صورتی میتواندست به پیروزی ناآل آید اگر در کشوری بزرگ و یاد ر مجاورت کشوری سوسیالیستی قرار داشت. اما مثال انقلاب سوسیالیستی در کپان نشان میدهد که در جهان معاصر تناسب نیروها بد رجه ای برفع نیروهای انقلابی تغییر یافته است که انقلاب در کشوری مستقل از خودی و کلانی آن وحتى مستقل از موقعیت جغرافیائی آن میتواند پیروز گردد.

شایان ذکر است که در شرایط پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، حزب کمونیست اتحاد شوروی تنها حزب طراز نونین - حزبی که در انواع مبارزات داخلی و خارجی آید به شده و در و انقلاب شرکت موثر داشته، بوده است. شماره اعضا حزب کمونیست اتحاد شوروی در اساتنه انقلاب اکتبر از ویست و چهل هزار نفر تجاوز نمیکرد. اما امروز که ما پنجاهمین سال انقلاب اکتبر را برگذاریم شمارۀ اعضا حزب کمونیست اتحاد شوروی به دوازده میلیون بالغ میگردد. شماره احزاب کمونیستی و کارگری که جهان بینی انقلابی مارکسیسم لنینیسم منبای شهریک آنها و اصول لنینی حزب طراز نونین پایه سازمانی آنهاست نزد يك به صد است. شماره اعضا احزاب منزه به چهل و دهمیون رسیده است. تاریخ نظیر چنین ارتشی را سراغ

ندارد. اهرم اساسی پروسه انقلابی جهانی دردست نیرومند چنین ارتش شکست ناپذیری است. آیا میشود با وجود چنین ارتشی در رهبری نهائی سوسیالیسم در مقیاس جهانی تردیدی داشت؟

مادردروانی زندگی میکنیم که طبقه کارگر جهانی ناقل عدو ترقیات اجتماعی است. آهنگ رشد و تکامل پروسه انقلاب جهانی تادرجه "زنادی پمفاعلیت و تشکلی وی وابسته است. استعداد طبقه کارگر در جلب وسیعترین توده های خلق که از فاعل آنها بیدریخ مد اقمه مینماید بقدرت وی د هسبار میافزاید و انرا به عامل نیرومند اصلاحات انقلابی در مقیاس جهانی بدل میسازد.

در تمام طول تاریخ جنبش کارگری، دشمنان طبقه کارگر د ائما و حدت طبقه کارگر در داخل کشورها و در مقیاس جهانی مورد تعرض قرار داده اند. مساعی طبقات استثمارگری پیوسته به آن متوجه بوده است که مانع وحدت پهلوتاری باشد و در صفوف وی افتراق و انشعاب ایجاد نمایند و بهره از اتحاد انقلابی طبقه کارگر با اقشار دیگر جهتش جلوگیری کنند. شعار "پهلوتاریای جهان متحد شود" که اساسگذاران مارکسیسم پیش از صد سال قبل داده اند، از همان آغاز دارای مضمون عمیقی بوده است. شعار منزه زمین اندیشه عالی وحدت بین المللی طبقه کارگر و وثیقه قدرت و شکست ناپذیری آنست.

جنبش کارگری از بدو پیدایش خود باد دشمنان نسبتا نیرومندی در صفوف خود نیز روبرو بوده است. اهم آنها عبارتند از انواع روبروینیسیم و پهلوتونیسیم که مارکسیسم را قلمب میکشند، ایدئولوژی بهره روائی را در تئوری و در عمل انعکاس میدهد، هدفش تلفیق منافع طبقه کارگر با منافع بهره روائی و در نتیجه تضعیف مصنوعی تضاد طبقاتی است و یادگماتیسیم و سکتاریسم "چپ روانه" که جنبش کارگری را از توده های وسیع خلق جدا میسازد و انرا از حمایت آنها محروم مینماید، در نتیجه جنبش کارگری را یابه سستی و انفعال و یابه شکست در مبارزه نامتساوی باد دشمن نیرومند و خطرناک میکشاند.

در سالهای اخیر گروه مائوتسه د ونگ در رهبری حزب کمونیست چین کورس مخصوصی را در سیاست داخل و خارجی خود و در جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری اختیار کرده است. کورس منزه انحراف آشکار از اصول اساسی اعلامیه های مصوب جلسات مشاوه سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ احزاب کمونیستی و کارگری جهانی است. کورس منزه در واقع عدول از مارکسیسم لنینیسم و عمیقا مابین با انترناسیونال پهلوتسری، قانچنیت اساسی ساختمان جامعه سوسیالیستی است. گروه مائوتسه د ونگ خط مشی ای را تعقیب میکند که در ان ماجراجوشی خود بهره روائی و شوونیسم عظمت طلبانه باجملات چپ روانه پوشیده شده است و آشکارا به بهم زدن وحدت و همبستگی جامعه سوسیالیستی و انشعاب در جنبش جهانی کمونیستی و تجزیه نیروهای اساسی پروسه انقلابی جهانی متوجه است.

زندگی در مدت کوتاهی عواقب نا هنجار و زیانهای بی شمار شیوه روش ماجراجویانه گروه مائوتسه د ونگ را در داخل و خارج چین به ثبوت رسانیده است. شیوه منزه نتوانست در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری پایگاه قابل توجهی برای خود پیدا کند و در داخل چین نیز با مقاومت دائم القزاید کمونیستهای که به مارکسیسم - لنینیسم و سنن انقلابی چین وفادارند روبرو گردیده است. پنجاه سال تجربه نشان داده است که سرچشمه لایزال کمونیسم در صحت مارکسیسم - لنینیسم و در انترناسیونالیسم پهلوتی آنست.

هریک از احزاب کمونیستی و کارگری با تکیه بر اصول مارکسیسم - لنینیسم با استفاده از تجارب احزاب دیگر تجارب مبارزه انقلابی را در کشور خود جمع بندی کرده استراتژی و تاکتیک حزب خود را تعیین مینمایند و با ان برقا ارثیه اکثر میافزایند.

در جلسات مشاوه احزاب کمونیستی و کارگری سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ برای اولین بار پس از جنگ دوم جهانی تجارب عمومی پروسه انقلابی جهان معاصر بطور دسته جمعی و خلاق جمع بندی شد و خط مشی عمومی پروسه انقلابی در مقیاس جهانی تعیین گردید، با ان گام مهمی در رشد و تکامل مارکسیسم - لنینیسم و در امر تحکیم پیوند بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری برداشته شد.

زندگی صحت خط مشی عمومی مصوب جلسات مشاوره ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ پایه ثبوت رسانیده است. آن دسته از احزابی که از خط مشی عمومی مزبور پیروی کردند به پیروزیهای قابل توجهی نائل آمدند و بعضی احزابی که از اصول مزبور انحراف جستند با ناکامیهای قابل تأملی روبرو شدند.

اکنون تقریباً هفت سال از آخرین جلسه مشاوره میگذرد. از یک سو هفت سال اخیر انباشته از حوادث فراوانی است که مستلزم بررسی و جمع بندی تازه است، از سوی دیگر در جریان هفت سال اخیر در صفوف جنبش کمونیستی و کارگری اختلال، بجزرگی روی داده است. اختلال مشهور به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و به پیروسة انقلابی جهانی زبانهای فراوانی وارد کرده است.

احیا و استحکام وحدت در صفوف جنبش کمونیستی و کارگری تنها از طریق تشکیل جلسه مشاوره جدیدی امکان پذیر است.

تا مشیر در تشکیل جلسه مشاوره نه تنها کمکی به حل اختلافات موجود نخواهد نمود بلکه بعکس اختلال موجود را عمیقتر و اختلافات تازه ای را بوجود خواهد آورد.

باید هر چه زود تر به شکلات پیروسی تشکیل جلسه مشاوره خاتمه بخشید و مقدمات عمل لازم را برای دعوت چنین جلسه ای فراهم نمود. در شرایط کنونی به ویژه با توجه به وضعی که اکنون در چین حکمفرما است تا اخیر تشکیل جلسه مشاوره با انتظار روزی که همه احزاب کمونیستی و کارگری بدون استثنا در آن شرکت جویند بنظر میرسد انتظار عیبی است. تشکیل جلسه مشاوره بخودی خود گامی برای تسریع حل مسائل درد اخل حزب کمونیست چین و تسریع در اتخاذ تصمیم حزب یا احزابی است که هنوز موضع مساعدی در مورد شرکت در جلسه مشاوره اختیار نکرده اند.

\* \* \* \*

یکی دیگر از جهات مهم اهمیت تاریخی و جهانی انقلاب اکثر نقش بسیار عظیمی است که این انقلاب در سرنوشت خالقهای مستعمره و وابسته داشته است.

انقلاب اکثر با برانداختن ستم ملی و استعمار در روسیه تزاری راه نجات و رستگاری را بصد هاهامیلیون ملل مظلوم و اسیر نشان داد.

با پیروزی انقلاب اکثر بحران سیستم مستعمراتی امپریالیسم آغاز میگردد. انقلاب اکثر و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی موجب تغییر اساسی در خصوصیت و هدفهای انقلابهای رهائی بخش ملی گردیده است.

با الهام از نمونه درخشان انقلاب اکثر و با تحلیل های که در رکنگه های کمینترن زیر رهبری مستقیم لنین در باره مسائل ملی و مستعمراتی و جنبش رهائی بخش ملی صورت گرفت، تئوری انقلاب در کشورهای مستعمره و وابسته پایه گذاری میشود. پس از انقلاب اکثر احزاب کمونیستی در ده ای از کشورهای مستعمره و وابسته تشکیل میگردد و هر یک طبق شرایط ویژه خود استراتژی و تاکتیک مرحله انقلابی کشور خودش را تدوین میکنند.

در گذشته در دوران رقابت آزاد سرمایه داری، جنبش ملی بطور عمده منافع بورژوازی را بیان مینمود. در این دوران مسئله ملی فقط در کشورهای مطرح میگردد که در آنها مناسبات سرمایه داری بسط یافته بود. در این قبیل کشورها بورژوازی جوان قبل از هر چیز توده های خلق را ببارزه علیه نفوذ ایسسم و تقسیمات فئودالی و عوامل دیگر که رشد نیروهای تولیدی و مناسبات سرمایه داری را ترمز میکردند میکشاند.

چنین وضعی بطور عمده در مورد کشورهای اروپائی که مناسبات سرمایه داری برای نخستین بار در این کشورها پدید آمد و رشد و تکامل یافت صادق است، ولی در دوران امپریالیسم، وقتی تقسیم جهان از لحاظ زمین، اقتصاد و مطلقه نفوذ مابین قدرت هاسورت میگردد مسئله ملی دیگر به جنبه جزئی و اخلی خود محدود نیست جنبه عمومی ضد امپریالیستی و ضد استعماری کسب میکند، از جنبه ملی ساده به مسئله ملی-استعماری، یعنی به رهائی بخش ملی تبدیل میگردد.

درد ورن امپریالیسم وظایف مبارزه علیه فئودالیسم و باقیای آن و عوامل دیگر که رشد و تکامل سرمایه داری را سد میکنند فقط جزئی از مبارزه عمومی برای آزادی ملی است. در این دوران جنبش رهایی بخش ملی بشکل مبارزه مابین خلقهای مستعمرات و امپریالیسم جهانی درمی آید. بهمین سبب برای موفقیت جنبش رهایی بخش ملی شرایط بین المللی، رشد و تکامل آن، تناسب نیروهای انقلابی و ارتجاعی در صحنه جهانی اهمیت زیادی می یابد و در برخی موارد حتی نقش قاطع دارد.

از نمونه این قبیل انقلابها میتوان انقلاب مشروطیت ایران را نام برد. در همین ما، در چنیند وراثی است که انقلاب مشروطیت (۱۹۱۱-۱۹۰۵) صورت میگیرد که دارای جوانب بورژوازی، ضد فئودالی و ضد امپریالیستی و عناصر بسط یافته بورژوازی مکراتیک در استان های آذربایجان و گیلان بوده است. انقلاب مشروطیت ایران نخستین انقلاب از این نوع در شرق است که بلافاصله پس از آغاز انقلاب ۱۹۰۵ روسیه آغاز گردید. انقلاب مشروطیت نشان داد که ایران وارد مرحله جدیدی از رشد و تکامل تاریخی خود یعنی مرحله انقلاب بورژوازی مکراتیک و جنگهای رهایی بخش ملی گردیده است.

لنین انقلاب مشروطیت ایران را از زمره انقلابهای بورژوازی مکراتیک که در ۱۹۰۵ در اروپای خاوری و در آسیا آغاز گردید نام میدهد و در این باره چنین میگوید:

"در اروپای خاوری و در آسیا در دوران انقلابهای بورژوازی مکراتیک تهاد رسال ۱۹۰۵ آغاز گردید. انقلابهای روسیه، ایران، ترکیه، چین، جنگ در کشورهای بالکان - اینها زنجیره حوادث جهان در آن ما درخار است. تهنابینایان ممکن است در این زنجیر حوادث بیداری یک سلسله از جنبشهای ملی بورژوازی مکراتیک و کوششهای راکه برای تشکیل دولتهای مستقل و واحد ملی بعمل میاید نینند."

انقلاب مشروطیت بر اثر ضعف بورژوازی و ترس وی از بسط انقلاب و ضعف کمی و سازمانی کارگران و متشکل نبودن دهقانان و بالاخره بر اثر اخله مستقیم امپریالیستها هد فاساسی انقلاب راکه قطع نفوذ امپریالیسم و برانداختن رژیم فئودالی بود عملی ننمود و پائتلاف فئودالهای سلطنت طلب و بورژوازی بزرگ خاتمه یافت.

درد ورن رقابت آزاد شخصیت فعال عده بورژوازی بوده است، ولی درد ورن امپریالیسم در راه جنبش رهایی بخش ملی بیشتر نمایندگان د مکراتهای انقلابی، پرولتاریا و نیروهای دیگر همین پرست قرار دارند. در مبارزه علیه امپریالیسم کارگران، خود بورژوازی شهر و آن قسمت از دهقانان که با بازار سروکار دارند و یوغ امپریالیسم و مالکین راخص میکنند شرکت دارند.

درد ورن رقابت آزاد سرمایه داری جنبش ملی بطور عده همین منافع بورژوازی است. در دوران امپریالیسم وقتی جنبش ملی به جنبش ملی ضد استعماری تبدیل میگردد منافع اقشار وسیعی از مردم را تهمین میکند بهرزه در صورتیکه موفقیت آن بارهبری عناصر د مکراتیک انجام گیرد.

درد ورن معاصر، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز گردیده است بهرزه هنگامیکه سیستم جهانی سوسیالیستی تشکیل شده و تلاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم آغاز گردیده است و تحولات جهانی سوسیالیسم رابه نیروی قاطع در سیر حوادث بین المللی تبدیل مینماید، تخییرات به مراتب بیشتری در خصوصیت هدف های انقلاب های ملی صورت میگیرد. انقلاب های ملی به مرحله انقلابهای د مکراسی ملی ارتقا می یابند. در برابر انقلاب های د مکراسی ملی وظایفی به مراتب مهمتر از انقلابهای بورژوازی مکراتیک بمعنای سابق کلمه قرار میگیرد. در انقلابهای د مکراسی ملی جنبه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی و د مکراتیک انقلابهای بورژوازی مکراتیک سابق حفظ میگردد. علاوه بر آنها از آنجائیکه پایه اقتصادی اش راه رشد غیر سرمایه داری است بنابراین دارای جنبه ضد سرمایه داری نیز هست.

قبل از انقلاب اکتبر کشورهای جهان بد و گروه عده تقسیم میشدند: کشورهای مستعمره در و کشور-

های مستعمره، کشورهای فیما بین یا آنهایی بودند که در تلاش تقسیم مجدد جهان و بدست آوردن مستعمره بود و اند و پاکشورهای وابسته اند که پروسه تهدیل به مستعمره رامیکز رانند. تعامل عمومی رشد و تکامل اقتصاد جهان سرمایه داری قبل از اکثریت تهدیل کشورهای وابسته به مستعمره و مبارزه برای تقسیم دیگر مستعمرات مابین قدرتهای امپریالیستی است.

میهن ما ایران نیز که در آستانه اکثریت مناطق نفوذ بین روسیه تزاری و امپراطوری انگلیس تقسیم شده بود و از هر سو از جانب ارتشهای متخاصم اشغال گردیده بود مانند بسیاری از کشورهای وابسته و نیمه مستعمره، دیگر چنین پروسه تهدیل به مستعمره شدن را طی نمید. تنها پس از پیروزی انقلاب اکثریت بود که امکان داد از انجام چنین پروسه ای جلوگیری گردد و کشور ما از خطر اضحلال حاکمیت و استقلال نجات یابد اکنون که ما پنجاهمین سال انقلاب اکثریت را جشن میگیریم سیستم استعماری در زیر ضربه های نیرومند جنبش رهایی بخش ملی در حال تلاشی است. در سال ۱۹۱۹، ۵۰ سال پس از انقلاب اکثریت ۲۵ درصد مسکون زمین با ۲۷٫۷ درصد ساکنین سیاره ما در شرایط مستعمره و نیمه مستعمره بسر میبردند. در سال ۱۹۲۶ این ارقام به ترتیب به ۳٫۲ درصد و ۱٫۱ درصد تقلیل یافت. آزاد شدن بیش از یک میلیارد و نیم از ساکنین روی زمین از سیستم استعماری از آنجهت ممکن گردید که نیروی سوسیالیسم بیک نیروی پراهمیت جهانی تهدیل گردیده است. بیش از ۷۰ کشور آسیا و آفریقا و امریکای لاتین از سلطه استعماری آزاد شده اند. کشورهای منور بیک عامل مهم در سیاست بین المللی و بیک نیروی ضد امپریالیستی نیرومند شده تهدیل گردیده اند.

منظره اقتصاد جهان سرمایه داری بطور جدی تغییر یافته است. بجای کشورهای صاحب مستعمره و مستعمره ها و نیمه مستعمره های سابق در اقتصاد سرمایه داری دو گروه کشور بوجود آمده اند: گروه نخست در ولتهای امپریالیستی هستند که با همه وسائل سعی دارند که مستعمرات سابق را کماکان در منطقه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود حفظ کنند. گروه دوم کشورهای در حال رشدند که سعی دارند با استقلال سیاسی خود تحکیم بخشند و به استقلال اقتصادی از امپریالیسم نائل آیند. مناسبات این دو گروه دیگر بطوری که در دوران جهانشمول سرمایه داری جریان داشت نیست. در این امر بخودی خود بزرگترین خدمت تاریخی و جهانی انقلاب اکثریت نهفته است.

انحصارهای امپریالیستی دیگر نمیتوانند مانند سابق بدون مانع از ثروتهای طبیعی و نیروهای انسانی کشورهای در حال رشد استفاده نمایند و خصوصیت و جهت رشد و تکامل اقتصادی و اجتماع کشورهای منور را معین کنند.

کشورهای در حال رشد از یک نوع نیستند، از یکدیگر بر حسب سطح رشد و تکامل اقتصادی و سطح سیاسی و اجتماعی خود متفاوتند. ولتهای بسیاری از این کشورها اقتصاد کشورهای خود را در جهت رشد سرمایه داری رهبری مینمایند و میکوشند کماکان در سیستم جهانی سرمایه داری باقی بمانند. کشور ما ایران از زمره چنین کشورهاست. اما حتی این قبیل کشورها در بسیاری از موارد امکان انتراپید کرده اند که از وجود سیستم جهانی سوسیالیستی برای رشد و تکامل اقتصادی خود استفاده نمایند. در اکثریت کشورهای اخیر مبارزه برای تعیین جهت رشد در جریان است. هم اکنون عددهای از کشورها اعلام داشته اند که هدف آنها رشد و تکامل کشورهای خود در جهت سوسیالیسم و نفتی سرمایه داری است. مانند کشورهای متحد عربی، الجزیره، برمه، سوریه، کینه، مالی، کنگوی، برازاویل که راه رشد غیر سرمایه داری را انتخاب کرده اند.

لین مسئله امکان راه رشد غیر سرمایه داری را در سال ۱۹۲۰ در گزارش خود که از طرف کمیسیون ملی و مستعمراتی در کنگره دوم انترناسیونال سوم ایراد نمود مطرح میسازد و چنین میگوید:

"آیا میتوانیم مانظره ای همیشی براینکه راه رشد سرمایه داری برای آندسته از کشورهای عقب مانده ای که اکنون آزاد شده و پس از جنگ در نزد آنها جنبشهای مترقیانه ای در پیده



میشود حتی است قبول کنیم؟

لنین به این سؤال چنین پاسخ میدهد:

"ما به این سؤال جواب منفی میدهیم. اگر پروتاریای پیروزمند انقلابی در بین آنها منظره تبلیغ نماید و دولت شهرها از وسایلی که در اختیار دارند به آنها کمک کند، در این صورت در دست نخواهد بود اگر گفته شود که راه رشد سرمایه داری برای خلقهای عقب مانده امری ناگزیر است".

زندگی نظریه لنین را در جمهوریهای آسیائی شوروی و همچنین در جمهوری مغولستان که قبل از انقلاب اکبر در عقب مانده ترین شرایط مناسبات قبیله ای فئودالی بسر میرودند به ثبوت رسانید. از روی نمونه منبراست که در سالهای پس از جنگ دوم جهانی عدّه ای از کشورهای در حال رشد با استفاده از کمکهای بیدریغ اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای موسیالیستی راه رشد غیر سرمایه داری را برگزیدند. هدف کشورهای که راه رشد سرمایه داری را اختیار کرده اند، جدا شدن از وابستگی اقتصادی امپریالیسم و در عین حال باقی ماندن در سیستم جهانی اقتصادی سرمایه داریست. اما کشورهای مزبور برای عملی کردن چنین هدفی باید با تمام وسائل بر عقب ماندگی اقتصادی خود غلبه کنند، نیروهای تولیدی و بازده کار خود را تا سطح کشورهای صنعتی امپریالیستی بالا برند و اقتصاد خود را با آن چنان آهنگ رشدی بسط دهند تا در سطح تولید برابر و در نتیجه در سطح حقوق برابر با کشورهای صنعتی امپریالیستی قرار گیرند. از لحاظ تئوریک وجود چنین امکانی برای این یا آن کشور نسبتاً رشد یافته امکان پذیر است. اما عمل قانون رشد نامساوی اقتصادی و سیاسی در اقتصاد جهان سرمایه داری از عمل باز نایستاد و باز نیامیست. کماکان با ایجاد شکاف بزرگی ما بین کشورهای امپریالیستی و اکثریت مطلق کشورهای عقب مانده که راه رشد سرمایه داری را اختیار کرده اند منتهی میگردد و کشورهای اخیر برای همیشه کشورهای زائد اقتصاد امپریالیستی باقی میمانند.

بهترین طریق خروج از چنین وضعی انقلاب موسیالیستی است که به مناسبات سرمایه داری خاتمه میبخشد ولی چگونه میشود چنین انقلابی در کشورهای که شرایط عینی و ذهنی انقلاب موسیالیستی هنوز فراهم نیست صورت گیرد؟ آیا باید منتظر شد تا سرمایه داری برقرار گردد و بعد منفجر شود؟ یا اینکه همه جانبه علیه امپریالیسم مبارزه کرد و رشد و تکامل سرمایه داری را محدود نمود و همه جانبه آن مناسبات اجتماعی ای را تشویق کرد که کشور بسوی موسیالیسم هدایت میکند؟ احزاب کمونیستی و کارگری و نیروهای مترقی کشورهای عقب مانده برای رشد و تکامل اقتصاد کشورهای خود راه دوم، راه رشد غیر سرمایه داری را پیشنهاد میکنند. از همین جهت، به نظر میآید که دادن سریع عقب ماندگی و تسریع رشد پروسه تحول در جهت موسیالیسم در کشور ماست که حزب مارا راه رشد غیر سرمایه داری را مطرح میکند و از همه نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه برای شرکت در مبارزه برای اجرای چنین برنامه ای دعوت مینماید.

انقلاب کبیر موسیالیستی اکبر، رود بعدی عدّه ای از کشورهای اروپا و آسیا و امریکای لاتین بسوسیالیسم زنجیر واحد اقتصادی جهان سرمایه داری را در حلقه های متعددی در هم درید. رود عدّه ای از کشورهای جدید در راه رشد غیر سرمایه داری شکل جدیدی از در هم ریزی و تلاشی اقتصاد جهان سرمایه داری است. میتوان با اطمینان کامل گفت که راه رشد غیر سرمایه داری، رود عدّه ای از کشورهای این راه انقلابی کام مهبی در رشد و تکامل پروسه انقلابی جهان معاصر است که میتوان در دنبال پیاده های تاریخی جهانی مانند تشکیل سیستم جهانی موسیالیستی و تلاشی سیستم مستعمراتی از آن نام برد.



تضاد های سرمایه داری در سطح و در عمق وسعت و شدت و وحدت بیشتری کسب میکنند. بی ثباتی سیستم اقتصاد سرمایه داری پیوسته فزونیتر میگردد. امپریالیسم بدون میانبارتزا سیون همه جانبه اقتصاد خود، بدون توسل دائم به حيله و تزوير، توطئه و سوء قصد، و بالاخره کودتا و تهاجم در قلمرو خود دیگر

قادریه حفظ خود نیست. دموکراتیسم بهرژوایی که روزی ستایشگران سرمایه داری به آن می‌بایند ، اکنون حتی در مهمترین مراکز خویش جای خود را به اسلحه‌های اشکاراد یکتاتوری و فاشیستی می‌دهند . بحران عمیقی سیاست واید ثولوزی سرمایه داری رافراگرفته است . همه اینها مظاهراوند که بحران عمومی سرمایه داری در تکامل خود وارد مرحله جدید ، مرحله سوم خود گردید ، است . ویژگی این مرحله در آنست که پیدایش آن مانند مراحل قبلی بهنا سبب جنگ جهانی نیست بلکه در شرایطی است که مسابقه و مبارزه دوسیستم درجه‌بایست و سوسیالیسم هرروز بیشتر به عامل قاطع در تکامل جامعه بشری تبدیل میگردد .

خلفهائی که سوسیالیسم و کمونیسم میسازند ، جنبش پرتوان رهائی بخش ملی خلفهائی استعسکش ، رشد واعتلا مبارزه طبقاتی زحمتکشان در کشورهای رشد یافته علیه انحصارها بهنا به اجزاء عدّه پروسه انقلابی جهان معاصر است که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آغاز گردید و است و در یک سیل عمومی درهم میریزند و سیستم جهانی سرمایه داری را از هر طرف میکهند و ویران میسازند . طبقه کارگر و مولود آن سیستم جهانی سوسیالیستی در مرکز دوران معاصر قرار ارد . ضامن عدّه پیروزی در مبارزه بخاطر صلح ، دموکراسی ، استقلال ، ترقی و سوسیالیسم و کمونیسم در قیاس جهانی است .

\*

تغییراتی که در نیم قرن اخیر از برکت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در جهان صورت گرفت در تاریخ بی نظیر است .

در تاریخ هیچ حزبی مانند حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیچ دولتی مانند اتحاد جماهیر شوروی چنین نقش عظیم و مترقیانه ای در زندگی بشری نداشته است .

احزاب کمونیستی و کارگری و تمام نیروهای پیشرو با شور و شغف فراوان ، با احترامی عظیم به ارشاد اکثریت ، به حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت و خلفهائی کشورش راهان پنجاهمین سال انقلاب اکثر را جشن میگیرند و رابطه برادرانه را با اولین حزب طراز نین که لنین بزرگ اساسگذار آنست سنگ محک مسووع وضع انترناسیونالیستی خود میدانند و ایمان راسخ دارند که کمونیسم با مضمون آنسی سوسیالیسم هیچگاه وجود نداشته و نمیتواند وجود داشته باشد .

در قرن اخیر هیچ حادثه ای در روی رشد و تکامل سیاسی و معنوی میهن ما پیش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر تا نبرند داشته است .

ما بدوستی اتحاد شوروی علاقه داریم نه تنها از این جهت که همسایه بزرگ دیوارید یوار ما است ، بلکه از این جهت که بهترین پشتیبان آزادی و استقلال کشور ما است ، بهترین کشور است که کنگهای او برای رشد و تکامل سریع کشور ما موثر است ، بهترین نمونه برای رشد و تکامل تحولات اقتصاد و اجتماعی آیندّه میهن ما است . زندگی و مبارزه زحمتکشان ایران در طول نیم قرن یا اکثر بزرگ رابطه ناگسستی داشته است . حزب ما وارث سنن انقلابی خلفهائی میهن ما و مظهر بهترین آمال و آرزوهای طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش و محافل ترقی جامعه ما ، دوستی خللناپذیر میهن ما و سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پرولتری قرار ارد بهنا به یکی از بهترین سنتهای انقلابی خود پیوسته حفظ کرد و در آیندّه حفظ خواهد نمود و ول از انرا ما این منافع طبقه کارگر میهن ما ، ما این منافع علیه خلفهائی کشور ما میهن ما منافع رشد و تکامل پروسه انقلابی جهانی که در زیر پرچم مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری سیرظرف نمونه خود را طی مینماید میدانند .

زند و باد پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر مستحکم باد دوستی خلفهائی ایران و اتحاد جماهیر شوروی

استوار باد دوستی خللناپذیر حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب توده ایران

## لنینیسم

# پرچم اندیشه ای انقلاب اکتبر

### مقدمه

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، نخستین انقلاب پیروزنده کارگری جهان، حادثه ای که "فلك راسقف بشکافت" و در تاریخ بشریت "طرحی نو در انداخت"، جنبش سترگی که در آن کارگرد هقان "بهم ساختند" و بنیاد استبداد تزاری و سرمایه داری راد ربهناورترین کشور جهان بر انداختند، بزرگترین جهش و عظیم ترین تحول بنیادی در سراسر تاریخ انسانیت است.

انقلاب اکتبر از آن جهت بزرگترین جهش و عظیم ترین تحول بنیادی در سراسر تاریخ بشریت است که :

- (۱) برای نخستین بار در تاریخ قدرت حاکمه را بدست پرولتاریا یعنی طبقه ای از استثمار شوندگان سپرد که شرایط مادی و ماهیت طبقاتیش با هیچ شکلی از اشکال استثمار مطابقت نمیکنند و لذا برخلاف همه انقلابات پیروزنده پیشین نمیتواند نوع تازه ای از بهره کشی را جانشین شیوه بهره گیری سازد و بهمین سبب استقرار و بقا قدرت حاکمه در دست وی طبعاً با لغا هر نوع بهره کشی انسان از انسان و با کوتاه ساختن دست همه استثمارگران ملازمه دارد.
- (۲) با پیروزی انقلاب اکتبر برای نخستین بار، پس از ورود انسان بدوران تاریخی، پایه های مادی و معنوی جامعه ای فراهم گردید که میتواند عاری از وجود طبقات یا گروههای مختلف - الضافع و متخاصم زیست کند و بدون تضاد و برخورد بین منافع متضاد طبقاتی تحول یابد و پیش رود. یا عبارت دیگر انقلاب اکتبر برای اولین بار پایه های جامعه ای را بنیاد نهاد که بر اساس مالکیت جمعی وسائل تولید قادر است همه گروهها و افراد جامعه را باعلاقه یکسان در پیشرفت نیروهای مولد و کوشش هماهنگ، آگاهانه و طبق نقشه برای ارتقا روز افزون سطح تولید، ترقی نیروی بارآور کار و بالا بردن قدرت مادی و فرهنگی جامعه متحد سازد.
- (۳) انقلاب اکتبر برای نخستین بار در تاریخ بشر نوع جدیدی از حکومت که ویژه دوران گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم است بر مبنای اتحاد پرولتاریا و توده های زحمتکش دهقانسی بصورت دیکتاتوری پرولتاریا بوجود آورد که شکل دولتی آن جمهوری شوروی و ویژگی آن اینست که برخلاف کلیه حکومتهایی که تا آن زمان در تاریخ انسان بوجود آمده اند وسیله اعمال فشار بر توده های زحمتکش نیست بلکه دستگاه نیرومندی است برای قلع ریشه های استثمار، سرکوب اقلیت استثمارگر بسود همه زحمتکشان که اکثریت مطلق جامعه را تشکیل میدهند و همچنین برای بسامان رسانیدن نبرد بمنظور حذف کامل آثار جامعه طبقاتی و ایجاد جامعه بی طبقه.

۴) انقلاب اکبر با جداساختن کشور پهناوری چون روسیه از سیستم سرمایه داری و با وجود آوردن نخستین دولت سوسیالیستی جهان ضربه مهلکی به سیستم جهانی امپریالیسم وارد آورد و بنیان سرمایه داری را در جهان متزلزل ساخت.

۵) با پیروزی انقلاب اکتریکیدایش نخستین دولت سوسیالیستی تکیه گاه نیرومندی برای جنبش انقلابی سراسر جهان بوجود آمد و این امکان شگرف پدید شد که جنبش کارگری و نهضت آزادی بخش همه خالقهای گیتی در نبرد واحدی علیه امپریالیسم بهم پیوند یابند. انقلاب اکتر نخستین مرحله انقلاب جهانی و پایه نیرومندی کلیه تحولات انقلابی است که پس از آن در سراسر جهان روی داد و خواهد داد.

نظر به همین جهات انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر چه از نظر تحولات ژرفی که بوجود آورده و چه از لحاظ تأثیر عمیقش در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دوران معاصر سر آغاز عصر جدیدی در تاریخ تمام بشریت است. با پیروزی انقلاب اکتر در دوران انقلابهای کارگری و گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم، دوران بحران و فرو ریختن سیستم مستعمراتی امپریالیسم، دوران انقلابهای آزادی بخش ملی، دوران پیروزی بشر بر استعمار و استثمار، بر ارتجاع و جهل و تیره روزی آغاز میگردد.

### مرحله لنینی تکامل تئوری مارکسیستی

بدیهی است چنین تحول عظیمی بدون وجود پشتوانه محکم فکری و عقیده ای امکان پذیر نیست. یکی از خصوصیات اساسی انقلاب اکتر و یکی از وجوه تمایز آن با انقلابهای دیگری که در جریان تاریخ گذشته روی داد اینست که این انقلاب نه تنها بر جهانی جهان بینی علمای توجیه شده ای استوار است بلکه انقلابی است که از لحاظ فکری خواه از نظر هدفهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و خواه از جهت مبانی تئوری سازمانی با دقت تمام تدارک و با آگاهی کامل رهبری شده است.

از لحاظ اندیشه ای انقلاب اکتر تحت لوای مارکسیسم نشو و نما یافت، زیر پرچم لنینیسم تدارک شد و بالاخره تحت لوای مارکسیسم - لنینیسم به پیروزی رسید. به همین سبب پیروزی انقلاب اکتر در عین اینکه پیروزی جهان بینی مارکسیستی و سوسیالیسم علمی بر جهان بینی بورژوازی و سوسیالیسم خرد شده بورژوازی است پیروزی لنینیسم بر انواع انحرافات چپ و راست در نهضت کارگری و غلبه قطعی مارکسیسم - لنینیسم بر مشابه یگانه تئوری انقلابی بولتاریا در مقیاس جهانی نیز هست.

لنینیسم عبارت از ادامه و گسترش تعلیمات کارل مارکس و فردریک انگلس، بنیاد گذاران سوسیالیسم علمی، در شرایط تاریخی ای است که سرمایه داری وارد مرحله امپریالیستی میگردد و با نتیجه وظایف و مسائل جدیدی در برابر جنبش بین المللی طبقه کارگر برای پیروز ساختن انقلاب مطرح میسازد. بنابراین لنینیسم عبارت از مارکسیسم دوران امپریالیسم و انقلابات بولتاری، مارکسیسم دوران گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم، مارکسیسم دوران فرو ریختن سیستم مستعمراتی امپریالیسم و انقلابهای نجات بخش ملی، مارکسیسم دوران پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در سراسر گیتی است.

ولادیمیر ایلیچ لنین که لنینیسم بانام بزرگ او، با احکام و تحلیل های گرانبهای او، با فعالیت خستگی ناپذیر انقلابی او مزوج است نه تنها با قدرت تحلیل و نبوغ بیمانند خویش کوششهای راکه فلسفه، اقتصاد و جامعه شناسی بورژوازی بمنظور تخطئه مارکسیسم و کاستن نفوذ روزافزون آن در اندیشه علمی و فلسفی معاصر حمل میآورد، در هم کوبید بلکه با مهارت قلمی و آثار گرانبهای خود کلیه انحرافات را که از راست و چپ در جهت تحریف و تغییر جهان بینی و تئوری انقلابی مارکسیستی انجام میگرفت و ریشههای طبقاتی این انحرافات را قاش ساخت.

بدین طریق لنین طی مهارت و فعالیت پرشور انقلابی خویش نقش بیمانندی در گسترش احکام مارکسیستی و انطباق آن بشرایط تاریخی جدید ایفا نمود و مرحله جدیدی در راه بسط خلاق مارکسیسم و

تکامل تئوری انقلابی گشود.

تاریخ مرحله لنینی تکامل و بسط خلاق تئوری مارکسیستی یا عبارت دیگر تاریخ لنینیسم را بطور عمد می توان به سه دوره مشخص تقسیم نمود :

(۱) دوره ای که از سالهای ۱۸۸۱-۱۸۸۳ یعنی از آغاز فعالیت های سیاسی و علمی لنین شروع میشود و با اولین انقلاب روسیه پایان می یابد ( سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ ) این دوره که تقریباً ۸ سال رادر برمیگردد از نظر تاریخی بازمان گذار قطعی سرمایه داری جهانی بحرحله امپریالیست طبق میکند و از نظر سیاسی بادورانی انطباق دارد که افکار و نظریات بورژوازی بوسیله عناصر غیر کارگری در درون نهضت پرولتری و احزاب سوسیالیستی بین الملل مد و مسوخ می یابد و اندیشه های اپرئونیستی تا عمیر مخربی در داخل نهضت اعمال میکنند. از لحاظ فلسفی این دوره با زمانی مطابقت دارد که مبارزه بین نظریه ماتریالیسم دیاک تیک از یکسو و افکار و نظریات اید ه آلمیتی از سوی دیگر ( نئوکانتیسم، پوزیتیویسم، سوسیولوژی ذهنی آثار شیت ها و نارود نیکها و غیره ) شدت می یابد.

(۲) دوره ای که از سال ۱۹۰۸ آغاز میگردد و به انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر پایان می پذیرد. از لحاظ تاریخی این دوره زمانی رادر برمیگردد که نخستین جنگ امپریالیستی تدارک و انجام میگردد و از نظر ادخلی روسیه در مرحله متوالی فروکش و رونق نهضت انقلابی راپس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ طی میکند. از جهت فلسفی خصوصیت دوره دوم اینست که اولاً بسیاری از روشن فکران و از آن جمله عد ه ای از کسانیکه موقتاً همراه و همزم نهضت کارگری بودند به اردوی اید ه آلمیتی و عرفان می پیوندند و ثانیاً تحقیقات و مطالعات فلسفی لنین و انتقاد علمی وی از کلیه جریانهای اید ه آلمیتی که در شعب مختلف دانش و جنبش کارگری بوجود آمده بود به تحکیم و تکامل مابانی فلسفه مارکسیستی کمک شایانی میکند.

در این دوره تحقیقات و مطالعات همه جانبه لنین در باره ماتریالیسم دیاکتیک بمشابه دانش، منطق و تئوری بنیش مارکسیستی نه تنها انطباق خلاق اصول دیاکتیک بشریاط دوران امپریالیسم و تحلیل مسائل مربوط بجنگ و انقلاب در دوران معاصر است بلکه به درخشانترین و مهمترین کشفیات لنین در زمینه ماتریالیسم تاریخی منجر میگردد. در این دوره است که برای نخستین بار تحلیل علمی از خصوصیات سرمایه داری معاصر، از تضاد ها و قانونمند یه های امپریالیسم بحمل می آید، تئوری جدید انقلاب سوسیالیستی تنظیم میگردد، مسائل مربوط به جنگ و صلح طرح ریزی وحل میشود، تئوری عمومی دولت و دیکتاتوری پرولتاریا و بسیاری دیگر از مسائل مربوط به انقلاب و وظایف حزب طبقه کارگر روشن میگردد.

(۳) دوره پس از پیروزی انقلاب اکتبر که خود در مرحله رادر برمیگردد: مرحله ای که از ۱۹۱۷ آغاز میشود و بامرگ لنین در سال ۱۹۲۴ خاتمه می یابد و مرحله ای که در دوران پس از مرگ لنین رادر برمیگردد.

خصوصیت اساسی نخستین مرحله این دوره از نظر تاریخی اینست که دولت ناشی از انقلاب اکتبر بادفع هجوم دشمنان خارجی و سرکوب ضد انقلاب تحکیم میشود، بحران عمومی سرمایه داری تشدید میگردد و ساختمان مسالمت آمیز سوسیالیسم در شرایط محاصره سرمایه داری آغاز میشود. از نظر سیاسی این مرحله از یکسو مصادف با مبارزه شدیدی در جنبش کارگری بین المللی برای درهم کوبیدن افکار اپرئونیستی سران بین الملل مد و تشکیل احزاب مارکسیست لنینیست و پایه ریزی بین الملل کمونیستی است. و از سوی دیگر در داخل اتحاد شوروی بانبرد شدیدی مقارن است که بین حزب بلشویک بمسکرگمی لنین با انواع تعاملات آثار شیتستی، ماجراجویانه، خرد، بورژوازی و اپرئونیستی درمیگیرد و به پیروزی قطعی خط مشی لنینی منجر

میکرد.

از لحاظ تئوریک این مرحله بازمانی تطبیق میکند که مسائل مربوط با مکان ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی، مسائل مربوط بصلح و همزیستی مسالمت آمیز، چگونگی دیکتاتوری پرولتاریا و اتحاد باد هقانان تبهی دست و حل مسئله ملی درد ستر روز قرار میگیرد و از اینرو مبارزه بیسن نظریهٔ لنینی و نظریات دگماتیک و اپورتونیستی تشدید میگردد.

مرحله دوم این دوره که ازوفات لنین بزرگ آغاز میشود و تمام دوران معاصر را در بر میگیرد دوران پیروزی قطعی ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و ایجاد پایه های ضروری جامعهٔ کمونیستی در آن پیروزی انقلابهای سوسیالیستی و انقلابهای نجات بخش ملی، دوران فروریختن امپریالیسم و برافتادن سیستم مستعمراتی، دوران پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در قیاس جهانی است. شاخص عمدهٔ این مرحله که دوران تاریخ معاصر جهان را در بر میگیرد عبارت از آنست که "سیستم جهانی سوسیالیستی بصورت عامل قاطعی در تکامل جامعهٔ بشری در میآید و مضمون عمده، جهت عمده و خصوصیات عمدهٔ تکامل جامعهٔ بشری را سیستم جهانی سوسیالیستی و نیروهای معین میکند که بر علیه امپریالیسم و بخاطر نوسازی سوسیالیستی جامعهٔ رهازمندان (۱) بدین طریق مرحلهٔ لنینی گسترش و تکامل مارکسیسم با مرگ لنین پایان نمی یابد همچنانکه تکامل و گسترش مارکسیسم با وفات مارکس و انگلس خاتمه نیافت.

مرحلهٔ لنینی گسترش و تکامل مارکسیسم پس از مرگ لنین بوسیلهٔ فعالیت تئوریک و عملی حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب مارکسیستی - لنینیستی همچنان تا دوران ما ادامه دارد. در جریان مبارزات، پیروزیها و حتی عدم موفقیتهای احزاب کمونیستی و کارگری و سایر نیروهای انقلابی نه تنها احکام و اصول مارکسیسم - لنینیسم بنحو بارزی در عمل تأیید شده است بلکه گام بگام مسائل جدیدی در برابر نهضت انقلابی جهان مطرح شده که حل هر یک از آنها گنجینهٔ تئوریکهای مارکسیسم لنینیسم را با هم غنی تر ساخته است. در پرتو فعالیت تئوریک و آفرینندهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب مارکسیستی، مارکسیسم - لنینیسم بمثابةٔ انقلابی ترین و صحیح ترین جهان بینی، اصیل ترین و واقع بین ترین جامعه شناسی، علمی ترین و خلاق ترین دانش بشری همچنان نیروی حیاتی جاودان و آفرینندهٔ خود را حفظ نموده است و همچون اختر تابناکی راه بشریت را بسوی آزادی، ترقی و صلح روشن میسازد.

### لنینیسم مارکسیسم دوران معاصر است

دوران تاریخی جدیدی که در اواخر قرن نوزدهم و آستانهٔ قرن بیستم پدید شد یعنی دوران امپریالیسم و انقلابهای پرولتری یک سلسله مسائل تازه ای چه از نظر فلسفی و چه از لحاظ سیاسی و اجتماعی مطرح ساخت که بدون حل آنها پیشرفت اندیشه و عمل انقلابی میسر نبود. کلیهٔ این مسائل در جریان مبارزات سیاسی گام بگام بوسیلهٔ لنین بر اساس دانش مارکسیستی روشن و حل گردید و مجموع آن بمثابةٔ پرچم فکری، انقلاب پرولتری رانخست در روسیه و سپس در یک سلسله از کشورهای جهان پیروز ساخت. لنینیسم، پرچم اندیشه ای انقلاب اکثر، برخلاف ادعای کسانی که میخواهند آنرا در مقابل مارکسیسم قرار دهند زائیدهٔ مارکسیسم است و از آن جدا نیست. صحیح است که لنینیسم بطور عمده در نتیجهٔ مطالعه و بررسی اوضاع خاص روسیه قبل از انقلاب اکثر و اعمال خلاق تئوریکهای مارکسیستی با شرایط مشخص بوجود آمده است. این حقیقت مانع از جنبهٔ عام و بین المللی اصول لنینیسم نیست زیرا لنین در تمام آثار خود با تکیه با اوضاع و نظریات مشخصی که مورد مطالعه او بود به نتایج کلی و عامی رسید. است که بتعمد جنبش پرولتری، به تمام جنبش های انقلابی جهان قابل اعمال است. بی جهت نیست که پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی

(۱) اطلاعیه و اعلامیه جلسهٔ مشاورهٔ احزاب کمونیستی و کارگری، نوامبر ۱۹۶۱، ترجمهٔ فارسی صفحات ۲۱ و ۲۰

کتیک

اکتبر مارکسیسم - لنینیم پرچم فکری و نظری کلیه انقلابهای جهان گردیده است. لنینیم تئوری و تاسیس عام انقلاب پرولتری و دیکتاتوری پرولتاریاست.

خصوصیت لنینیم این نیست که گویا مشابه نظریه و عقیده مستقلی در مقابل مارکسیسم قرار گرفته است بلکه ویژگی لنینیم در اینست که با توجه و با مطالعه شرایط تاریخی جدید جهان نظریات مارکس و انگلس را بسط داد، از تفهیم عمده‌هایی که رهبران بین الملل دوم برای احکام آن قائل شده بودند آزاد ساخته و آنها را با شرایط جدید مبارزه طبقاتی تطبیق نمود. است.

همین خصوصیت اساسی لنینیم که عبارت از شکستن تعبد ها و زنجیرهای فکری است، همین خصوصیت آفرینندگی و خلاقیت و درهم شکستن دکلمات که علمای بورژوازی و برخی از کوه نظرات در نهضت کارگری را بر آن داشته است که لنینیم را مشابه نوعی تجدید نظر در احکام مارکسیستی تلقی کرده آنرا در مقابل مارکسیسم قرار دهند.

اینان نمیدانند یا نمیخواهند درک کنند که مارکسیسم مذهب نیست، مارکسیسم نظریه فشرده و جادوی نیست که احکام آن یکبار برای همیشه تنظیم شده باشد و مانند آیات اسماعیلی وحی منزل بلا تغییر باقی بماند. بعکس، ماتریالیسم مارکسیستی ماهیتاً نظریه ایست ضد دکماتیک. مارکس از همان آغاز فعالیت علمی خود، از هنگامی که تئزهای مشهور خود را درباره فویرباخ تنظیم میکند، عمده ترین نقض کلیه اشکال ماتریالیسم گذشته را در این می بیند که به جنبه فعال شناخت یعنی عملی که بوسیله آن انسان برای دست یافتن به معرفت اشیا، بطرف آنها میروند و برای دریافت آنها طرحها میریزد و بمنظور درک آنها بغرضیه هامتشبه میشود و سپس در عمل صحت طرحها، فرضیه ها و نمونه‌های را که ساخته است مورد بررسی قرار میدهد، پی نبرده اند و بنا بر گفته مارکس در این ماتریالیسم "شیئی، واقعیت، حسیات تنها به شکل عین (ابژه) در نظر گرفته میشود یا بشکل مشاهده در میآید نه بصورت فعالیت حسی انسانی، یا پراتیک عینی نه در ارتباط با سوژه (انسان)". (۱)

اگر مارکسیسم بصورت علم درآید و درست بهمین سبب است که بنیان گزاران آن دعوی میسازند سازی و آئین آوری نکرده و مدعی نشده اند که فلسفه و نظریات آنها فوق علوم قرار گرفته و از دستبرد زمان و تغییرات برای همیشه مصون و در امان است. ماتریالیسم مارکسیستی خود سراسر فروتنی در برابر علم است. در واقع با تصدیق باین حقیقت که جهان خارج در "من" و بدون "من" وجود دارد و بسبب وجود خود نیازی به "من" ندارد و بنابراین هیچگاه نباید تصویر کمابیش بخرنجی را که علم در هر دوران تاریخی از جهان میسازد با خود جهان اشتباه نمود، ماتریالیسم دیاکتیک بما میآموزد که واقعیت تمام نشدنی، بخرنج و لذا دارای جوانب مختلفه است و بنابراین هر ساختن علمی موقتی و گذراست و خواه ناخواه باید جای رابه ساخته کاملتر، غنی تر، موثرتر و حقیقی تر از خود بدهد. بهمین جهت مارکس و لنین همواره عمل و بررسی تجربی را بنیاد نظریه علمی شناخت تلقی کرده و آنرا مشابه یگانه عملی شناخته اند که میتواند با مطالعه سازد که ساختن فکری با واقعیت عینی تطبیق دارد یا نه. لنین در اثر دایانه خود ماتریالیسم و فویرباخ را چنین میگوید: "نقطه نظر زندگی و عمل باید نقطه نظر اولیه و اساسی تئوریک شناخت باشد". (۲)

تفاوت ماتریالیسم دیاکتیک با هر ماتریالیسم دیگر بویژه در همین نکته است. برای مارکسیست ها هر حقیقتی در عین اینکه حقیقت نسبی است حقیقت مطلق است باین معنی که هر تئوری علمی هنگامیکه پایه ای را کشف میکند و توضیح میدهد از آن جهت حقیقتی نسبی است که در پیازود تئوری وسیعتر، کاملتر و عامتری جانشین او میشود و ویرا مانند مورد خاصی در خود فرو میرود. ولی همین تئوری در عین حال

(۱) کارل مارکس: تئزهای درباره فویرباخ. کلیات آثار، چاپ روسی، مسکو، سال ۱۹۵۵، صفحه ۱

(۲) لنین: ماتریالیسم و فویرباخ، ترجمه فرانسه صفحه ۱۴۶

از آنجهت حقیقت مطلق است که تئوری وسیعتر و عامتر ضرورتاً آنرا در بر میگیرد و در درون حقیقت مطلق دیگری جا بگیرد میکند.

همچنانکه لنین در اثر فلسفی معروف خود "ماتریالیسم و امپیریوکریسیسم" توضیح داده است این "نسبت" بهیچوجه مارا بفلسفه نسبی (Relativisme) نمیکشاند. زیرا هرکشف علمی وهر تئوری که آن کشف را تحلیل و توجیه میکند یک دریافت قطعی علم است و بدان سبب که حتی گوشه ای از واقعیت را ولو بطور تقریب روشن ساخته و برای همیشه بر قدرت واقعی انسان در برابری طبیعت افزود. است حقیقتاً سوسیالیسم علمی از آنجهت که مارا برپایه های تاریخی مسلط میسازد و مانند هر علم دیگر متضمن توضیح قسمتی از واقعیتی است که عملاً بررسی و تأیید گردیده، دارای هسته ای از حقیقت مطلق است که دائماً در حال افزایش و تکامل است. ولی این افزایش و تکامل بوسیله الحاق مکانیکی انجام نمیگیرد بلکه در هر دوران و مرحله مشخص بوسیله یک تحول ارگانیک تحقق می یابد. در غیر اینصورت مارکسیسم از حالت علمی خارج میشود و بصورت احکام مذهبی و نظریات دکماتیک و متافیزیک درمی آید.

لنین در اثر دیگر خود تحت عنوان "برخی ویژگیهای تکامل تاریخی مارکسیسم" بهمین نکته اشاره کرده مینویسد: "مارکسیسم درست بدان جهت نمیتواند منعکس کننده تغییر سریع شگفت انگیز شرایط زندگی اجتماعی نباشد که خود دم کرده، آئین خاتمه یافته، از پیش برداخته و لایتغیری نیست بلکه رهنمون عمل است" (۱).

بنابراین مقدمات روشن میگردد که لنینیسم نه تنها در برابر مارکسیسم قرار نمیگیرد بلکه خود ادامه دهند، گسترش دهند و غنی کنند. مارکسیسم است و ویژگیهای آن ناشی از تعالیات ذهنی مکتب سازی یا خصوصیات ملی روسیه نیست بلکه معلول تغییراتی است که در آستانه قرن بیستم در شرایط عمومی سرمایه داری وقوع پیوسته و در نتیجه مرحله جدیدی از تحول تاریخی و مبارزه طبقاتی را کشود. است. پیش آمد مرحله جدید ناگزیر مسئله بررسی و تطبیق احکام مارکسیستی را با شرایط تازه در دستور روز قرار میداد و پیشرفت اندیشه و عمل انقلابی در این شرایط مستلزم تحول ارگانیک در تئوری انقلابی طبقه کارگر بود. این وظیفه تاریخی را لنین بزرگ با موفقیت بی نظیری انجام داد.

لنین بر اساس فلسفه مارکسیستی و دستاوردهای علمی آخر سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم ماتریالیسم دیالکتیک را بطور خلاق بسط داد، تئوری معرفتی ماتریالیسم دیالکتیک را بمثابة تئوری انعکاس و واقعیت عینی دنیای خارج عمیقاً مورد تحلیل و بررسی قرار داد، و با تحقیقات دایمانه در باره اعمال تئوری ماتریالیسم دیالکتیک در مورد رشته های مختلف دانش و در فعالیت سیاسی و اجتماعی، اسلوب دیالکتیک را بعد از عالیتر علمی رساند. لنین با مطالعات و تحقیقات علمی خود ماتریالیسم تاریخی را که اساس تئوریک کلیه علوم اجتماعی است تکامل بخشید. عده تحقیقات فلسفی لنین در اثر معروف او تحت عنوان "ماتریالیسم و امپیریوکریسیسم" (۱۹۰۸)، در برخورد حزب کارگری نسبت به فدهب (۱۹۰۹)، در "جزوه های فلسفی" (۱۹۱۶-۱۹۱۴) و در "کارل مارکس" (۱۹۱۴) انجام گرفته است.

### تعالم اقتصادی لنین

تئوری اقتصادی مارکسیسم نیز بر اساس شرایط تاریخی جدید بسط یافت. لنین در تحقیقات خود قانونمندی مرحله امپریالیستی سرمایه داری را نشان داد، مشخصات مرحله جدید و ماهیت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم را کشف کرد، قانون ناموزونی تکامل سرمایه داری را در دوران امپریالیسم تبیین نمود، راه ایجاد اقتصاد سوسیالیستی و گذار تدریجی آن به کمونیسم را تحقیق کرد و بایمان اصول اساسی اقتصاد سوسیالیستی علم اقتصاد سوسیالیستی را بر مبنای حکمی استوار ساخت.

(۱) لنین: "برخی ویژگیهای تکامل تاریخی مارکسیسم" مارکس، انگلس، مارکسیسم، چاپ مسکو ۱۹۴۷ ص ۳۱۹



لنین در اثر معروف و کلاسیک خود تحت عنوان "امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری" که در سال ۱۹۱۶ انتشار یافت و در بسیاری از نوشته های دیگرش که مربوط بسالهای نخستین جنگ جهانی است، تحول سرمایه داری جهانی را در جریان نیم قرنیه که از انتشار کتاب کاپیتال مارکس گذشته بود یاد تمام مورد بررسی علمی قرار داد و با آنکه "به قوانینی که بوسیله مارکس و انگلس در باره پیدایش، تحول و زوال سرمایه داری کشف شده بود، ماهیت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم، قوانین مربوط بان و تضاد های حل نشدنی آنرا تحلیل نمود."

لنین از بررسی های علمی خود در باره تحولاتیکه در جریان آخرین سالهای قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم عارض سرمایه داری گردید به این نتیجه رسید که امپریالیسم یا سرمایه داری انحصارگرایا لاترین مرحله تکاملی شیوه تولید سرمایه داریست. در این باره لنین مینویسد:

"نیم قرن پیش هنگامیکه مارکس کاپیتال خود را مینوشت رقابت آزاد در نظر اکثریت اقتصاد یون "قانون طبیعت" بشمار میرفت. علم فرمایشی میکوشید این اثر مارکس را که در آن بر بنیاد تجزیه و تحلیل تئوریک و تاریخی سرمایه داری ثابت شده بود که رقابت آزاد موجب تمرکز تولید میشود و این تمرکز در مرحله معینی از تکامل خود کار را با انحصار میکشاند - با توطئه سکوت معدوم سازد ولی اکنون دیگر انحصار واقعیت یافته است. اقتصاد داناتان برای توصیف مظاهر گوناگون انحصار پشته ها کتایب مینویسند و ضمنا همچنان یکصد اعلام میکنند که "مارکسیسم رد شده است". ولی طبق ضرب المثل انگلیسی واقعیات سرسختند و خواه ناخواه باید آنها را به حساب آورند. واقعیات نشان میدهند که تفاوت میان برخی از کشورهای سرمایه داری مثلا در مورد حمایت گمرکی یا بازرگانی آزاد فقط شامل تفاوت های ناچیزی در شکل انحصارها یا زمان پیدایش آنهاست و حال آنکه پیدایش انحصار در نتیجه تمرکز تولید، بطور کلی قانون عمومی و اساسی مرحله کنسونی تکامل سرمایه داریست" (۱).

علاقمند به ای که این مرحله تحول را از مرحله سرمایه داری پیشین، مرحله ای که مورد مطالعات علمی مارکس و انگلس بوده است، متمایز میسازد عبارتند از: تمرکز تولید و سرمایه بد رجه ای که منجر بایجاد انحصارهای سرمایه داری میگردد و بدلیل بحال قاطعی در زندگی اقتصادی میشود، امتزاج سرمایه بانکی و سرمایه صنعتی و ایجاد سرمایه مالی و الیکارشی مالی بر پایه این امتزاج، رجحان صد و سرمایه بر صد و کالا، تشکیل اتحادیه های بین المللی سرمایه داران انحصارگر و تقسیم جهان بمناطق نفوذ خویش، پایان یافتن تقسیم کشورهای زمین بوسیله دولت های بزرگ امپریالیستی.

از مجموع این تحلیل و بویژه با آنکه "به پیده" اخیر مربوط به پایان یافتن تقسیم مستعمرات، لنین تشدید مبارزه دولت های امپریالیستی را برای تقسیم مجدد جهان و پیدایش ضروری جنگ های امپریالیستی را انتزاع میکند و بدین طریق علت اساسی اختلافات بین دولت های بزرگ سرمایه داری و قانونمند جنگ های معاصر را بدست میدهد.

در تحلیل ماهیت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم، لنین تزه های عدله قانون اساسی اقتصاد سرمایه - در انحصاری را بیان میکند و نشان میدهد چگونه در کادرا امپریالیسم، انحصارهای سرمایه داری قانون اضافه ارزش و سود متوسط را بنفع خویش مورد استفاده قرار میدهند و سود های کلان انحصاری برای خویش تا همین مینمایند. بر اساس همین تحلیل لنین است که استالین قانون اساسی سرمایه داری انحصاری را بشرح زیرین فهرموله کرده است:

"کوشش برای تحصیل سود حد اکثر از راه استثمار، ورشکست و مستغند ساختن اکثریت مردم کشور

(۱) لنین: آثار منتخبه جلد اول - قسمت دوم - ترجمه فارسی - امپریالیسم بمشابه بالاترین مرحله سرمایه داری - صفحات ۵۲۵-۵۲۶

معین و استثمار و غارت ملت‌های کشورهای دیگر بویژه کشورهای عقب مانده و سرانجام بوسیله جنگ نظامی کردن اقتصاد کشور" (۱)

نتیجه گیری مهم دیگری که از مطالعات و تحقیقات علمی لنین در باره امپریالیسم بدست میآید مربوط بمسئله ملی و مستعمراتی است. لنین بر اساس تحلیل خصوصیات سرمایه داری در دوران امپریالیسم باین نتیجه میرسد که در مرحله امپریالیسم سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی بطور کامل سازمان داده میشود باین معنی که کشورهای امپریالیستی در نتیجه بهره کشی روز افزون از سرمایه های خویش و در اثر گسترش مناطق نفوذ و تصرفات استعماری، ملت‌های کشورهای مستعمره و وابسته را تحت تسلط خویش در میآورند و بین خود و این قبیل کشورها مناسبات وابستگی، سیادت و تابعیت را برقرار میسازند و بدین طریق اقتصاد کشورهای مختلفه تبدیل بحلقه های زنجیرواحدی میشوند که اقتصاد جهانی نام دارد. لنین در این باره مینویسد: "سرمایه داری در جریان رشد خود، بسیمت جهانی سنگری مشتکی کشورهای "پیشرو" بسر اکثریت عظیمی از مکتنه روی زمین واخترتاق مالی آنان بدل کردیده است" (۲)

از سوی دیگر مردم جهان بد و ارد و تقسیم میشوند: در یکطرف گروه کوچک کشورهای امپریالیستی قرار گرفته اند که کشورهای مستعمره و وابسته را مورد استثمار و غارت قرار میدهند و در طرف دیگر کشورهای مستعمره و وابسته اند که اکثریت عظیمی را تشکیل میدهند و مردم آنها برای راهائی از یوغ امپریالیسم بهارزه برمیخیزند. بنابراین در مرحله انحصاری سرمایه داریست که سیستم مستعمراتی امپریالیسم یعنی، سیستمی که همه کشورهای مستعمره و وابسته را در بر میگیرد و آنها را تحت استیلا و رقیت خویش در میآورد و مورد بهره کشی و تحت فشار جهروستم بی حد و حصر قرار میدهد، بوجود میآید. دولت‌های امپریالیستی با تصرف و تاراج ثروت‌های مستعمرات میکوشند تضاد های درونی و روز افزون خود را حل کنند. سود های کلانی که از مستعمرات حاصل میشود به بورژوازی این کشورها اعلان میدهد که قشری از طبقه کارگر را بفریبند و بوسیله آن بکوشند تا جنبش کارگری را دچار اختلال نمایند. در عین حال استثمارشده مستعمراتی موجب آن میشود که تضاد های سیستم سرمایه داری در مجموع خویش عمیقتر گردد و تشدید بهره کشی مستعمراتی و جهروستمی که به همراه دارد ضرورتا مقاومت توده های وسیع مردم این کشورها را بر میانگیزد. جنبش آزاد بیخس ملت‌های مستعمره و وابسته اکثریت عظیم مردم جهان را به پیکار علیه امپریالیسم میکشاند و از اینراه پایه های امپریالیسم متزلزل ترمیشود و زمینه زوال آن فراهم ترمیکرد.

در مورد مقام تاریخی امپریالیسم نسبت بسرمایه داری بطور کلی لنین مینویسد:

"امپریالیسم مرحله تاریخی ویژه ای از سرمایه داریست. این خصوصیت دارای سه جنبه است: امپریالیسم اولاً سرمایه داری انحصاری است، ثانیاً سرمایه داری طبقیلی یا در حال فساد است و ثالثاً سرمایه داری در حال نزع است" (۳)

انگلی صفتی سرمایه داری و فساد آن در مرحله امپریالیستی از آنجانشانی میشود که:

- (۱) انحصارها بمنزله ترمزی در برابر پیشرفت فنی و گسترش نیروهای مولد قرار میگیرند،
- (۲) عده ای از کشورهای سرمایه داری بصورت دولت‌های رانت بر (Rentiers) یا تنزیل خور در میآیند که بطور عمد از تولید سرمایه های خویش در کشورهای مستعمره و وابسته زندگی میکنند،

(۱) استالین: "مسائل اقتصاد سوسیالیسم در اتحاد شوروی" ترجمه فرانسه طبع پاريس ۱۹۵۳، صفحه ۱۲۸

(۲) لنین: آثار منتخبه، جلد اول - قسمت دوم "امپریالیسم بحثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" ترجمه فارسی پیشگفتار برای چاپ فرانسه و آلمانی. صفحه ۵۱۳

(۳) لنین: "امپریالیسم و انشعاب در سوسیالیسم"، مارکس، انگلس، مارکسیسم. ترجمه فرانسه طبع مسکو ۱۹۶۷، صفحه ۲۹۶

۳) تشدید ملیتاریسم،

۴) ازدیاد روزافزون مصارف تجملی بورژوازی،

۵) اتحاد سیاست ارتجاعی داخلی و خارجی از جانب دولت‌های امپریالیستی،

۶) گسترش دامنهٔ رشا و تطمیع بمنظور فریب قشر فوقانی طبقه کارگر.

امپریالیسم سه تضاد عمده سرمایه داری یعنی تضاد بین کار و سرمایه، تضاد بین دولت‌های امپریالیستی که برای برتری و تسلط بر جهان با یکدیگر مبارزه میکنند و تضاد بین دولت‌های استعماری و کشورهای مستعمره و وابسته را تا آخرین حد خود تشدید میکند.

### سرمایه داری انحصاری دولتی

لنین ضمن تحقیقات دایمانه خود به این نکته بسیار مهم نیز توجه میکند که در مرحلهٔ امپریالیسم دولت بورژوازی که نمایندگانه دیکتاتوری اولیگارشیک مالی است تمام فعالیت خود را متوجه حفظ منافع انحصارها میکند و بتدریج که تضادهای امپریالیسم تشدید میشود انحصارها بیش از پیش دستگام دولتی را قبضه میکنند و تسلط خویش را هرچه بیشتر در آن دستگام تأمین مینمایند. بزرگترین سرمایه داران انحصارگر رفته رفته اهرمهای فرمان دولتی را بدست میگیرند و بدین طریق در پیچ سرمایه داری انحصاری تهدید سرمایه داری انحصاری دولتی میگردد. این پدیده که در روزگار ما آشکارا در اکثر کشورهای بزرگ سرمایه داری دیده میشود عبارت از تابع ساختن دستگام دولتی به انحصارهای سرمایه داری و استفاده از آن برای مداخله در اقتصاد کشور است. بویژه در جهت نظامی کردن اقتصاد بمنظور تأمین حد اکثر سود برای انحصارها و تأمین سیادت سرمایه مالی بر تمام شئون اقتصادی کشور.

برخی از اقتصاددانان بورژوازمبانی تحولاتی که در وظایف اقتصادی و اجتماعی دولت و همچنین در مورد توسعه مالکیت دولتی در اکثر کشورهای بزرگ سرمایه داری بوجود آمده است چنین ادعا میکنند که گویا سرمایه داری انحصاری دولتی ماهیت رژیم سرمایه داری را تغییر داده و خود نوعی از سوسیالیسم است. این دعوی از بنیاد نادرست است زیرا مالکیت دولتی در کشورهای بزرگ سرمایه داری خود نوعی از مالکیت سرمایه داری است. درست است که در مورد مؤسسات دولتی از قبیل راه آهن ها، شاهراه ها، تأسیسات نظامی و نیز برخی از کارخانجاتی که اداره آن بدولت انتقال یافته است، دیگر سرمایه دار مشخصی مالک نیست ولی دولت بورژوا که خود تابع عدوای انحصارهای بزرگ است ماهیت نمیتواند نقشی را که دولت سوسیالیستی ایفا میکند انجام دهد و بهمین سبب مالکیت وی بر این مؤسسات تنها بسود سرمایه داری انحصاری است نه بمنفع عموم خلق. هدف از دولتی کردن برخی از مؤسسات در کشورهای بزرگ سرمایه داری سلب مالکیت و مسائل تولید از سرمایه داران نیست بلکه منظور از آن تسهیل بهره کشی از طبقه کارگر و سایر برطبقات و قشرهای زحمتکش و تأمین سود حد اکثر برای انحصارهای بزرگ است.

در کشورهایی که انحصارهای سرمایه داری حکومت دارند جامعه همواره در مرحلهٔ امپریالیسم است، ولی در شرایط سرمایه داری انحصاری دولتی، جامعه بورژوازی وارد دوره جدیدی از تحول امپریالیستی خود میگردد. این دوره تحولی در عین حفظ کلیهٔ خواص مرحلهٔ امپریالیسم، مشخصات ویژه ای دارد که آنرا بادوران بدوی سرمایه داری انحصاری متفاوت میسازد. سرمایه داری انحصاری دولتی از آن جهت شکل جدیدی از تحول سرمایه داری در مرحلهٔ امپریالیستی محسوب میشود که برای تأمین تسلط مطلق انحصارها بر جامعه اشکال تازه ای که ذاتا و ماهیتا اشکال سرمایه داریست ولی با اشکال پیشین متفاوت است بوجود میآورد. مثلا در دوره بدوی سرمایه داری انحصاری، دولت فقط بطور غیر مستقیم در پیروسی خود بخودی تمرکز سرمایه و تولید مداخله میکرد ولی در دوره کنونی این مداخلات دولت بورژوازی بسود انحصارهای بزرگ و روز بروز اشکال جدیدی پیدا میکند از قبیل ایجاد سازمانهای ویژه دولتی بمنظور تابع ساختن مؤسسات کوچک و متوسط به شرکتهای بزرگ انحصارگر، ایجاد سازمانهای خاص برای تأمین و

تنظیم مواد اولیه ضروری برای مؤسسات بزرگ انحصاری و استفاده از بودجه دولتی و مالیاتها و سفارشهای جنگی و دولتی بمنظور جلوگیری از بحران مؤسسات بزرگ انحصاری و گشایش اعتبارات مالی، پرداخت مالیاتی بعنوان کمک و جایزه بآنها در صورت لزوم معافیت آنها از پرداخت مالیات و تدابیر دیگر بمنظور ممانعت از ورشکست و غیره.

اقتصاد دانان سرمایه داری با مستورد داشتن تبعیت دولت از انحصارهای بزرگ ادعا میکنند که گویا دولت در اقتصاد دولتها سرمایه داری به انچنان نیروی قاطعی تهدیدیل کردید که میتواند اقتصاد را بصورت منظم و طبق برنامه اداره کند. در واقع کوششهای دولتها بزرگ سرمایه داری برای برنامه ریزی اقتصاد و باصطلاح تنظیم آن چون فقط بسود سرمایه انحصاریست هیچگاه نمیتواند از هرج و مرج ذاتی اقتصاد سرمایه داری و از بحرانهای ضروری آن جلوگیری نماید و اقدامات وی ناگزیر تضادهای درونی رژیم سرمایه داری را تشدید میکند.

با وجود این سرمایه داری انحصاری دولتی تنها بمعنای تحکیم تسلط انحصارهای سرمایه داری بر دستگاه دولتی نیست زیرا امتزاج و تلفیق قدرت دولت بپروژائی با سرمایه انحصاری نیروی تازه ای بوجود میآورد که ناگزیر باعث بروز برخی تغییرات در مقامات تولید سرمایه داری و در شکل تحول و بروز تضادهای درونی رژیم سرمایه داری میگردد.

### قانون تکامل ناموزون کشورهای سرمایه داری

قانون تکامل ناموزون کشورهای سرمایه داری در مرحله امپریالیسم از مهمترین کشفیات لنین بر زمینه اقتصادی و اجتماعی است. لنین بر اساس تحقیقات علمی خود در باره خصوصیات مرحله امپریالیستی سرمایه داری این واقعیت را مورد توجه قرار میدهد که تکامل شگرف تکنیک این امکان را بوجود آورد است که برخی از کشورهای امپریالیستی با سرعت و از راه جهش عقب ماندگی اقتصادی خود را نسبت به کشورهای دیگر جبران کرده و بر دیگران سبقت جویند، بازارها را از دست رقبای خود بگیرند و لای الاقتضا بزرگ اسلحه آنها را وارد به تقسیم مجدد اراضی جهان و مناطق نفوذ نمایند.

با تغییر تناسب در نیروهای اقتصادی و دولتها بزرگ امپریالیستی ناگزیر تغییراتی نیز در نیروی نظامی این کشورها بوجود میآید و این تحول نابرابر در نیروهای اقتصادی و نظامی موجب تشدید مبارزه برای تقسیم مجدد جهان میگردد و سرانجام جنگهای امپریالیستی منجر میشود. درستی این تحلیل لنین در جریان وقایع صد سال اخیر و طی جنگ بزرگ جهانی به ثبوت رسیده است. پس از آنکه آمریکا، انگلستان و فرانسه را، که در اواخر سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم بترتیب مقام اول و دوم راد تولید صنعتی جهان داشتند، بعقب راند و مقام اول را احراز نمود آلمان نیز بنهجه خود از فرانسه و انگلستان در گذشت و مقام دوم را پس از آمریکا بدست آورد. بدین طریق در نتیجه تغییر تناسب نیروها ارد و گاه امپریالیستی بد و گروه متخاصم تقسیم گردید و جنگهای جهانی در گرفت.

### نظری لنینی انقلاب سوسیالیستی

بر اساس همین قانون است که لنین نظری بزرگ تاریخی خود را در مورد امکان پیروزی انقلاب پرولتری نخست در چند کشور و یا حتی در یک کشور استوار میکند. مارکس و انگلس که در اواسط قرن نوزدهم سرمایه داری را مقبل انحصاری را مورد مطالعه قرار دادند بودند باین نتیجه رسیدند که انقلاب کارگری فقط میتواند در کلیه کشورهای پیشرفته جهان و یا لاقلاً در اکثر آنها یکجا به پیروزی برسد. ولی از آغاز قرن بیستم و طی نخستین جنگ جهانی اوضاع بکلی تغییر یافته و سرمایه داری انحصارگر جانشین سرمایه داری در آن رقابت آزاد گردید و بود. وقوع جنگ ضعفهای در مان ناپذیر جنبه جهانی امپریالیستی را بارز ساخت و نشان داد که انقلابهای پرولتری در کشورهای مختلف در دورانهای متفاوتی بدرجه رشد میرسند

و تحقق پذیریم کرد. بر پایه قانون تکامل ناموزون سرمایه داری در ایران امپریالیسم لنینین باین نتیجه رسید که فرمول قدیمی مارکس و انگلس با شرایط جدید تاریخی تطبیق نمیکند زیرا در این شرایط جدید پیروزی انقلاب سوسیالیستی حتی در یک کشور نیز امکان پذیر است و بعکس در نتیجه ناموزونی تکامل شرایط انقلابی در کشورهای مختلفه وقوع انقلاب سوسیالیستی در همه کشورهای و یاد اکثر آنها یکجا غیر ممکن است. در یکی دیگر از آثار مشهور خود تحت عنوان " درباره شعار کشورهای متحد اروپا" لنین این حکم اساسی لنینیسم را بشرح زیرین بیان میکند:

"ناموزونی تکامل اقتصادی و سیاسی، قانون مطلق سرمایه داریست. از آنجانب نتیجه میشود که پیروزی سوسیالیسم بدو در چند کشور سرمایه داری و یا حتی در یک کشور جداگانه سرمایه داری امکان پذیر است."

لنین باین حکم نه تشبیه تئوری کامل انقلاب سوسیالیستی را بدست داد و مارکسیسم را بطور خلاق غنی ساخت بلکه در برابر طبقه کارگر همه کشورهای و نمای انقلابی تازه و میدان ابتکارات جدیدی برای مبارزه علیه بورژوازی کشید و ایمان و اعتقاد آنها را به پیروزی انقلاب پرولتری استحکام بخشید.

بر پایه این است لایکه تشکیل سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی در مرحله امپریالیسم بانجام میرسد و کشورهای مختلفه جهان بصورت حلقه های زنجیر واحد درمیآیند، لنین از حکم اساسی خود در باره امکان وقوع انقلاب سوسیالیستی حتی در یک کشور جداگانه باین نتیجه میرسد که حتما لازم نیست انقلاب سوسیالیستی بدو در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و در کشورهای که طبقه کارگر اکثریت جامعه را تشکیل میدهد به پیروزی برسد بلکه این انقلاب ابتدا در کشورهای امکان پذیر است که سست ترین حلقه زنجیر امپریالیسم جهانی هستند، زیرا شرایط عینی انقلاب سوسیالیستی در مجموع سیستم اقتصاد سرمایه داری جهانی فراهم است و بنابراین عدم رشد یا عقب ماندگی این یا آن کشور مشخص نمیتواند مانع پیروزی انقلاب گردد. برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک کشور و شرط اساسی وجود دارد: نخست آنکه در این کشور یک پرولتاریای انقلابی و پشاهنگ انقلابی آن وجود داشته باشد که در درون حزب سیاسی طبقه کارگر مجتمع شده باشند. دوم آنکه در این کشور دهقانان اتحاد محکم با پرولتاریا تشکیل دهند و بخواهند از طبقه کارگر در مبارزه قطعیش علیه امپریالیسم پیروی کرده و ارجح ایاری نمایند.

نظر باینکه در ایران امپریالیسم که با پیشرفت جنبش انقلابی در سراسر جهان قرین است، سرمایه داری امپریالیستی بمنظور تحکیم تسلط و تأمین منافع خویش با کلیه نیروهای ارتجاعی کشورهای متحد میشود و میکوشد بقایای فئودالیسم را مورد استفاده خویش قرار دهد، تاگزیر مبارزه علیه فئودالیسم بدو مبارزه با امپریالیسم امکان پذیر نیست و بهمین سبب دهقانان متحد طبیعی طبقه کارگرند و از طرف دیگر نظر باینکه مبارزه علیه ستم امپریالیستی در کشورهای مستعمره و وابسته و مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی بدو مبارزه خلقهای این کشورها علیه استعمار و ستم امپریالیسم و متحدین فئودال آن ممکن نیست مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی خلقهای اسیر امپریالیسم نیز با مبارزه پرولتاریا در هم میآیزد و بنابراین طبقه کارگر میتواند سرکردگی انقلاب بورژوا دموکراتیک را بدست گرفته توده های دهقانی و خلقهای مستعمره و وابسته را بدو و خود جمع نماید و انقلاب را پیروز سازد. بدین ریح که مسائل مربوط به مبارزه علیه فئودالیسم و مسائل آزادی ملی حل و تصفیه میشود، انقلاب بورژوا دموکراتیک گسترش یافته تهدید به انقلاب سوسیالیستی میشود.

حوادث انقلابی مهمی که طی پنجاه سال اخیر در جهان گذشته است، درستی راهی را که لنین بزرگ نشان داد ثابت نمود. است و تردیدی نیست که تغییرات آیند در اوضاع مشخص کشورهای جهان هرچه باشد تزه های لنین در مورد در رسیدن شرایط اساسی برای انقلابهای پرولتری کماکان ارزش خود را حفظ خواهند نمود. پیروزی انقلابهای متعددی که پس از جنگ دوم جهانی وقوع یافت کاملاً صحت تزه های لنین را در باره اینکه اولاً از سرمایه داری بسوسیالیسم با درجه پیشرفت سرمایه داری در کشور

مشخصی ملازمه حتمی ندارد و امروز که سیستم امپریالیسم در مجموع خود برای گذار بوسیالیسم رسیدگی یافته است هیچ کشوری وجود ندارد که بنسبیت عقب ماندگی اقتصادی و یا نظر بد لایل د یگرد اخلاسی نتواند در راه انقلاب سوسیالیستی قدم بردارد، ثانیاً گذار از سرمایه داری سوسیالیسم در همه کشورهای جهان همزمان انجام نمیگیرد بلکه عبارت از پیرویه جد آشدن در رنجی کشورهای مختلفه از سیستم سرمایه داریست، ثالثاً این جد آشدن معلول ضعف جنبه امپریالیستی و مست شدن حلقه یا حلقاتی از زنجیر سیستم جهانی سرمایه داریست. به ثبوت رساند.

این واقعیت که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر و اکثر انقلابهای دیگری که طی حوادث تاریخی نیم قرن اخیر بوقوع پیوسته در جریان یادرد نیال يك جنگ جهانی رخ داده است این تصور نادرست را در ذهن برخی از کوته نظران و کسانیکه مارکسیسم - لنینیسم را بنابه آئین و دکم تلقی میکنند پیش آورده که گویا در دوران امپریالیسم انقلابهای سوسیالیستی ضرورتاً با جنگهای جهانی توأم است و از سوی دیگر چون اکثر انقلابهای معاصر با مبارزه مسلح و جنگ داخلی توأم بوده است در نزد آنان چنین پندار باطلی بوجو د آورده که گویا انقلاب سوسیالیستی در هر حال و قطع نظر از هر شرایط با مبارزه مسلح و جنگهای انقلابی ملازمه منطقی دارد.

لنین هیچگاه و در هیچ مورد جنگ را بنابه شرط وقوع انقلاب تلقی نکرده است. صحیح است که لنین نخستین جنگ جهانی را بنابه واقعه ای ارزیابی نموده که "از طرفی حرکت تاریخ جهانی را شدیداً تسریع نموده و از سوی دیگر موجب پیدایش بحرانهای جهانی اقتصادی، سیاسی، ملی و بین المللی بسا شدت بیسابقه ای شده است" (۱)، ولی این ارزیابی از يك واقعه تاریخی بهیچوجه بمعنوم آن نیست که گویا بنظر لنین نخستین جنگ جهانی شرط وقوع و پیروزی انقلاب اکثر بوده است و یا انقلابهایی که در نیبال جنگ دوم جهانی واقع گردید به اند مشروط به بروز جنگ جهانی بوده اند. انقلابهای کوبا و الجزائر که در زمان صلح رخ داده اند خلاف این نظریه را اثبات میکنند.

لنین بهنگام نخستین جنگ جهانی بکرات و از جمله در تذکرات خود راجع به برنامه ارضی حزب کمونیست فرانسه خاطر نشان ساخته است که پس از خاتمه این جنگ در صورتیکه يك سلسله انقلابهای سوسیالیستی پیش نیاید جنگهای دیگری بوقوع خواهد پیوست (۲). این اظهار نظر لنین از طرفی ثابت میکند که بعقیده وی وقوع جنگ شرط بروز انقلابهای سوسیالیستی نیست و از سوی دیگر با پیروزی يك سلسله انقلابهای سوسیالیستی در کشورهای مختلفه حذف جنگ پیش از استقرار سوسیالیسم در سراسر جهان امکان پذیر میگردد.

اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری ۱۹۶۰ در همین زمینه چنین تصریح میکند:

"آینده نزدیک موفقیت های جدیدی را برای نیروهای صلح و سوسیالیسم به همراه خواهد آورد. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اولین قدرت صنعتی جهان خواهد شد. چین بیک کشور نیرومند صنعتی مبدل خواهد گردید. بیش از نیمی از تولید صنعتی جهان در سیستم سوسیالیستی انجام خواهد گرفت. منطقه صلح با زهم وسیعتر خواهد شد. جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری و جنبش نجات بخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته پیروزیهایی نهنی بدست خواهد آورد. تلاشی سیستم مستعمراتی به پایان خواهد رسید. برتری نیروهای سوسیالیسم و صلح مطلق خواهد شد. در چنین شرایطی حتی قبل از پیروزی کامل سوسیالیسم در روی زمین و با وجود سرمایه داری در يك قسمت از جهان، امکان واقعی بوجود خواهد آمد که بتوان جنگ جهانی را

(۱) لنین: مجموعه آثار جلد ۲۳ صفحه ۳۲۷

(۲) رجوع شود به نطق موريس توروز در کنفرانس ۸۱ حزب کمونیستی و کارگری ۱۹۶۰ "مجموعه اسناد درباره اختلاف در جنبش بین المللی کمونیستی. نشریه کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه ۱۹۶۳" صفحه ۱۹

از زندگی جامعه حذف کرد. پیروزی سوسیالیسم در سراسر جهان علل اجتماعی و ملی بروز هرگونه جنگی را بطور نهائی از بین خواهد برد" (۱).  
 بنابراین میتوان گفت در حالیکه جنگهای جهانی بدون انقلابات ممکن نیست انقلابها خود بدون جنگ امکان پذیرند و احتیاجی به بروز آن ندارند.

مارکسیسم - لنینیم می آموزد که انقلاب پرولتری نتیجه حد اعلی تشدید تضاد های اجتماعی و سیاسی است. روزگاری این تضادها در اکثر کشورهای سرمایه داری جهان بصورت مزمن درآمد و بنابراین برای اینکه این تضادها بشود بدترین مرحله خود برسند و انقلابهای پرولتری وقوع یابند احتیاجی بدان نیست که حتما جنگ جهانی درگیرد. نظریات افزایش سطح آگاهی توده های زحمتکش و وجود سازمانهای انقلابی طبقه کارگر در سراسر جهان و نیز در نتیجه شرایط بین المللی مساعدی که در روزگار ما وجود دارد انفجارهای انقلابی میتواند ضمن پرورس عادی زندگی اقتصادی و سیاسی کشورهای سرمایه داری بسوق وقوع پیوندند.

امادرباره مسئله راه مسلحانه انقلاب که اکنون بوسیله برخی از چپ روان و دکماتیکیهای جنبش کارگری بمثابة راه مطلق انقلاب تلقی میگردد هیچ چیز بهتر از گفتار خود لنین نمیتواند جنبه افراطی و معارض بودن این نظریه را بلننیم نشان دهد. در مبارزه خود برضد شعار "نه جنگ و نه صلح" بهنگام مذاکره برست - لیفوفسک (Brest-Litovsk)، لنین علیه کسانی که طرح قطعنامه ای را بااستدلال ذیل پیشنهاد میکردند: "نظر باینکه مصالح انقلاب بین المللی معارض هرگونه صلحی با امپریالیستهاست" چنین نوشت:

"شاید نویسندگان (غرض تنظیم کنندگان قطعنامه است) برآنند که مصالح انقلاب بین المللی تا زمان این انقلاب را ایجاد مینماید و چنین تا زمان نی فقط از طریق جنگ ممکن است نه صلح زیرا صلح میتواند در توده ها احساس نوعی "شروع ساختن" امپریالیسم را بوجود آورد؟ یک چنین "تئوری" کار را به عدول کامل از مارکسیسم میکشاند زیرا مارکسیسم "تا زمان انقلاب بهارا همیشه نفی کرده و معتقد است که انقلابها متناسب با حدت تضاد های طبقاتی که پدید آورنده آنها هستند گسترش می یابند. طرفداری از چنین تئوری بمعنای آن خواهد بود که مدعی شویم قیام مسلحانه همواره و در هر اوضاع و احوال شکل حتمی مبارزه است" (۲).

دشمنان سوسیالیسم بدتهاست میگویند تا موضع مارکسیسم - لنینیم را در باره قیام مسلحانه و مقام آنرا در انقلاب سوسیالیستی تحریف کنند و کمونیستها را مانند توطئه گران و کودتاچیان نشان دهند که میخواهند قدرت دولتی را در ورا توده ها و بدون آنها بدست گیرند. لنین تزه های مارکسیستی را در باره قیام مسلحانه بکرات گوشزد کرده و اهمیت بدقت این شکل از مبارزه را تذکر داد. کارگران انقلابی همه کشورها را از هر نوع افکار ماجراجویانه برحذر داشته است. لنین در نوشته های خود مکررا گوشزد نمود که هیچگاه نباید باقیام بازی کرد و تا اکثریت توده های زحمتکش بمبارزه انقلابی جلب نشده اند نباید بدست بقیام زد. لنین همواره قیام را یک عمل وسیع توده ای که بوسیله بخش آگاه طبقه کارگر رهبری میشود تلقی نمود است. حتی پنج ماه قبل از انقلاب اکتبر (ماه مه ۱۹۱۷) لنین میگفت که "مانعیخواهیم حکومت را تصرف کنیم" زیواتام تجربه انقلابها بما می آموزد که تنها قدرت استوار عبارت از آن قدرتی است که بر اکثریت خلق تکیه نماید" (۳). ولی پنج ماه بعد هنگامی که توده ها با تجربه خود بدستی سیاست و خط مشی بلشویکیها پی بردند لنین خود موقع را برای قیام مناسب تشخیص داد و با انقلاب اکتبر آن قدرتی استوار واقعا متکی

(۱) اطلاعات و اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری - ترجمه فارسی صفحه ۱۳

(۲) لنین: آثار منتخبه. جلد دوم، قسمت اول، "عجیب و مد هش"، صفحه ۶۱۴

(۳) لنین: مجموعه آثار جلد ۱۴، صفحه ۴۲۹

با اکثریت مردم موجود آمد.

لنین در نوشته های خود تحلیل مشبعی از قیام مسلحانه، "این شکل ویژه مبارزه سیاسی" بدست داد و اندرزهای سودمندی بهمه انقلابیون نمود است. دستورهایی لنین را در این مورد میتوان بشرح زیر خلاصه نمود:

(۱) هیچگاه نباید با قیام بازی کرد و هرگاه قیام آغاز شد باید این فرسوخ یابد که قیام را باید تا آخر بانجام رساند" (۱).

(۲) برای اینکه قیام موفقیت آمیز باشد نباید متکی به توطئه باشد، نباید تنها تکیه بیک حزب داشته باشد بلکه باید متکی به طبقه پیشاهنگ کرد" (۲).

(۳) "قیام باید به شور انقلابی مردم متکی باشد" (۲).

(۴) "قیام باید بانچنان نقطه عطفی قطعی در تاریخ انقلاب فرازند که متکی باشد که در آن قیام صفوف پیشرو مردم به حد اکثر خود رسیده و تزلزل صفوف دشمن و صفوف وستان ضعیف و دودل و متزلزل انقلاب از هروقت شدید تر باشد" (۲).

ضابطه هایی که لنین در باره تشخیص وضع انقلابی بدست داد، یعنی اوضاع واحوالی که نشان دهند آنست که شرایط عینی برای اقدام توده های مردم به منظور بدست گرفتن قدرت حاکمه مساعد است یا نه نمونه دیگری از برخورد خلاق، علمی و واقع بینانه لنین بمسائل است. لنینیسم میاموزد که انقلاب عمل قهرمانان یا گروهی از انقلابیون و یا حتی حزب انقلابی طبقه کارگر نیست، بلکه عبارت از عمل توده های وسیع مردم است که برای یک عمل بنیادی بهاخته و مصمم شده اند بقیمت فداکاریها و از جان گذشتگی های خود نظام اجتماعی و شرایط زندگی خود را تغییر دهند. لنین در این باره مینویسد:

"تنها با پیشاهنگ نمیتوان غلبه کرد. تا هنگامیکه تمام طبقه، تا موقعیکه توده های عظیم مردم راه پشتیبانی مستقیم از پیشاهنگ را نگرفته اند یا لااقل روش بیطرفی موقفی ندارند که امکان پشتیبانی آنها را خصم را مفتی سازد، تنها پیشاهنگ را بمیدان رزم قطعی راندن نه فقط کار نابخردانه ایست بلکه خیانت است. لذا برای اینکه واقعا طبقه در مجموع خود، توده های عظیم زحمتکش و مستعدی سرمایه بانجا برسند که چنین موضعی اختیار کنند، تنها تبلیغات و آژیتاسیون کافی نیست. برای حصول این نتیجه تجربه سیاسی خاص خود این توده ها لازم است. اینست قانون اساسی کلیه انقلابات بزرگ، قانونی که اکنون با قدرت و برجستگی آشکاری نه تنها در روسیه بلکه در آلمان نیز تأیید گردیده است" (۳).

لنین مهمترین علائم تشخیص وضع انقلابی را بشرح زیرین خلاصه کرده است: بحران سیاسی طبقات حاکمه بنحویکه آنها را پیکر امکان ادامه حکومت بصورت گذشته رانداشته باشند، تشدید تیره روزی و بدبختی طبقات و قشرهای مورد ستم بنحویکه دیگر نخواهند مانند سابق زندگی کنند، شدت یافتن فعالیت انقلابی مردم، همان توده های تیره و ران آرامش جو و ستم طبقات حاکمه استعمارگر را بصورت متحمل میشدند و اکنون در نتیجه ورشکست سیاست طبقات حاکمه و بحران عمومی سیاسی بمبارزه کشانده شده اند. ولی همانطور که لنین تصریح کرده است انقلاب نتیجه هروضع انقلابی نیست. در واقع هیچ حکومتی هر قدر در میان بحران ورشکستگی دست و پا زند بخودی خود از قدرت دست نمیکشد و نمیافتد. بنابراین تا عامل ذهنی یعنی اراده، توانایی و لیاقت طبقه یا طبقات انقلابی برای سازمان دادن قطعی و جازم در سرنگون ساختن حکومت، بموامل عینی ضمیمه نشود وجود وضع انقلابی بخودی خود برای تحقق انقلاب کافی نیست.

(۱) لنین: مجموعه آثار جلد ۲۶، صفحه ۱۸۳

(۲) لنین: "مارکسیسم و قیام" آثار منتخبه، ترجمه فارسی. جلد دوم، قسمت اول صفحه ۱۸۷

(۳) لنین: "بیماری کودکی" چهارموی، ترجمه و تفسیر. مجموعه آثار لنین جلد ۳۱، صفحه ۷۳



لنینیسم می‌آموزد که مسئله اساسی هر انقلاب عبارت از مسئله قدرت حاکمه است. وظیفه انقلاب بهای بورژوازی گذشته این بود که قدرت حاکمه را از دست فئودالها گرفته و بدست طبقه بالنده یعنی بورژوازی بسپرد. وظیفه انقلاب پرولتاری عبارت از اینست که قدرت را از بورژوازی ارتجاعی و عمال آن گرفته و بطبقه کارگر و متحد پش منتقل سازد. تفاوت این انقلاب با انقلابهای دیگر اینست که نوع دیگری از استثمار راجانشین استثماریشین نمیکند بلکه هرگونه بهره‌کشی انسان از انسان دیگر از بین میرود. بهمین سبب با انقلاب سوسیالیستی دوران تاریخی جدیدی آغاز میشود و آن گذار انسانیت از سرمایه داری بسوسیالیسم است. ولی این حقیقت که هدفهای سیاسی انقلاب سوسیالیستی در کلیه کشورهای دردمه شرایط یکی است بآن معنی نیست که این انقلاب در همه جا باید بیک شکل انجام گیرد. مسائل خاصه دادن به تسلط بورژوازی ارتجاعی ممکن است در کشورهای مختلفه و اوضاع و احوال مشخص متفاوت باشد. ادعای اینکه مسائل و اشکال انتقال قدرت حاکمه و تصرف قدرت دردمه جاودرهمه شرایط یکسان است بکلی مابین مارکسیسم - لنینیسم است و جز الگوسازی کوتاه نظرانه و چپ روانه ای بیش نیست. مسائل و اشکال تسخیر قدرت حاکمه برحسب شرایط عمومی دوران، وضع مشخص هرکشور و خصوصیات ملی و اجتماعی آن، برحسب شدت و ضعف وضع انقلابی و تناسب نیروهای طبقاتی در مقیاس داخلی و بین المللی و درجه سازماندهی طبقه کارگر و متحد پش از یکسو و دشمنانشان از سوی دیگر، تفاوت پیدا میکنند.

هنگامیکه حزب طبقه کارگر توسط های مردم رابوسی انقلاب پرولتاری رهبری میکند نخستین سئوالی که در برابر اقرار میگردد دانستن این نکته است که انقلاب سوسیالیستی بچه صورت انجام خواهد شد، بشکل قهرآمیز یا بصورت مسالمت آمیز؟ تشخیص این نکته نخست مربوط است به شرایط عینی یعنی اولاً بشرط داخلی کشور و شدت و ضعف مبارزه طبقاتی در درون آن و درجه قدرت سازمان حزب طبقه کارگر و شدت و ضعف مقاومت طبقات حاکمه و در زائنی مربوط است به وضع بین المللی و شرایط مبارزه عمومی با امپریالیسم در این صحنه. ازسوی دیگر باید همواره در نظر داشت که انتخاب شکل انقلاب تنها با طبقه کارگر و حزب پیشاهنگ نیست بلکه بستگی تام بوضع خصم و روش او در برابر نیروهای انقلابی دارد. بنابراین سخن بر سر آن نیست که آیا مارکسیست‌ها و انقلابیون مایلند انقلاب را بشکل قهرآمیز یا مسالمت آمیز انجام رسانند سخن بر سر اینست که شرایط عینی داخلی و بین المللی اتخاذ کدام روش را برای انقلابیون پیش میآورد. مارکس و لنین معتقد بودند که در اوضاع و احوال مشخصی انجام انقلاب بصورت مسالمت آمیز امکان پذیر است. مثلاً مارکس برای انگلستان و آمریکا در سالهای ۷۰ قرن گذشته چنین احتمالی میداد. بر پایه شرایط عینی آنزمان که دوران شکفتگی سرمایه داری غیر انحصاری بود و دستگاه نظامی و بوروکراتیک دولت وسعت زیادی نداشت مارکس باین نتیجه رسیده بود که در صورت بروز انقلاب ممکن است بورژوازی نتواند باشد از نیروی قهریه استفاده کند و لذا پرولتاریا مجبور سازد که از راه قهرآمیز قدرت خویش را مستقر سازد. بر اساس اینکه در انگلستان طبقه کارگر مهمترین بخش مردم را تشکیل میداد و سازمان نیرومند می‌گرفت آورده بود و با توجه باینکه بورژوازی انگلستان عادت داشت که حتی القدر مسائل مردم اختلاف از راه سازش حل نماید، مارکس باین نتیجه رسیده بود که ممکن است انقلاب سوسیالیستی در انگلستان از راه مسالمت آمیز و حتی بصورت خرید و مسائل تولید از بورژوازی پیروزی یابد.

بعد هالنین در این باره نوشت :

"مارکس برای خود و رهبران آینده انقلاب سوسیالیستی در مورد اشکال، نحوه و وسائل انقلاب آزادی عمل قائل شد زیرا کاملاً درک میکرد چقدر مسائل تازه متعددند و تا چه اندازه وضع در جریان انقلاب تغییر میکند و تا چه حد اوضاع و احوال عمقا و غالباً بتغییر پذیرند" (۱).

بهمین جهت هنگامیکه در جریان انقلاب روس (آوریل - ژوئن ۱۹۱۷) درونمای گذار مسالمت آمیز به

انقلاب سوسیالیستی پدید آمدن استغاده فوری از آنرا توصیه کرد. بهمین سبب است که لنین در رتبه‌های مشهور اوایل خود تحت عنوان "وظایف پرولتاریا در انقلاب کنونی" صریحا شعار انقلاب مسالمت‌آمیز را اعلام نمود. شعار مذکور فقط پس از حوادث ماه ژوئیه ۱۹۱۷ هنگامیکه دولت موقت، کارگران و سربازان را در کوجه‌های پتروگراد به تیر بست برداشته شد و شعار قیام مسلح جانشین آن گردید.

چپ روان و دکماتیک‌های کنونی نهضت کارگری برای نفی مطلق راه مسالمت‌آمیز انقلاب به گفته دیگر لنین استناد میکنند که در آنزمان راه مسالمت‌آمیز را "امکان بسیار نادر" خوانده بود ولی فراموش میکنند که در همین گفتار لنین این امکان را "بی‌اندازه پرهیبا" تلقی کرده و توصیه میکند که "حتی اگر در صد یک شانسی هم وجود داشته باشد" از آن استفاده شود (۱).

در روزگار ما این امکان بعراقت بیش از زمان زندگی لنین است زیرا:  
اولاً - تناسب نیروها بین سوسیالیسم و سرمایه داری در مقایسه بین المللی تغییر یافته، امپریالیست‌ها دیگر نتوانند رجبان حکومت نمیکند، ارد و گاه بزرگ سوسیالیستی بوجود آمده و جنبش کارگری بین المللی، جنبش آزادی بخش ملی ملت‌ها و سایر نیروهای دموکراتیک جهانی تحکیم و تقویت شده اند.

ثانیاً - قوه‌جاذبه اندیشه‌های سوسیالیستی روز بروز بیشتر میشود و بر هواداران سوسیالیسم بیش از پیش افزوده میشود و هر قدر موفقیت‌های کشورهای سوسیالیستی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر میگردد بهمین نسبت کارگران و زحمتکشان کشورهای مستعمره و وابسته بسوسیالیسم جلب میشوند و جبهه نیروهای هوادار سوسیالیسم قوت میگیرد.

ثالثاً - پس از جنگ دوم در بسیاری از کشورهای سرمایه داری امکانات واقعی اتحاد اکثریت مردم کشور تحت شعارهای ضد انحصارات سرمایه داری و دموکراتیک بوجود آمده است و بنسب بر این امکان پیدا شده که بتوان رجبان قطعی نیروهای دموکراسی و سوسیالیسم را برگزیده‌های حاکمه بورژوازی تا مین نمود.

این امکانات ناشی از تحلیل اوضاع تاریخی و شرایط مشخصی است که در روزگار ما جنبش کارگری و دموکراتیک جهان در میان آن تحول می‌یابد. لنین همیشه در باره توجه به این حکم ماتریالیسم دیاکتیک که حقیقت همواره مشخص است و نمیتوان باوقعیات بافهمولهای کلی و الگوسازی برخورد نمود، تأکید کرده و حزب طبقه کارگر را از افتادن در دام شعاسازی و الگوتراشی بر حذر داشته است. اگر چنین نبود لنین هرگز نمیتوانست تئوری معروف خود را راجع به دوران امپریالیسم و نتایجی که از آن برای امکان انقلاب پرولتری در یک کشور بدست آورد، بد تنظیم کرده و بوقع عمل در آورد. چپ روان و دکماتیک‌های کنونی میگویند تئوری امکان گذار مسالمت‌آمیز انقلاب عملا ثابت نشده است و چون بقول آنها در هیچ جا گذار بسوسیالیسم از راه مسالمت‌آمیز عملی نشده لذا نمیتوان با آن موافق بود. اگر چنین پایه‌ای را برای استدلال بپذیریم آنگاه باید از آنها پرسید چگونه تئوری مشهور لنین را در باره امکان پیروزی انقلاب بدو در چند کشور وحشی در کشور واحد تلقی میکنند و هنگامیکه لنین نظریات مارکس و انگلس را بر اساس شرایط دوران معاصر گسترش میداد چه تجربه عملی در باره صحت این تئوری وجود داشت؟

در جریان تاریخ اغلب اتفاق می‌افتد که بین پدیدایش یک تئوری جدید و تحقق عملی آن مدت فاصله میشود. محافظه کاران یاکسانیکه احکام تئوری را بصورت قشری و جامد آموخته اند میکوشند تئوری نو را باستناد اینکه در عمل بتجربه نرسیده است و باتکیه به تئوریها و عمل گذشته رد کنند. اگر لنین صبر کرده بود تا انقلاب سوسیالیستی در روسیه پیروز شود و آنگاه حکم خود را در باره گسیختن مستترین حلقه یا حلقات

زنجیره امپریالیسم مطرح میساخت بجای آنکه رهبر پرولتاریای جهان باشد فقط بمثابة مفسری از حوادث تلقی میگردد.

مارکسیست - لنینیست هادرعین اینکه امکان گذار مسالمت آمیز را در برخی از کشورها صحیح میدانند برخلاف رفهرمیست ها و سوسیال دموکراتهای راست که این راه را مطلق میکنند و مدعی هستند که تکامل جامعه سرمایه داری خود بخود به پیروزی سوسیالیسم منجر خواهد شد ، معتقدند که انقلاب اعم از مسالمت آمیز یا قهرآمیز ، انقلاب اجتماعی و نتیجه مبارزه طبقاتی است و بنابراین نمیتواند بخودی خود پیروز گردد . بهمین جهت راه قهرآمیز رانه تمهائی نمیکند بلکه معتقدند که طبقه کارگر باید درعین حال خود را برای مواجهه با هرگونه مقاومت و اعمال زور پرزوازی و طبقات حاکمه در برابر انقلاب آماده سازد و در صورت لزوم قاهرانه قدرت حاکمه را بتصرف درآورد .

لنینیسم میآموزد که انقلاب سوسیالیستی هیچگاه بصورت "خالص" خود یعنی آنچنانکه برخی از کوته نظران دگماتیک میانگاردند بصورت مبارزه مستقیم بین دو طرف اصلی مخاصمه یعنی پرولتاریا و بورژوازی وقوع نمی یابد . لنین پندار سادسده لوحانه و قشری آن دگم پرستان را که رویای انقلاب خالص سوسیالیستی را در سر میپروانند و تصور میکنند روزی "ارتشی در نقطه ای موضع میگردد و میگردد : " ما هوادار سوسیالیسم هستیم " و ارتش دیگری که در جای دیگر ایستاده است میگردد : " ما هوادار امپریالیسم هستیم " و آنگاه انقلاب سوسیالیستی بوقوع خواهد پیوست " (۱) مورد استهزا قرار داد . میگردد : " آنکس که منتظر وقوع یک انقلاب اجتماعی "خالص" است هرگز عمرش برای دیدن آن وفا نخواهد کرد " (۲) .

درواقع از آنجهت انقلاب سوسیالیستی "خالص" امکان پذیر نیست که سرمایه داری "خالص" در هیچ نقطه ای وجود ندارد و در هر جاکه رژیم سرمایه داری حکمفرماست آثار و بقایای اشکال اقتصادی گذشته و مناسبات اجتماعی مربوطه نیز بهمهراه آن باقی هستند و بالتبع نتیجه تضاد بین بورژوازی و طبقه کارگر بانضاد های دیگر جامعه مزوج میگردد و حتی در پاره ای موارد این قبیل تضادها در شکل جنبش های مذهبی و ملی و غیره مستور میماند . بنابراین انقلاب سوسیالیستی در چنین بافته پیچیده و بخرنجی انجام میگردد و لذ انمیتواند "خالص" باشد .

لنین در یکی دیگر از آثار خود این نکته مهم را یاد آور شد : مینویسد :  
" تاریخ بطور عموم و بویژه تاریخ انقلابها همواره دارای محتوی غنی تر ، متنوع تر ، مختلف الشکل تر و زنده تر " با فراست تر " از آنست که بهترین احزاب ، آگاهترین پیشاهنگان پیشرو ترین طبقات میاندیشند . و این نکته بخودی خود قابل درک است زیرا بهترین پیشاهنگان بیان کنند ضمیمه ، اراده ، شور و تصوردهها هزار نفر هستند در حالیکه انقلاب ، در لحظات هیجان و کشش ویژه کلیه ملکات انسانی ، نتیجه آگاهی ، اراده ، شور و تصوردهها میلیون انسانست که بوسیله شدیدترین مبارزه طبقاتی به جنبش درآمده است " (۳) .

لنین از این تحقیق و نتیجه مهم برای عمل انقلابی انتزاع میکند : نخست آنکه طبقه انقلابی برای اینکه بتواند وظایف خود را بخوبی انجام دهد " باید بدون استثنا " تمام جهات فعالیت اجتماعی را ملکه خود کند " و دوم آنکه " باید خود را آماده آن سازد که سریعاً و بطور ناگهانی شکلی (از مبارزه) را جانشین شکل دیگر نماید " (۴) .

این نتایج بویژه از آنجهت اهمیت فراوان دارد که راه انقلاب ، برخلاف آنچه چپ روان دگماتیکها

(۱) لنین : مجموعه آثار جلد ۲۲ ، صفحه ۲۸۳

(۲) همانجا

(۳) لنین : مجموعه آثار جلد ۳۱ ، صفحه ۷۵

(۴) همانجا ، صفحه ۷۶

فکر میکنند ، هموار نیست و ناگزیر حزب پشاهنگ باید از جریانهای مختلف اجتماعی و مبارزات متنوع توده های مورد ستم و ناراضی برای کشاندن جنبشهای مطالباتی برای انقلابی استفاد کند . حزب انقلابی مارکسیستی ناگزیر است این نکات را دقیقاً در نظر گیرد زیرا توده های وسیع زحمتکش فقط با تجربیات روزانه خویش میتوانند برای سوسیالیسم و انقلاب جلب شوند . آن کوتاه نظرانی که در روزگار ما برای انقلاب الگوسازی میکنند و نسخه های آماده برای همه کشورهای تجویز مینمایند در واقع این تعالیم گرانمایشتین بزرگ را زیر پا میگذرانند و بعمل روزانه انقلابی و بوظیفه راهنمایی برد بارانه توده های زحمتکش بسپارند .

بیروان ایرانی این الگوسازی چپ روانه و غیرلنینی نیز میکوشند بوسیله مطبوعات خود این قبیل رهنماهایی را در باره توجه به خواستهای روزانه طبقه کارگر و سایر طبقات و قشرهای زحمتکش را بیاد استهزا گرفته و مدعی شوند که گویا توصیه حزب توده ایران در باره استفاد از خواستهای عادی کارگران از قبیل اضافه مزد ، صابون ، بیمه و غیره فاقد جنبه انقلابی است . بنظر اینان فقط کلمات پرمروصدا در باره قیام مسلحانه و عبارت پردازیهای انقلابی نمائیکه لنین همواره علیه آن مجاهد کرد است جنبه انقلابی دارد و بس و سایر مسائل مربوط بزندگی روزانه مردم زحمتکش کشور ما ظاهراً تحت عنوان "اکنونیسم" مردود است .

### حزب طبقه کارگر نقش آن در مبارزه طبقاتی

مارکس و انگلس پس از آنکه نقش تاریخی طبقه کارگر را علماً اثبات نمودند باین نتیجه رسیدند که برای تحول انقلابی جامعه سرمایه داری بجامعه سوسیالیستی ، پرولتاریا احتیاج بسازمان سیاسی ویژه و مستقل خود دارد ، سازمانی که بتواند طبقه کارگر را در جریان مبارزات خود راهنمایی کند ، آگاهی طبقاتی سیاسی او را بالابد و ابرای انقلاب متحد ، مجهز و آماده سازد .

در شرایط تاریخی جدید ، لنین این نتیجه گیریهای بنیاد گذاران سوسیالیسم علمی را گسترش داد و بصورت یک نظریه کامل و همه جانبه مطالعه شد . ای در آورد . لنین نقش رهبری کنندة حزب را در نهضت کارگری علماً توجیه کرد ، اصول سازمانی و قواعد حیات داخلی حزب و همچنین اصول سیاست و تاکتیک آنرا تنظیم نمود .

نظریات لنین در باره حزب طبقه کارگر و سازمان آن یکی از عمده ترین اقدام وی در گسترش مارکسیسم و تحول خلاق آن در شرایط تازه جنبش انقلابی است .

اصولی را که لنین در باره حزب طراز نوین طبقه کارگر بیان کرده است میتوان بشرح ذیل خلاصه نمود :

(۱) حزب کمونیست پشاهنگ طبقه کارگر یعنی آن بخشی از طبقه کارگر است که آگاه تر و

پیشرفته تر است و میتواند توده های وسیع زحمتکش را در مبارزه برای سرنگون ساختن

سرمایه داری و ساختن جامعه سوسیالیستی آماده کرد و تجهیز نماید .

لنین در این باره مینویسد : " مارکسیسم با پرورش حزب کارگری ، پشاهنگ پرولتاریا را

تربیت میکند - پشاهنگی که قادر باشد قدرت را بدست گیرد و تمام خلق را بطرف سوسیالیسم

بکشاند ، رهبری و سازمان رژیم نوینی را بدست گیرد ، مری ، راهنما و رهبر کلیه زحمتکشان

و استثمارشدهگان در انتظام زندگی آنان بدون بورژوازی و علیه بورژوازی باشد " (۱) .

تجربه تاریخی پنجاه سال اخیر نشان میدهد که احزاب انقلابی پیش از آنکه بصورت

پشاهنگ واقعی طبقه کارگر در آیند ناگزیر از مراحل مختلفه ای میگذرند : نخست برای ایجاد

وحدت و هماهنگی ایدئولوژیک در صفوف خود بخش عمده فعالیت آنها معطوف به امور

تبلیغی در درون خود سازمان است . سپس مرحله سازمان دادن مبارزات توده ها و

رهبری آنها آغاز میگردد. این مرحله از آنجهت اهمیت فراوانی دارد که نشان دهندۀ مبدل شدن حزب بیک سازمان آگاه و منظم طبقاتی است. مرحله بعد عبارت از مرحله ایست که حزب طبقه کارگر تهدیل بیک نیروی سیاسی واقعی میگردد و قادر است که نه تنها اکثریت طبقه کارگر بلکه توده های وسیع مردم را بدنبال خود بکشاند. بدیهی است حد فاصلی بین این مراحل وجود ندارد و ضابطه های تشخیص آن و همچنین شرایط و سرعت گذار از مراحل مختلفه به شرایط عینی پیدایش و تحول، به استحکام بنیان ایدئولوژیک و ترکیب طبقاتی، به درستی سیاست و خط مشی عمومی و قدرت رهبری آن بستگی دارد. ولی بهر حال این نکته مسلم است که حزب انقلابی نیز مانند هر سازمان اجتماعی دیگر ناگزیر است از مراحل مختلفه رشد بگذرد و نشیب و فرازهای بسیاری در پشته سر بگذارد تا از بونه تجربیات موفق بیرون آید. لنین در اثر معروف خود درباره بیماری کودکی کمونیسم باین نکته اشاره کرد: مینویسد: "ولی ازسوی دیگر این شرایط (شرایط وجود انضباط و استحکام حزب طبقه کارگر) نمیتواند یکباره بوجود آیند. اینها فقط بقیمت کاری طولانی و تجربه ای سخت بدست می آیند. یک تئوری انقلابی درست که آن نیز دگم نیست بلکه در ارتباط نزدیک با عمل یک جنبش واقعا توده ای و واقعا انقلابی شکل قطعی خود را بدست می آورد، پیدایش و تسجیل این شرایط را تسهیل مینماید" (۱).

تشدید بحران عمومی سرمایه داری و پیروزیهای بزرگی که پس از انقلاب اکثریت نصیب نیروهای سوسیالیستی شده است شرایطی دردوران ما بوجود آورده است که در صورت استفساد صحیح از آنها میتواند به تسریع رشد احزاب کارگری و گذار سریع آنها از مراحل اولیه به مراحل عالیتر رشد کمک موثر نماید.

(۲) حزب بخش منظم و سازمان یافته طبقه کارگر است یعنی حزب عبارت از جمع عددی منافع ویژه اعضا خود یا گروه معینی از کارگران نیست بلکه سیستم سازمان یافته واحدیست که با اراده و تصمیم واحد کلیه اقدامات منفرد را بصورت مبارزه مشترکی در میآورد، تمام نیروها را متحداً بطرف هدف واحد سوق میدهد. وجود چنین سازمانی بدون یک رهبری متمرکز امکان پذیر نیست. ولی ایجاد اراده و عمل واحد در حزب طبقه کارگر جز از راه دموکراتیک ممکن نیست یعنی بغیر از اینکه افکار و نظریات و پیشنهادهای او انتقادات مختلفه در درون سازمان ابراز و مورد بررسی قرار گیرد و تصمیمات بطور جمعی اتخاذ گردد راه دیگری برای بیان کامل و دقیق نیازمندیهای علمی مبارزه طبقاتی پوولتار یا وجود ندارد. بهمین سبب مرکزیت حزب طبقه کارگر دارای جنبه دموکراتیک است و اصل لنینی مرکزیت دموکراتیک اکنون پایه سازمانی کلیه احزاب طبقه کارگر است.

مهمترین نتیجه ای که از اصل مرکزیت دموکراتیک ناشی میشود اینست که حزب طبقه کارگر با وجود گروههای مختلفه، گروه بندی و هرگونه فعالیت گروهی و حسابهای شخصی و انفرادی در درون حزب بمانند دارد، زیرا وحدت اندیشه و عمل و رهبری واحد مستلزم خط مشی، تاکتیک و عمل واحد است و این منطقاً با روشها، تاکتیکها، تصمیمات و اقدامات مختلفه الجبهه مابین است. منع فرآکسیونیم در درون حزب بمعنای آن نیست که گهوا اعضا حزب و ارگانهای مختلفه آن باید کورکورانه تصمیماتی را بپذیرند و اجرا نمایند یا اعضا حزب و ارگانهای آن حق اظهار نظر و انتقاد ندارند. بعکس اصل مرکزیت دموکراتیک نه تنها برخورد افکار و عقاید را در درون حزب نفی نمیکند بلکه بان میدان وسیعی میدهد. تنها

(۱) لنین: بیماری کودکی کمونیسم، ترجمه فارسی، صفحه

محدودیت عبارت از اینست که پس از آنکه مباحثات لازمه انجام شد و تصمیمی در باره مسئله آریکی از سازمانهای حزبی اتخاذ کردید تمام اعضا<sup>۱</sup> حزب و ارگانهای آن اعم از اینکه خود با آن نظر موافق یا مخالف بوده اند باید تن به تصمیم اکثریت بدهند و از آن جمعیت نمانند. قانون اکثریت یگانه راه تأمین و اجرا<sup>۲</sup> نظر جمع و مکرراتیک ترین شکل حل مسائل بصورت جمعی است. (۳) حزب عالیترین سازمان طبقاتی پرولتاریاست. مقصود از این اصل این نیست که سازمانهای دیگر طبقه کارگر از قبیل اتحادیه ها، کثوریات و غیره باید در امور خود تابع حزب باشند و از خود استقلال ندارند داشته باشند. چنین نظریه ای در حکم آن خواهد بود که سازمان حزبی که سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر است جانشین سازمانهای سندیکائی و غیره گردد که سازمان تمام طبقه کارگر در مجموع خود هستند و وظیفه متشکل کردن و متحد ساختن تمام طبقه کارگر بعهد آنهاست. غرض از این اصل اینست که اعضا<sup>۳</sup> حزب که در سازمانهای دیگر طبقه کارگر فعالیت میکنند باید بنحوی عمل نمایند که بتوانند سازمانهای غیر حزبی را بحزب طبقه کارگر نزدیک ساخته و آنها را از راه عمل صحیح و اقناع بطرف پذیرش و اطاعت سیاست حزب و اقدام در جهت شعارهای وی جلب نمایند.

بهمین سبب از طرفی تئوریهای اپورتونیستی مبنی بر جدائی کامل، استقلال مطلق، یا بیطرفی سازمانهای غیر حزبی طبقه کارگر و از سوی دیگر نظریات چپ روانه دایر بمستحیل ساختن سندیکاهای سایر سازمانهای طبقه کارگر در درون حزب و تابع ساختن این سازمانها به تشکیلات حزبی، سرایت دادن کورکورانه اصول سازمانی و انضباطی حزب به تشکیلات حرفه<sup>۴</sup> و تعاونی طبقه کارگر، اجرا<sup>۵</sup> دستور تصمیمات حزب و اطلاق فرمایشی شعارهای حزب به این سازمانها از بنیاد با آموزش لنینیسم ماینت دارد.

توجه باصل لنینی د اثر براینکه حزب عالیترین سازمان طبقاتی پرولتاریاست بویژه از این بن نقطه نظر نیز کسب اهمیت میکند که از چندی باینطرف گروه منتسب به مائوتسه تونگ، برخلاف کلیه<sup>۶</sup> تعالیم لنینیسم مدعی شده است که گویا سازمانهای حزبی را باید بوسیله توده های غیر حزبی صاف و تصفیه نمود. اقدامات اسف آوری که تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" از یکی د و سال باینطرف در چین بدستور این گروه انجام میشود نه تنها بمعنای آنست که گروه مائوتسه تونگ حزب کمونیست را عالیترین سازمان طبقاتی پرولتاریا نمایند بلکه در عین حال بمنزله نقض اصل دیکر لنینی مبنی بر پیشاهنگ بودن سازمان حزبی است. زیرا دیکر چگونه میتواند برای حزبی که توده های غیر حزبی مائوتسه و اصلاح آن هستند نام سازمان سیاسی و پیشاهنگ طبقه کارگر قائل گردید و چگونه میتوان از چنین سازمانی توقع رهبری سیاسی توده های غیر حزبی را داشت.



نکاتی که گفتیم فقط خلاصه ای تعالیم عالی لنین بزرگ است. بصیرت لنین در تشخیص کنه پدیدهای اجتماعی و در راندیشی شگرف او در تحلیل دگرگونیهای ژرف انقلابی به اندیشه های لنین استواری تاریخی و خصلت فناناپذیر بخشید. است در پنجاهه میمن سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و در آستانه صد مین سال تولد لنین اندیشه های لنین نه تنها کهنه نشد بلکه اهمیت و ضرورت پراتیک بسیاری از اندیشه های او بیش از پیش شد. است اصول بنیادی حل بسیاری از مسائل را ماد رنگینه اندیشه های لنین می یابیم. نیروی اندیشه های لنین روز بروز با شدت بیشتری عقول و قلوب زحمتکشان را بسوی خود جذب میکند.

پرچم پیروزند اند پشه های لنین اکنون در يك سوم گیتی در اهتزاز است و هیچ گوشه ای از جهان را نمیتوان یافت که این اند پشه ها توده های مردم را بسوی ترقی، بسوی دگرگونی انقلابی و ایجاد زندگی نوین رهنمون نباشد.

احزاب کارگری در تنظیم برنامه های تاکتیکی و استراتژیک خود از اند پشه های حیات آفرین لنین فیض میگیرند و برای منزه نگاه داشتن پرچم اند پشه های لنین و پیشبرد خلاق مارکسیسم - لنینیسم و انطباق اصول اساسی آن برواقعیت عینی و شرایط تاریخی جدید علیه هرگونه مظاهر ریزونیسم، دکماتیسم و سکتاریسم با قطعیت مبارزه میکنند.

---

# انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و جنبش رهایی بخش مردم ایران

مقدمه

اگرچه آثاری که در مورد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تاکنون در جنبش رهایی بخش مردم ایران نگارش یافته است اندک نیست. در آثار دیگری هم که در باره تحولات جامعه ایران اعم از تاریخی اقتصادی، سیاسی و غیره پس از انقلاب اکتبر نوشته شده است طبیعتاً در باره تاکنونی که این انقلاب روی جامعه ایران داشته است از زوایای مختلف اشاره شده است.

با این حال موضوع دارای آن اندازه اهمیت است که هنوز جای خالی برای بیان مطلب بسیار است نگارنده در این مقاله کوشیده است ضمن شرح اجمالی حوادث (اجمالی از آن نظر که جنبشی به آن دانشه را در مقاله ای کوتاه نمیتوان گنجانید) ارتباط مستقیم و مشخص این حوادث را با انقلاب اکتبر روشن کند، نشان دهد که چگونه نوسانهای مختلف در میدان مبارزه انقلابی روسیه مستقیماً جنبش رهایی بخش ما را زیر تأثیر گرفته و جزو رهایی در آن بوجود آورده است.

این به آن معنی نیست که (چنانچه برخی می انگارند) گویا ما معتقدیم که اگر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نبود جنبشی در ایران نمی بود. ولی قدر مسلم اینست که تنها استقلال سیاسی ایران بدنبال استقلال اقتصادی از بین میرفت بلکه احتمالاً تماماً ارضی نیز برای ایران باقی نمی ماند. در صورت پیروزی مؤلفین (روسیه تزاری، بریتانیا، فرانسه) ایران کشوری بود تقسیم شده (با تمام عواقب متصوره از چنین تقسیمی) و در صورت پیروزی متفقین (آلمان، عثمانی) - یک مستعمره کامل در دست امپریالیسم گرسنه آلمان. بعقیده ما یکی از ظواظ تاریخ نویسی اینست که مرز منطقی و منطبق با واقعیت را میان تاکنونی و خارجیتی و داخلی پیدا کند و احساسات خود را جایگزین واقعیت ننماید - کوششی که در این مقاله (صرف نظر از درجه موفقیت آن) بعمل آمده است.

از این نظر ناگزیر اختصاراً به وضع عمومی ایران پیش از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و حوادث پس از این انقلاب نیز اشاره میشود. بویژه اینکه تعلق آزاد پیخواهان ایران از انقلاب اول یعنی انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در بدو امر این نبود که این انقلاب روی کار آورنده بوزواری روسیه است و در ماهیت سیاسی خارجی روسیه تخییری نخواهد داد و تا کنونی که این انقلاب و فروکش فشار از جانب شمال داشت مقدمه وسیعی برای بسط جنبش بوجود آورد.



اوضاع اقتصادی و سیاسی

پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم - پایان دوران تحول سرمایه داری کهن بسرمایه - داری نوین بعبارت دیگر آغاز مرحله امپریالیسم است. اکنون جهان مستقیم یا غیرمستقیم بین جهانگشوا تقسیم شده است و رشد ناموزون کشورهای سرمایه داری تجدید تقسیم آنها از راه جنگهای امپریالیستی ضرور میسازد.

این بدان معنی نیست که کشورهای تقسیم به دو گروه مشخص - مستعمره دار و نیمه مستعمره - شده اند. بلکه هنوز شکلهای مستقلی از کشورهای نامستقل هست که دارای استقلال سیاسی و ظاهری بوده ولی عملاً تارهای وابستگی مالی و دیپلوماسی دست و پای آنها را بسته است (۱)

ایران که پیش از دوران امپریالیسم نطفه های سرمایه داری در آن آغاز نموده بود در اثر فشار و رقابت اقتصادی امپریالیسم بریتانیا و تزاری در سرایش سقوط و ورشکستگی اقتصادی قرار گرفت. انبساط مشروطیت کوشش قهرمانانه ای بود که مردم ما برای مقابله با هجوم امپریالیسم انجام دادند، - کوششی که آنها در اثر دخالت مستقیم و حتی نظامی امپریالیسم خنثی ماند.

در منظره ای که نئین در باره کشورهای مستعمراتی و نیمه مستعمراتی و تقسیم جهان در دوران امپریالیسم داده است ایران را کشوری " تقریباً مستعمره کامل " می نامد (۲).

این بیان واقعیت امروز است. استقلال اقتصادی ایران از دست رفته بود: دارای کشور زیر کنترل بانکهای امپریالیستی قرار داشت ( بانک انگلیس زیر نام " شاهنشاهی " در درجه اول و - بانک استعراضی روس در درجه دوم )، حصار گمرکی از میان برداشته شده بود، گمرکات در گروی وامهای اسارت - آور و بی پشتوانه خارجی بود، دو امپریالیسم بریتانیا و تزاری شریانهای اقتصادی کشور - وسائل ارتباط، راههای مواصلاتی و غیره را - در دست خود داشته و از راه امتیازات گوناگون دست روی ثروتهای طبیعی آن گذارده بودند.

از لحاظ استقلال سیاسی نیز وضع بهتر از این نبود: قرارداد ۱۹۰۷ منعقد بین بریتانیا و امپراطوری روسیه ایران را به دو منطقه نفوذ تقسیم میکرد، قسمت ظاهر استقلال ایران عبارت بود از منطقه بیطرف که آنها در سال ۱۹۱۵ محرمانه طبق قرارداد مخفی منعقد بین روسیه تزاری و انگلستان در مقابل بغا زهای دارد ائل که میبایستی پس از پیروزی در جنگ بر آلمان و متفقینش به روسیه تزاری برگزار شود به سهم امپریالیسم انگلیس افزوده میشد.

علاوه بر این قرارداد پنهانی در سال ۱۹۱۱ به دولت ایران موافقتنامه ای نیز تحصیل شده بود که طبق آن میبایستی امور مالی و نظامی ایران زیر کنترل کمیسیون مختلطی بنام " کمیسیون میکس " قرار گیرد. طبق این موافقت که در کابینه سپهدار بعمل آمد ( باذکر اینکه باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد ) نیروی نظامی ایران بالغ بر ۲۲ هزار نفر " تحت تعلیم و تربیت عدد کافی معلمین روس و انگلیسی " قرار میگرفت، از دولتین ماهیانه مبلغ دو بیست هزار تومان برای صراف جاریه بعنوان وام با شرایط کسر - شکن دریافت میشد (۳) و بدین طریق هرگونه استقلال اقتصادی و سیاسی ایران پایان می یافت.

(۱) نئین - امپریالیسم - بالاترین مرحله سرمایه داری، چاپ فارسی، مسکو ۱۹۶۹، صفحه ۱۴۲

(۲) همانجا، صفحه ۱۳۲

(۳) مراجعه شود به کتاب " تاریخ احزاب سیاسی " تألیف ملکا لشعرا بهار (از این پس: تاریخ بهار ۰۰۰)

### اوضاع اجتماعی

رود نیروهای نظامی تزاری به بهانه رساندن آذوقه به محاصره شدگان تبریز سرنوشت انقلاب مشروطیت ایران را تعیین نمود. انقلاب مشروطیت در آستانه نیل به پیروزی عظیم ماند. ولی جنبش سرکوب نشد. تجربه سالهای اول انقلاب تشکیل حزب مترقی واحدی را که اکنون بتواند خواستههای مشخص شد اکثریت مردم را منعکس سازد و مردم را برای تحقق بخشیدن به آن مجهز سازد، ضرور میساخت. برحسب این ضرورت بود که در سال ۱۹۰۹ حزب دموکرات ایران تشکیل شد. برنامه این حزب منعکس کننده تقاضای های آنروزی بود: ایجاد ارتش ملی از طریق نظام وظیفه، تفکیک سیاست از مذهب، قانون منع احتیکار، برقراری تعلیمات اجباری و از همه مهمتر - تقسیم املاک بین دهقانان و ایجاد بانک کشاورزی . . .

بر اساس برنامه مترقی و جواب دهنده به خواستههای مردم طبقات مختلف ضد امپریالیستی آنروز و برهنای روحیه مبارزی که تازه از کوره انقلاب بیرون آمده بود، حزب دموکرات توانست در اندک مدتی سازمان خود را در نقاط عمده کشور گسترش دهد. حزب با وجود شرایط دشوار و نیرنگ انتخاباتی ۲۸ نفر از نامزد های خود را به دوره دوم قانونگذاری مجلس فرستاد و مبارزه پیگیری علیه سیاست استعماری تزاری و انگلیس بویژه علیه اولتیماتوم ۱۹۱۱ انجام داد. استفاده نمایندگان دموکرات از تریبون مجلس، از جمله نطق های سلیمان میرزا، خیابانی و دیگران تکانهای نوینی بود که به مردم داد شد و دستگاه ارتجاع و امپریالیسم را نگران میساخت. این دستگاه با ایجاد فطرت چهارساله بین دوره دوم و سوم قانونگذاری ری کوشید حزب را سرکوب سازد و به زعم خود به نتیجه رسید. مستر تاو نلی سفیر کبیر انگلیس در بخشنامه محرمانه به کونسولگری های انگلیس مقیم ایران مژده داد که "کلک دموکراتها کند شده است" (۱) ولی حزب دموکرات توانست مواضع تازه تری بدست آورد و اینبار با ۳۱ نفر وکیل به مجلس آمد و با استفاده از روحیه موجود علیه موئلفین (انگلیس و روسیه تزاری) عده قابل توجه دیگری از وکلا را با خود هم آواز سازد. اینگونه مجلس قانونگذاری برای امپریالیسم قابل تحمل نبود و لذا پس از ۳۹ روز به عسر و حین پایان داد شد. آنها شیکه برای مقاومت بیشتری آماده بودند کوشیدند تا با کمک نیروهای ژاندارم و فترات نایب حسین کاشی در قم نیروی مقاومتی تشکیل دهند. ولی پس از عدم کامیابی در مقابل نیروهای تزاری به کرمانشاه رفتند و صفحۀ جدیدی در تاریخ مبارزه مردم ایران بنام "مهاجرت" آغاز شد.

با آنکه ایران از همان آغاز جنگ بین المللی بیطرفی خود را اعلام داشته بود عرصه کشور از جنگ و عواقب مخرب آن مصون نماند. در نوامبر ۱۹۱۴ نیروهای عثمانی به بهانه وجود ارتش روس وارد آذربایجان شدند و در آغاز سال ۱۹۱۵ تبریز به اشغال آنها درآمد. گرچه در اواخر سال منوره کمپشروی - هائی نصیب ارتش تزاری در جبهه عثمانی شده بود آذربایجان شوروی از نیروی عثمانی تخلیه شد ولی کشاکش جبهه قصر شریف - کرمانشاه باختر ایران را تدبیل به میدان جنگ نمود که مهاجرت سیاسی آزاد یخواهان ایران نیز مرکز خود را بدانجا برد.

در تشریح اوضاع و احوال آنروزی از جانب مورخان مترقی تاریخ نوین ایران ناروشنی ها و احتیاط کاریهایی وجود دارد. غالباً به فعالیت آنها و دستگاه تبلیغاتی و جاسوسی آنها در وجود آوردن حسن نظر نسبت به امپریالیسم آلمان بر بها داده شده است. جای شك نیست که آلمانها در استفاده از روحیه مردم و ایجاد مقاومت در برابر تجاوزات حکومت تزاری و بریتانیا از هیچ اقدامی فروگذار نکردند و به نقش اشخاصی نظیر واسموس کونسول آلمان در فارس و دیگر اعمال آلمان نمیتوان کم بها داد. ولی این نقش تنها نمیتوانست در شرایط خاص آنروزی موثر واقع شود.

جهت مبارزه آزاد یخواهان و قاطبه مردم ایران در آن دوران مشخص بود. اکنون که مضمون قرارداد ۱۹۰۷ علی شده و دولت ایران زیر فشار انگلیسها مجبور شده بود در سال ۱۹۱۲ رسماً این

قرارداد راکه قرارداد تقسیم و محو ایران بود به رسمیت بشناسد د یگرجائی برای سیاست ریاکارانه انگلیس که روزی خود راحمی مشروطیت و آزادی جلوه گر ساخته بود ، باقی نمی ماند . د یگرجائی توهمی که گویا میتوان پیاری "د موکراسی" انگلیس از چنگ "استبداد روس" نجات یافت برای کسی باقی نبود . استد ا د از آلمان و پناه بردن به آن بعنوان نیروی سموی که بتصور برخی مقام منجی و برای واقع بین ترها جنبه پناهگاه موقت داشت روحیه ای بوجود آورد بود که امپریالیسم آلمان توانست ماهرانه از آن بنفع خود استفاده کند .

اینکه روحیه موجود و تقریبا همگانی همکاری با آلمان منهای واحدی نداشت از نوشتن ملك الشعراء بهار بخوبی پیداست که میگوید : « در کرمانشاه اختلاف نظر سیاسی بین هیئت دولت نظام السلطنه ( مقصود حکومت موقت است که در مهاجرت به نخست وزیری نظام السلطنه مافی تشکیل گردید ) و شاهزاده سلیمان میرزا و د موکراتها پیداشد و با آنکه عده ای از زعمای د موکراتها د اخل کابینه بودند میسر نشد این اختلاف حل شود و منجر به د سنگبری چند نفر از موکراتها و رنجش سلیمان میرزا گردید ( ۱ ) . در عین حال در اینهمه تقریبا همه هسته های مقاومت موجود علیه نیروهای تزاری و انگلیس در نقاط مختلف ایران متکی به آلمانها و مقصد کک آنها بودند جای تردید نیست . چنین هسته های مقاومت در اکثر نقاط ایران در استانه انقلاب ۱۹۱۷ روس وجود داشت : در کرگان ، خراسان ، مازندران و غیره که مهمترین آنها در شمال در درجه اول عمارت بود از جنگلی ها تحت رهبری میرزا کوچک خان و از نفوذ امیرموید سواد کوهی و در جنوب از ایلات متعدد فارس . در این میان اگر استثنائی وجود داشت آن رها بجان و د موکراتهای آن سامان بودند که تعاس مستقیم بانیره های عثمانی بهنگام اشغال آن ناحیه آنها را نسبت به هدف نهائی د ولت عثمانی منی بر الحاق آن رها بجان به امپراطوری خود روشن ساخته بود . چنین بود بطور اجمال وضع ایران و جنبش رهایی بخش ملی مردم این کشور در استانه انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که با وجود همه گونه فداکاری از جانب آزاد یخواهان نه امیدی به اعاده استقلال کشور و نه د رنمائی د صورت پیروزی آلمان و متفقینش وجود داشت ، زیرا چنانچه در مقدمه این مقاله نیز گذشت ( بفرض شکست موثلقین ( روسیه و انگلیس و فرانسه ) و پیروزی متفقین ( آلمان و عثمانی ) ایران نسه تنها از قید استعمار نجات نمی یافت بلکه بدست استعمارگران غارتگری اسیر میگشت .

## ۲- وضع جنبش رهایی بخش پس از انقلاب فوریه روسیه و د ر استانه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷

غالبا د مردم انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و تا شهری که این انقلاب د ر جنبش رهایی بخش مردم ایران داشته است به ارزیابیهای سطحی بر میخوریم که در آن از اهمیت این تا شهری کاسته شده است . درست است که پس از سقوط تزار حکومتی که د روسیه سرکار آمد نماینده طبقه بورژوازی و حتی د ر بهترین ترکیب خود ( با شرکت منشیوک ها ) تغییری در سیاست گذشته نداد : نه صلح بهمهراه آورد ، نه تغییری در سیاست خارجی . این نکته که هیچگونه تغییری در سیاست روسیه نسبت به ایران نداد و نخواهد شد د یاد داشت میلیوکوف - وزیر خارجه حکومت موقت - تصریح شده بود . با اینحال اگر از زاویه موقعیت خاص آنروزی ایران به جریانات بنگریم تا شهری این انقلاب را ژرفتر آن خواهیم دید که در ارزیابیهای فرمل داده شده است . برای ارزیابی واقعی نکات زیر باید د ر نظر گرفته شود :

( ۱ ) ماهیت حکومت جدید د آغاز امر برای مردم ایران د ر اکثریت خود روشن نبود . آنچه د ر درجه اول قرارداد ه میشد سقوط حکومت تزاری بود که با خشونت هرچه تمامتر هرگونه جنبش را خفه میکرد ،

۲) چون فشار وارد ه از جانب حکومت تزاری از دوش آزاد یخواهان برداشته شد اکنون دیگر توجه کمتری به امکان تجدید سیاست استعماری روسیه میشد. جنبش امکان توسعه یافت. آزاد یخواهان امکانات وسیعی برای مبارزه بدست آوردند. حزب موکرات ایران به احیاء سازمانهای خود پرداخت. آزادی بیان، قلم و اجتماعات که علیرغم قدغن رسمی عملاً بدست آمد بود. امکان داد که توده ها برای مبارزات آیند ه مجهز تر و آماده تر شوند.

۳) آزاد یخواهان امکان یافتند نیروهای خود را برای مبارزه در يك جبهه - علیه امپریالیسم انگلیس - متمرکز دهند و از عقب جبهه خود موقتاً هم که شد ه است نگرانی نداشته باشند.

انگلیسها با احساس ضعف حکومت تزاری از بدتی پیش دست به تحکیم مواضع خود زد ه بودند. حکومت وثوق الدوله که از اواسط سال ۱۹۱۶ (ماه اوت) با کوشش امپریالیسم انگلیس سرکار ماند ه بود، درصد بود هرگونه جنبش را سرکوب و خاموش کند. انقشار انقلاب فوری و ترمکز نیروهای اپوزیسیون در يك جبهه را دعوی کرد. راجرای این مقصود شد. بطوریکه کابینه وثوق الدوله با آنهمه تدارک و مقدمه ای که برای مبارزه چیده بود در اواخر ماه مه ۱۹۱۷ یعنی سه ماه پس از انقلاب فوریه ساقط شد.

بطورحاشیه باید گفت کمیته مجازات که هدف خود را ترمز و استنگان به سیاست انگلیس اعلام داشت نیز در این دوره یعنی يك ماه پس از انقلاب فوریه تشکیل گردید و تروهای چندی در جهت هد فی که اعلام داشته بود انجام داد که گرچه شیوه نادرستی در مبارزه داشت ولی فعالیتش نمایش دهند ه روحیه حاکم زمان بود.

۴) تشدید مبارزه انقلابی در روسیه و نزدیک شدن وقایع اکثر نیز در جنبش رهائی بخش مردم ایران تا شیر میگذشت. کاسته شدن فشار در مناطق اشغالی ارتش روس و بهرزه بلشویزه شدن شوراها ی نمایندگان و سربازان روس موجب بسط جنبش شد. در شمال ایران جنبش حتی قبل از آنکه انقلاب کیورسوسیا لیستی اکثر در بگیرد از افکار و اندیشه های آن برخوردار میشد و این از طریق نمایندگان بلشویک شوراها ی سربازان روس بود که تقریباً همه شهرهای شمالی به همکاری با آزاد یخواهان آغاز نمودند. این همکاری بخصوص در شهر تبریز بشکل بارزی نمایان بود. بعنوان همبستگی انترناسیونالیستی نمایندهای مشترکی با شرکت اعضا ه حزب موکرات و سربازان روس داد ه میشد. بطور مثال میتوان نمایشی را که در آستانه وقایع ژوئیه ۱۹۱۷ روسیه یعنی در ۳۱ ژوئن به ابتکار قنبراف رئیس شورا ی نمایندگان سربازان روس در تبریز داد ه شد ذکر کرد. در این روز آزاد یخواهان تبریز، نمایندگان حزب موکرات و برراس آنها شیخ محمد خیابانی با اتفاق نمایندگان سربازان انقلابی روس بر مزار شهدای آزاد می رفتند و انرا گلباران کردند.

علی آوری در کتاب "قیام خیابانی" این واقعه را چنین بیان میکند (صفحه ۱۲۲):

"پس از پنج سال رفتن به آرمگاه مخفی شهدای جوان ما برای مادران علی و پیر و دختران و خواهرانی که هنوز لباس سوگاری راهواره بر تن داشتند امکان پذیر شد. در این روز ملت آزاد یخواه روس از نمایندگان رسمی و افراد قشونی در سربازخانه دولتی جمع شده و با ایرانیان دست اخوت و هم مسکلی داد ه و از خطبتهای دولت سابق تزار که مشروطه نو بنیاد و آزادی نوزاد ایران را خفه نموده بودند، آزاد یخواهان ایران را که مصلوب و مقتول و همچنین خانه، لانه و کاشانه آنانرا با توپ ویران ساخته بودند شدیدا ابراز نفرت کرد و اعتدالها بعمل آوردند. از گناهی که دیگران مرتکب شده بودند، نوزادان انقلاب معذرت میخواستند."

شیخ محمد خیابانی در انروز بنام حزب موکرات از رایجان نطق مهیجی ایراد کرد. از جانب سربازان انقلابی روس قنبراف چندین بار - در سربازخانه روسها و در تمام نقاط توقف نمایش دهندگان نطق های پرهیجانی ایراد نمود و اطمینان داد که روسیه از این پس در امور داخلی ایران دخاله نخواهد کرد و حتی به جنبش آزاد یخواهان و دموکراتیک ایران کمک نیز خواهد نمود.

در بیان نامه هائی که از طرف کمیته ایالتی آذربایجان حزب موکرات ایران و کمیته اجرائیه شورای  
 نمایندگان سرمازان روس منتشر شد از جمله چنین میخوانیم :  
 از بیانیته کمیته ایالتی حزب موکرات :

" رسید آنروزی که ایرانیان آزاد یخواه با وجود اینکه اسیر بودند ۰۰۰ پیوسته درد لهای  
 پژمرده و در قلوب افسرد خود خیال آنرا تجسم داده و با اثربهت و عظمت آن امسار  
 حیات می نمودند . زنده بودند برای آنکه ببینند آزادی زندگی از سر گرفت و مردن نمیخواستند  
 جهت اینکه مرگ استبداد را ببینند ۰۰۰ هموطنان وهم مسلمانان دست درد ست روسها و  
 با اتفاق با مصت و مودت بشتابید و بروید بر سر قبر شهدا و تا ثرات و تحسرات خود را  
 به آن ارواح پاک اظهار دارید و به تمامی مردم بفرمائید که قدر دان هستند و وفادارند .  
 برای نخستین بار در بیان اعلامیه پس از شعارهای : " شاد باش ارواح شهدای وطن " ، " زنده  
 باد ملت آزاد روس " ، " زنده باد ملت آزاد ایران " شعاری نیز داده شده بود که از برخورد با سرمازان  
 بلشویک روس نشأت میگرفت : " اتحاد و اتفاق کنید رنجبران تمام ملل " .  
 از بیان نامه کمیته اجرائیه شورای نمایندگان سرمازان روس :

" ۰۰۰ ملت آزاد شده روس بطرف شما ای همراهان عزیز ایرانی می شتابد که بگوید : او  
 در ریختن خون همراهان گرامی ما ( یعنی انقلابیون ایران ) مقصر نیست . امروز ملت انقلابی  
 روس که نماینده اش شورای وکلای سالد آنها ۰۰۰ است بر سر قبر همراهان خود که  
 انقلابیون ایران باشد می رود که بد آنها بگوید ملت انقلابی روس با خون خودش که در  
 کوچه های پطروگراد در ماه فروردین سال جاری کرده است از روی خود آن لکه سیاهی را  
 که سعی و تلاش حکام ایران و روس در سال ۱۹۱۱ بوی زنده بودند شست و برد و خون  
 بیگانه که مستبدین ایران با حرص و آرزو می کشیدند بودند بی انتقام نماند ۰۰۰ " .  
 اینکه در هیئت اجرائیه شورای نمایندگان سالد آنها چه افکاری حکم فرماید از شعارهای پایان  
 بیان نامه هوید است : " زنده باد اخوت تمام ملل ! زنده باد منتهای اعمال جهاد رنجبران ! زنده باد  
 سوسیالیسم !



در چنین محیطی که زائیده جریانات قبل از اکتبر در روسیه و مبارزه حزب بلشویک برای بدست گرفتن  
 زمام قدرت بود جنبش در شمال ایران - آذربایجان و گیلان و مازندران - جان گرفت :

آذربایجان - در آذربایجان کمیته ایالتی سابق حزب موکرات امکان فعالیت علنی یافت و درصد  
 بمسقط شبکه های سازمانی خود برآورد پنحوی که پس از شش ماه - در اواخر ۱۹۱۷ توانست کنفرانس  
 ایالتی خود را در شهر تبریز با حضور ۴۸ نفر نمایندگ از کلیه نواحی آذربایجان برگزار نماید .  
 کنفرانس تأیید کرد که سقوط رژیم تزاری روسیه امکانات بزرگی برای فعالیت آزاد یخواهان ایران  
 فراهم ساخته است .

از آنجا که رابطه ارگانیک با مرکز حزب در شرائط آنروزی دشوار بود کنفرانس تصمیم گرفت که -  
 سازمان ایالتی حزب موکرات ایران در آذربایجان فرقه د موکرات آذربایجان بطور مستقل تشکیل شود .  
 بجای کمیته ایالتی کمیته مرکزی مرکب از ۱۳ نفر به صدارت شیخ محمد خیابانی انتخاب شد .  
 روزنامه " تجدید " از آن پس بعنوان ارکان کمیته مرکزی تحت نظر مرحوم خیابانی قرار گرفت . فرقه  
 د موکرات آذربایجان خط مشی عمومی خود را مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس در راه آزادی و استقلال ایران  
 و برقراری دموکراسی واقعی در کشور اعلام داشت .  
 بطوریکه غ . محمد لی در کتاب خود بنام " خیابانی " منتشره در باکو بحال ۱۹۴۹ مینهد ، خیابانی

براهنمائی قنبرافصد ر بلشویک شورای نمایندگان سربازان روس در تبریز ، در ماه مه ۱۹۱۷ بمنظور برخورد بارهبران بلشویک مسافرتی به شهر تغلیس میکند و پس از مراجعت در مجلس ضیافتی که در اقامتگاه سربازان انقلابی روس تشکیل می یابد نطق مفصلی در زمینه اتحاد و برادری میان خلقهای روس و ایران در باره اوضاع روسیه پس از انقلاب قهریه ایراد مینماید و در این نطق از تظاهرات آرمیل لنین و از تحولی که در انتظار انقلاب روسیه است صحبت مینماید.

موضع انقلابی خیابانی موجب تحریکات و پرووکاسیونهای متعددی از جانب مرتجعین علیه فرقه د موکرات میشود که خیابانی در آستانه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر (در تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۱۷) ضمن نطق خود در میتینگ عظیمی که در محل روزنامه "تجدد" تشکیل شد این تحریکات را افشا و حاضران را تشویق به ادامه مبارزه مینماید.

گیلان - جنبش جنگل - اهمیت عمده جنبش جنگلیها در آن بود که این جنبش در محوطه اشغال شمال ایران بوسیله نیروهای تزاری و در مسیر این نیروها بوجود آمد. از این نظر آلمانها و عثمانیها امید فراوانی به جنبش جنگل بسته بودند، زیرا انترناتیونی میدانستند که میتواند همواره عقب جبهه ارتش تزاران در عرض تهدید نگاهدارد. از این نظر کمک قابل توجهی، هم از نظر ارسال اسلحه و هم از جهت اعزام متخصص نظامی، به جنبش گیلان کردند.

بنظر نگارنده که جریان بعدی وقایع نیز صحت آترناتیونیست میکند همکاری میرزا کوچک خان با آلمانها و عثمانیها هیچگاه عمقی نبود و جنبه تاکتیکی داشته است.

خواستهای جنگلیها در بد و امر بسیار محدود بود و از چهارچوب اجرای قانون اساسی ایران خارج نمیشد. هدف عمده - مبارزه علیه امپریالیستهای تزاری و انگلیس بود - جنبشی بود که بدست عمده ای از انقلابیون معتدل (پورروازی تجاری، خرد و پورروازی و ملاکان متوسط و لیبرال) بوجود آمده بود. با توجه به این ماهیت و اعتدالی که در خواستهای جنگلیها دیده میشد دولت مستوفی - که خود در آنموقع متعادل به آلمانها بود - در آستانه تعطیل مجلس سوم کوچک خان را ترغیب و تشویق به توسعه فعالیت میکرد و حتی از شاه برای وی لقب "سردار جنگل" گرفت.

با اینحال جنبش جنگل تا انقلاب قهریه ۱۹۱۷ روس هیچگاه از اعماق جنگل بیرون نیامد و امیدهای هواداران اجباری و واقعی خود را به تحقق نرساند.

انقلاب قهریه و امکانات بعدی که مبارزه انقلابی در روسیه برای توسعه جنبش در شمال ایسران فراهم ساخته به جنبش جنگل نیز امکان گسترش داد. جنگلیها توانستند بدون ملاحظه از پادگانهای روس فعالیت خود را در خود گیلان و نیز در مازندران و گرگان از طریق همکاری با متنفذین محل بویژه با امیر مؤید سوادکوهی و پسرانش که از تبعیت دولت طی زمامداری وثوق الدوله سرباز زده بودند بسط دهند. از ماه مه ۱۹۱۷ روزنامه "جنگل" بعنوان ارگان رسمی نهضت جنگل و کمیته اتحاد اسلام که ظاهرا رهبری نهضت را بعهده داشت منتشر شد. این روزنامه بدست به افشا امپریالیسم انگلیس و حکومت وقت که دست نشاندۀ این امپریالیسم بود زد. در آستانه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر جنگل بدل به نیروی مادی قابل توجهی علیه امپریالیسم انگلیس شد.

\*\*\*

چنین بود منظره جنبش رهائی بخش مردم ایران در آستانه وقوع انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر روسیه

### ۳- انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و جنبش رهائی بخش مردم ایران

روز ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ (۱۷ نوامبر به تقویم جدید) زحمتکشان روسیه بسرکردگی طبقه کارگر زهرهبری حزب کمونیست (بلشویک) و شخص لنین در نتیجه قیام مسلحانه قدرت حاکمه را از حکومت موقت یعنی

نمایندگان بورژوازی و منشویکها متزعم و حکومت شوهرها را برقرار ساختند.  
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریتحولی بنیادی در تاریخ بشر ایجاد کرد، دریک ششم کره زمین استیلا  
انسان از انسان را برانداخت، ضربه نیرومندی بر اساس سرمایه داری جهانی وارد نمود و سیستم مستعمر  
امپریالیسم را در چار بحرانی ژرف نمود.  
انقلاب اکثر راه را برای مبارزه ملل مستعده و گشودن نشان داد که ملل مستعمرات میتوانند در وجود  
طبقه کارگر کشورهای صاحب مستعمره متفقین واقعی داشته باشند.  
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت روسیه برای مردم ایران دارای اهمیت ویژه ای بود. چنانچه گذشت  
مبارزه بلشویکها از هنگامی که هنوز انقلاب اکثریت پیروز نشده بود به جنبش رهائی بخش مردم ایران الهام  
می بخشید. ولی فرق ماهوی این انقلاب با انقلاب فوری برای ایرانیان تنها پس از اقامت اولیه حکومت  
نهیاد شوروی روشن شد. آزاد پخواهان اطمینان یافتند که سیاست استعمار از این پس دیگر هیچگاه ایران  
را از شمال تهدید نخواهد کرد.

نخستین گامهای حکومت شوروی - فردای انقلاب حکومت شوروی فرمانی مبنی بر برقراری صلح که  
مردم ایران نیز تشنه آن بودند صادر کرد و اعلام داشت که از اکنون به بعد کلیه قرارداد های نامتساوی با  
کشورهای دیگر ملغی خواهد بود؛ بمنظور افشا سیاست گذشته تزارها و حکومت موقت کلیه قرارداد های  
سری از انجمله قرارداد ۱۹۱۵ مربوط به تقسیم مجدد ایران را که تا آنوقت مردم ایران از وجود شیئی اطلاع  
بودند منتشر نمود؛ در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۱۷ یعنی بلافاصله پس از تصرف قدرت اعلامیه حقوق ملل  
روسیه منتشر شد که در آن تساوی کامل حقوق ملل و حق آنها در تعیین سرنوشت خویش اعلام شده بود؛ در  
پیام "به همه زحمتکشان مسلمان روسیه و خاور" به امضا شخص نین بتاریخ ۳ دسامبر ۱۹۱۷ اعلام  
شد که قرارداد تقسیم ایران از هم دریده و معدوم شده است، بمجرد پایان عملیات نظامی واحد های  
نظامی روس را از ایران فراخواند، میشوند و ایرانیان خود در تعیین سرنوشت خویش مختار خواهند بود. در این  
پیام گفته میشود که "بردگی از جانب روسیه و حکومت انقلابی آن در کمین شمانیست بلکه از جانب جهانخواران  
امپریالیستی اروپا و از جانب آنهاست که میهن شمارا به "مستعمره" غارت زده و تاراج شده - بدل  
کرده اند"؛ در قرارداد متارکه با المان منعقد در شهر برست (۱۵ دسامبر ۱۹۱۷) بنابه پیشنهاد هیئت  
نماینده شوروی ماده ای گنجانده شد دائر برآنکه نیروهای روس و عثمانی باید فوراً ایران را ترک کنند.

### جنبش رهائی بخش مردم ایران پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت

جزر و مد جنبش رهائی بخش مردم ایران پس از انقلاب اکثریت بستگی کامل بانوساناتی دارد که حکومت  
شوروی در مبارزه خود بانیروهای متجاوز طی کرده است.  
تخلیه ایران از ارتش روس، اشغال کشور از طرف نیروهای انگلیس، عقب نشینی موقت ارتش سرخ در  
مقابل متجاوزین و پیشروی انگلیسها به قفقاز، پیروزیهای ارتش سرخ و برقراری مجدد رژیم شوروی در  
کشورهای ماوراء قفقاز، - هر یک از اینها تا "تیر خاص خود را در چگونگی وضع نیروهای انقلابی ایران گذارده  
است."

از این نظر میتوان برای جنبش انقلابی ایران پس از انقلاب اکثریت سه مرحله قائل شد :

۱) از انقلاب اکثریت تا تخلیه کامل شمال ایران از نیروهای روس و اشغال آن از جانب انگلیسها،  
که مرحله دوم اوج جنبش انقلابی و ادامه تجهیز نیروهای آزاد یخواه و دموکراتیک کشور است.  
در این مرحله با اعتماد به بی نظری و حتی پشتیبانی حکومت نهیاد شوروی مبارزه مردم ایران باتمام  
نیروی خود متوجه امپریالیسم انگلیس است که میخواهد از موقع استفاده نکند و تسلط همه جانبه خود را در

ایران یوفر سازد.

از حسن توجه آزاد یخوآهان ایران به حکومت شوروی بخو بی پید است که گرایش عناصر آزاد یخوآه بسوی آلمان و عثمانی و همکاری با آنها بطور عمد ه از نظر تاکتیکی و استفاد ه از تضاد بین امپریالیست ها و اغتنام فرصت بود ه است .

اهمیتی که مبارزه این مرحله دارد جنبه همگانی آنست که حتی عد ه ای از قوید الهها و رو ه سالی عشایر در آن شرکت فعال دارند .

در اغلب نقاط ایران در این مرحله دستجات د اطلب برای مبارزه بانبروهای نظامی انگلیس تشکیل شد و طی پیشروی انگلیس هازد و خورد هائی رخ میداد : در جنوب ایران عشائر قشقایی و ایلات اطراف کازرون مجد د اعلیه انگلیس هادست به قیام زد ند . دامنه مبارزه علیه انگلیس ها در فارس تا آنجا وسعت یافت که در اواسط سال ۱۹۱۸ قیام ضد انگلیس واحد های پلیس جنوب رانیز در برگرفت و ارتش ایدادی انگلیس به فرماندهی ژنرال د وگلاس بزحمت توانست نیروهای انگلیسی مقیم شیراز را که تلفات زیاد داد ه بودند از حلقه محاصره بیرون آورد . در ناحیه قصر شیرین و کرمانشاه نیروهای انگلیس به مقاومت شد پد ایل سنجایی برخورد ند که عد ه ای از دموکراتها و در رأس آنها سلیمان میرزا را پناه داد ه بود و تنها پس از اعزام واحد های مجهز توانستند منظر خود را که توقیف دموکراتها بود علمی سازند .

باز داشت سلیمان میرزا و همراهانش از طرف انگلیس هاد کرمانشاه موجب انعکاس وسیعی در سرتاسر کشور شد . در سرتاسر کشور میتینگ ها و تظاهراتی اعتراضیه تشکیل شد . جنگلی ها در رشت بعنوان مقابله بمثل کنسول انگلیس را باز داشت نمود و استخلاصش را منوط به آزادی سلیمان میرزا کرد ند .

جمعیت های گوناگونی از طبقات مختلف تشکیل میشد که هدف یگانگ آنها مقابله با تجاوز امپریالیسم انگلیس بود . در نامه سرکشاد ه ای به امضا " هیئت وطن پرستان ایران " خطاب به سرشارل مارلینگ وزیر مختار انگلیس مقیم تهران که در روزنامه ستاره ایران مورخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶ درج شده و ما از کتاب " قیام خریابانی " علی آذری (صفحه ۳۵۶) نقل میکنیم خواست این جمعیت چنین خلاصه شده است :  
۱) تسلیم پلیس جنوب بحکومت ایران و احضار قوری صاحب منصبان انگلیسی که اکنون فرمانده این قشون هستند .

۲) تخلیه ایران از قشون انگلیس بدون استثنا هیچ نقطه .

۳) استرداد وجوهی که حقا متعلق به حکومت ایرانست و بانک شاهنشاهی من غیر حق تسوقیف کرده است .

در پایان نامه میخوانیم : تمام اشخاصی که از اوضاع ایران مطلع هستند موافقت خواهند کرد که این سه خواهش مشروع است و ابد ا استدعای بذل مرحمت فائقی نیست که از حکومت انگلیس میکنیم فقط جبران ستکاری ها و وظایلی است که به ملت ایران وارد شده است .

در همان موقع هیئت بنام " جمعیت جنوب ایران " مرکب از نمایندگان شیراز ، کرمان ، یسزد و اصفهان نامه ای به فرقه دموکرات آذربایجان مینویسد که این جمعیت به استظهار حزب دموکرات ایران تشکیل شده و از فرقه دموکرات آذربایجان برای مبارزه خود استداد میکند .

فرقه دموکرات آذربایجان پس از وقوع انقلاب اکثر بد ل به نیروی مقتدری شد و خود را برای فعالیت های مهمتری از جمله برای فعالیت مسلحانه آماده میساخت . از جمله اقدامات فرقه مذکره با فرماندهان ارتش روس برای برقراری کنترل خود بر ذخیره تسلیحات روسها در شرفخانه بود که با موفقیت انجام شد . علی آذری این موضوع را چنین شرح میدهد :

" فرقه دموکرات برای مذکره با مقامات دولتی و ملی روس بیک سلسله اقدامات شروع نمود ه کمیته های اجراییه که همواره مناسبات دستتانه یادموکراتهای ایران داشتند و رو مساه و ژنرالهای قشون روس این مسئله را موضوع مباحثه قرار داد ه مراجع لازم را نیز بوسیله اعزام



نمایندگان صلاحیت اراز نظر خود مستحضرا ساختند ۰۰۰ این مذاکرات که باند پشه مراعات منافع متقابلۀ دموکراسی روس و ایران آغاز شده بود از يك مجرای صمیمی و قانونی گذشته با ترتیبات و شرائطی که لازم بود ذخیره قشونی شرفخانه را بنظر مراقبت ایرانیان تسلیم نمود (۱) پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر تکان نوبتی بود که به جنبش دراز راپیچان داده شد. در نمایشات و میتینگها و در محابرات حضوری تلگرافی، رهبران فرقه و در رأس آنها خیابانی خواستار تغییر دولت، برقراری آزاد پهای دموکراتیک، انجام هر چه زود تر انتخابات و روی کار آمدن کابینه مورد قبول آزاد پخواهان بودند. اقدامات دموکراتها در تهران و سایر نقاط ایران و بویژه فشار از راپیچان کابینه شوق الدوله را مجبور به کناره گیری کرد بطوریکه خود شوق الدوله برای آنکه از گزند محفوظ بماند مدتی در مسجد شاه متحصن بود.

کابینه مستوفی المعالک که در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۸ روی کار آمد برای تسکین افکار عمومی در یادداشتی به سفارت انگلیس اجرای مواد زیر را خواستار شد:

تخلیه ایران از نیروهای خارجی و قرارداد ن پلیس جنوب در اختیار دولت ایران،  
الفاً قرارداد ۱۹۰۷،  
تجدید نظر در تعرفه های گمرکی.

کابینه مستوفی در اثر فشار انگلیس ها دیری نپایید ولی فشار افکار عمومی که خواهان تجدید نظر در کلیه قرارداد های ایران با کشورهای خارجی بر اساس روشی که روسیه شوروی اتخاذ کرده است بودند، آنقدر بود که کابینه مصصام السلطنه هم که در ۱۶ آوریل ۱۹۱۸ سرکار آمد در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۱۸ (۴ مرداد ۱۲۹۷) علیرغم نظر شاه و انگلیسها تصمیم به الفاً کلیه قرارداد های نامتساوی منعقد شده با کشورهای دیگر گرفت. در این باره در "تاریخ احزاب سیاسی" بهار (صفحات ۳۰-۳۱) چنین میخوانیم:

"در کابینه او (مصصام السلطنه - نگارنده) تصویب نامه هائی امضا شده بود که اسباب کدورت شاه را فراهم آورد ۰۰۰ روز یکشنبه ۲۶ شوال شاه به مصصام السلطنه تغییر کرد ۰۰۰ سپس تکلیف استعفا کرد. مصصام السلطنه گفت: ما استعفا نمیدهم شما را معزول کنید و از نزد شاه برگشت و در هیئت وزراء استازا به رفقا گفت ۰۰۰ در همان جلسه الفاً کاپیتولاسیون و لغو امتیاز لیانوزوف نیز بتصویب رسید ۰۰۰ این اخبار شاه را متوحش کرد. از دربار به مصصام السلطنه تلفون شد که شاه میفرماید: شما وزیر نیستید و استقامت شما در مقابل اراده شاه عواقب وخیم دارد."

مهمترین واقعه این مرحله شکست انگلیسها در شمال ایرانست. در شمال ایران پس از انقلاب فوریه و بخصوص پس از انقلاب اکثر نیروی قابل توجهی در اطراف جنگل گرد آمد، چنانچه واحد های ژنرال دسترویل بهنگام برخورد با نیروهای جنگل تاب مقاومت نیاورد و سراسیمه تهاذ ان عقب نشستند. بنا به اعتراف ژنرال دسترویل راه طوری برای نیروهای ملی باز شده بود که بدون دغدغه خاطر میتوانستند تا خود تهران پیشروی کنند.

ولی تغییر اوضاع در روسیه در اثر جنگ داخلی راه را برای تسلط کامل انگلیسها هموار تر میساخت. سقوط کابینه مصصام السلطنه و روی کار آمدن مجدد کابینه شوق الدوله در اوت ۱۹۱۸ انعکاس مستقیم این وقایع بود که مبارزه مردم ایران را در مجرای تازه ای می انداخت.

## ۲- از اواخر سال ۱۹۱۸ تا سال ۱۹۲۰

این دوران مصادف است با عقب نشینی موقت انقلاب روسیه و محاصره روسیه شوروی از جانب دخاله گران خارجی و حملات ارتشهای گوناگون سفید بمنظور احیای رژیم سرمایه داری. حوادث ایران:

(۱) علی ادری "قیام خیابانی" صفحه ۲۶۶

توسعه عملیات اشغال‌الکرانه ارتش عثمانی در آذربایجان، اشغال نواحی دیگر ایران از طرف نیروهای انگلیس که تا آخر سال ۱۹۱۸ پس از خروج عثمانیها تمام کشور را زیر تسلط خود درآوردند، روی کار آمدن مجدد حکومت وثوق الدوله و عقد قرارداد ۱۹۱۹، تعقیب و ترور آزادپخواهان و دیگر مکرانها .

\* \* \*

چنانچه گذشت طبق ماده ای که به پیشنهاد هیئت نمایندگی شوروی در قرارداد متارکه برست گنجانده شده بود نیروهای عثمانی میبایست همزمان با نیروهای روس ایران را ترک کنند - تعهدی که اجرای آن از جانب روسیه شوروی بلافاصله آغاز شد . تا اول فروردین ۱۲۹۷ (۲۳ مارس ۱۹۱۸) ایران از نیروهای روس پاک شده بود . ولی ارتش عثمانی همچنان در شمال غربی آذربایجان باقی ماند و بدینحال تخریب ایران از ارتش روس، دست به اشغال سایر نقاط آذربایجان نیز زد و بتدریج شهرهای دیگر و بالاخره تبریز را اشغال نمود .

عثمانیها ضمن اشغال آذربایجان به مقاومت سخت در مکرانها برخوردند . تجاوزات ارتش عثمانی که روش غالب و مغلوب زابا اهلالی آذربایجان پیش گرفته بودند موجب تباشیرتگی اهلالی را فراهم ساخته بود و این خود به مکرانها نیروی بیشتری برای مقابله میداد . غ - محمدلی در تشریح درجه نفرت اهلالی و مقاومت آنها در مقابل ارتش عثمانی مینویسد : « شبی نبود که در پس کوچه ها و باغات تبریز ۵ - ۱۰ نفر افسر و یاساز عثمانی بدست اهلالی کشته نشده باشند . کار انتقام جویی مردم بجائی رسیده بود که فرماندهی ارتش عثمانی ترخیص سپهنگام رادر سر بازنخانه هامضوع ساخت » (۱) .

بمنظور ایجاد تکیه گاه اجتماعی و مقابله با مکرانها عثمانیها بوسیله یوسف ضیا و عد ه ای دیگر از پان ترکیست ها دست به تشکیل سازمانهای "اتحاد اسلام" زدند . ولی استقبالی در آذربایجان از این سازمان نشد . فجاج عثمانیها محلی برای رخنه در قلوب مردم آذربایجان باقی نگذازد . لذا به حربه زور و ترور متشبث شدند . باد ستیاری مكرم الملك متصدی استانداری وقت در ۱۵ اوت ۱۹۱۸ رهبران فرقه د مکران بدست فرماندهی نیروی عثمانی بازداشت، عد ه ای آنها در شرایط سنگینی در خود تبریز زندانی شدند و عد ه ای از انجمله شیخ محمد خیابانی، میرزا اسمعیل نویری محمد علی بادامچی و غیره) به ارومیه تبعید گشتند و تا پایان جنگ و تخریب آذربایجان از طرف عثمانیها در بازداشت باقی ماندند . فرماندهی ارتش عثمانی هنگام عقب نشینی، خیابانی و یارانش را نخست به شرفخانه و سپس به صوفیان منتقل ساخت تا از آنجا به تبریز عودت دهد ولی در نتیجه تقاضای مكرم الملك که از مراجعت آنها بیفناک بود آنها را موقتاً به قارص فرستاد پس از آنکه دیگر امکانی برای نگاهداری آنها نماند به آذربایجان عودت داد (۲) .

در این میان نیروهای انگلیس بتدریج دامنه اشغال را توسعه دادند بنحویکه تا آخر سال ۱۹۱۸ تمام مناطق کشور زیر اشغال ارتش انگلیس بود .

اکنون پس از تشکیل حکومت شوروی ایران برای انگلیسها نظرسوق الجیشی نیز اهمیت ویژه ای پیدا میکرد . امپریالیسم انگلیس نقشه های وسیعی در سر بروراند . بود از انجمله دست یافتن به منابع نفت پاکو، بوجود آوردن دولت‌های دست نشانده و حائل در مارا قفقاز و آسیای میانه و استفاد از ایران بعنوان پایگاه ثابت نظامی علیه شوروی .

بمنظور اجرای این نقشه های امپریالیستی، نیروهای انگلیس از خراسان تحت فرماندهی ژنرال مالمسون بسوی ترکمنستان و از همدان و قزوین تحت فرماندهی ژنرال دسترویل بسوی مارا قفقاز رهسپار شدند .

در ژوئن سال ۱۹۱۸ انگلیسها بار دوم با جنگلیهاروبرو شدند و اینبار با استفاد از تجربه گذشته و

(۱) غ - محمدلی - "خیابانی" - صفحه ۶۱

(۲) همانجا

بمکمل قزاقان ضد انقلابی روس تحت فرماندهی سرهنگ بیچراخف شکست سختی به جنگلیها وارد ساخته و راه خود را باز کردند.

تحت نفوذ جناح سازشکار رهبری جنگل، سازشی بین میرزا کوچک خان و انگلیسها بعمل آمد که تأمین کنندگی خواست امپریالیسم انگلیس بود. کوچک خان در مقابل شناسائی رسمی از طرف انگلیسها بمنسوبان فرماندار گیلان، راه عبور سربازان انگلیس را بسوی قفقاز و طرق تا مین آنها را از جهت آذوقه باز میگذاشت. سازش با فرماندهی انگلیس ضربه بزرگی به نفوذ وحیثیت جنبش گیلان وارد ساخت.

در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۱۹ قرارداد معروف بین کابینه وثوق الدوله و دولت انگلستان امضاء شد که طبق آن انگلیسها کنترل خود را بر کلیه شئون نظامی، اقتصادی و مالی کشور برقرار مینمودند. حکومت وثوق الدوله که امیدوی به مجلس آینده نداشت در انتظار آن نماند و با ورود مستشاران مالی و نظامی انگلیس قرارداد عملاً بموقع اجرا گذارده شد.

طی یکسال که از عمر کابینه وثوق الدوله میگذشت اقدامات همه جانبه ای از طرف دولت و بویژه از طرف فرماندهی نیروی انگلیس بعمل آمد که بود تابتوان جلوی هرگونه اعتراضی را از طرف افکار عمومی گرفت. در مسیر عبور سربازان انگلیسی کلیه رهبران دموکرات و آزادیخواه بدست اداره سیاسی ارتش انگلیس بازداشت و به بغداد و هندوستان تبعید شده بودند؛ در تهران حکومت نظامی برقرار و اجتماعات قذغن شد؛ در تبریز پس از آنهم که رهبران دموکراتها از تبعید برگشتند آزادی عملشان بواسطه وجود واحد های انگلیسی و اقدامات دولت محدود بود؛ در گیلان جنگلیها در مقابل انگلیسها راه تسلیم طلبی پیش گرفته بودند. چنین بنظر میرسد که شرایط از هر جهت برای عقد بی سروصدا ای قرارداد با انگلستان فراهم است. با اینحال خبر امضاء قرارداد موجب اعتراض را برانگیخت؛ در تهران با وجود حکومت نظامی بازار به علامت اعتراض بسته شد و اجتماعات متعددی با شعارهای ضد کابینه وثوق الدوله و انگلیس تشکیل شد، در اکثر ولایات نمایندهای اعتراضیه برگذار میشد. جواب مردم تبریز این بود که علیرغم تمام دسائس دولت شش نفر از نه نفر وکلا خود را از دموکراتها انتخاب کردند تا در مجلس علیه قرارداد مبارزه کنند.

جنگل نیز با آنکه قرارداد متارکه با انگلیسها داشت از جنبش برکنار نماند و در اعلامیه ای که میرزا کوچک خان صادر کرد مردم بمبارزه برای برانداختن کابینه وثوق الدوله دعوت میشدند.

از آنجا که در ان موقع تنها نیروی مسلح انقلاب جنگل بود لذا حکومت وثوق الدوله خود در صدد قلع و قمع این نیرو برآمد و علیه جنگلیها دست به عملیات نظامی زد. نیروهای دولتی پس از درهم شکستن مقاومت جنگلیها وارد رشت شدند. سردار معظم خراسانی (تیمورتاش) که به استناد آری گیلان اعزام شده بود بنا بدستور حکومت وثوق الدوله برای سرکوب جنبش از هیچ جنایتی فروگذران نکرد. بهترین مجاهدان نهضت گیلان و در رأس آنها دکتراحضمت بدار او پخته شدند، عدده زیادی بدست نظامیان بقتل رسیدند.

در این شرایط تعقیب و تهر مذاکراتی بین نمایندگان وثوق الدوله و میرزا کوچک خان بعمل آمد که منتهج به ابراز اطاعت کوچک خان شد.

بدین ترتیب این اجاق مقاومت نیز در شرف خاموش شدن بود که پیشروی ارتش سرخ و فرار انگلیسها چرخش نئینی بوجود آورد.

### ۳- سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۰

لنین در ضمن نطق خود در دومین کنگره سازمانهای کمونیستی مردم خاور زمین در باره پیروزیهای ارتش سرخ و اهمیت که این پیروزیها برای مبارزه ملل شرق داشته است چنین میگوید:

" بنظر من کاری که ارتش سرخ انجام داده است، مبارزه و تاریخ پیروزیهای این ارتش برای همه مردم خاور زمین اهمیت عظیم، اهمیت جهانی دارد" (لنین کلیات، چاپ چهارم، جلد ۳۰، صفحه ۱۳۲ بزبان روسی).

برای ایران که همسایهٔ بلاواسطهٔ روسیهٔ شوروی بود اهمیت این پیروزیها بیش از هر نقطهٔ دیگر بود. ورود ارتش سرخ به ما را قفقاز نقشه های امپریالیسم انگلیس و ارتجاع ایران را که تبعیت مطلق از سیاست این امپریالیسم داشت، برهم زد.

با آنکه در همان بدو تشکیل حکومت شوروی این حکومت از طرف ایران برسمیت شناخته شده بود کابینهٔ وشوق الدوله بدستور انگلیسها مجرد تشکیل دلتهای دست نشاندهٔ آنرا بچنان مساوات و ارضمستان د اشناك این دلتها را که از جانب انگلیسها علیه روسیهٔ شوروی تقویت میشدند، برسمیت شناخت و بلافاصله بمنظور عقد قرارداد مودت و قرارداد گمرکی، ترانزیت و کونسولی با این دلتها وارد مذاکره شد (۱). و حال آنکه به سفیر شوروی هنوز پذیرش داده نشده بود و سفارت شوروی در اشغال کاردارتزاری بود که حقوق خود را از سفارت انگلیس دریافت مینمود (۲).

حکومت ایران شتابزدگی بی نظیری در اجرای نظریات انگلیسها ایر به تقویت دلتهای ما را قفقاز نشان داد. قرارداد بین ایران و آنرا بچنان مساوات دست در آستانهٔ ورود ارتش سرخ به آنرا بچنان یعنی در بیستم ماه مارس ۱۹۲۰ امضا شد در صورتیکه در اوائل آوریل ارتش سرخ به آنرا بچنان رسید و در ۲۸ آوریل در آنرا بچنان حکومت شوروی اعلام گردید.

کابینهٔ وشوق الدوله کوشید از سوء اثر این اقدام بکاهد و بلافاصله به مسکو تلگراف کرد که حاضر است برای عقد قرارداد بباد و لت شوروی وارد مذاکره شود ولی پاسخ شنید که بدو "دولت ایران باید قوای

(۱) پس از ورود عاد لخان زیاد خان سفیر آنرا بچنان مساوات بتهران و افتتاح سفارتخانهٔ این دولت در کنار سفارت روسیهٔ تزاری از طرف دولت ایران سید ضیا الدین طباطبائی به آنرا بچنان برای مذاکره و عقد قرارداد اعزام گردید و قرارداد بین ایران و آنرا بچنان مساوات را پاراف کرد. در همین سفر سید ضیا الدین رسالهٔ مشهور خود را در تجدید قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس در باکو بطبع رسانید و در نسخ فراوانی با جا. نفیس بایران فرستاد که مجاناً توزیع شد.

(۲) شناسائی حکومت شوروی از طرف ایران در ماه مه ۱۹۱۷ بعمل آمد. دولت شوروی براوین را که قبلاً کونسولیارد و لت تزاری در قرزوین و سپس کونسول خوبی بود و از حکومت جدید تبعیت کرده بود بعنوان نمایندۀ سیاسی خود به تهران اعزام داشت. براوین باشر و هیجان فوق العاده ای از طرف اهالی تهران استقبال گردید و اعلام نمود که حاضر است "برای الغاء معاهدات نامشروع که بزهر سرنیزهٔ دولت سرنگون شدهٔ تزاری از دولت ضعیف و نجیب ایران گرفته شده است، با هیئت دولت ایران وارد مذاکره شود". ولی دولت ایران در نتیجهٔ فشار سفارت انگلیس حاضر به پذیرش وی نگشت. دولت شوروی در ماه ژوئیه ۱۹۱۸ سفارت فوق العاده ای تحت ریاست کولومبیسف به تهران اعزام نمود که صاف با پایان عمر کابینهٔ مصصام السلطنه و روی کار آمدن وشوق الدوله بود. پس از آنکه وشوق الدوله از پذیرش این هیئت نیز سرپسچید اعضا آن از طرف ما مهران انگلیس بازداشت و به هند وستان فرستاده شدند. شخصی کولو میسف توانست فرار کند و خود را به شوروی برساند. یک سال بعد برای دومین بار کولو میسف بعنوان نمایندۀ مختار شوروی به ایران اعزام گردید ولی هنگام ورود به ایران بدست قزاقانی که تحت فرماندهی سرهنگ فیلیپ اف فرستاده شده بودند بقتل رسید.

تهداد ماه سال ۱۹۲۱ پس از الغاء قرارداد ۱۹۱۹ و عقب نشینی نیروی انگلیس

تدو رو نوشتین نخستین نمایندۀ مختار شوروی وارد تهران شد.

انگلیس را از خاک خود خارج کند و الا قوای ساوت (شهری) بایران حمله خواهند کرد" (۱) .  
 نیروهای انگلیس در قفقاز از بهم روروشدن با ارتش سرخ قبل از ورود سربازان شهری، باکو و  
 ترکمنستان را ترک کرده و در گیلان نیز راه عقب نشینی اختیار نمودند .  
 پیشرفتهای ارتش سرخ، عقب نشینی سراسیمه نیروهای ضد انقلاب و از انجمله هزیمت نیروهای  
 انگلیس تکان نیرومندی به جنبش رهایی بخش مردم ایران بدو داد و در آذربایجان و گیلان و سپس در نقاط  
 دیگر ایران داد و مرحله نویی در مبارزه مردم ایران آغاز شد .  
 مبارزه مردم ایران در این مرحله صرف نظر از زیاد رویها و چپ رویهای زبان آورده ف واحدی  
 داشت که عبارت بود از اخراج امپریالیستهای انگلیس از ایران ، برانداختن کابینه شوق الدوله و الغاء  
 قرارداد ۱۹۱۹ . اکنون جنبش رهایی بخش نه تنها از پشت جبهه خود مطمئن بود بلکه به کمک و  
 پشتیبانی از آسمو نیز اعتماد داشت .  
 کانون اصلی مبارزه در این مرحله آذربایجان و بویژه گیلان و سپس خراسان بود :

آذربایجان - چنانچه دیدیم نه تنها دموکراتها با وجود محدود شدن امکانات مبارزه، مواضع خود  
 را حفظ کردند بلکه در نتیجه فعالیت علیه ستکارهای ارتش عثمانی اعتبار بیشتری بدست آوردند که  
 کامیابی آنها در انتخابات دوره چهارم مؤید این نکته است .  
 پیشروی های ارتش سرخ به مبارزه آنها الهام میبخشید . شب عید نوروز ۱۲۹۹ مصادف با بیستم  
 مارس ۱۹۲۰ میتینگ عظیمی با شرکت بیش از بیست هزار نفر در تبریز از کلیه طبقات آهالی و حتی  
 مستخدمین ادارات تشکیل شد که با فریاد های "مردم باد انگلیس" و احساسات پرشوری بنفع شهری پایان  
 یافت . پادگان انگلیس که به چرخش اوضاع واقف بود از دخالت سرپیچید و از شهر خارج شد . ولی  
 شهرمانی طبق روال موجود خود دست به بازداشت ها و تضيیقاتی زد که جرقه ای برای اشتعال قیام بود .  
 قیام در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۲۰ (۱۲ فروردین ۱۲۹۹) آغاز شد . طی دویز همه ادارات از انجمله  
 شهرمانی بدست قیامیون افتاد و در نتیجه اتمام حجت خیابانی روسای سویدی شهرمانی شهر را ترک  
 کردند .

در آغاز قیام هیئتی برای اداره آن بنام "هیئت اجتماعی" تشکیل شد . در بیانیه این هیئت که  
 برای نمایندگان خارجی نیز فرستاده شد "تعامت پروگرام" قیام چنین خلاصه شده بود : "تحصیل یک  
 اطمینان تام و کامل از این حیث که ما موهوبین حکومت رژیم آزادانه مملکت را محترم و قوانین اساسیه را  
 که چگونگی آنرا معین می نماید بطور صادقانه مرعی و مجری دارد" (۲) . و خیابانی در نطق خود گفت : "من  
 رسماً به همه جهانیان اعلام میکنم که ما بر علیه این حکومت که قرارداد خانمان برانداز شوق الدوله و  
 انگلیس را منعقد کرده است قیام کردیم" .  
 روز آزادی بهشت خیابانی اعلام داشت که "بنا به پیشنهاد آقای امیرخیزی و موافقت عده زیادی  
 از دموکراتها بعد از این ایالت آذربایجان بمناسبت فداکارهای خارق العاده ای که در راه آزادی کرد  
 است "ایالت آزاد یستان" نامیده خواهد شد" (۳) .  
 در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ "هیئت اجتماعی" منحل و حکومت ملی با برنامه زوین تشکیل گردید :  
 برانداختن سلطنت ، برقراری جمهوری ، نجات کشور از قید اسارت خارجی ، خود مختاری در آذربایجان  
 برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با کشور شهری .

(۱) تاریخ بهار ۰۰۰ جلد اول صفحه ۴۳  
 (۲) علی آذری "قیام خیابانی" صفحه ۲۴۳  
 (۳) همانجا صفحه ۲۸۹

حکومت ملی پس از تشکیل خود دست بیک سلسله اقدامات برای بهبود وضع مردم زد از قبیل تنظیم و تثبیت قیمت مواد مایحتاج عمومی، اقدام برای تشکیل ارتش ملی، تأسیس بیمارستانها، اصلاح امور فرهنگی و غیره. خیابانی خود برای تنویر افکار مردم تهریز و تشریح هدف های قیام فعالیت خستگی ناپذیر داشت. از جمله نطق های مسلسل روشنگرانه وی در محل روزنامه "تجدد" بود که همواره عدّه زیادی از طبقات مختلف اهالی را جمع میکرد. طی ۹۸ نطقی که وی در جریان حکومت ملی ایراد کرد یک رشته از مسائل مهم سیاسی و اجتماعی مهم آنروز مورد بحث قرار گرفته است.

قیام تهریز که داشت شهرهای دیگر را نیز فرا میگرفت دولت مرکزی را ساخت نگران ساخت. وثوقالدوله بواسطه اوج مجدد جنبش در گیلان امکانی برای اعزام نیرو به آذربایجان نداشت. در همین حال دستش از تهریز کوتاه شده بود. لذا دست به انواع نیرنگ ها برای فرونشاندن قیام زد. ولی حکومت ملی همچنان تا سقوط کابینه وی برقرار ماند.

یکی از وقایعی که همکاری وثوقالدوله وانگلیس هارا علیه خیابانی (که قسمتی از همکاری عمومی آنهاست) فاش میسازد مرحوم کسروی در تاریخ زندگیش شرح داده است و ما برای آنکه نمونه ای از خروار آورده باشیم مختصری از آنرا در اینجا نقل میکنیم. مرحوم کسروی مینویسد: "۰۰۰ رفتار خیابانی نتیجه هائی در پی داشت، زیرا هم انگلیس ها و هم دولت ایران به بیم افتادن همه چاره جوئی هائی برخاستند. آنکه انگلیس ها بودند میجر (۱) اد موند رئیس اداره سیاسی ایشان از قزوین به تهریز آمد. ۰۰۰ میجر اد موند میخواست با پیش گرفتن راهی جلوگیری از جنبش بلشویکی در آذربایجان بکند و چنین میخواست که اگر بتواند کسانی را در برابر خیابانی برانگیزد و ارا براندازد، وگرنه با خود او نزدیک بیاید و نهشی نهد. ۰۰۰ دولت یا بهتر بگوئیم وثوقالدوله میخواست از هر راهی است خیابانی را براندازد. در ملاقاتی که بر حسب دعوت میجر اد موند از کسروی بین آنها رخ میداد رئیس اداره سیاسی انگلیس میگوید: "چون شنیدم شما دارای دسته ای هستید که دشمنی با خیابانی می نمائید میخواستیم بهرسم: آیا شما بتوانید اگر کمکی هم دولت کند با خیابانی به نبرد برخیزید و ارا براندازید؟" مرحوم کسروی در جواب میگوید: "ما چنان کاری نتوانیم زیرا نخست همراهان ما بیشتر کسان بازاریند. ۰۰۰ دوم ماد ستغ خود را همان روز خیزش خیابانی پرانند و گردانیدیم. ۰۰۰ سوم خیابانی چون بنام آذربایجان برخاسته ما دست نمیداریم در این خیزش با او به نبرد پردازیم." سپس کسروی مینویسد: "همانروز کربلایی حسین آقا فشنگی (۲) که نماینده وثوقالدوله در آذربایجان می بود با من دیدار کرد. چنین گفت: "آزئیس الوزرا" تلگراف رمزی رسید که می باید با شما گفتگو کنم. اگر شما بتوانید با خیابانی به نبرد برخیزید و جنبشی از خود نمائید دولت هراندازه پول میخواهد به شما خواهد رسانید و نگاه از بیرون دسته های سواره بیاری شما خواهد آمد." گفتم ما چنین کاری نتوانیم و نمیخواهیم بگفتگویش نیز پردازیم."

کاری را که کابینه وثوقالدوله نتوانست انجام دهد کابینه مشیرالدوله که پس از سقوط وثوقالدوله در ۲۵ ژوئن ۱۹۲۰ سرکار آمد انجام داد. کابینه مشیرالدوله اعلام داشت که از اجرای قرارداد ۱۹۱۹ تاگرد آمدن مجلس چهارم جلوگیری خواهد نمود و با سران جنبش آذربایجان و گیلان وارد مذاکره شد، ولی از این مذاکرات نتیجه ای گرفته نشد و لذا امتوسل به اغفال و اسلحه شد. برای این کار خبر السلطنه که خود از دموکراتهای سابق بود به استناد آری آذربایجان انتخاب گردید. وی در نتیجه اعتماد خیابانی وارد تهریز شد و با استفاده ماهرانه از نیروی خلع سلاح نشده قزاق و خیانت فرمانده ژاندارمری جنبش را سرکوب نمود.

(۱) "میجر" بزبان انگلیسی یعنی "سرگرد"

(۲) فشنگی بعد ها یکی از قداره بند های رضاخان شد و واعظ قزویی نیز بدست وی کشته شده است و مادر اینده این موضوع را نیز در مجله "دنیا" روشن خواهیم کرد.

در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۲۹۹ خیابانی بدست قزاقان بقتل رسید. بدین طریق قیام خیابانی پایان یافت و صفحه درخشان دیگری از تاریخ جنبش رهائی بخش مردم ایوان بسته شد.

### خطاهای جنبش:

- ۱) اگر از علل عمومی شکست جنبشهای دوران پس از انقلاب اکثراً رایران که به آن اشاره خواهد شد بگذریم، علل ویژه شکست قیام خیابانی را میتوان چنین خلاصه کرد:  
(۱) نبودن یک حزب یک پارچه با ایدئولوژی واحد که بتواند رهبری جنبش را محکم در دست داشته و در مواقع لازم بدون تزلزل دست به اقدامات رادیکال بزند. طبقات تشکیل دهند و فرقه دموکرات از رایجان عبارت بودند از طبقات مختلف بورژوازی، بازرگانان و خرد و بورژوازی.
  - (۲) محدود نمودن عملی قیام به تهریز و حال آنکه آمادگی کافی در مسرتا سرآز رایجان برای جنبش وجود داشت و قیام بخودی خود بیک رشته از شهرها سرایت کرده بود.
  - (۳) در خود تهریز در عین اینکه قدرت حاکمه در دست مکرراتها بود عملاً و حکومت وجود داشت قزاقخانه در موقع مساعد یعنی در آغاز قیام بهنگام غافلگیری خلع سلاح نشده بود و بارها از خیابانی شنیده شده است که نفرت آنها جرئت حمله به مارانخواستند کرد.
  - (۴) سرعت لازم در تشکیل ارتش ملی بکار نرفت. به نیروی ژاندارم اعتماد بیش از حد ابراز شد. حسن هاشمی (۱) داماد باقرخان سالار ملی توانست اعتماد خیابانی را جلب کند و با ترفیع به درجه سرگردی (ماژری) به فرماندهی ژاندارم منصوب شد و در نتیجه تئانی با مخبر السلطنه عدو ۸۰۰ نفری ژاندارم را به بهانه سرکوب امیر ارشد قره داغی و برقراری امنیت در راه هاز تهریز خارج نمود و حکومت ملی را بلا فاع گذارد پس از پایان قیام درجه سرگردی که خیابانی به هاشمی داده بود از طرف دولت تأیید شد.
  - (۵) اعتماد و خوشبختی و عدم هشیاروی موجب شد که مخبر السلطنه بعنوان اینکه هم مسلک و از رهبران حزب مکررات بود. است به تهریز وارد شود و آزادی عمل داشته باشد.
  - (۶) نداشتن هیچگونه برنامه ارضی و استفاد نکردن از نیروی دهقانان که در آن موقع ۹۰ درصد اهالی را تشکیل میدادند و آماده حرکت بودند. نکته ای که خود نتیجه نبودن وحدت ایدئولوژیک در فرقه مکررات از رایجان بود.
  - (۷) بعقید و نگارنده یکی از خطبهای فرقه مکررات از رایجان راد آن موقع باید تغییر نام از رایجان دانست که بدست عدو ای مستعصک داد تا بعنوان مخالفت با تجزیه از رایجان با جنبش خیابانی مبارزه کنند، چنانچه کارزاری که در مطبوعات آن زمان تهران علیه خیابانی راه افتاد در همین زمینه بود. بطوریکه پیداست در کابینه مشیرالدوله هم که از کمسانی مانند مستوفی العمالک و مصدق السلطنه (دکتر مصدق) تشکیل شده بود، در این زمینه اختلاف بود. است. مخبر السلطنه میگوید: "... بسا وجودی که در رهشیت وزرا اختلاف آرا موجود بود من تا عمل نکردم کیفم را برداشته روانه تهریز شدم ... از رایجان رانمیشود بحرف مفت از دست داد ... (۲)
- در مورد انگیزه تغییر نام اختلاف نظر وجود دارد. در مقابل آنهاستیکه تجزیه طلبی خیابانی را مطرح میسازند عدو ای معتقدند که بالعکس خیابانی پس از تشکیل حکومت مساواتیست از رایجان بفکر افتاد که نام از رایجان را تغییر دهد. ولی بنظر نگارنده هیچیک از این دو درست نیست. علت همان است که خیابانی در نطق ۶ اردی بهشت خود که ما به آن اشاره کردیم گفته است و نام آزاد یستان بیسواسند کارهای از رایجان در راه آزادی انتخاب شده است.

(۱) حسن هاشمی همان سرتیپ هاشمی است که در سال ۱۹۴۱ نیز ما مورسروکوب جنبش مکرراتیک از رایجان شد.

(۲) علی آذری "قیام خیابانی" صفحه ۶۵۸

### گیلان

بدون شك بزرگترین سهم در جنبش رهایی بخش ملی مردم ایران در سالهای پس از انقلاب اکثر آزان گیلان است که همراه بانیهوهای مسلحانه متعدد د بانیروهای ارتجاع بود ه است . در فرار و نشیب های چندی که جنبش گیلان طی کرد ه است مانند آینه ای میتوان سیمای طبقات مختلف انقلابی ، ویرگیهای این طبقات ، نتیجه چهری ها و اشتباهاتی را که حزب طبقه کارگر مرتکب شد ه است بخوبی دید و آزان پند گرفت و د نیروی عد ه در انقلاب گیلان نقش قاطع بازی کرد ه اند ؛ جنگل و حزب کمونیست ایران . خالو قربان واحسان اله خان با وجودی که د رمواردی مستقل عمل میکرد ند در حقیقت جز " نیروهای بینسا بینی محسوب میشد ند در صورت وجود موافقت بین د و نیروی عد ه نقش آنها نمیتوانست چند ان موثر واقع شود .

\* \* \* \*

جنبش جنگل چنانچه گذشت در جریان جنگ بین المللی بوجود آمد و با اینکه از کمکهای مادی و معنوی آلمان و عثمانی برخوردار بود تا قبل از انقلاب فوریه " روسیه نقش قابل توجهی بازی نکرد . در عین حال این جنبش خواص مربوط به طبقات تشکیل د هند ه رهبری آن ( بهر ژواری بازگانی ، مالکین لیبرال و تاحد معینی خرد ه بهر ژواری ) را نیز بشکل نوسانهای افراطی در خود منعکس ساخته بود ؛ انقلاب بیگری د و آتش د و شرائط مساعد و فروکش از مبارزه تاحد تسلیم طلبی د شرائط عکس . پس از نبرد و سپس سازش با انگلیس ها و پس از قیام علیه قرارداد ۱۹۱۹ و سپس شکست از نیروی د ولتی ، میرزا کوچک خان از ولت و سوق الدوله تقاضای بخشش کرد - تقاضایی که با خشوقتی از طرف د ولت پذیرفته شد و موافقت شد که نفقات کوچک خان در ردیف نیروهای نظامی د ولتی به خدمت پذیرفته شوند .

ولی پیشروی ارتش سرخ و فرار انگلیس ها از قفقاز و طلیعه اوج مجد د جنبش وی را از نو بمواضع د و آتش ه انقلابی بازگرد اند . عد ه زیادی که اکنون د یکسری طبقات متوسط ، پیشه وران و دهقانان را نیز در بر میگرفت در اطراف جنگل گرد آمد ند . کوچک خان بانیروی مسلح قابل توجهی وارد رشت شد و در تاریخ ۵ ماه ژوئن ۱۹۲۰ ( ۱۶ رمضان ۱۳۳۸ ه . ق . ۰ ) تشکیل حکومت موقت انقلابی جمهوری گیلان را اعلام نمود و در تلگرافی به شخص لنین برقراری جمهوری د رگیلان واقدا م برای تشکیل ارتش سرخ را اطلاع داد .

برقراری جمهوری و تشکیل حکومت انقلابی د رگیلان واقعه ای بود که د رسرا سرایران طنبن افتند و توجه آزاد پخواهان را بسوی گیلان جلب کرد . این حکومت هد ف اولیه خود را مبارزه علیه انگلیس و قرار د اد ۱۹۱۹ قرارداد و در برنامه خود خواهان برقراری رژیم جمهوری د ایران شد .

حکومت موقت متکی به جبهه واحد ملی بود که با شرکت حزب کمونیست ایران تشکیل شد . حزب کمونیست ایران که قبلا بنام حزب " عدالت " و بطور عد ه بدست کارگران فعال معادن نفت باکو تشکیل شده بود توانست تا سال ۱۹۲۰ شبکه ای از سازمانهای خود را در استانهای شمالی بپهزه گیلان تا سپس نماید . شرائط مساعد برای کار علنی به حزب امکان داد با تشکیل کنگره حزبی سازمان خود را بی ریزی کند . کنگره اول حزب در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در انزلی تشکیل شد . نام حزب رهنده به حزب کمونیست ایران کرد و کمیته مرکزی حزب را مرکب از ۱۵ نفر انتخاب نمود . از این پس حزب کمونیست ایران بعنوان نیروی موثر در رهبری انقلاب گیلان شرکت نمود .

جبهه واحد ملی که در حقیقت کمونیستها ابتکار تشکیل آنرا داشتند عبارت بود از نمایندگان حزب کمونیست ، جنگل ، احسان اله خان و خالو قربان که در رأس کارگران کثیرا کن کرمانشاهی به قیام جنگل پیوسته بود . بدین طریق جبهه با متحد ساختن همه نیروهای انقلابی آنروز گیلان بدل به عامل مقتدری شد که در صورت ادامه کار و مبارزه متحد و با وجود ضعف حکومت مرکزی و پشتیبانی معسوی حکومت نو بنیاد شهری میتواند سر نوشت آینده کشور را در دست بگیرد .

متاسفانه این جبهه د یری نپاکید . کششهای افراطی از راست و چپ آنچنان تزلزلی در اساس



آن بوجود آوردند که باوجود همکاری در مراحل بعدی و ترمیم های ظاهری التیامی نپذیرفت. جنبه واحد ملی درگیلان نخستین تجربه همکاری نیروهای مختلف اجتماعی برسرحد ف مشترک بود که روی عدم تجربه نتیجه لازم از آن گرفته نشد.

کوچک خان که قبل از هر چیز نماینده بورژوازی ملی، بازرگانان و مالکین لیبرال بود از تعمیق جنبش هراس داشت و عملاً معتقد به بهبود وضع زحمتکشان - اعم از کارگران و دهقانان نبود. با آنکه کلیه زمینهای ملاکان فراری مصادره میشد دهقانان نصیبی از آن نمیدادند، سنگینی مالیات وضع شده بر ملاکان باقی ماند و بطور غیرمستقیم بدوش دهقانان افتاده بود و این امر باعث درشدن تدریجی انسان از جنبش میشد.

از سوی دیگر عده ای از کمونیستها که مدعی بودند انقلاب گیلان انقلاب پرولتری است و حکومت را تشویق بیک سلسله اقدامات شدیدی علیه ملاکان متوسط و بورژوازی میکردند با سیاست چپروانه خود ایمن طبقات را که متفقین انقلابی آنروزی جنبش بودند در میساختند. باوجودیکه این تزدکنگره اول حزب رد شده بود این گروه عملاً از اجرا تعلیمات کنگره سرپیچیدند و بدین ترتیب مانع آن بودند که کوشش حزب برای همکاری و بهبود مناسبات با کوچک خان و همراهانش به نتیجه برسد.

این باعث شد که جنبه سازشکارانه کوچک خان تقویت یافت و دست به اقداماتی برای سازش با دولت مرکزی زد و چون این اقدامات به مخالفت جدی احسان اله خان واعضا دیگر حکومت برخورد موجب ازهم پاشیدن حکومت موقت شد. کوچک خان بعد از خود در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۲۰ رشت را ترک کرد و به جنگل رفت. باین هم اکتفا نکرد بلکه هنگامی که با کوشش کمونیستها برای رهبری جنبش کمیته ای بنام کمیته ملی آزادی ایران بریاست احسان اله خان بوجود آمد بانیروی مسلح خود به رشت حمله مرشد، ولسی نیروهای تحت فرماندهی "کمیته ملی" این حمله را درهم شکستند.

شکاف در حکومت ملی و خروج کوچک خان بانیروی خود از ترکیب ارتش انقلابی دولت و انگلیس ها را امیدوار ساخت و نیروهای متحد دولت و انگلیس ها در ضحیل دست به تعرض زدند. در این نبرد (اول اوت ۱۹۲۰) نیز پیروزی بزرگی نصیب ارتش انقلابی شد ولی چپروی و ماجراجویی گروه احسان اله خان که در صدد برآوردن بدون تحکیم مواضع بدست آمد به پیشروی خود ادامه دهند تهناتناج این پیروزی را خنثی کرد بلکه منجر به شکست نیروهای انقلابی و از دست دادن کلیه مواضع آنها در شهر رشت گردید.

ازهم پاشیدن حکومت موقت و شکست اخیر "کمیته ملی" که کمونیست هانیز در آن شرکت داشتند، موجب شد که در ترکیب رهبری حزب کمونیست ایران تجدید نظر شود. در اکتبر ۱۹۲۰ حیدرخان عموغلی به دبیری کمیته مرکزی انتخاب شد و بنابه ما موریستی که به او داده شد تزهائی بمنظور روشن شدن مناسبات و روش حزب در مرحله آنروزی انقلاب به کمیته مرکزی تقدیم نمود و از تصویب آن گذراند. در این تزها تصریح شده بود که تاکتیک حزب در مرحله فعلی عبارت است از متحد ساختن همه طبقات از پرولتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط برای مبارزه علیه سلطنت قاجاریه و امپریالیسم درائتلاف با احزاب دست چپ و رهبران جنبش رهائی بخش ملی.

اقدامات جدی رهبری جدید حزب کمونیست ایران برای احیا جنبه واحد منجر به نتیجه شد. در تاریخ ۸ ماه مه ۱۹۲۱ (۱۸ اردی بهشت ۱۳۰۰) با شرکت و صدارت کوچک خان کمیته انقلابی متحدی بجای کمیته سابق تشکیل شد که نمایندگان حزب کمونیست ایران (حیدر عموغلی) و دستجات دیگر (احسان اله خان و خالوقهرمان) در آن شرکت جستند.

در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۲۰ نیروهای انقلابی در نتیجه تعرض موفقیت آمیز مجدد رشت را تصرف کردند. حادثه ای که برای برانداختن کابینه مشیرالدوله بهانه ای در دست انگلیس هاشد تا آخرین فشار خود را بمنظور تشکیل هرچه زودتر مجلس و گذراندن قرارداد وارد کنند.

با اینحال پایه اتحاد جدید نیز متزلزل بود. کوچک خان حاضر نشد از قومن به رشت نقل مکان کند.

احسان اله خان دست به عمل ماجراجویانه ای زد. بدون تصویب کمیته انقلابی و بدون آمادگی، نیروهای خود را برای تعرض به تهران از طرف مازندران حرکت داد که موجب شکست و پراکندگی قسمتی از ارتش انقلابی گردید. کمیته انقلابی احسان اله خان را اخراج نمود.

از این پس حزب کمونیست تنها نیروی فعاله کمیته انقلابی شد و فعالیت وسیعی دست زد: تشکیل اتحادیه های مختلف صنفی و کارگری و دخالت دادن اتحادیه ها در تنظیم امور مربوط به کارگران، تبلیغات وسیع در دهات بمنظور روشن ساختن سیاست کمیته انقلابی و حزب کمونیست ایران. در نتیجه عدّه ای د ا و طلب برای خدمت نظام وارد واحد های کمونیستی شدند و ارتش انقلابی تقویت گردید. چنانچه در پائیز ۱۹۲۱ هنگامی که نیروهای دولتی واحد های خالوقربان را در نواحی لاهیجان و لنگرود در معرض حمله قرار دادند واحد های کمونیستی زیر فرماندهی شخص حیدرخان به کمک خالوقربان شتافتند و پیروزی در این نبرد از ارتش ملی شد.

کامیابیهای "کمیته انقلابی" و ارتش ملی که بدون دخالت کوچک خان بدست آمده بود موجب نگرانی رهبری جنگل شده بود. چنانچه دیدیم تزلزل و دوگانگی پیروزاری آنزمان در جریان انقلاب گیلان در وجود رهبری جنگل چندین بار به ظهور رسید. اکنون تجربه این انقلاب خاصیت دیگر آنرا نیز آشکارا نشان داد. رهبری جنگل خیانت به انقلاب را هنگامی که احتمال کامیابی برای کمونیستها میرفت بسر مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم ترجیح داد. در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱ کمیته انقلابی با نقشه قبلی از طرف کوچک خان ظاهراً برای تشکیل جلسه نهایی کمیته به پسیخان دعوت شد. خانه ای کسه در آن نمایندگان کمیته جمع بودند بدستور کوچک خان آتش زده شد. سرخوش همکار خالوقربان در آتش سوخت، حیدرخان که در حین فرار زخمی شده بود بدست کسان کوچک خان بقتل رسید و خالوقربان موفق بفرار شد. بدنبال این واقعه کوچک خان حمله را به رشت آغاز کرد ولی در مقابل عدّه خالوقربان مجبور به عقب نشینی شد. نیروهای دولتی با استفاده از این وضع تعرض خود را آغاز کردند و اکنون دیگر به پیشنهاد کوچک خان برای مذاکره و صلح جواب رد دادند، در عوض خالوقربان که او نیز وارد مذاکره شده بود مورد ملاطفت رضاخان قرار گرفت و با درجه سرهنگی به ارتش ایران پذیرفته شد و بعداً به آذربایجان بجنک سمیتکو اعزام گشت که همانجا هم کشته شد.

کوچک خان در نوامبر ۱۹۲۱ در حین عقب نشینی در کوه های طالش از سرماتلف شد و سربریده شد. راه به مرکز آوردند.

بدین طریق بزرگترین جنبش انقلابی مردم ایران در اثر خطاهایی که ذکر آن رفت بخون کشیده شد و راه برای تسلط ارتجاع باز شد.

از کلیه نیروهای انقلابی تنها حزب کمونیست ایران باقی ماند که در شرایط نوین به مبارزه خود ادامه داد.

### لغو قرارداد ۱۹۱۹

پس از سقوط کابینه مشیرالدوله، در تاریخ اول نوامبر ۱۹۲۰ کابینه سپهدار اعظم (فتح اله اکبر) سرکار آمد.

امپریالیسم انگلیس اکنون در تنگنا بود. کامیابی هایی که حکومت ایران با کمک امپریالیسم انگلیس بدست آورده بود بدین معنی نبود که مقاومت در مقابل قرارداد ۱۹۱۹ درهم شکسته و بمجرد سرکار آمدن کابینه سپهدار کار پایان خواهد پذیرفت. برعکس هنگامی که منظور از سرکار آمدن کابینه جدید حیرت گردید صدای اعتراض و مخالفت علیه قرارداد مجدداً از هر سو بلند شد بنحوی که سپهدار مجبور گردید اعلام نماید که در مورد قرارداد ایران و انگلیس روش کابینه گذشته را تعقیب خواهد کرد.

از سوی دیگر تثبیت رژیم شهری در روسیه مابین سیاست امپریالیسم انگلیس را در ایران تهدید

میکرد. حکومت شوروی بلافاصله پس از عقد قرارداد وثوق‌الدوله روش خود را نسبت به این قرارداد که عبارت بود از برسمیت نشناختن آن و پشتیبانی از مبارزه مردم ایران علیه آن، روشن ساخت. در پیام حکومت شوروی خطاب به کارگران و دهقانان ایران مورخ ۱۸ اوت ۱۹۱۹ گفته میشد:

"در این هنگام که فاتح سرمست، یعنی دوندۀ انگلیسی در صدد است کفند بردگی نهائی را بگردن مردم ایران بیاقتند، حکومت کارگری و دهقانی جمهوری روسیه با رسمیت هر چه تا متمر اعلام میدارد که قرارداد انگلیس و ایران، قرارداد ای راکه به این بردگی تحقق میبخشد، برسمیت نمیشناسد. مردم زحمتکش روسیه دست برادری خود را به سوی شما - توده های زحمتکش ستمدیده ایران دراز میکنند. در نیست لحظه ای که ماعلام موفق شویم وظیفه ما رزۀ مشترک خود را به همراه شما علیه دوندگان بزرگ و کوچک و ستمگران، که سرچشمۀ زجر و شکنجه های بیشمار بوده اند، انجام دهیم" (۱).

علاوه بر آن در یادداشت حکومت شوروی به کابینه وثوق‌الدوله که خواستار خروج نیروهای انگلیس از ایران بود موضع محکم حکومت شوروی در این باره تصریح شده بود.

لذا انگلیسها در صدد برآمدند از آخرین فرصت برای یکطرفه کردن کار قرارداد استفاده نمایند. به موازات یادداشت تهدیدآمیز دولت انگلیس دایره قطع کمکهای مالی و نظامی به دولت ایران، بانک شاهنشاهی نیز به سیاست اعراب بازگانان و بورژوازی دست زد. در برخی از شهرستانها شعب بانک برچیده شد. اداره مرکزی بانک هم اعلام داشت که چون احتمالاً این بانک از ایران خواهد رفت خوبست مشتریان بانک حسابهای خود را تصفیه نمایند.

ولی از این تهدید هائنتیجه ای گرفته نشد. کابینه سپهدار بمنظور رفع مسئولیت از خود جلسه ای از رجال وکلای منتخب مجلس چهارم دعوت کرد تا در مورد سیاست دولت نسبت به قرارداد ۱۹۱۹ مشاوره بعمل آید. جلسه مشاوره نیز با اینکه اکثریت انوکلائی منتخب کابینه وثوق‌الدوله تشکیل میدادند، در مقابل افکار برآشفته عمومی حاضر به تأیید قرارداد نگردید. بویژه آنکه در همین موقع قرارداد ۲۶ ماده ای شوروی و ایران در جریان مذاکره بود و مواد آن در نقطه مقابل قرارداد ایران و انگلیس قرار میگرفت و دولت ایران راگزیری از امضا این قرارداد نبود، زیرا برخلاف قرارداد اسارت آور ۱۹۱۹، قرارداد پیشنهادی شوروی که بر اساس میهنپرستی لنینی تساوی حقوق ملل تنظیم شده بود. بهرگونه وابستگی اقتصادی و سیاسی ایران پایان میبخشید. و با انفعال پارتولاسیون و قرارداد های غیرعادلانه راه را برای سیاست مستقل ملی ایران در مقابل کشورهای سرمایه داری باز میکرد.

شکست انگلیسها در قبولان قرارداد ۱۹۱۹ که میبایست بر تسلط مستقیم آنها در ایران جنبه قانونی بدهد آنها را وادار به اتخاذ سیاست دیگری برای برقراری تسلط غیرمستقیم خود نمود. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و روی کار آمدن سید ضیاءالدین و سپس رضاخان راه نوبتی بود که امپریالیسم انگلیس بدین منظور در پیش گرفت.

### جنبش خراسان

پس از انقلاب اکثر در بخش وسیعی از خراسان جنبش های دهقانی بوجود آمد که بنگریج شمال و شرق این استان را فراگرفت. سه قیام عده در خراسان بین سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۶ رخ داد که یکی از آنها صرفاً دهقانی بود و درد قیام دیگر نیز جنبش دهقانی کمابیش نقش بازی کرده است. قیام دهقان کرد در شمال خراسان بمرکزگی خد اوردی در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۰، قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در مشهد در تابستان ۱۹۲۱ و قیام لهاک خان باوند در جنورد در سال ۱۹۲۶. اکنون

(۱) اسناد سیاست خارجی اتحاد شوروی - نقل از کتاب م. ن. یوانوا - صفحه ۴۸

جریان مختصر آنها را از نظر میگذرانیم .

قیام خد اوردی - متأسفانه در باره جنبش کرد ها در شمال خراسان که جنبشی بهصدام معنسی دهقانی بود ، است تنها اسنادی که میتواند مورد استفاد قرار گیرد جرائد آنروزی مرکز است که سروپاشکته مطالبی در آن باره نوشته اند . از مورخان شوروی م . ن . ایوانوا در کتاب خود با استفاد از این منابع و برخی منابع وزارت امور خارجه شوروی مختصرا این قیام را منعکس ساخته است و نگارنده نیز از آن استفاد کرد . است تا ذکر این قیام که محتاج بررسی و تحقیق است شده باشد .

خلاصه مجموع اطلاعات اینست که در اواسط این قیام خد اوردی نام کرد ، که سابقا چوپان یکی از خوانین زعفرانلو بود ، است قرار میگیرد و از آنجا که بین دهقانان در اوضاع فلاکت بارمادی و تحت تاثر شهر انقلاب روسیه آمادگی برای جنبش وجود داشته است بزودی قیام گسترش می یابد و علاوه بر شهر شروان که مرکز قیام بود ، است نواحی قوچان و باجگیران را نیز در بر میگیرد . علاوه بر دهقانان اطراف این شهرها عددهای از سردسته های کوچک ایلات اطراف نیز به آن می پیوندند .

قیام خد اوردی بسرعت دامنه میگیرد و در نواحی دیگر خراسان نیز جنب و جوشهایی بوجود میآورد و نیروهای اعزامی دولت که در نتیجه اقدامات قوام استاندار خراسان عددهای از سران ایلات کرد و بلوچ نیز با آنها همکاری میکردند بزحمت توانستند در ماه اوت ۱۹۲۰ این قیام را خاموش کنند . عددهای از سر جنبانان قیام دستگیر و اعدام شدند و تنها خد اوردی توانست از معرکه جان بدر برد .

قیام خد اوردی طلحه جنبش دهقانی در خراسان بود که تا اواخر سال ۱۹۲۶ به شکلهای مختلف دوام داشت . در عین حال یک جنبش خود بخودی بود که بعلتن داشتن رهبری صحیح و جد ابدن از نقاط دیگر نمیتوانست به نتیجه برسد .

قیام کلنل محمد تقی خان پسیان - قیام کلنل پسیان حادثه بزرگی بود که مدتی توجه طبقات و محافل مختلف را از نظرگاه های جداگانه بخود جلب کرد . بود . این قیام برای دولت بویژه از این نظر نگرانی آور بود که در حقیقت قیام قسمتی از ارتش ایران و متکی بواحد های آمادگی نظامی بود و در عین حال نمیتوانست قشر های مختلف بورژوازی و خرد و بورژوازی شهر و نیز دهقانان را که خود آمادگی خیزش بودند بحرکت درآورد .

جریان حوادث - دستگیری قوام بدست کلنل و اعزام وی به تهران و سپس در اواسط حکومت قرار گرفتن قوام - اغلب محققین رابه این نتیجه میرسند که قیام کلنل عکس العمل روی کار آمدن قوام بود . در اینکه نقطه نزاع قیام همان روی کار آمدن قوام و عزل کلنل از مقام خود بود ، است تردیدی نیست ولی اینکه اگر این حادثه رخ نمیداد کلنل در خراسان دست به اقدامی نمیزد جای تردیدی است . کلنل ضو فوعلال حزب دموکرات ایران بود ، پس از برگشتن بهتران با حزب همکاری کرد و در فعالیت علیه انگلیسها و کابینه وثوق الدوله شرکت جست . تنها پس از سقوط کابینه وثوق الدوله و روی کار آمدن مشیرالدوله بود که به فرماندهی نیروی ژاندارمری خراسان منصوب گردید .

لذا وی با جنبش آنروزی بستگی یافته بود و ممکن نبود این بستگی بشکلی بروز نکند . منتها کد تهای سید ضیا و رضاخان و اقدامات او مانع پیدایش حکومت سید ضیا از آنجمله اعلام الفی قرار داد ملغای ۱۹۱۹ و بازداشت عددهای زیادی از مرجعین از قبیل قوام السلطنه که خود کلنل ما مو بازداشت شد ، وی را امیدوار ساخته بود . به اینکه دستگاه نوین نمیتواند منشا اصلاحاتی شود . کلنل خود نمایندگی افکار خرد بورژوازی و بورژوازی انقلابی و خواسته های محدود بود . - در سیاست خارجی قطع نفوذ انگلیسها و در سیاست داخلی برانداختن حکومت اشرافی و تشکیل حکومت واقعا دموکراتیک بر مبنای قانون اساسی . از این نظر اصلاحاتی در این چارچوب نمیتوانست برایش ارضا کنند باشد .

ولی سرکار آمدن قوام و تسلط رضاخان بر ارتش این امیدواری را از وی سلب کرد و به پیش گرفتن راه

مبارزه مسلحانه برای رسیدن به هدف های دموکراتیک و ضد امپریالیستی مصمم ساخت.  
 کلنل پسیان نمایندنده تپیک آن بخش از آزاد یخواهان بود که چون ایران رادرجنگال د وامپریالیسم  
 میدید و وابستگی به المان پیدا کرد ولی بمجدد وقوع انقلاب روسیه و بویژه پس از انقلاب اکثر بد رستی نجات  
 ایران را از جنگال امپریالیسم درانکا به این جبهه دید. این نکته مانند خط سرخی در جریان قیام خود را  
 نشان میدهد. احساسات وی نسبت به روسیه شهری در استقبالی که از شود و روشستین نخستین نمایندنده  
 مختار شهری در ایران بعمل آورد و در نطقهای وی منعکس است.

بمنظور پشتیبانی از قیام کمیته ای مرکب از نمایندگان طبقات مختلف در مشهد بنام "کمیته ملی" تشکیل  
 شد که به فعالیت وسیعی در شهر پرداخت و پس از کلنل نیز مدتی به فعالیت خود ادامه داد.  
 "کمیته ملی" با شعار اصلاحات ارضی دموکراتها به روستا رفت. ولی عملاً در جریان قیام با اقدامات  
 گذرا در روستا اکتفا شد. همین اقدامات کوچک هم در بسط جنبش روستائی که زمینه داشت موثر واقع  
 شد بطوریکه تا مدتی پس از شکست جنبش قیامهای دهقانی در حوالی مشهد ادامه داشت.  
 با اینحال تکیه اصلی کلنل به نیروی نظامی خود بود و توجه کافی به گسترش پایگاه اجتماعی جنبش  
 نشد. لذا پس از حادثه ای که به قتل کلنل منجر گردید سازمانی که بتواند قیام را ادامه دهد وجود نداشت و  
 قیام در حقیقت با قتل کلنل در ماه اکتبر ۱۹۲۱ پایان یافت.

قیام لهابک خان باوند - با آنکه این قیام در سال ۱۹۲۶ انجام گرفته است در واقع باید آنسرا  
 در نباله جنبشهای دهقانی خراسان دانست، لذا ضمن شرح وقایع خراسان آورده میشود.  
 قیام لهابک خان ظاهراً سرپیچی پادگان بجنورد تحت فرماندهی ستوان لهابک باوند (سالار جنگ)  
 ولی اتکا آن به دهقانی بود که تا میرانقلاب در روسیه همجوار و خاطره مبارزه خود آورد. اینها را همچنان  
 در حال آماج گمانه داشته بود.

شعارهای برنامه ای قیام که عده ترین آن مصادره املاک و تقسیم بلاعوضی آن بیسمن  
 دهقانان است مشخص این مطلب است. علاوه بر آن خواستهای زیرین نیز در برنامه آنان مطرح شده  
 است: تغییر سیستم مالیاتی بمنفع کمبشه شهرواصناف، برقراری مالیات برعایدات، استقرار حکومت جمهوری  
 و قطع نفوذ انگلیسها.

قیام کنندگان دست به عمل نیز زدند. عده ای از ملاکان مرتجع را بازداشت کردند و ذخائر غله  
 دولتی و ملاکان بازداشت شده را بین مردم تقسیم کردند.  
 این قیام نیز از طرف دولت با استعداد از انگلیسها و یکارانداختن هواپیماهای انگلیسی در ۱۸ ژوئیه  
 ۱۹۲۶ فرونشاند و شد و سران جنبش به اتحاد شهری مهاجرت کردند.

### بازهم آذربایجان

قیام لاهوتی - سرکوب خیابانی بمعنی سرکوب جنبش در آذربایجان نبود. پس از فروکش موقت  
 مجدد زمینه اوج جنبش در آنجا فراهم میشد. دموکراتهای تهریز در انتظار فرصت مناسب بودند. این  
 فرصت با قرار گرفتن ماز لاهوتی در رأس عده ای ژاندارم در آذربایجان بدست آمد.  
 ماز (سرگرد) ابوالقاسم لاهوتی از دموکراتهای با سابقه و کسی بود که قبل از مهاجرت با عده خود  
 در قم از فرمان دولت سرپیچید و عده خود را در اختیار آزاد یخواهان گذارد. پس از آنکه در مقابل  
 نیروهای اعزامی تزاری مقاومت ممکن نشد جز مهاجرین به کرمانشاه و ترکیه رفت و اکنون پس از گذشت  
 زمان از نو وارد ژاندارمی شده بود.

یکی از انگیزه های لاهوتی برای قیام (انگیزه ای که در قیام کلنل محمد تقی خان پسیان نیز وجود  
 داشت) تصمیم رضاخان به تشکیل ارتش متحد الشکل بود که افسران آزاد یخواه در آن زمان این اقدام را

دنباله سیاستی میدانستند که انگلیسها برای قبضه نمودن ارتش درپیش گرفته بودند و در قرارداد ۱۹۱۹ پیش بینی شده بود.

لاهوری پس از تماس با مکرراتهای تبریز و اطمینان از آمادگی آنها دست به قیام زد و با تصرف شهر تبریز به آزاد بخوانان ملحق گردید.

قیام لاهوتی بلافاصله عدّه زیادی از مکرراتها و ملیون را در خود جمع کرد که برای رهبری آن کمیته‌ای بنام "کمیته ملی" تشکیل دادند و ادارات دولتی شهر تبریز بتصرف آنها درآمد.

ولی عجله و عدم آمادگی موجب شکست قیام و مهاجرت لاهوتی به اتحاد شوروی شد.

قیام پادگان ملطاس - این قیام در سال ۱۹۲۶ در شهر ملطاس (شاهپور فعلی) رخ داد و عبارت بود از سرپیچی تمام پادگان نظامی این شهر. اهمیت آن جنبه توده‌ای آنست. عدّه‌ای از میان خوسریازان برای اداره قیام انتخاب شدند که هنوز هم گننام هستند. زمینه اولیه تشکیل آنان موضوع تاجیر پرداخت حقوق بود. است ولی همینکه تشکلو اعتماد بین آنها بعمل آمد خواستها از این چارچوب خارج شد و شعارهای دهقانی نیز مطرح گردید.

قیام کنندگان شهرخوی را تصرف کردند و قسمتی از پادگان آنجانبیز به آنها پیوست. بزودی مناطق اطراف تا حوالی شهرماکو زیر کنترل آنها درآمد و عدّه‌ای در شهر روه به قیام پیوستند.

دولت پس از اعزام نیروی قابل توجهی از تبریز و پادگانهای اطراف موفق به فرونشاندن قیام گردید و سران آنرا اعدام کرد.

نقوذ سریع این قیام در روستا نشان دهند. آمادگی است که دهقانان آذربایجان تحت تاثیر تبلیغ روسیه برای جنبش داشته‌اند. متأسفانه تاریخ نویسان به این جریان توجهی نکردند و حال آنکه جا دارد در این مورد تحقیق عمیقتری انجام شود.

\* \* \* \* \*

بدینجاسلسله قیامها و جنبش انقلابی که پس از انقلاب اکبر بوجود آمد پایان می‌یابد. گرچه جنبش به هدف خود که حداقل برقراری يك حکومت ملی بود نرسید ولی با اینحال کامیابیهای آنرا نمیتوان از نظر دور داشت:

ایران که در واقع بدولت به مستعمره‌ای (بدولت و امپریالیسم تزاری وانگلیس و سپس بدولت امپریالیسم انگلیس) شده بود توانست استقلال سیاسی خود را حفظ کند و از زیر اشغال ارتش انگلیس آزاد شود.

انگلیسها در اثر اوج جنبش و فشار مستقیم از جانب حکومت شوروی مجبور شدند نیروهای خود را از ایران خارج سازند و پاپس جنوب را منحل کنند.

امکان آن بوجود آمد که ایران خود را از زیر بار قرارداد های نامتساوی و بویژه از زیر بار کاپیتولاسیون آزاد نماید، امکانی که حکومت های بعدی استفاد لازم را از آن نکردند (الغاکاپیتولاسیون تهاد رسال ۱۹۲۸ هنگامی که دیگر حفظ آن امکان پذیر نبود اجرا گردید).

قرارداد اسارت بار ۱۹۱۹ که ایران را بدولت به مستعمره رسمی انگلیس می نمود ملغی شد.

### واما علل عدّه عمومی شکست جنبش:

مهمترین آنها باید عدم هماهنگی و وحدت در مجموعه جنبش دانست. در مواردی که قیام در نقطه همزمان بتوقع می‌پیوست کوشش برای همکاری بعمل نیامد.

بواسطه ضعف طبقه جوان کارگر رهبری همه این قیامها در دست طبقات متزلزل بورژوازی و خرد و بورژوازی قرار گرفت که نه برندگی از خود داشتند و نه قائل به ایجاد جبهه واحد با اشتراك کلیه طبقات انقلابی روز بودند.

ارتجاع ایران در همه مواردی که برای سرکوب جنبش اقدام میکرد مستقیم و غیر مستقیم از امپریالیسم

انگلیس مدد میگرفت و از تجارب آن استفاده میکرد.

\* \* \* \*

در تجزیه و تحلیل جریان جنبش‌هایی که پس از انقلاب اکتبر در ایران رخ داد تا شیر نبودن حزب واحدی که بتواند از عهد ه‌ها ه‌ها ه‌ها کردن جنبش در سراسر کشور برآید در شکست این جنبش‌ها کاملاً بچشم می‌خورد.

حزب کمونیست ایران تهاد رگیان آنهم در بد و تشکیل خود هنگامی که هنوز تجربه ای نیاند وخته بود در کار قیام شرکت کرد. در خراسان نیز فعالیت داشت ولی نتوانست اثر خود را در جریان بگذارد. ولی پس از آنکه حزب مرکز خود را به تهران منتقل نمود و دست به تشکیل سازمانهای خود در ولایات زد و بود میایستی سنگینی بار مبارزه را به دوش خود بگذرد.

حزب کمونیست ایران طی دورانی که به سقوط قاجاریه منتهی میشود از آنجا که هنوز بمنظور حفظ ظاهر، برخی آزاد پهای نسبی وجود داشت فعالیت خستگی ناپذیری در تلفیق کار مخفی با علنی انجام داد که خواه از نظر سازمانی و خواه از نظر تبلیغاتی و بسط ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی برای مبارزه آید تا شیر بسزائی داشت: انتشار روزنامه های حزبی و اتحادیه ای، استفاده از صفحات جرائد مترقی، تشکیل اتحادیه ها، شرکت در مجامع فرهنگی و در حزب اجتماعیه و داشتن فراکسیونهای حزبی در این سازمانها.

در دوران ارتجاع سیا و سلطنت رضاشاه حزب کمونیست ایران یگانه سازمانی است که مبارزه با ارتجاع را بعهده دارد.

حزب کمونیست ایران از همان بدو تا سپس خود عضو انترناسیونال سوم (کمینترن) شد که خود زائید انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بود. از کمکهای این سازمان بین المللی کمونیستی برخوردار بود. ارزش کمکهای کمینترن بی‌شمار بود. در دوران کار مخفی حزب محسوس است. در سخت ترین سالهای خفقان و تعقیب حزب، مطبوعات حزبی بکمک احزاب برادر در آلمان و اطریش طبع و برای انتشار در دسترس حزب قرار میگرفت. مجله "ستاره سرخ" منطبعه دروین و روزنامه "پیکار" منطبعه در آلمان کمک بزرگی به نشر اندیشه های کمونیستی و کار سازمانی حزب بود.

نقش بزرگی در زندگی احزاب کمونیستی از جمله حزب کمونیست ایران کنگره هفتم کمینترن بازی کرد. این کنگره چرخشی در فعالیت احزاب کمونیستی بوجود آورد، آنها را متوجه لزوم مبارزه جدی علیه سکتاریسم و چپروی نمود که دامنگیر یک رشته از احزاب شد و بود و احزاب کمونیستی راه استراتژی و اشکال تاکتیکی نوینی مجهز ساخت. در خط مشی که این کنگره در مقابل احزاب کمونیستی و کارگری قرار داد تکیه ویژه ای روی لزوم کوشش از جانب کمونیستها برای جبهه وسیع خلق برای نیل به هدف های همرو و مشترک شده بود که در دست مبارزه حزب کمونیست ایران و سپس حزب توده ایران قرار گرفت.

کنگره هفتم توجه خاصی به تربیت کادر در احزاب کرد. کار جدی بین روشنفکران در جریان فعالیت دکتوری ارانی و تدوین مجله "دنیا" به ارگان رسمی حزب کمونیست کمک بزرگی بود که در زمینه تربیت کادر رشد و حزب توده ایران توانست از آن بهره برداری کند.

با استفاده از این تجربیات و کادری که تربیت شده حزب کمونیست ایران بود که حزب توده ایران توانست بزرگترین جنبش اجتماعی و فکری را در ایران بوجود آورد. حزب توده ایران از کوره مبارزه با انواع انحرافات همواره آید پدید می‌آید. بسبب همین امادگی است که امروز هم در مبارزه برای حفظ وحدت جنبش کمونیستی جهانی، در مبارزه علیه انشعابگران و تفرقه طلبان مائوئیست در موضعی قرار گرفته است که شاید یک حزب مارکسیستی - لنینیستی است.

وجود اتحاد شوروی عاملی است که همواره الهام بخش مبارزه مردم ایران در راه پیروزی نهائی هم امپریالیسم و ارتجاع داخلی بود و خواهد بود.

## دروصف لنین



/ از وحید دستگردی /

جهان از بطن حوا ، صلب آدم  
دو کاوه زاد نه افزون و نه کم  
یکی از اصفهان ایران بهار است  
ز مسکو د بگری گیتی بهار است  
نژاد کی از آن یک نامور شد  
وزین یک زنده نام کارگر شد  
نخستین با " درفش کاویان " خاست  
دوم با " اختر سرخ " از میان خاست  
چو کاوه پرچم وی دامن وی  
سپاه کارگر بهرامن وی  
مبارک باد این جنبش لنین را  
که جنبانید چون حلقه ، زمین را  
لنین بر علم و صنعت کوکب بخت  
بجان مفتخواران آفت سخت  
لنین بر نطع شطرنج زمانه  
سپاه سرخ راد رهشت خانه  
بپاده راند چون برد فاع آفات  
صلا برخاست در کیتی که شهمات  
از این پس رنگ گیتی سرخ و ساد ه است  
بمستی راستی از سرخ باد ه است  
ز سرمایه بشر را شور و شر زاد  
و کز نه شور و شر کی با بشر زاد



## در وصف شوروی

### از ملك الشعراء بهار

اندر آن مملکت از دهدری نیست نشان  
اندر آن ناحیت از کرسنگی نیست اثر  
مزد بخشید به میزان توانائی و زور  
وانکه بهمار وضعیف است ، پزشکی یاور  
برتر از مزد در این ملك ، مکان یابد و جاه  
هر هنر پیشه و هر عالم و هر دانشور  
اندر آنك بود ارزش هر چیز بدید  
ارزش کارزبون ، ارزش فکر افزونتر  
.....  
من بر آنم که ز همسایگی روس بزرگ  
برد این ملك در آینده حظوظ او فر

### از مؤید حبیب اللهی

هر کسی داند که پیش از انقلاب او کتر  
مردم آن ملك را چون بود حال از خیر و شر  
هر که دید آن ملك را آنروز ، کر بیند کتون  
ملك دیکر پیش چشمش آید و خلق دگر  
عقل را باور نیاید کاندین کوته زمان  
ملتی زینسان شود سوی ترقی ره سپر  
با جماهیر بزرگ شوروی همسنگ نیست  
هیچ دولت این زمان در خاور و در باختر  
گوی سبقت را کتون از جمله کشورها رود  
هم بقدرت ، هم بصنعت ، هم بحلم و هم هنر

## سیری در رویدادهای اکتبر بزرگ

روز ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر بمقوم قدیم روسیه) غرض توپهای رزمناو "آورها" در رودخانه نوا آغاز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را بجهانیان بشارت داد. قیام مسلحانه کارگران و دهقانان روسیه به پیروزی رسید. نخستین صفحه تاریخ نوین جامعه بشری گشوده شد. در هرنی با کیفیت نوین آغاز گردید. تو مار تسلط استثمارگران در سرزمین پهناوری مساحت یک ششم کره زمین درهم پیچیده شد.

انفجار نیرومند انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ارکان جهان کهنه را بلرزه انداخت و در سراپای دستگاه استثمار و استعماری و جنگ شکافهای عمیق پدید آورد. ملل مستعبد و میلیونها زحمتکش در سراسر جهان برای نخستین بار آینده مبتنی بر آزادی و شئون انسانی و تحقق آرمانها و امیدهای خود را در آسمان صاف اکتبر بزرگ منعکس دیدند. غریبانه کارگران در طول دوران پنجاه سال گذشته در سر هر پیچ تاریخ طنین افکن بوده است.

راه اکتبر راهی طولانی، توفانی، پرپیچ و خم، پرفراز و نشیب، همراه با شکست و پیروزی و سرشار از جانبازیها و قهرمانیهای شگرف بود. به سیر کوتاه در این شاهراه بزرگ تاریخ میباید ازیم.

توفان سه سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷، انقلاب بهرژوا - دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷.

قبل از دوران توفانی نسلهایی از مبارزان انقلابی روسیه نزد یک به صد سال در راه آزادی روسیه از یوغ حکومت مستبد تزاری مبارزه میکردند. لنین در سال ۱۹۱۲ ضمن توصیف محدودیت دامنه فعالیت نسلهای انقلابی این دوران مینویسد:

"سه نسل و سه طبقه... در انقلاب روس عمل میکردند. نخست اشراف و ملاکان، داکاریستها (۱) و گرتسن. جمع این انقلابیون محدود است. از مردم کمبکلی در اوقات ماندولی کار آنها بهد رزقت. داکاریستها گرتسن را بیدار کردند. گرتسن به تبلیغات انقلابی پرداخت. انقلابیون "راژنویچین" (۲) از چرنیشفسکی گرفته تا قهرمانان گروه "نارود نایولیا" کار این تبلیغات را بدست خود گرفتند، دامنه آنها را وسعت دادند، تقویت کردند و بان قوام بخشیدند. جمع مبارزان و سيعتروش و ارتباط آنان با مردم نزدیکتر گردید. گرتسن آنها را

(۱) داکاریستها - گروهی از اشراف انقلابی روسیه بودند که در سال ۱۸۲۵ به نخستین قیام مسلحانه علیه سلطنت تزار دست زدند.

(۲) در روسیه قرن نوزدهم روشنفکران بهرژوا - لیبرال و دموکرات را که به طبقه اشراف متعلق نبودند و از میان روحانیون، کارمندان دولت، کسبه و دهقانان برخاسته بودند "راژنویچین" مینامیدند. (РАЖНОВИЧІН)

این کشتار خونین توفانی ازخشم در میان مردم زحمتکش بپا کرد. کارگران به مسلح کردن خویش پرداختند. در روزهای بعد موج بزرگی از اعتصاب در سراسر کشور بپا خاست.

لنین پس از دریافت نخستین اخبار این حوادث نوشت:

"طبقه کارگر در بزرگ جنگ داخلی گرفته است. کار تربیت انقلابی پرولتاریاد ز طرف يك روز باندازه ماهها وسایل زندگي روز مریه یکتواخت و ذلت بار پیشرفت کرده است. اکنون در سراسر روسیه شعار پرولتاریای قهرمان پتربرگ: «مرگ یا آزادی» «طنین افکن است» (۱).

پس از ۹ ژانویه سیر حوادث بشدت تسریع گردید. انقلاب آغاز شد. روز اول ماه مه ۱۹۰۵ در ۲۰۰ شهر روسیه کارگران باشعار "نابود باد سلطنت مستبد" دست با اعتصاب زدند.

نخستین انقلاب روسیه نزدیک به دو سال ونیم دوام یافت. از مهمترین رویداد های این انقلاب اعتصاب کارگران ایوانو و وانسنسک در ماه مه ۱۹۰۵ است. اهمیت این اعتصاب در آن بود که برای رهبری اعتصاب شورائی از کارگران تشکیل شد و این نخستین شورائی نمایندگان کارگران در تاریخ انقلاب روسیه بود. از آن پس در شهرهای دیگر نیز شوراهای نمایندگان کارگران تشکیل شد. این شوراها سپس به ارکانهای تدارک قیام بدل گردیدند و نطفه های حکومت نوین کارگری را تشکیل دادند. شوراها بی اعتنا به مقررات دولت تزاری تصویب نامه ها و دستورها و فرمانهای خود را صادر میکردند. ۸ ساعت روز کار و آزاد پهای دموکراتیک را مقربد اشتند. شوراهای نمایندگان کارگران در سال ۱۹۰۵ بزرگترین دستاورد تاریخی طبقه کارگر و نمونه آینه حکومت نوینی بود ندکه در اکتبر سال ۱۹۱۷ در روسیه پدید آمد.

شوراها ستاد بسیج نیروهای انقلابی و تدارک و انجام قیام مسلحانه بودند. در آغاز ماه نوامبر سال ۱۹۰۵ لنین مخفیانه از مهاجرت به روسیه بازگشت و رهبری مستقیم فعالیت حزب را بدست گرفت.

در دسامبر سال ۱۹۰۵ پیکار طبقه کارگر به عالیترین شکل خود یعنی به قیام مسلحانه بدل گردید. بدوچم قیام مسلحانه رانخست کارگران مسکو برافراشتند. انهی آنها در ماه مه ۱۹۰۵ و در ژانویه ۱۹۰۶ کارگران شهرهای دیگر دست به قیام زدند. در برخی از شهرها حکومت بدست کارگران افتاد. در بسیاری از نقاط دهقانان نیز به قیام پیوستند.

ولی کارگران روسیه در آن زمان هنوز تجربه کافی برای مبارزه مسلحانه نداشتند، اسلحه آنها کافی نبود و ارتباط نزدیک با واحد های نظامی برقرار نکرده بودند. پیروزی قیام در مسکو بمیزان زیادی به پشتیبانی کارگران پتربرگ نیاز داشت. ولی در نتیجه سیاست اپورتونیستی منشویکها شورائی نمایندگان کارگران پتربرگ نتوانست نقش خود را در قیام ایفا کند.

حکومت تزاری با سفاکی وحشیانه قیام ها را سرکوب کرد و از آن پس موج انقلاب بتدریج فروکش کرد. حکومت تزاری در مبارزه علیه انقلاب علاوه بر اعمال قهر از فرم نیز استفاده میکرد و میکوشید این پندار را در میان توده ها اشاعه دهد که گویا تحقق خواسته های اساسی مردم از راه فرم های نیم بند میسر است. رژیم تزاری در عین حال باوعد زمین به فریبده هقانان دست زد تا آنها را از طبقه کارگر جدا کند و بدینسان ضریت نهائی را به انقلاب وارد سازد. ولی مبارزه توده ها در سال ۱۹۰۶ و اوایل سال ۱۹۰۷ ادامه یافت. در اواسط سال ۱۹۰۷ روشن شد که کارگران و دهقانان برای پیروزی بر تزاریسم نیروی کافی ندارند. ارتجاع به تعرض قاطع پرداخت. روز سوم ژوئن ۱۹۰۷ دوامی د ولتی دو م بفرمان حکومت تزاری منحل شد. سازمانهای کارگری تار و مار گردیدند. پلیس شدیدا به تعقیب لنین پرداخت تا او را دستگیر و نابود کند. لنین باد شوری بسیار توانست از کشور خارج شود. دومین مهاجرت لنین تا آوریل سال ۱۹۱۷ ادامه یافت.

"ناخد ایان جوان توفان آیند" نامید ولی این هنوز خود توفان نبود. توفان - جنبش توده هاست. پرولتاریا که یگانه طبقه تا آخر انقلابی است در رأس توده ها قرار گرفت و بر ای نخستین بار میلیونهاد هقان را مبارزه آشکار انقلابی کشاند. نخستین هجوم این توفان در سال ۱۹۰۵ رخ داد. هجوم بعدی در برابر انظار ما آغاز میگردد" (۱)

### انقلاب ۱۹۰۵

نخستین انقلاب روسیه در ۹ ژانویه ۱۹۰۵ آغاز شد و تا ژوئن ۱۹۰۷ ادامه یافت. مقدمات این انقلاب در طول سالهای زیاد فراهم شده بود. وضع اقتصادی و سیاسی روسیه در آغاز قرن بیستم از هر جهت خراب از نزدیکی انفجار انقلابی میداد. در آن زمان سرمایه داری در روسیه نیز بمرحله امپریالیسم رسیده بود. و در نتیجه آن تضاد های اجتماعی و سیاسی سیستم سرمایه داری فوق العاده حدت یافته بود.

پرولتاریای روسیه در معرض بیرحمانه ترین استثمار سرمایه داری قرار داشت. بحران اقتصادی سالهای ۱۹۰۰-۱۹۰۳ وضع زندگی زحمتکشان را بیش از پیش وخیم ساخت. بیکاری شدت یافته بود. دستمزد کارگران ناچیز بود و کارگران در روز ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار میکردند. دهقانان نیز زندگی شاقی داشتند و از دستمزد ملاکان بجان آمده بودند. مقدمات انقلاب در سراسر کشور فراهم میشد.

در سال ۱۹۰۴ ژاپن به پشتیبانی امپریالیسم امریکا و انگلیس خود را برای جنگ با روسیه آماده میکرد. روسیه برای جنگ آماده گیند داشت. ولی تزار هم که خطر انقلاب را نزدیک میدید سیاست ماجراجویانه ای در پیش گرفت و باین حساب که جنگ با ژاپن پیروزی آسانی را برایش تأمین خواهد کرد هیچ اقدامی برای پیشگیری جنگ بعمل نیامد. تزار هم امیدوار بود که پیروزی در این جنگ مستعمرات تازه و بازارهای تازه ای را در نصیبش خواهد کرد و اعتبار سلطنت مطلقه را بالا خواهد برد و به آن امکان خواهد داد جنبش انقلابی را در کشور سرکوب کند.

ولی حسابهای حکومت تزاری غلط درآمد. امپریالیستهای ژاپن که از عدم آمادگی ارتش روسیه با خبر بودند بدون اعلان جنگ ناگهان به دژ پرت آرتور حمله کردند. دژ پرت آرتور سقوط کرد. و سپس ارتش تزاری متحمل شکستهای پی در پی شد و جنگ به پیروزی ژاپن انجامید. جنگ روسیه و ژاپن یکی از نخستین جنگهای دوران امپریالیسم بود.

این جنگ صائب تازه ای برای مردم زحمتکش در پی داشت و آنرا از هستی ساقط کرد. کاسه صبر توده ها لبریز شد. انقلاب درد ستر روز قرار گرفت.

در سال ۱۹۰۴ کشیشی بنام گاپون بدستور اداره آگاهی تزار سازمانی از کارگران در پتربورگ (۲) تشکیل داد. بود. در نخستین روزهای ژانویه سال ۱۹۰۵ کارگران کارخانه پوتیلوا با استفاده از پشتیبانی کارگران کارخانه های دیگر دست با عصاب زدند. گاپون برای مقصد جوئی به کارگران پیشنهاد کرد "عرضه" ای تهیه کنند و افراد رکاخ زمستانی به تزار تسلیم نمایند. بلشویکها برای افشای نقشه گاپون تلاش فراوان بکار بردند ولی اکثریت کارگران در آن زمان هنوز به تزار ایمان داشتند.

روز یکشنبه ۹ ژانویه ۱۹۰۵ بیش از ۱۴۰ هزار کارگر بید فاع بازن و بچه در حالیکه تعال های مذهیبی و عکسهای تزار را در دست داشتند بسوی کاخ زمستانی تزار روان شدند. واحد های نظامی بدستور تزار جمعیت بید فاع را گلوله باران کردند. بیش از هزار نفر کشته و قریب پنج هزار نفر زخمی شدند. از آن پس روز ۹ ژانویه به یکشنبه خونین موسوم گردید.

- (۱) لنین و آثار منتخبه. ترجمه فارسی. جلد اول، قسمت دوم، صفحات ۲۲۶-۲۲۷  
(۲) نام پتربورگ در سال ۱۹۱۴ به پتروگراد تغییر کرد و در سال ۱۹۲۴ پس از مرگ لنین به لنینگراد موسوم گردید.

نخستین انقلاب روسیه به شکست انجامید. مهمترین علل این شکست آن بود که طبقه کارگرتوانست اتحاد پایدار با دهقانان بوجود آورد، دهقانان پراکنده عمل میکردند، شکل و قاطعیت کافی نداشتند، تحت نفوذ اربابها و عناصر ارتجاعی بودند و هنوز به تزار و موسسات دولت تزاری ایمان داشتند. این انقلاب با وجود شکست نخستین ضربه را بر نظام استبداد وارد ساخت. طبقه کارگر هم برای خود و هم برای تمام مردم به یک سلسله دستاوردهای سیاسی و اقتصادی نائل آمد. برای نخستین بار در روسیه ولو برای مدت کوتاه آزادی بیان و اجتماعات بدست آمد و سازمانهای سندیکائی و مطبوعات کارگری ایجاد گردید. ولی هدف عمده انقلاب یعنی سرنگون ساختن رژیم تزاری تحقق نیافت. انقلاب به توده‌ها نشان داد که مشت زدن بر پیکر حکومت تزاری کافی نیست و باید بنیاد آنرا برانداخت.

در مسالهای این انقلاب حزب لنین مکتب سیاسی بزرگی را گذراند و تجربه عظیمی در زمینه سازمانگری توده‌ها بدست آورد. حزب بسازمان توده‌های بزرگ بدل گردید. تجربه حزب و اعتمادی که توده‌ها در جریان انقلاب به لنین و حزب او پیدا کرد، بودند در دوران انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریتکارآمد. "بدون ژنرال ریستون" سال ۱۹۰۵ انجام انقلاب در سال ۱۹۱۷ اعم از انقلاب بورژوازی فوریه و انقلاب پرولتری اکثریت غیرممکن بود" (۱).

انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷ در جنبش جهانی کارگری مرحله جدیدی آغاز کرد و در پیشرفت مبارزه آزاد بخش ملل کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تا عمیق‌تر و انبساط بخشید. تا همیروز انقلاب در کشورهای خاور زمین و مخصوصاً در ایران و ترکیه و چین شدید بود. انقلاب مشروطیت ایران تحت تاثیر مستقیم انقلاب روسیه انجام گرفت.

### دوران ارتجاع

پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷ دوران بسیار دشوار ارتجاع در کشور آغاز شد. دولت تزاری هزاران تن از مجاهدان انقلابی را به جبهه دارتسلیم کرد، ده‌ها هزار نفر به تبعیدگاه‌ها روانه شدند، زندانها از عناصر انقلابی مملو بود. طبقه کارگر در معرض شدیدترین حملات ارتجاع قرار گرفت. پلیس در حق سازمانهای کارگری بیداد میکرد. عناصر مفسد و جو بد ستور پلیس بداخل سازمانهای انقلابی راه یافتند، جریان فعالیت این سازمانها را به پلیس خبر میدادند و انقلابیون را به چنگ پلیس می‌انداختند.

طبقه کارگر علاوه بر بیدادگریها و اجحافات پلیس از تعديات نظام سرمایه داری نیز رنج میبرد. بیکاری شدت بی‌یافت کارخانه‌ها تعطیل میشد و کارگران رادسته دسته به خیابان میریختند. نام کارگر فعال را در "لیست سیاه" ثبت میکردند و به هیچ کارخانه‌ای راه نمیدادند.

ولی علیرغم این سیاهکاریها تزاریسیم نتوانست بوضع قبل از انقلاب بازگردد. روسیه این سالها با دوران قبل از سال ۱۹۰۵ تفاوت اساسی داشت. تمام طبقات جامعه مکتب انقلاب را گذرانده بودند و هر یک از آنها برای خود درسهای گرفته بودند.

تزاریسیم برای حفظ قدرت خود و برای بسیج متحدین از میان بورژوازی شهروند سیاست جدیدی در پیش گرفت که بنام استولپین نخست وزیر وقت استولپینیسیم نامیده شد. مظهر این سیاست اصلاحات ارضی استولپین بود که در آن از منافع ملاکان و کولاهاد فاع میشد.

ارتجاع بر تمام شئون حیات کشور و بر عرصه علم و فلسفه و هنر مسلط شد. روحیه ضد انقلابی در میان روشنفکران قوت گرفت، بازار ارتداد رواج داشت، به عقاید عرفانی و گریز از فلسفه مادی میدان وسیع داده میشد. خلاصه ارتجاع میکوشید خاطرات انقلاب را از اذهان توده‌ها بزداید. ولی کارگران و دهقانان پیشرو قهرمانیهای سالهای انقلاب را از یاد نبردند.

(۱) لنین آثار منتخبه ترجمه فارسی جلد دوم قسمت دوم صفحه ۲۴۰، مقاله "انترناسیونال سوم و مقام آن در تاریخ".

لنین و حزب اومید انستد که در برابر روسیه فقط د راه وجود دارد : یا تحول بنیاد ید موکراتیک و یا انچنان تغییراتی در جهت تکامل سرمایه داری که در آن رژیم سلطنت و تسلط طبقات استثمارگر محفوظ بماند . استولپین میگفت من به " ۲۰ سال آرامش " یعنی به ۲۰ سال فرمانبرداری توده ها و خاموشی مبارزه نیاز دارم تا روسیه رابه سطح کشورهای مترقی برسانم . ولی توده ها ای که از کوره انقلاب گذشته بودند امکان این " آزمایش " را ندادند .

حزب بلشویک در دوران ارتجاع تجارب سیاسی جدیدی آموخت و شیوه و اشکال جدیدی را برای مبارزه و سازمانگیری طرح ریزی کرد و بکار بست . انقلاب فن تعرض و شکست انقلاب فن عقب نشینی متشکل و حفظ نیروهای اساسی حزب را به مجاهدان انقلابی آموخت . لنین میگفت بدون آگاهی از فن تعرض صحیح و عقب نشینی صحیح حصول پیروزی ممکن نیست .

بلشویکیها در دوران تیره و تار ارتجاع علیرغم تمام شداوند و مشقات توانستند حزب غیرعالمی یعنی نیروی اساسی رهبری طبقه کارگرا حفظ کنند .

### دوران اعتلای انقلاب

از تابستان سال ۱۹۱۰ جنب و جوش انقلابی در کشور تجدید شد . کشتار خونین کارگران معادن طلائی لئا در سیبری موج انقلابی را اوج داد . کارگران این معادن که از جوهر مستم صاحبان این معادن بجان آمدند . بودند روز ۴ آوریل ۱۹۱۲ در صدد برآمدند با بد بیان معادن طلا در باره بهبود شرایط کار و زندگی خود مذاکره کنند . ولی ژاندارم های تزاری اجتماع آرام کارگران رابه گلوله بستند و بیش از ۵۰۰ کارگرا کشتند و زخمی کردند . خبر تیرباران لئا بسرعت در کشور پخش شد و موجی از خشم برانگیخت . اعتلای انقلاب آغاز شد . جنبش کارگری وسعت یافت . سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۴ سالهای اعتصابات بزرگ در سراسر کشور است .

### نخستین جنگ جهانی امپریالیستی

جنگ جهانی امپریالیستی در ۱۹ ژوئیه سال ۱۹۱۴ آغاز شد . هدف این جنگ تجدید تقسیم جهان میان دول امپریالیستی بود . روسیه که از نظر اقتصاد ی بیش از همه به سرمایه فرانسوی و انگلیسی وابسته بود در این جنگ جانب فرانسه و انگلستان را علیه آلمان ، اتریش - هنگری و ایتالیا گرفت . جنگ بسرعت عالمگیر شد . ۲۸ کشور با جمعیتی بیش از یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر بگرداب جنگ افتادند . نزدیک ۷۴ میلیون نفر برای جنگ بسیج شدند . حزب لنین برخلاف سران مود انترناسیونال دوم شعار مبارزه علیه جنگ و تهدید جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی ، به جنگ علیه دولت های خودی را اعلام کرد .

لنین در آغاز جنگ در محلی بنام " پورونین " در اتریش - هنگری اقامت داشت . مقامات اتریشی لنین را مدتی بازداشت کردند و لنین پس از آزادی از زندان به سوئیس رفت .

جنگ جهانی امپریالیستی ایجاد مقدمات لازم را برای انقلاب تسریع کرد . روسیه ضعیفترین حلقه زنجیر جهانی امپریالیسم بود . دو سال جنگ کاملاً کافی بود برای آنکه نیروی روسیه تزاری را درهم شکند . تزارمسم برای ادامه جنگ پول نداشت و مجبور شد بیش از ۸ میلیارد روهل وام از خارج بگیرد . ایمن و امها وابستگی روسیه رابه امپریالیسم انگلیس و فرانسه تشدید کرد . استقلال ملی کشور بخطر افتاد .

### انقلاب بهرژواک موکراتیک فروری ۱۹۱۷

تاریخ رسالت نجات کشور از ورشکستگی و خطر تهدید به مستعمره رابه طبقه کارگرا و گداگرانه بود . حزب بلشویک نزدیکی انقلاب را پیش بینی میکرد . لنین در سال ۱۹۱۵ ضمن مقاله ای تحت عنوان " چند تز " چگونگی انقلاب آینده را تحلیل کرد و نشان داد که این انقلاب خصلت بهرژواک - موکراتیک

خواهد داشت و هدف اساسی آن سرنگون ساختن رژیم مستبد و تزاری و الغاء تمام بازماند و های رژیم ارباب - رعیتی خواهد بود. طی دهه‌هایی که از نخستین انقلاب بورژوا - دموکراتیک میگذشت اوضاع و احوال تغییر فراوان کرد و بود. فشر بندی در د. عمیقتر شد و رشد پرولتاریا به سطح بالاتری رسید و بود. جنگ امپریالیستی تمام تضادها را حدت داد و بود. بدینسان شرایط مساعدی بوجود آمد و بود که انقلاب بورژوا - دموکراتیک سریعاً به انقلاب سوسیالیستی تحول پذیرد. تمایز اساسی این انقلاب با انقلاب اول روسیه در همین بود.

جنبش کارگری از پایان اولین سال جنگ بسرعت در سراسر کشور بسط می‌یافت. این جنبش بمعطیت سربازی نیز سرایت کرد و سربازان بیش از پیش به فعالیت انقلابی برخاستند. در نتیجه جنگ گاه تمام یک هنگ از اجرای دستور فرماندهان سرپیچی میکردند. هزاران سرباز از جبهه میگریختند. در بسیاری از مناطق جبهه سربازان در طرف محاربه شعار برادری اعلام میکردند و دست‌و‌پستی بیکدیگر میدادند. در اردو سته تزاری در تلافی راه خروج از بن بست بود و بهمین جهت برای عقد قرارداد جد اگانه با آلمان زمینه سنجی میکرد. بورژوازی روسیه نیز برای چاره بحران انقلابی تلاش میوزید. شکستهای نظامی تزاریسم بورژوازی را ناراضی کرده بود. این بورژوازی تزاریسم را عامل اساسی بروز خطر انقلاب میدانست. شایعاً صلح جد اگانه با آلمان هم بورژوازی را نگران میکرد زیرا بورژوازی روس در سالهای جنگ وضع اقتصادی خود را تحکیم بخشید و بود و از نظر سیاسی نیز متشکل شد و پیرامون حزب کادت ها که در اردو و گاه بورژوازی نیروی عمد و بشمار میرفت متحد شده بود. ولی بحالت محافظه کاری و ترسوئی قادر نبود ضربه انقلابی به تزاریسم وارد سازد. تاکنیک بورژوازی این بود که با استفاده از شکستهای تزاریسم و بسا توجه به ترس رژیم تزاری از انقلاب مخرب تزاریسم را به عقب نشینی وادارد و در حکومت بان شریک گردد و باتفاق آن به مبارزه علیه " دشمن مشترک " برخیزد. ولی چون تزاریسم حاضر به گذشت نشد محافظان متنفذ بورژوازی به فکر کودتای درباری افتادند تا شخص دیگری را بجای تزار بنشانند. ولی ائتلاف میان تزار و بورژوازی بهر حال تا حدودی به تضعیف تزاریسم کمک کرد.

نیروهای اساسی انقلاب پرولتاریا در دهقانان تشکیل میدادند. از تابستان سال ۱۹۱۵ طبقه کارگر بطور فزاینده ضربهات خود را بر رژیم تزاری وارد میساخت. سلاح اصلی مبارزه پرولتاریا اعتصاب بود. اعتصابات سیاسی و اقتصادی وسیله عمدی بیداری توده ها برای مبارزه علیه جنگ، تزاریسم و سرمایه - داری بود.

حزب بلشویک ها محور جنبش انقلابی را تشکیل میدادند. در پایان سال ۱۹۱۶ انقلاب کاملاً نزد یک شده بود و بیش از پیش بصورت انفجار خود بخودی خشم توده ها متجلی میکردید. " انفجارهای خود بخودی بهنگام اوج انقلاب اجتناب ناپذیر است " (لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۳۸، صفحه ۳۹۳).

روز ۹ ژوئیه سال ۱۹۱۷ بمناسبت سالروز یکشنبه خونین کارگران ۱۳۲ کارخانه پتروگراد دست باعصاب زدند. در بسیاری از شهرهای دیگر نیز اعتصابات سیاسی و میتینگ و تظاهرات برپا شد. در روزهای ۱۴-۱۵ فوریه بیش از صد هزار کارگر ۷۸ کارخانه پتروگراد اعتصاب کردند. زحمتکشان پتروگراد بسا شعار " نابود باد جنگ، سرنگون باد دولت، زنده باد جمهوری " به تظاهرات برخاستند. در اوقاتی که از طرف کمیته حزب بلشویک در پتروگراد پخش شد خطاب بکارگران و زحمتکشان گفته میشد: " درنگ و خاموشی دیگر روانیست... لحظه بیکار اشکار فرارسید است ".

روز پنجشنبه ۲۳ فوریه (۸ مارس به تقویم جدید) که روز بین‌المللی زنان بود بلشویکها اعتصاب سیاسی عمومی اعلام کرده بودند. از صبح زود در کارخانه ها میتینگ و جلسه برپا بود. مبلغین حزبی سخنرانی میکردند و علل جنگ و سختی زندگی را برای مردم توضیح میدادند. جنبش در مردم اوج میگرفت و رفته رفته از چارچوب اشکال مسالمت آمیز مبارزه طبقاتی خارج میشد. خشم و بیزاری توده ها از رژیم سلطنتی تزار که مشقات جنگ و پریشانی اقتصادی آنرا تشدید کرده بود در این روز بصورت انفجار انقلابی خود بخودی بروز کرد.

دومین انقلاب روسیه آغاز شد. نمایندگان بروی کمیته مرکزی حزب و کمیته پتروگراد در همان ۲۲ فوریه در برهنگام شب تصمیم گرفتند اعتصاب را با شعار سرنگونی حکومت تزاری و قطع جنگ ادامه دهند. روز ۱۴ فوریه بیش از ۲۰۰ هزار کارگر اعتصاب کردند. دانشجویان دانشگاه پتروگراد و ده ای از دانشکده ها به پشتیبانی از کارگران برخاستند. در خیابانها نبرد شدیدی میان مردم و واحدهای سواره نظام در گرفت. مردم با سنگ و تکه های پنخ به واحدهای نظامی حمله میکردند. در همانروز حزب بلشویک قرارداد کرد که: "اعتصاب کارخانه ها به اعتصاب عمومی و سپس به قیام بدل گردد." در اوقاتی که از طرف حزب پخش گردید از مردم دعوت میشد: " همه به مبارزه! مرگ با افتخار و بیگداره راه ارمان کارگری بهتر از مرگ در جیبه بخاطر سرمایه داران یا مرگ از گرسنگی و کاروانفرساست. ۰۰ سرنگون باد سلطنت تزاری! نابود بساد جنگ!"

روز ۲۷ فوریه روز پیروزی تاریخی کارگران و سربازان پادگان پتروگراد بود. در این روز قیام کنندگان تقریباً تمام پتروگراد را تصرف کردند. تمام مواضع حساس یعنی پلها، ایستگاههای راه آهن، انبار اسلحه، تلگرافخانه، اداره مرکزی پست بدست آنان افتاد. سربازان همه جانان بخلاق را گرفتند. روز ۲۷ فوریه شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد که ره آورد خلافت انقلابی بود، هابید به ارگان قیام و حکومت انقلابی بدل شد. پیروزی قیام در پتروگراد با بسط انقلاب در سراسر کشور تحکیم گردید. در تمام استانها و شهرهای بزرگ شوراها نمایندگان کارگران و سربازان تشکیل شد. ایجاد این شوراها اقدامات انقلابی آنها برای تحکیم پیروزی بر سلطنت تزاری اهمیت سیاسی عظیم داشت. ولی در لحظه تشکیلات شورای نمایندگان کارگران و سربازان در پتروگراد وضعی پیدا آمد که منشویکها و اسراها توانستند در راه شورا اقرار گیرند. یکی از علل اساسی این واقعه آن بود که اگرچه پیکار انقلابی را بخش پیشرو طبقه کارگر تحت رهبری بلشویکها آغاز کرده بود و با قهرمانی خود بود و های اساسی و عقب ماند تر کارگران را به مبارزه کشاند. بود ولی بود و های خرد و بورژوازی که شرکت وسیع آنها در انقلاب شرط ضروری تا "مین پیروزی سریع انقلاب است در ترکیب اجتماعی نیروهای محرکه انقلاب تا" شرفراوان بخشیدند. منشویکها و اسراها در آنزمان مبین نظریات این قشر خرد و بورژوازی و نیز بخش عقب ماند کارگران بودند. علاوه بر این رهبران منشویکها و اسراها در آن روزها برخلاف رهبران بلشویکها از امکان فعالیت علنی برخوردار بودند و یا نجهت توانستند در لحظه حساس خود را در برابر نظر توده ها قرار دهند. رهبران معتبر بلشویکها در آنروزها یاد مهاجرت بودند و یاد تبعیدگاهها. لیدرهای اسرا - منشویک در شوراها از همان آغاز راه خیانت به منافع انقلابی خلق را در پیش گرفتند و حکومت را در اوطالبانه به بورژوازی تسلیم کردند و متعهد شدند از دولت موقت بورژوازی که روز ۲ مارس بریاست پرنس لووف تشکیل شده بود پشتیبانی کنند. ویژگی تاریخی انقلاب بورژوا - دموکراتیک روسیه یعنی حکومت دگانه از همینجا پیدا آمد. در روسیه عملاً حکومت ایجاد گردید: یک حکومت بورژوازی از طریق دولت موقت و یکی حکومت انقلابی - دموکراتیک پروتلاریا و دهقانان از طریق شوراها. ویژگی بسیار شایان توجه انقلاب ماد راسته که این انقلاب حکومت دگانه بوجود آورد، است. ۰۰ حکومت دگانه چیست؟ اینست که در کنار دولت موقت یعنی حکومت بورژوازی، حکومت دیگری پیدا آمد. که اگرچه هنوز ضعیف و در حالت نطفه ایست، ولی موجودیت عملی مسلم دارد و راه رشد می پوید. این حکومت: شوراها نمایندگان کارگران و سربازان است" (۱)

روز ۲ مارس ۱۹۱۷ تزار از سلطنت کناره گرفت.

لنین ضمن ارزیابی اهمیت بین المللی انقلاب فوریه نوشت: "این نخستین مرحله نخستین انقلاب (از انقلابهای آفریده جنگ) نه آخرین انقلاب خواهد بود و نه انقلاب منحصر ا روسی".

(۱) لنین آثار منتخبه. ترجمه فارسی، جلد دوم، قسمت اول، صفحه ۱۰۵. مقاله "در باره حکومت دگانه".



انقلاب بمرزوا - د مکرانیک فوریه ۱۹۱۷ وظیفه عاجلی راکه حزب در برابر خود داشت یعنی سرنگونی تزارسم را بانجام رساند و مرحله جدیدی را در راه برانداختن سرمایه داری و تحقق انقلاب سوسیالیستی آغاز نهاد. ولی هنوز کار عظیمی در پیش بود. لنین که آن زمان هنوز در مهاجرت بود پس از دریافت نخستین اخبار در باره رویداد انقلاب بم تحلیلی اوضاع و احوال سیاسی جدی بدو و تناسب جدی قوای طبقاتی و طرح ریزی مشی تاکتیکی جدی در حزب پرداخت. لنین در اثر معروف خود بنام "نامه هائی از مرز" رویدادهای انقلاب را در روسیه ارزیابی کرد و وظایف حزب را برای رهبری پیکار انقلابی معین نمود. ولی نامه ها و توصیه های لنین در آن روزهای توفانی خیلی در پیرو سید و تمام حزب از آن اطلاع نمی یافت.

روز ۲۷ مارس لنین و به همراه او جمعی از مهاجران و از جمله ۱۹ تن از بلشویکها از سوئیس بجانب میهن رهسپار شدند. روز ۳ آوریل در یهنگام شب بود که لنین وارد پتروگراد شد. در ایستگاه راه آهن کارگران به پیشواز او شتافتند. لنین در ایستگاه نطق کوتاهی از زره پوش ایراد کرد و سخن خود را با شعار "زند باد انقلاب سوسیالیستی" بپایان رساند. روز ۴ آوریل لنین تظاهرات مشهور خود را که بعد ها "تظاهرات آوریل" نامیده شد نخست در جلسه بلشویکهای نمایندگ کنفرانس مشورتی شوراهای نمایندگان کارگران و سرایان و سپس در جلسه مشترک بلشویکها و منشویکهای نمایندگ این کنفرانس قرائت کرد. در این تظاهرات روز ۷ آوریل تحت عنوان "وظایف پرولتاریا در انقلاب کنونی" در روزنامه "پراودا" انتشار یافت بر نامه علمی مبارزه برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی در شرایط تاریخی جدی تشریح شده است. لنین ضمن تأکید ضرورت ابراز عدم اعتماد به دولت موقت و خودداری از هرگونه پشتیبانی از آن حزب را به رهبری مستقیم مبارزه توده ها و هدایت آنان بسوی انقلاب سوسیالیستی دعوت کرد. در "تظاهرات آوریل" از جمله گفته میشود:

"بزرگی لحظه حاضر در روسیه عبارت است از گذار انقلاب از نخستین مرحله خود، که در آن حکومت بعلت کمبود آگاهی و نقصان تشکل پرولتاریا بدست بمرزوازی افتاده است، به مرحله دوم آن که در آن باید حکومت بدست پرولتاریا و تهیدست ترین لایه های دهقانان میفتد (۱). لنین در "تظاهرات" خاطر نشان ساخت که:

"مادام که ما در اقلیت هستیم کارمان انتقاد و توضیح اشتباهات است و در عین حال ضرورت انتقال تمام قدرت بدست شوراهای نمایندگان کارگران را تبلیغ میکنیم تا توده ها بر پایه تجربه از اشتباهات خویش بپرهندند" (۲).

شعار "تمام قدرت بدست شوراهای" در آن شرایط در حکم اتخاذ راه رشد مسالمت آمیز انقلاب یعنی راه مسالمت آمیز انتقال حکومت بدست شوراهای بود. در این شعار از مردم دعوت نمیشد که بیدرتنگ به سرنگونی دولت موقت و جنگ داخلی برخیزند. در آن زمان هنوز امکان این سرنگونی فراهم نبود زیرا دولت موقت بعلت روش خیانت آمیز اکثریت آس-ا-ر-منشویک در شوراهای پشتیبانی شوراها برخورد ابرود توده ها از شوراها پیروی میکردند و به دولت بمرزوازی اعتماد ناآگاهانه داشتند.

لنین در عین تأکید ضرورت استفاده از امکان رشد مسالمت آمیز انقلاب توجه حزب را به ضرورت ایجاد و تحکیم نیروهای مسلح انقلاب معطوف میداشت و خاطر نشان میساخت که بدون ایجاد نیروهای مسلح سرنگونی حکومت بمرزوازی نه از راه مسالمت آمیز و نه از راه مسلحانه امکان پذیر نخواهد بود. لنین در این زمینه این حکم بنیادی مارکسیستی را ملاحظه فرمایید که طبقات حاکمه هیچگاه در اوطالبانه حکومت خود را تسلیم نمیکند. درجه حدت مبارزه طبقاتی و توسل یا عدم توسل به قهر برای سرنگون ساختن

(۱) لنین. آثار منتخبه. ترجمه فارسی. جلد دوم، قسمت اول. صفحه ۸

(۲) همانجا، صفحه ۹

سرمایه داری وابسته به درجه مقاومت استثمارگران و توسل آنان به قهر است. طبقه کارگرو پیشاهنگ آن در توسل به اقدامات مسلحانه و اقدام به جنگ داخلی پیشقدمی نمیکنند.

گروه کوچکی از بلشویکها که از مشی اپورتونیستی راست کامنف و ریگف پیروی میکردند با شعار "تمام قدرت بدست شوها" و بطور کلی با برنامه "لنین در باره" تکامل انقلاب و تحول آن به انقلاب سوسیالیستی مخالفت میکردند و مدعی بودند که انقلاب بهروز - در مکرراتیک هنوز پایان نیافته و انقلاب سوسیالیستی در روسیه بسبب عقب ماندگی اقتصادی آن میسر نیست و چنین انقلابی نخست باید در اروپای غربی انجام گیرد. در میان انقلابیون پرولتری نیز بسیاری از مسائل تاکتیکی که در "تزاها" طرح شده بود در آغاز تردیدها شی ایجاد میکرد. بهمین جهت تصمیم گرفته شد که اختلاف نظرهای مربوط به "تزاها" در داخل حزب به بحث آزاد گذاشته شود. این بحث به پیروزی کامل اندیشه های لنین انجامید و سازمانهای حزب یکی پس از دیگری "تزاها" را تصویب کردند.

روز اول ماه مه ۱۹۱۷ برای نخستین بار جشن اول ماه مه در روسیه بطور علنی برگزار شد. هزاران کارگر و سرباز در دستراسیون اول مه شرکت کردند. شعار اصلی آنها صلح و خروج روسیه از جنگ بود. در همانروز میلوکوف وزیر امور خارجه دولت موقت یادداشتی برای دولت متفق روسیه فرستاد و در آن ضمن تأیید کلیه قرارداد های منعقد و از طرف دولت تزاری وعده داد که روسیه جنگ را تا پیروزی نهایی ادامه خواهد داد. در روزهای ۳ و ۴ مه در مؤسستراسیونی بشرکت بیش از صد هزار کارگرو سرباز در پتروگراد تشکیل شد. تظاهر کنندگان که تازه از مضمون یادداشت میلوکوف باخبر شده بودند باخشم تمام اعلام میکردند "مرده بسا د میلوکوف"، "ناپود باد جنگ"، "تمام قدرت بدست شوها". در شهرهای دیگر نیز بدین مناسبت تظاهرات بزرگ برپا شد. صحت نظر لنین در باره ضرورت ابراز عدم اعتماد به دولت موقت به ثبوت رسید. پس از انقلاب فوریه باردیگر بحران سیاسی جدیدی در کشور بروز کرد.

تمام ماه مه با شعار تحکیم و افزایش دستاورد های انقلاب و تقویت مواضع حزب گذشت.

روز ۷ ژوئن کمیته مرکزی حزب زنجونی روزافزون دولت موقت را درقبال معضلات اقتصادی واجتماعی و سیاسی تصریح کرد. این دولت که در آغاز کار وعده داد بود صلح برای روسیه تأمین کند در عمل برای دست زدن به تعرض درجهبه تدارک میدید و این در شرایطی بود که خطر ورشکستگی و فروپاشیدگی اقتصادی کشور بسرعت نزدیک میشد.

ناراضائی عمومی در کشور شدت می یافت. روز ۱۶ ژوئن نخستین کنگره کشوری شوهای نمایندگان کارگران و سربازان تشکیل شد. از ۱۰۹۰ نماینده کنگره فقط ۱۰۵ نفر از حزب بلشویک بودند. اکثریت قریب بتعام نمایندگان اسرار و منشویک بودند که از ادامه همکاری با دولت بهروزوازی طرفداری میکردند. یکی از لیدرهای منشویک بنام تسره تلی در کنگره مدعی شد که در روسیه هیچ حزب سیاسی نیست که قادر باشد تمام قدرت را بدست گیرد و کشور را از بحران نجات دهد. لنین که در کنگره حضور داشت بلافاصله میان صحبت او ویدو گفت: "چنین چیزی هست". لنین سپس به سخنرانی پرداخت و ضمن آن برنامه حزب را تشریح کرد و ضرورت تفویض تمام قدرت بدست شوها را تائید نمود.

روز ۲۱ ژوئن کمیته مرکزی حزب تصمیم گرفت جنبش اعتراض توده ها را که روز بروز اوج میگرفت به مجرای دستراسیون متشکل مسالمت آمیز بیانندازد. تاریخ این دستراسیون برای روز ۲۳ ژوئن در نظر گرفته شد.

روز ۲۲ ژوئن اسرارها و منشویکها قطعنامه ای در باره منع دستراسیون بتصویب کنگره رسانیدند. سرپیچی از این قطعنامه در حکم مخالفت با کنگره بود و بلشویکها ناچار از دستراسیون صرف نظر کردند. همانروز اسرارها و منشویکها تصمیم گرفتند روز اول ژوئیه (۱۸ ژوئن به تقویم جدید) دستراسیونی برپا کنند ولی تحت رهبری مستقیم خود و بقصد پشتیبانی از نقشه دولت در باره تعرض درجهبه که میبایست در آنروز صورت گیرد.

روز ۲۷ ژوئن (۱۵ ژوئن به تقویم قدیم) کمیته مرکزی حزب برای سازمانهای بزرگ، حزب تلگرافی بدین شرح فرستاد:

"کمیته مرکزی ۰۰۰ تصمیم گرفته است در دستراسیون ۱۸ ژوئن شرکت کند. شعارهای ما چنین است: «برچید و باد بساط مجلس بد و مای تزاری و شورای دولتی، تجدید نظر در اعلامیه حقوق سرماز، الغا مقررات تضييق عليه سرمازان و نوايان، تمام قدرت بدست شوراهاى نمايندگان کارگران و سرمازان».

### رویداد های ژوئیه و د رسهای آن

روز اول ژوئیه (۱۸ ژوئن) ۵۰۰ هزار کارگر و سرماز پتروگراد به پشتیبانی از دعوت بلشویکها برخاستند. در سایر شهرهای بزرگ نیز دستراسیون های برپا شد. لنین در مقاله ای تحت عنوان "۱۸ ژوئن" ضمن تصریح پشتیبانی اکثریت قریب بتعام کارگران و سرمازان از شعارهای حزب نوشت:

"د دستراسیون ۱۸ ژوئن نمایشی بود از نیرومندی و سیاست پرولتاریای انقلابی که سمت انقلاب و راه خروج از بن بست را نشان میدهد" (۱).

روزهای ۲۹ ژوئن تا ۶ ژوئیه کنفرانس سازمانهای حزبی جبهه و پشت جبهه تشکیل شد. در این کنفرانس برخی از نمایندگان اصرار داشتند که بید رنگ علیه دولت موقت دست به تعرض زده شود. لنین با این امر جدا مخالفت کرد. ضمن قطعنامه ای که در باره گزارش لنین تصویب شد خاطر نشان کرد که باید "علیه روحیات انارشستی و علیه هرگونه تلاش برای دست زدن به تظاهرات جزئی" اخلاک گرانه که بعلت قبل از موقع بودن فقط بسود بوزوازی تمام خواهد شد جدا مبارزه کرد.

در نتیجه مبارزات لنین و حزب او توده های مردم که نخست بدنبال اکثریت منسویک ۱-۱ می آر شوراها می رفتند بتجربه شخصی خود روز بروز بیشتر به صحت مشی سیاسی لنین اعتقاد پیدا میکردند.

در ماه ژوئیه و خامت وضع سیاسی در کشور شدت می یافت. تعرض در جبهه عقیماند. سیاست امپریالیستی دولت موقت کارگران و سرمازان را بیش از پیش به خشم میآورد. اصرار کارگران و سرمازان برای دست زدن به قیام مسلحانه و سرنگون ساختن دولت موقت شدت می یافت. آنها نیروی لازم برای سرنگون ساختن این دولت را داشتند ولی نمیتوانستند حکومت را در دست خود نگاهدارند زیرا هنوز اکثریت مردم به منسویکها و اسرها اعتقاد داشتند. بهمین جهت کمیته مرکزی حزب قیام مسلحانه پایتخت را پیش از موقع میدانست و زیان این اقدام را توضیح میداد. ولی باز داشتن توده ها از قیام مسلحانه دیگر امکان نداشت و بهمین جهت کمیته مرکزی برخلاف قرار قبلی خود تصمیم گرفت در عملیات شرکت کند. خطر آن وجود داشت که دولت موقت دستراسیون زحمتکش را به گلوله ببندد. هدف حزب از شرکت در دستراسیون آن بود که آنرا به تظاهرات مسالمت آمیز و متشکل تحت شعار "تمام قدرت بدست شوراها" نگاهدارد.

روز ۱۷ ژوئیه دستراسیون عظیمی بشرکت بیش از ۵۰۰ هزار نفر تشکیل شد. کارگران تحت حمایت گارد سرخ و سرمازان با اسلحه حرکت میکردند. از طرف شرکت کنندگان در دستراسیون یک هیئت ۹۰ نفری انتخاب شد تا خواست آنان را در باره اینکه شوراها تمام قدرت را بدست گیرند به کمیته اجرائی مرکزی شوراها ابلاغ کنند. ولی اسرها و منسویکها در باره تارومار ساختن دستراسیون بادولت توطئه کرده بودند. در بسیاری از شهرهای دیگر هم از این دستراسیونها تشکیل شد. در برخی از بخشهای پتروگراد بسوی ستونهای دستراسیون شلیک شد.

روز ۱۸ ژوئیه واحد های دانشکده افسری بنای اداره روزنامه "پراودا" و چاپخانه حزب را منهدم کردند.

روز ۲۰ ژوئیه د ولت موقت فرمان بازداشت لنین را صادر کرد. حزب پیشوای خود را ابتدا در پتروگراد و سپس در خارج شهر کنار دریاچه "رازلیو" پنهان کرد.  
 عده ای از اوجدهای ارتش از جبهه به پتروگراد احضار شدند. د ولت بهر روزی به اعمال تزییق پرداخت. اسلحه کارگران ضبط شد. خلع سلاح هنگهایی که در دسترا سیون شرکت کرده بودند آغاز کردید.

روز ۲۲ ژوئیه کمیته اجرائی مرکزی شوراها به د ولت ائتلافی جدید اختیارا نامحدود داد و آنرا "د ولت نجات انقلاب" نامید. تزییقات بخصوص پس از انتصاب ژنرال کورنیلوف به سرفرماندهی ارتش شدت یافت. کرنسکی وزیر جنگ وقت حکم اعدام راجبه معمولداشت.

حوادث ژوئیه تناسب قوای طبقاتی راد کشور تغییر داد. دوران حکومت د وگانه بپایان رسید.  
دوران مسالمت آمیز انقلاب تمام شد. ضد انقلاب به تعرض پرداخت.

۲۳ ژوئیه لنین در مقاله "وضع سیاسی" خاطرنشان ساخت که ضد انقلاب د نتیجه خیانت منشیوها و اسارها قدرت د ولت را تماماً بدست خود گرفته است و باینجهت شعار "تمام قدرت بدست شوراها" در این لحظه د یگر صحیح نیست و از این پس پرولتاریا فقط از طریق قیام مسلحانه میتواند حکومت را بدست گیرد.

### تدارک قیام مسلحانه

از ۸ تا ۱۶ اوت کنگره ششم حزب بطور نیمه علنی در پتروگراد برگزار شد. لنین در پنهانگاه کنسار دریاچه "رازلیو" بدولی مهمترین اسناد کنگره با شرکت مستقیم او تهیه شد. د قرارهای مهمه کنگره از جمله وظائف حزب برای تدارک انقلاب سوسیالیستی وظیفه عده ان د مرحله جدید انقلاب تعیین شد. د قطعنامه سیاسی گفته میشد: "پرولتاریا نباید به مقصد جویی بهر روزی که بسیار مایل است افراد راین لحظه به نبرد پیش از موقع بکشانند - تن درد هده پرولتاریا باید تمام هم خود را به بسیج و آمادگی نیروها برای لحظه ای که بحران عمومی کشور اعلتای تودها شرایط مساعدی برای پیوستن تهیدستان شهروده بجانم کارگران و علیه بهر روزی فراهم ساخته باشد، مصرف دارد."  
 کنگره مشی حزب را قیام مسلحانه معین کرد.

بهر روزی با موافقت کامل منشیوها و اسارها برای برقراری رژیم د یکتاتوری نظامی آشکارا آماده میشد.  
 روز ۲۵ اوت کورنیلوف سپاه سوم سوار را بسوی پتروگراد حرکت داد. کورنیلوف د رظار علیه د ولت موقت عمل میکرد و همین امروزه را بخرج میساخت، بخصوص که منشیوها و اسارها هم سعی داشتند جریان را همینطور جلوه دهند و مردم را بدفاع از د ولت موقت میخواندند. لنین و حزب بلشویک در همان حال که توده ها را به مبارزه علیه کورنیلوف دعوت میکردند بآنها توضیح میدادند که هدف از این مبارزه د دفاع از د ولت موقت نیست زیرا این د ولت خود هدهست کورنیلوف است. توده ها به یکار علیه کورنیلوف برخاستند. کارگران پایتخت مسلح شدند. واحد های جدید گارد سرخ تشکیل شد. شهرش کورنیلوف بهمت کارگران و دهقانان تحت رهبری حزب عقیم ماند و طبقات انقلابی نیرومندی خود را آشکار ساختند. مرحله جدید د یگری د رانقلاب آغاز شد.

شکست شهرش کورنیلوف اوضاع را بکلی تغییر داد. جنبش توده ای سرعاً اوج میگرفت. لنین با توجه به پدایش وضع جدید به اسارها و منشیوها که هنوز دشورها اکثریت داشتند پیشنهاد کرد شوراسا حکومت را بدست گیرند. هدف از این پیشنهاد استفاده از آخرین امکان رشد مسالمت آمیز انقلاب بود. ولی اسارها و منشیوها که با بهر روزی پیوند داشتند نخواستند از این امکان استفاده کنند. نحوه عمل اسارها و منشیوها رفته رفته جهه سازشکارا آنها را به کارگران و دهقانان نشان داد.  
 روز ۳۱ اوت شورای پتروگراد برای نخستین بار قطعنامه بلشویکها را در باره ضرورت واگذاری حکومت

به شوراها تصویب کرد. روز ۵ سپتامبر شورای مسکو و سپس شوراهاى سایر شهرهاى بزرگ به بلشویکها پیوستند. در ماه سپتامبر بلشویکها در پرتو کارخستگی ناپذیر خود توانستند مردم را متقاعد سازند که راه نجات کشور سرنگون ساختن حکومت ضد ملی است.

انقلاب وارد مرحله قطعی خود میشود. مسئله تصرف حکومت در دستر روز قرار گرفت. لنین در نامه های خود به کمیته مرکزی ضرورت تصرف حکومت را خاطر نشان میساخت و پیشنهاد میکرد ستاد سازمانی واحد های قیام بید رنگ تشکیل گردد، تقسیم بندی نیروها و استقرار آنها در مواضعی که باید بتصرف قیام کنندگان در آید انجام گیرد، حساسترین نقاط به وفادارترین واحد ها سپرده شود، برای محاصره بناهای دولتی و تصرف مراکز تلفن و تلگراف تدارک لازم بعمل آید.

روز ۳ اکتبر کمیته مرکزی حزب تصمیم گرفت لنین را به پتروگراد منتقل سازد تا امکان رهبری مستقیم او را در قیام تأمین نماید.

روز ۷ اکتبر لنین مخفیانه وارد پایتخت شد.

روز ۱۰ اکتبر کمیته مرکزی تشکیل جلسه داد. لنین ضمن سخنرانی خود در این جلسه آمادگی اوضاع را برای قیام مسلحانه و اقدام توده ها به تصرف حکومت تشریح کرد. در قطعنامه پیشنهادی لنین گفته میشود:

"کمیته مرکزی تصدیق دارد که هم وضع بین المللی انقلاب روس (قیام در ناوگان جنگی آلمان که نمود ارکامل فراهم آمدن شرایط برای انقلاب جهانی سوسیالیستی در سراسر اروپاست و سپس خطر صلح میان امپریالیستها برای خفه کردن انقلاب در روسیه) و هم وضع جنگی (تصمیم مسلم برروازی روسیه و کرنسکی و شرکا) برای تسلیم پتروگراد به آلمانیها) و هم تأمین اکثریت حزب پرولتری در شوراها - تمام این عوامل همراه با شورش کورنیلوف و چرخش سمت اعتماد مردم بپسوی حزب ما (انتخابات مسکو) و سرانجام تدارک آشکار و مبین شورش کورنیلوف (خارج کردن نیروها از پتروگراد و نزد یک کردن قزاقها به پتروگراد، محاصره مینسک توسط قزاقها و غیره) - همه اینها قیام مسلحانه را در دستر روز قرار میدهد" (۱).

با این قطعنامه زینویف و کامنف مخالفت کردند و گفتند طبقه کارگران انقلاب سوسیالیستی را ندارد. تروتسکی علیه قطعنامه را می نداد ولی اصرار داشت که قیام تا تشکیل د و مبین نکته شوراها بتعویق افتد و این در شرایطی بود که دولت موقت در بی فرصت بود تا هر چه زود تر نیروهای نظامی را برای سرکوب انقلاب در پایتخت متعزز سازد. کمیته مرکزی به قطعنامه لنین را می داد و حزب برای تدارک فوری قیام مسلحانه آماد ه گردید.

روز ۱۶ اکتبر جلسه وسیع کمیته مرکزی با شرکت نمایندگان کمیته پتروگراد و سازمان نظامی شورای پتروگراد و برخی سازمانهای دیگر تشکیل شد و قطعنامه لنین در باره قیام در این جلسه نیز بتصویب رسید و در پایان جلسه اعضای مرکز جنگی انقلاب برای رهبری قیام بعضویت استالین، د زورژینسکی، اسود لوف و عده دیگر انتخاب شدند.

کامنف و زینویف پس از پایان جلسه به اقدام خیانت آمیزی دست زدند بدین معنی که ضمن مصاحبه با مخابره روزنامه غیرحزبی "نوا یاژینن" عدم موافقت خود را با قرار قیام مسلحانه اعلام کردند و بدین طریق دشمن را از تصمیم کمیته مرکزی به قیام باخبر ساختند. لنین در نامه به اعضای حزب بلشویک و در "نامه به کمیته مرکزی" زینویف و کامنف را سخت نکوهش کرد و خواستار اخراج آنها از حزب گردید. نامه لنین در باره اخراج این د و نفر در جلسه کمیته مرکزی بررسی شد ولی کمیته مرکزی به پیشنهاد عده ای که موضع سازشکارانه ای اتخاذ کرده بودند تصمیم گرفت مسئله اخراج آنها را تا پلنوم بعدی کمیته مرکزی

بتعویق اندازد ولی بنا بر تصمیم اکثریت کمیته مرکزی به کامنف و زینویف قدغن شد که از این پس به نسام حزب سخنگوئی کنند.

دولت موقت که از تصمیم حزب بقیام مسلحانه باخبر شده بود با اقدام فوری برای سرکوب انقلاب پرداخت و واحدهای زند و راجبیه به پایتخت خواند.

### انجام انقلاب

رهبری قیام برعهده لنین بود. لنین اصرار داشت که قیام حتما قبل از کنگره دوم شوراها که برای ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) تعیین گردید در نظر گرفته شده بود آغاز گردد تا برداشتن قیام را در روز گشایش کنگره انتظار میکشید پیشدستی شود. لنین ضمن نامه ای که روز ۲۴ اکتبر یعنی یک روز قبل از قیام به کمیته مرکزی نوشت از جمله خاطر نشان ساخت که:

"بسیار چیزها نباید حکومت را تا روز ۲۵ اکتبر دردست کزنسکی و شرکا باقی گذاشت، بهیچوجه نباید حتما همین امروز تا عصر یا شب کار را تمام کرد. تاریخ تحلل انقلابیونی را که میتوانند امروز پیرو شوند (و قطعاً امروز پیروز خواهند شد) ولی با انداختن کار به فردا بیم آنست که خیلی چیزها و حتی همه چیز را از دست بدهند - نخواهد بخشید."

بنابراین پیشنهاد لنین قیام روز ۲۴ اکتبر (۶ نوامبر) تعیین گردید. آغاز شد. ستاد حزب در اسمولنسکی بود. لنین شب همان روز به اسمولنسکی منتقل شد تا قیام را مستقیماً رهبری کند. بدستور ستاد انقلاب واحدهای گارد سرخ تمام مواضع پیشزمینی شده را اشغال کردند. کارخانه ها تحت حفاظت افراد گارد سرخ قرار گرفت. تمام راههای پایتخت تحت کنترل واحدهای انقلابی درآمد تا از رسیدن نیروهای کمکی جبهه به دولت موقت جلوگیری شود. تمام ادارات دولتی شبانه اشغال گردید. کاخ زمستانی که مقر دولت موقت بود محاصره شد. قیام با سرعت انجام میگرفت.

باداد روز چهارشنبه ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) دولت موقت ساقط گردید. ساعت ۱۰ صبح پیام لنین رهبر انقلاب "خطاب به مردم روسیه" پخش شد. در پیام گفته میشد:

"دولت موقت ساقط گردید. زمام حکومت بدست کمیته جنگی انقلاب - ارگان شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد افتاد. آرمانی که مردم در راه آن مبارزه میکردند یعنی پیشنهاد فوری صلح دموکراتیک، الغاء مالکیت مالکان بر زمین، کنترل کارگری تولید و ایجاد حکومت شوروی تأمین شده است."

زند و باد انقلاب کارگران، سربازان و دهقانان! (۱)

دولت موقت منحل به آخرین نگاهگاه خود در کاخ زمستانی که تا ۸ ماه پیش مقر تزار بود پناهنده شد. لنین دستور داد باین آخرین پایگاه حکومت بورژوازی حمله شود.

توپهای رنژا و "اورا" که دردست ناویان انقلابی بود در رودخانه نوابصد درآمد و غرض آن در فضای پتروگراد طنین افکن شد. این شلیک علامت آغاز حمله به کاخ زمستانی بود. در همان شب کاخ زمستانی سقوط کرد. اعضا دولت دیکتاتوری بورژوازی بازداشت شدند و تومار آخرین کابینه سرمایه داری روسیه درهم پیچید.

عصر روز ۲۵ اکتبر دومین کنگره کشوری شوراها نمایندگان کارگران و سربازان روسیه تشکیل گردید. کنگره در همان نخستین روز کار خود پیاپی را که لنین "خطاب به کارگران، سربازان و دهقانان" نوشته بود تصویب کرد. در پیام گفته میشد:

"کنگره شوراها زمام حکومت را بدست خود میگیرد. . . . کنگره مقر میگرداند که قدرت حاکمه در

سراسر کشور به شورای ناپیندگان کارگران، سربازان و دهقانان تفویض کرد<sup>(۱)</sup>.  
 روز ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر) لنین دویارد رکنگره سخنرانی کرد. سخنرانی اول او به مسئله صلح اختصاص داشت. کنگره بر اساس این سخنرانی سند تاریخی مهمی بنام "منشور صلح" صادر کرد. در این منشور جنگ "بزرگترین خیانت علیه جامعه بشری" اعلام شد و حکومت شوروی امتناع کامل خود را از هرگونه قرارداد غاصبانه اعلام داشت و بتمام ملل و دول محارب پیشنهاد کرد بید رنگ به مذاکره برای عقد قرارداد صلح عمومی عادلانه و دموکراتیک بپردازند. بدینسان گام نخستین در راه تحقق آرمانهای خلق برداشته شد. تصویب "منشور زمین" که بر اساس دومیین سخنرانی لنین در رکنگره تنظیم شد و دومیین گام اساسی انقلاب در راه تحقق آرزوی میلیونهاد دهقان زحمتکش بود. بموجب این منشور تمام زمینهای مالکان برایگان در تملک مردم قرار گرفت.

تاریخ جهانی روز ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) رابحنوان روز پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که جامعه ترقیخواه بشری اکنون پنجاهمین سالگرد آنرا بر گزار میکند به ثبت رساند.



انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که لنین بزرگسکان آنرا بدست داشت دوران نوسازی انقلابی را در سراسر جهان آغاز نهاد. این نوسازی بر بنیاد تعالیم ظفر نمون مارکس - انگلس - لنین انجام میگردد. پیروزی انقلاب اکتبر پیروزی مارکسیسم بود و این پیروزی آسان بدست نیامد. لنین مینویسد:  
 "مارکسیسم بعنوان یگانه تئوری صحیح انقلابی برای روسیه به بهای نیعقرون رنج و جانبا زبهای بی سابقه، قهرمانی انقلابی بیمانند، مساعی شگرف و فداکارهای بزرگ در راه تفحص و کاوش، آزمایش، پشیمانی و نومیدی، واری و سنجش آزمون خود با آزمون اروپا تمام شده است. در نتیجه مهاجرت اجباری که تزاریم موجب آن بود روسیه انقلابی در نیمه دوم سده نوزدهم در زمینه روابط بین المللی چنان غنی بود و آواشکال و شوریههای جنبش انقلابی سراسر جهان چنان آگاهی فراوان داشت که هیچ کشوری در جهان بپسای آن نمیوسید"<sup>(۲)</sup>.

نیم قرنیکه از انقلاب اکتبر میگذرد دوران پیروزیهای درخشان تازه مارکسیسم - لنینیسم، پیروزی اصول کمونیسم علمی است. پرچمدارین دوران حزب پرورد و آبدیده لنین بزرگ است.  
 تاریخ جهانی انقلابهای فراوان بخود دیده است. ولی هیچ انقلابی از نظر تازگی و عمیق خود در سیر تکامل جهانی، در گزونی سرنوشت ملل و ایجاد تحول در خصلت مجموعه افکار و اعمال توده ها با انقلاب اکتبر قابل قیاس نیست. قرن بیستم را بد رستی قرن انقلاب اکتبر، قرن پیروزی سوسیالیسم مینامند.  
 تمام سیر زندگی اجتماعی در طول نیعقرون اخیر از اندیشه و عمل اکتبر بزرگ متأثر بوده است. تمام رویدادهای بزرگ این دوران مهر و نشان اکتبر را بخود دارد. محتوی عمده، سمت عمده و خصوصیات عمده این دوران بر دگرگونیهای آفریده انقلاب اکتبر در گردش بوده است. دست آرایشگر اکتبر درانساز سیمای جهان مارابکلی دگرگون ساخته است؛ ایجاد حکومت طراز نوین - جمهوری سوسیالیستی شوراها و سپس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - بر روی تاریخ - جهانی اتحاد شوروی و رفایشیم آلمان و میلیتارم زاپن در پایان دومیین جنگ جهانی، پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی مرکب از ۱۶ کشور با جمعیتی

(۱) لنین - مجموعه آثار، جلد ۲۶، صفحه ۲۰۷

(۲) لنین - آثار منتخبه - ترجمه فارسی - جلد ۲، قسمت ۲، صفحات ۴۱۳ - ۴۱۴

بیش از يك ميليارد نفر در اروپا، آسيا و امريكا لاتين، تحكيم روز افزون مواضع انقلاب و سوسياليسم در قاره  
افريقا، تنگ شدن بیش از پیش میدان تسلط امپرياليسم، برچيدن شدن تومارسيستم جهانی استعمار،  
تقويت جنبش جهانی کارگری، بسط دامنه جنبشهای آزاد پيخش ملی - چنین است عهد ره آورد دوران  
پنجاهساله ای که انقلاب کبير سوسيالستی اکتر آغازگر آنست.  
ترديد نيست که جهان ماد رساله های آينده شاهد پيروزیهای نوين اندیشه های بنيادی اکتر  
بزرگ در عرصه های جهانی وسيعتری خواهد بود.

---

## قابل توجه

علاقتمندان به نشریات توده ای میتوانند از این  
پس کتک مادی خود را به نشانی زیر ارسال دارند :

Sweden  
Stockholm,  
Stockholms Sparbank  
1265-5



## باز هم در وصف لنین

از یزدان بخش قهرمان

ولی بزرگتر ناهد ارتز لنین  
جهان بیادند ارد زقرنهای د راز  
لنین بزرگترین مرد انقلاب کسی است  
لنین کسی است که باد ست وید کرکون شد

بیادند هد کشت زمانه مرد کمر  
بزرگتر ز لنین مرد معدست کستر  
که نقشه های کهن رانمود زبر و زبر  
مقدرات بد و سرنوشت شوم بشر

از علی اصغر معینیان

مردی چگونه ؟ مردی با عزم آهنین  
یک مرد انقلابی د اتاو هو شیما ر  
مردی چنین که نام بلندش بود لنین  
آن مظهر اراده و تئثال انقلاب

روشن دل و مدبر و بیدار و کار د ان  
بی باک و با اراده و فعال و جانفشان  
در عرصه سیاست روسیه شد عیان  
صد انقلاب در سر پر شور او نهان

از ابوالقاسم لاهوتی

کوی رسید آن وقت جان کنده بفریاد ت ؟ لنین  
کی بضد ظالمان آمد به امداد ت ؟ لنین  
کی ز قرص ریشه کن بنمود آزاد ت ؟ لنین  
کوی آن حال خرابی کرد آباد ت ؟ لنین  
کی حقوق زندگی مستعمل داد ت ؟ لنین

# سقوط تزار

از ملك الشعراء بهار

■ نقاط مسکو و پتر از تزار برگشتند  
د و نقطه چون که یکی گشت ، شد تزار نزار  
د و مار بودند آری ، تزار و فرزندش  
زمانه بین که برآورد از این د و مار ، د مار  
کسی که د شعنی عامه را خرید به عد  
قماش عار و لباس عوار کرد شعار

از اشرف الدین کپانی مدیر " نسیم شمال "

■ آتش اندر جان بد بخت او افتاد  
پادشاه روس از تخت او افتاد  
از هجوم بلشویک داد خواه  
نیکلای روسیه شد بی کلاه

از وحید دستگردی مدیر " ارمنان "

■ کار تزار گشته ز کبیر زار  
گیتی بر او سراسر نیران است  
واکتون سپهریای هلاکت خیز  
بر دود مان پتر گلستان است

از بهمن یار استاد دانشگاه

■ تیغ عدالت نخست بروس شد مرکبار  
بخاک و خون در تپید افسر و تخت تزار  
کشور آزاد شد ز بند سرمایه دار  
ز بهر ژوازی کشید دست طبیعت د مار  
کلوی دزدان فشرده به پنجه آهنین

## پیروزی درخشان نخستین آزمایش شگرف تاریخی

پنجاه سال از آغاز نخستین انقلاب پیروز پرولتری میگذرد. دهها سال پیش نیروهای داخلی خواهان بازگشت چرخ تاریخ در اتحاد شوروی برای همیشه از میان برداشته شدند. اکنون هیچ نیروی خارجی نیز توانایی آنرا ندارد که سیر تکامل کمونیسم را در اتحاد شوروی مانع گردد. سوسیالیسم دیگر بطور کامل و نهائی در اتحاد شوروی پیروز شده است و با گامهای مطمئن و شتابی روز افزون بسوی کمال پیش میرود.

ساختن يك جامعه سوسیالیستی کار بستم دشوار. دشواری این کار در آنست که جامعه سوسیالیستی باید بر پایه کاملاً متضاد با مناسبات جامعه کهنه برپا شود. مناسبات اجتماعی و اقتصادی کهنه که قرنهای متعددی در تمام شئون اجتماعی رسوخ یافته بود، باید درهم ریخته شود و بر روی خرابه های آن مناسباتی کاملاً نو که همه جوانب آن هنوز شناخته نشده و باید بتدریج شناخته شود و بتدریج بسط و استحکام یابد، ایجاد گردد. دشواری ساختن جامعه سوسیالیستی زمانی بیشتر میشود که این مناسبات برای نخستین بار در جهان، بدون دسترسی به تجربه های مثبت و منفی کشورهای دیگر پی ریزی میشود. این دشواری باز زمانی بیشتر است که يك کشور به تنهایی در میان اقیانوسی از دشمنان نیرومند خارجی باید بکار ساختن سوسیالیسم بپردازد. عقب ماندگی اقتصادی کشور نیز بد دشواری ساختن سوسیالیسم

بمیزان غیر قابل تصویری می افزاید.

چشم اندازی برنتابیح تجربه تاریخی اتحاد شوروی که در بدترین شرایط توانست بساختن سوسیالیسم بپردازد و این کار عظیم را با پیروزی بسرانجام برساند، در استان پنجاهمین سالروز انقلاب در آنساز اکثر، میتواند الهام بخش نهضت ملی و دموکراتیک مردم میهن ما باشد.

روسیه تزاری از لحاظ وسعت خاک جای اول را در جهان داشت و از لحاظ جمعیت هم راکا اشغال مینمود. ولی از لحاظ اقتصادی یکی از عقب مانده ترین کشورهای اروپایی بشمار میرفت. لنین میگفت: "روسیه و شرایط دشوار تاریخی

کشور است فوق العاده و بطور حیرت انگیز عقب مانده و فقیر و وحشی که چهار بار بد تراز انگلستان، پنج بار بد تراز آلمان و ده بار بد تراز آمریکا با وسایل مدرن مجهز شده است. بیش از ۸۰ درصد اهالی کشور را روستائیان تشکیل میدادند. صنایع رشد چندانی نداشت بطوریکه آمریکا ۸ بار بیش از روسیه تزاری محصولات صنعتی تولید میکرد. بازده کار آمریکا ۹ برابر بازده کار روسیه بود. روسیه فقط ۴٪ محصول صنعتی جهان را تولید میکرد.

طی سالهای نخستین جنگ جهانی اقتصاد روسیه وضع وخیم تری پیدا کرد. چنانکه در سال ۱۹۱۷ در آمد ملی روسیه ۲۵٪ کاهش یافت، محصولات صنعتی آن به ۷۱ درصد و محصولات کشاورزی به ۸۸ درصد پیش از جنگ رسید. در پایان جنگ اول سهم روسیه تزاری در تولیدات صنعتی جهان از ۴٪ به ۲٪ کاهش یافت.

عقب ماندگی اقتصادی روسیه تزاری کار ساختن موسیالیسم را در روسیه با دشواریهای عظیم مواجه میساخت. لنین میگفت: « هر قدر کشوری که ۰۰۰ باید انقلاب موسیالیستی را آغاز کند، عقب مانده تر باشد، به همانقدر نیز گذار از مناسبات کهنه سرمایه داری به مناسبات موسیالیستی برای آن دشوارتر خواهد بود. » در یک کشور عقب مانده پایه های مادی و فنی لازم برای ساختن موسیالیسم وجود ندارد. در یک کشور نیمه صنعتی که در آن تولید خرد به کالائی تسلط دارد، کلکتوریزاسیون موسیالیستی با مشکلات و موانع بسیار روبرو میشود. رشد ناموزون بخشهای مختلف تولیدی و نواحی مختلف کشور، وجود مناطق ملی گوناگون یا سیستم های اقتصادی مختلف (از اقتصاد طبیعی پد رشاهی در نواحی آسیای گرفته تا پیشرفته ترین نواحی صنعتی بخش اروپای روسیه) همگی ساختن موسیالیسم را در روسیه تزاری با اشکالات فزاینده و آن مواجه میساخت.

حوادث پیش آمده پس از انقلاب اکثر نیز بد شواری های افزود. بروز جنگ داخلی و مداخله مسلحانه کشورهای امپریالیستی وضع اقتصادی کشور ابرعزت بد تر نمود. درآمد ملی در سال ۱۹۲۱ به ۳۸ درصد سال ۱۹۱۳ رسید. تولید صنعتی باندازه ۶۹ درصد و تولید کشاورزی بمیزان ۴۰ درصد کاهش یافت. سیستم پولی کشور بصورت حیرت آوری مختل گردید. ارزش روهل ۱۳ هزار بار پائین آمد.

در چنین شرایط دشواری بود که اتحاد شوروی میبایست بساختن موسیالیسم بپردازد. علاوه بر خرابکاریهای دشمنان طبقاتی در داخل کشور و محاصره اقتصادی دول امپریالیستی، اپورتونیم چسب و راست در داخل حزب نیز بکار ساختن موسیالیسم لطمه وارد میساخت. عده ای به امکان ساختن موسیالیسم در کشور عقب مانده در محاصره کشورهای امپریالیستی باوری نداشتند و صنعتی کردن کشور را کاری محال و مضر میدانستند. حزب توانست ضمن افسانه مخالفین، برنامه ساختن موسیالیسم را در اتحاد شوروی تنظیم نماید و با بسیج تمام زحمتکشان بکار خلاق بپردازد.

ولی آغاز جنگ جهانی دوم و یورش نیروهای فاشیستی با اتحاد شوروی، نه تنها پیشرفت اقتصادی کشور را متوقف ساخت، بلکه خسارات جدی بد ستاورد های موسیالیسم وارد آورد. طی سالهای جنگ ۱۷۱۰ شهر، بیش از ۷۰ هزار ده و قصبه و بیش از ۶ میلیون بنا ویران شدند. جنگ باعث خرابی ۳۱۸۵۰ مینیمه صنعتی، ویرانی ۴۱۰۰ ایستگاه راه آهن و نابودی ۶۵ هزار کیلومتر راه آهن گردید. در جریان جنگ بیش از ۴۰ هزار بیمارستان و درمانگاه، ۸۴ هزار مدرسه و ۴۳ هزار کتابخانه عمومی ویران و غارت شدند. جنگجویان آلمان فاشیستی ۹۸ هزار کلوخوز، ۱۸۷۶ سوخوز، و ۲۸۹۰ مرکز ماشین آلات کشاورزی را ویران و غارت کردند. طی جنگ ۷ میلیون اسب، ۱۷ میلیون گاو، ۲۰ میلیون خوک و ۲۷ میلیون گوسفند و بز بدست آلمانیها تلف شد. در نتیجه در مین جنگ جهانی ۱۸۹۰ میلیارد روهل بمردم شوروی خسارت وارد آمد. میلیونها انسان شوروی جان خود را از دست دادند. در پایان جنگ درآمد ملی اتحاد شوروی به ۸۳ درصد سال ۱۹۴۰ کاهش یافت.

پیشرفت اقتصاد با اتحاد شوروی در چنین شرایط دشوار تاریخی انجام گرفت. زمانی بود که حتی خوش بین ترین ناظران خارجی نیز ادامه حیات دولت جوان شوروا را غیر ممکن میدانستند. ولی محو مناسبات کهنه اجتماعی و برقراری مناسبات جدید موسیالیستی نیروی حیاتی تازه ای در کالبد محض اقتصاد کشور در مید واز اقتصادی ورشکسته و اجتماعی درهم ریخته اقتصادی نیرومند و اجتماعی شکوفان بوجود آورد.

عقب ماندگی روسیه تزاری زائیده مناسبات کهنه اجتماعی و مولود رژیم سیاسی لئوفا لکیت خصوصی. محوطیقات استعمارگر. مسلط بر آن بود. انقلاب کبیر موسیالیستی اکثر توانست حاکمیت سیاسی طبقات زحمتکش را بسرکردگی طبقه کارگر تأمین نماید. بدست آوردن حاکمیت سیاسی بمعنای تحول در مناسبات اجتماعی و اقتصادی نیست. بلکه فقط شرط ضروری آنست.

برای ایجاد تحول بنیادی در سراسر مناسبات اجتماعی باید در وهله اول زیر بنای اقتصادی جامعه یعنی مناسبات تولیدی را در گروگون ساخت و برای در گروگون ساختن مناسبات تولیدی باید مشکل مالکیت را که

عدده ترین مسئله در مناسبات تولیدی است، تغییر ادو از میان برداشتن مالکیت خصوصی بروسایل تولید واستقرار مالکیت سوسیالیستی برای وسایل مهمترین اقدامی است که در جهت ایجاد شیوة تولید سوسیالیستی باید انجام گیرد.

الف) مالکیت خصوصی اقدامی نیست که در همه جا در همه شرایط و در همه رشته ها بیک نحو عملی شود. شرایط تاریخی واجتماعی معین، سطح رشد نیروهای مولده، درجه تمرکز تولید وسرمایه، تناسب نیروهای طبقاتی، آداب و رسوم و سنن حاکم، آتسفری که شرایط خارجی ایجاد مینماید - همگی مهسر و نشان خود را بر چگونگی حل مسئله مالکیت ومدت زمان لازم برای آن باقی میگذارند. در اتحاد شوروی که برای نخستین بار میبایست مسائل مربوط به مالکیت بطور عملی حل شود، بر حسب شرایط مشخص موجود در کشور میزان رشد رشته های تولیدی، درجه مقاومت طبقات متخاصم و بادنظر گرفتن اوضاع و احوال داخلی و خارجی شیوه های متفاوت در امر تحول سوسیالیستی مالکیت بکار رفت.

در کشوری نیمه صنعتی مانند روسیه تزاری که اکثریت مطلق جمعیت آن روستائیان تشکیل میدادند، حل مسئله ارضی بنفع دهقانان اولین و عدده ترین مسئله اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بوده میتوانست با سلب مالکیت از نیرومندترین وارتجاعی ترین طبقات جامعه پشتیبانی بیدریغ عظیمترین توده های زحمتکش را از حکومت شوراها و وحدت روستائیان راباکارگران تا مین نماید. روز ۸ نوامبر سال ۱۹۱۷ یعنی یکروز پس از انقلاب زمینهای متعلق بخانواده تزاری و زمینهای مالکین بزرگ و کلیساها همراه با تمام ابزار تولید دامهای متعلق بانها مصادره شد و در اختیار کمیته های دهقانی قرار گرفت. بدون آنکه زمینها و وسایل تولید متعلق بد هقانان عادی و کازاخها مصادره شود، زمین و منابع آن در سراسر کشور ملی اعلام گردید. اگرچه زمینهای مصادره شده بطور رایگان برای بهره برداری در اختیار دهقانان قرار میگرفت، ولی دیگر کسی مالک خصوصی زمین نبود. لغو مالکیت خصوصی بر زمین اقدامی بود که با شرایط خاص روسیه و باروحیه دهقانان آن سازگار بود. ملی شدن زمین و تقسیم رایگان آن میان دهقانان برای بهره برداری بیش از ۸۰ درصد اهالی کشور را صاحب اختیار زمین نمود. در نتیجه این اقدام بیش از ۱۵۰ میلیون هکتار زمین در اختیار دهقانان بی زمین و کم زمین قرار گرفت و دهقانان از پرداخت ۷۰۰ میلیون روبل طلا در سال بابت اجازه زمین و یا بابت خرید آن و نیز از استرداد ۳ میلیارد روبل بدهی خود بپانک کشاورزی آزاد شدند. بدین ترتیب دهقانان روسیه نخستین کسانی بودند که از دیکتاتوری پرولتاریا بهره مند گردیدند. با ملی کردن زمین، طبقه مالکین بزرگ یعنی عدده ترین استثمارگران ده قدرت اقتصادی خود را نیز از دست دادند.

چگونگی سلب مالکیت از استثمارگران عدده شهر یعنی از بورژوازی وابسته به تناسب نیروهای طبقاتی و تاحدود معینی وابسته به وضعگیری خود سرمایه داران بود. لنین میگفت در شرایط معینی یعنی هنگامیکه پرولتاریا پیروزی قطعی بدست آورده است و سرمایه داران تمام امید خود را از دست داده اند و آماده تبعیت داوطلبانه از دیکتاتوری پرولتاریا هستند، بجای مصادره رایگان میتوان از طریق دیگر بملی کردن وسایل تولید پرداخت. بهمین جهت در اتحاد شوروی مصادره وسایل تولید سرمایه داران، برخلاف مصادره تولید مالکان، بلافاصله پس از انقلاب انجام نگرفت. هدف دولت شوروی در وهله اول عبارت بود از برقرار کردن کنترل کارگران بر تولید و توزیع. ملی کردن وسایل تولید در مراحل اولیه بطور محدود و انهم زمانی انجام میگرفت که سرمایه داران به کنترل کارگران تن درنمیدادند. ملی کردن وسایل تولید بر حسب اوضاع و احوال پیش آمده از سه طریق انجام میگرفت: مصادره بلا عوض (Confiscation)، خلع ید در مقابل بازپرداخت (Requisition) و سلب اختیار از سرمایه داران برای اداره مؤسسات (Sequestration). در عین حال سلب مالکیت از سرمایه داران بر حسب اهمیت و نقشی که رشته های مختلف تولیدی در اقتصاد کشور داشتند، انجام میگرفت.

در هم شکستن سیستم اعتبارات کهنه و در اختیار گرفتن امور بانکی، آنچه نیز که بقول لنین عصب اقتصاد

کشور را تشکیل می‌داد، پس از حل مسئله مالکیت ارضی، گام دومی بود که در راه حل مسئله مالکیت برداشته شد. در اختیار گرفتن بانک دولتی که در رأس شبکه بانکی کشور قرار داشت، نخستین اقدام در این زمینه بود. چون گردانندگان بانک دولتی حاضر به همکاری با دولت جوان کارگری نبودند، حکومت شوهرها مجبور شد که این مؤسسه را با اعمال قهر انقلابی در اختیار خود گیرد. با تسلط بر این بانک حکومت شوروی امیدوار بود که کار بانکهای خصوصی را نیز بدون صادرات خرابکارانه آنان، دولت مجبور شد ابتدا بدون وارد شدن دولت شوروی را وا داشت که با ابطال سهام سرمایه داری اداری آنها را بدست خود بگیرد. حوادث بعدی دولت شوروی را وا داشت که با ابطال سهام سرمایه داری سرمایه‌های بانکهای خصوصی را ملی کرده و این بانکها را در بانک دولتی ادغام نماید (سپرده‌های بانکی صادره نمیشدند).

کنترل مؤسسات حمل و نقل (راههای آهن، راههای آبی، داخلی و خارجی و راههای شومس و وسایل نقلیه مؤسسات) که سرمایه اقتصادی کشور را تشکیل میدادند، از کارهای عمده برای تسلط دولت در امور اقتصادی کشور بود. در این رشته نیز دولت شوروی مجبور شد بتصاحب جبری مؤسسات نقلیه دولتی و سپس صادرات مؤسسات خصوصی متوسل شود.

ملی کردن رشته‌های صنعتی بمسئولت ملی کردن بانکها و مؤسسات حمل و نقل نبود. زیرا اکثر مؤسسات صنعتی، بفرنجی اداری آنها، ققدان کارهای فنی و مدیریت - دقت و احتیاط بیشتری را در این امر ایجاب میکرد. سیاست دولت در اوایل متوجه برقراری کنترل کارگران در امر تولید بود. کارگران از این طریق نمیتوانستند بتدریج کار اداری تولید را بیا موزند تا شرایط لازم برای ملی کردن صنایع فراهم گردد. ملی کردن مؤسسات صنعتی در هفته‌های اول پس از انقلاب بنا بر تقاضای کارگران در مؤسساتی انجام میگرفت که صاحبان آنها مانع کنترل کارگران میشدند و یا کارخانه‌های خود را تعطیل میکردند. در این زمان ملی کردن در واقع نوعی مجازات بود. عده‌ای از مؤسسات صنعتی نیز بعلت دارا بودن اهمیت حیاتی برای کشور ملی میشدند (صنایع نفت، زغال، قند، ماشین سازی و غیره). ولی بهر حال ملی کردن تا مدتی جنبه محدود داشت و شامل تمام کارخانه‌ها و پارشته‌های تولیدی نمیشد. جالب آنکه ملی کردن مؤسسات همیشه بطور متمرکز یعنی از جانب ارگانهای مرکزی انجام نمیکرفت. در بسیاری از موارد کارگران و یا کارکنان محلی بدو اطلاع مقامات مرکزی بابت کار خود، مؤسسات صنعتی را ملی میکردند. در نتیجه گاه حتی مؤسسات متوسط و کوچک نیز که ملی کردن آنها صلاح نبود، صادره میشدند. بدین ترتیب اقدامات غیرمتشکل و غیر متمرکز با خطاها و اشتباهات زیان آور روبرو میشد. لنین معتقد بود که زمانی باید به صادره پرداخت کسه اینکار بتواند به بهبود کار مؤسسات کمک نماید. وی میگفت ما برای صدور حکم صادره مؤسسات باندازه کافی کاغذ در اختیار داریم، ولی ای کارگران قادرند که کار تولید را بدست خود بگیرند. باینجهت از اواسط فروردین سال ۱۹۱۸ ملی کردن مؤسسات صنعتی فقط بدست مقامات مرکزی میتوانست انجام گیرد. بدین ترتیب تا مدتی ملی کردن مؤسسات صنعتی بطور جداگانه انجام میگرفت. فقط در اواخر ژوئن سال ۱۹۱۸، پس از پذیرفتن شرایط لازم و بمنظور مقابله با اقدامات خرابکارانه سرمایه داران فرمان ملی کردن سراسری مؤسسات بزرگ صنعتی صادر شد. طبق این فرمان تمام مؤسساتی که برحسب رشته‌ها بیش از ۲۰ هزار و ۵۰۰ هزار و یک میلیون روبل سرمایه داشتند، بلااستثناء ملی میشدند. تا اواخر سال ۱۹۱۸ جمعاً ۱۱۲ مؤسسه صنعتی بزرگ ملی شد و در اختیار دولت کارگری قرار گرفت.

بدینسان از اوایل اقدام در زمینه حل مسئله مالکیت، یعنی از زمان ملی کردن زمین در ۸ نوامبر سال ۱۹۱۷ تا ملی کردن سراسری صنایع بزرگ در ۱۸ ژوئن ۱۹۱۸ مدتی کمتر از ۸ ماه لازم بود تا بتوان مسئله مالکیت را بطور عمده در اتحاد شوروی حل نمود.

پس از این اقدامات اساسی دولت شوروی میتواند بتوانست بساختن سوسیالیسم بپردازد و بقسایای مالکیت خصوصی را بتدریج از میان بردارد. ولی شروع جنگ داخلی بکمال امپریالیسم خارجی و حملات

مسلحانه انحصارهای خارجی مردم شهری را از کار خلاق بازداشت • در شرایط برقراری "کمونیسم جنگی" که از طرف ارتجاع داخلی و خارجی بشکرت محصل شد • بود ، دولت شهری مجبور شد طی اعلامیه ۲۹ نوامبر سال ۱۹۲۰ تمام مؤسسات متوسط صنعتی را نیز ملی گرداند • طبق این اعلامیه تمام مؤسساتی که دارای نیروی موتوری بودند ، در صورت داشتن بیش از ۵ کارگر و نیز مؤسسات فاقد نیروی موتوری در صورت داشتن بیش از ۱۰ کارگر ملی میشدند • در نتیجه این اقدام فوق العاده مجموعه مؤسساتی که در اختیار دولت قرار گرفت ، به ۶۹۰۰ واحد بالغ گردید •

سلب مالکیت از صاحبان وسائل تولید در شهر در عین حال بمعنای برقراری مالکیت سوسیالیستی بود • زیرا هم وسایل تولید و هم محصولات تولید شده به مالکیت دولتی یعنی به مالکیت هگانی در میآمد • این وضع بارو حیه کارگران توافق داشت • فقط در موارد معینی در میان برخی از قشرهای عقب مانده کارگری روحیه تملک مؤسسات ملی شده و تصاحب محصولات تولید شده در این مؤسسات و بطور کلی قشر بهره برداری از هر کارخانه بنفع کلیتوی آن مشاهده میشد • حزب و دولت با بروز اینگونه تمایلات انارشیمیستی خرد و بورژوازی بهارزه پرداخته و آنرا بنام "سند یکالیسم" شدیدا محکوم ساختند •

وضع در روستاها بنحوی دیگر بود • اگرچه دهقانان روسی خواهان ملی شدن زمین بودند ، ولی در عین حال خواستار بودند که زمینهای ملی شده متناسب با تعداد نان خوارهای یک خانواده و یا متناسب با تعداد افراد مستعد بکار میان آنان تقسیم شود و هر خانوار روستائی صاحب اختیار زمین و وسایل تولید و محصولات خود باشد • تقسیم متعادل زمین میان دهقانان که اسراها نیز آنرا تبلیغ میکردند ، یک اقدام سوسیالیستی نبود • بانکه حزب بلشویک مخالف این کار بود ، ولی برای تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان بان تن در داد • تقسیم زمین تعداد دهقانان میانه حال را افزایش داد ، ولی قادر نبود وضع آنان را بهبود اساسی بخشد • عده ای از دهقانان بعلت نداشتن بذر و دام و غیره مجبور میشدند زمینهای خود را به کولاکها اجاره بدهند و یا فقط در قسمتی از زمین خود بهزراعت بپردازند و خود بجزدوری بپردازند • فقط ایجاد کتویراتیفهای تولیدی بر پایه تکنیک متری میتوانست دهقانان را برای همیشه از فقر و استعمار رهائی بخشد • نهضت کلخوزی که از سال ۱۹۲۹ آغاز گردید ، با وجود شتابزدگیها و اشتباهات پیش آمده توانست به اقتصاد انفرادی پایان بخشد و کولاکها را که آخرین قشرهای استثمارگر در اتحاد شوروی بودند ، از میان بردارد •

بامالی کردن وسایل تولید و ایجاد اقتصاد سوسیالیستی در ده برای اولین بار در تاریخ مکتوب بشر به مالکیت خصوصی پایان داد • شد و در اتحاد شوروی جامعه ای بدون طبقات استثمارگر بوجود آمد • اکنون در اتحاد شوروی دو طبقه دست و متحد کارگر و دهقان وجود دارد • ۹۹٫۹۹ درصد درآمد ملی در بخشها سوسیالیستی تولید میشود • تولید صنعتی و بازرگانی ۱۰۰ درصد و تولید کشاورزی ۹۹٫۹۰ درصد سوسیالیستی شده است •

از میان برداشتن طبقات استثمارگر و برقراری مناسبات سوسیالیستی بزرگترین و انقلابی ترین دستاورد خلقهای اتحاد شوروی است • طبقات استثمارگر در شوروی برای همیشه از میان رفته اند و برای احیا آنان هیچگونه پایه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و معنوی وجود ندارد • تبلیغات خصمانه ای که مائوئیست ها در باره پدایش طبقه استثمارگر جدیدی از بوروکراتها و تکنوکراتها و خلاقان در اتحاد شوروی میشود ، بمعنای تحریف مغرضانه واقعیات و تفسیر نابخردانه آموزش لنین در باره طبقات است •

انقلاب سوسیالیستی فقط بمعنای استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و لغو مالکیت خصوصی نیست • دیکتاتوری پرولتاریا و مناسبات تولیدی جدید باید شرایط لازم برای بهبود وضع مادی و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه فراهم سازد • سوسیالیسم بمعنای تقسیم عادلانه فقر نیست ، زحمتکشان

بلکه بمعنای تأمین زندگی مرفه بر پایه آخرین دستاوردهای علمی و فنی است • زندگی مرفه مبتنی بر عالیترین

بازده کار شرایط لازم برای انقلاب فرهنگی واقعی و ریشه دار در سراسر جامعه فراهم میسازد باینجهت پس از برقراری حاکمیت سوسیالیستی و لغو مالکیت خصوصی در عهد تری رفته های فعالیت تولیدی جامعه، باید در جهت رشد همه جانبه اقتصاد کشور و بالا بردن بازده کار کوشش لازم بعمل آید.

زمانی که اتحاد شوروی در محاصره کشورهای امپریالیستی بتشاهای بنکاساختن سوسیالیسم پرداخت، رشد سریع صنایع در روهله اول رشد صنایع تولید کنند و وسایل تولید عمد تری و حاد ترین وظیفه بود. لنین میگفت: " پیروزی سوسیالیسم را بر سرمایه داری و استحکام سوسیالیسم را فقط هنگامی میتوان تأمین شد دانست که حکومت پرولتری ۰۰۰ تمام صنایع کشور را بر پایه تولید بزرگ جمعی و بد رنترین تکنیک تجدید سازمان دهد." رشد صنایع سنگین یعنی عمد تری بخش تولید کنند و وسایل تولید نسه تنها شرایط لازم برای رشد همه جانبه تمام رشته های اقتصاد کشور و بهبود زندگی زحمتکشان فراهم میساخت، بلکه برای تحکیم قدرت دفاعی اولین کشور سوسیالیستی در جهان پایه های مادی بوجود میآورد. پایان دادن بتولید کوچک انفرادی در روستا، محور آخرین بقایای طبقات استثمارگر در ده (کولک ها) نیز بدون تجهیز دهقانان با وسایل مدرن کشاورزی کاری بود پس د شوار و تولید ماشینهای کشاورزی بدون رشد صنایع سنگین امری بود محال. لنین صنایع بزرگ را " تنها پایه مادی لازم برای درگون ساختن سیمای کشاورزی میدانست. بنابراین رشد صنایع سنگین دارای اهمیت صرفاً اقتصادی نبود، بلکه اهمیت سیاسی واجتماعی و نظامی نیز داشت.

توجه اساسی اتحاد شوروی به صنایع موجبات رشد بسیار سریع این رشته حیاتی را فراهم ساخت. در سال ۱۹۶۵ صنایع شوروی نسبت بسال ۱۹۱۳ بیش از ۱۷ بار افزایش یافت. مقایسه رشد صنایع بسا رشد مجموعه درآمد ملی کشور در همین مدت (۳۱۶ برابر) اهمیت خاصی را که اتحاد شوروی برای صنعتی کردن کشور قائل بوده است، بخوبی نشان میدهد. رشد صنایع سنگین در اتحاد شوروی از این نیز سریعتر بود. در فاصله میان سالهای ۱۹۱۳ و ۱۹۶۵ صنایع سنگین شوروی بیش از ۱۶۴ برابر افزایش یافته یعنی آهنگ رشد صنایع سنگین اتحاد شوروی در حدود ۴٫۵ برابر آهنگ رشد درآمد ملی و تقریباً ۲٫۵ برابر آهنگ رشد مجموعه صنایع بوده است. رشد سریع صنایع و بویژه صنایع سنگین اتحاد شوروی را از یک کشور عقب ماند بسطح کشورهای رشد یافته صنعتی ارتقا داد. در نتیجه رشد صنایع سنگین رشته های جدیدی مانند تراکتور سازی، اتومبیل سازی، هواپیما سازی، صنایع شیمیایی، الکترو تکنیک و دستگاه سازی و غیره در کشور بوجود آمد. اکنون صنایع سنگین اتحاد شوروی ۷۸ درصد محصولات صنعتی این کشور را تولید میکند و حال آنکه در سال ۱۹۱۳ وزن مخصوص آن فقط ۳۳ درصد بود.

لزوم افزایش فوق العاده سریع صنایع سنگین نسبت با افزایش درآمد ملی و سایر رشته های تولیدی زائیده عقب ماندگی اقتصادی روسیه تزاری و نیز نتیجه شرایط خاص ساختن سوسیالیسم در اتحاد شوروی بوده است و آنرا نمیتوان از قانونمند یهای خاص رشد اقتصاد سوسیالیستی در همه کشورهای آنست. اکنون در اتحاد شوروی آهنگ رشد صنایع سنگین تا حد زیادی به آهنگ رشد درآمد ملی و سایر رشته های صنعتی نزدیک میشود و از این طریق امکانات بیشتری برای بهبود وضع مادی و فرهنگی زحمتکشان فراهم میآید. در رشته کشاورزی نیز اتحاد شوروی بویژه در سالهای اخیر به کامیابیهای بزرگ نائل آمده است. تولید فراورد های کشاورزی در سال ۱۹۶۵ نسبت بسال ۱۹۱۷ بیش از ۲٫۸ برابر افزایش یافته است. یعنی به تولید سرانف محصولات کشاورزی در این مدت بیش از ۷۰ درصد افزودن شده است. کامیابیهای شوروی در رشته کشاورزی در قیاس با کامیابیهای سایر رشته ها چندان درخشان نبود. است. کندی نسبی رشد کشاورزی در اتحاد شوروی معلول خرابکاریهای عناصر بورژوازی ده در زمان ساختن کلخوزها و نیز نتیجه اشتباهات و شتابزدگیهاست که هنگام ایجاد کلخوزها بوجود آمد و همچنین نتیجه برخی اشتباهات پیشی آمده در سالهای بعد بود. است. ویرانیها و خسارات حاصله از زمین جنگ جهانی نیز لطعات بسیار شدیدی به رشد کشاورزی وارد ساخت. در سالهای ایجاد کلخوزها تولید محصولات کشاورزی در حد و



۱۴ درصد و در سالهای جنگ جهانی بیش از ۴۰ درصد کاهش یافت.

اقداماتی که در سالهای اخیر در زمینه تشویق رشد کشاورزی بعمل آمده است، هم اکنون نتایج مثبت خود را آشکار میسازد. برای نشان دادن کامیابیهای بزرگ اتحاد شوروی در سالهای اخیر کافیست گفته شود که فرآورده های کشاورزی اتحاد شوروی طی ۱۲ سال پس از ۱۹۵۳ با اندازه ۷۰ درصد افزایش یافته است و حال آنکه میزان افزایش آن طی ۳۶ سال پیش از ۱۹۵۳ در حدود ۶۸ درصد بود. همچنین یعنی آهنگ سالانه رشد کشاورزی در این ۱۲ سال بیش از سه برابر آهنگ رشد سالانه ۳۶ سال بعد است. اتحاد شوروی در سایر رشته های فعالیت اقتصادی (رشته های حمل و نقل، ساختمان، بازرگانی) نیز به پیشرفتهای عظیم نائل آمده است.

کامیابیهای اتحاد شوروی در تمام رشته های تولیدی و بویژه در صنایع موجبات دگرگونی کامل استرکتور اقتصادی کشور را فراهم ساخت. اکنون استرکتور اقتصادی اتحاد شوروی در ردیف استرکتور اقتصادی پیشرفته ترین کشورهای صنعتی جهان است. چنانکه در سال ۱۹۶۵ تولید صنعتی کشور ۶۳ درصد و رشته های کشاورزی، ساختمان، نقلیه و مخابرات، بازرگانی بترتیب ۱۶، ۹، ۴، ۱، ۰۹ درصد مجموع تولید ملی کشور را تشکیل میداد. در سال ۱۹۱۳ فقط ۹ درصد جمعیت فعال کشور در صنایع مشغول کار بودند ولی در سال ۱۹۶۵ این رقم به ۳۶ درصد افزایش یافت و در مقابل جمعیت فعال مشغول در کشاورزی از ۷۵ درصد به ۳۲ درصد کاهش یافت.

پیشرفتهای اقتصادی کشور با افزایش سریع بازده کار در تمام رشته های تولیدی همراه بود. چنانکه بازده کار در رشته های صنعتی در سال ۱۹۶۵ در قیاس با سال ۱۹۲۸ بیش از ۱۱ برابر افزایش یافت.

هدف تولید سوسیالیستی، بهبود وضع مادی و فرهنگی زحمتکشان است. پیشرفتهای اقتصادی اتحاد شوروی توانست در شرایط مادی و معنوی زحمتکشان تغییرات شگرف بوجود آورد.

افزایش درآمد ملی سرانه نمایانترین شاخص بهبود وضع مادی زحمتکشان شورویست. درآمد ملی سرانه در اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۵ در قیاس با سال ۱۹۱۳ بیش از ۲۵ بار افزایش یافت. چنین پیشرفت عظیم در سراسر تاریخ بشر بیسابقه بوده است. افزایش درآمد ملی موجبات افزایش درآمد واقعی زحمتکشان را فراهم ساخت. در سال ۱۹۵۸ درآمد واقعی کارگران اتحاد شوروی بیش از پنج برابر و درآمد واقعی روستائیان ۶٫۷ برابر نسبت به سال ۱۹۱۳ افزایش یافت. در سال ۱۹۶۵ نیز میزان درآمد واقعی سرانه اهالی شوروی به ۱۲۰ درصد سال ۱۹۵۸ رسید. افزایش درآمد واقعی مردم شوروی با کاهش ساعات کار همراه بوده است. میزان متوسط ساعات کار در صنایع روسیه تزاری در سال ۱۹۱۳ در حدود ۱۰ ساعت در روز بود ولی در اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۵ ساعات کار روزانه به ۷ ساعت تقلیل یافت. افزایش درآمد سرانه و کاهش میزان ساعات کار شرایط لازم را برای ارتقاء سطح فرهنگ و بهبود زندگی معنوی مردم فراهم میسازد. سالهاست در شوروی بیموادی از میان برداشته شده است. در سال تحصیلی ۱۹۶۵/۶۶ در سراسر شوروی در حدود ۷۲ میلیون نفر مشغول تحصیل بودند (در سال ۱۹۱۴/۱۵ فقط ۱۰ میلیون نفر). اکنون بیش از ۳۱ درصد تمام جمعیت شوروی بصورت مختلف در رشته های مختلف علمی و فنی به تحصیل مشغولند. تعداد دانشجویان از ۱۲۷ هزار نفر در سال ۱۹۱۴/۱۵ به ۳٫۹ میلیون نفر در سال ۱۹۶۵/۶۶ افزایش یافته است. ضمناً از ۳٫۹ میلیون دانشجو در حدود ۱٫۷ میلیون تن زحمتکشانی هستند که بکار مشغولند و سوسیالیسم شرایط لازم برای ادامه تحصیل در رشته های عالی برای آنان فراهم ساخته است. اکنون در شوروی سالانه بیش از ۷۵ هزار کتاب با تیراژ بیش از یک میلیارد و بیست میلیون جلد منتشر میشود. در سال ۱۹۶۵ بیش از ۱۰ هزار مجله و روزنامه با تیراژ بیش از ۲۴ میلیارد شماره منتشر شده است.

وضع بهبود یافته نیز در اتحاد شوروی تحول انقلابی حاصل کرده است. در شوروی بیش از ۲۶ هزار

مؤسسه بهداشتی و بیش از ۵۵۴ هزار پزشک به پذیرائی رایگان مراجعین مشغولند. در اثر توسعه شبکه بهداشتی و درمانی میزان مرگ بعد اقل رسیده و طول متوسط عمر به بیش از ۷۰ سال افزایش یافته است. رشد همه جانبه اقتصادی و تغییر کیفی در نحوه زندگی مردم شوروی از دستاوردهای عظیم انقلاب کبیرا کبر و تجسم مادی امکانات شگرف سیستم سوسیالیستی است.

پیشرفتهای اقتصادی اتحاد شوروی هم در قیاس با رشد اقتصادی روسیه پیش از برتری سیستم سوسیالیستی است. مخالفین سوسیالیسم بمنظور بی اعتبار ساختن دستاوردهای عظیم انقلاب اکثر بوسایل و حیل گوناگون متوسل میشوند. گاه صحت آمارهای شوروی را مورد تردید قرار میدهند و خود ارقامی غیر واقعی عرضه میدارند. گاه آهنگ سریع رشد اقتصادی شوروی را نتیجه پائین بودن سطح ارقام سالهای پایه قلمداد میکنند. گاه مدعی میشوند که آهنگ سریع رشد اقتصادی شوروی معلول نظام اجتماعی آن نبوده، بلکه نتیجه مرحله رشد آن میباشد. گاه میگویند که پیشرفت اقتصادی اتحاد شوروی به بهای محرومیتها و تضییقات عدیده بدست آمده است. هیچکدام از این ادعاها با واقعیت مطابقت ندارند.

پیشرفت سریع اقتصادی اتحاد شوروی صرفاً معلول مناسبات تولیدی سوسیالیستی نیست. با لغو مالکیت خصوصی و اجتماعی کردن وسائل تولید، قوانین خاص نظام سوسیالیستی جایگزین قوانین سرمایه داری میگردد. تمام آن موانعی که سد راه پیشرفت پایدار و موزون اقتصاد بوده است، از میان برداشته میشود، نیروی خود بخود و مخرب بازار جای خود را به فعالیت آگاهانه مبتنی بر قوانین عینی رشد اقتصادی میدهد، رشد هماهنگ و پایدار ممتدی بر برنامه جایگزین رشد ناموزون و انارش در تولید میگردد. مناسبات تولیدی سوسیالیسم بر اصول کاملاً نهنی متکی است. روابط افراد جامعه سالم و انسانیست. مناسبات میان انسانها بطور غیر مستقیم از طریق مناسبات اشیاء ساخته خود آنها تعیین نمیکردد. منافع عمومی هماهنگ با منافع فردی جانشین سود جوئی شخصی میشود. امتیازات انسانها استعمار ملل از میان میرود.

تمام این عوامل تا شیر خود را بر سر تکامل جامعه باقی میگذارند و نیروی رونی بیسابقه ای برای رشد اقتصادی بوجود میآورند. البته زمانیکه اتحاد شوروی بمشغلهای بکار ساختن سوسیالیسم پرداخت و کشور در محاصره اقتصادی و سیاسی دول امپریالیستی قرار داشت، مردم شوروی مجبور بودند برای رشد سریع اقتصاد خود و تقویت نیروی دفاعی خویش تاحدی به محرومیتها معینی تن در دهند. ولی این وضع تا حد و در زیادی معلول شرایط خارجی بود و برای همه کشورها و در تمام شرایط صادق نیست. آهنگ سریع رشد اقتصادی اتحاد شوروی یکی از شاخصهای مهم نشان دهنده برتری سیستم

اقتصادی سوسیالیسم است.

آهنگ متوسط رشد صنایع روسیه تزاری طی پنجاه سال ۱۹۱۰-۱۸۶۱ که در اثر لغو اصول سرواژ سالهای پیشرفت سریع صنایع در آن بود از ۸ درصد در سال تجاوز نکرده بود، ولی صنایع شوروی طی ۵۰ سال پس از انقلاب با آهنگی بیش از ۱۰ درصد در سال افزایش یافته است. اگر سالهایی را که صرف جنگ داخلی و وقوع دشمنان خارجی و نیز صرف جنگ جهانی دوم و ترمیم خسارات این جنگها شده است، از ۵۰ سال حذف کنیم، در اینصورت آهنگ متوسط رشد صنایع شوروی در حدود ۱۵ درصد در سال خواهد بود. بنابراین آهنگ رشد صنایع شوروی سه برابر آهنگ رشد روسیه پیش از انقلاب بوده است. مقایسه پیشرفت اقتصادی اتحاد شوروی با پیشرفت اقتصادی ایالات متحد آمریکا که اکنون بزرگترین قدرت اقتصادی جهانست، برتری بی چون و چرای سیستم سوسیالیستی را آشکارتر میسازد. طی بیست سال پس از جنگ (۱۹۶۵-۱۹۴۵) درآمد ملی شوروی ۷۱۹ درصد و درآمد ملی آمریکا فقط ۶۴ درصد افزایش یافته است. یعنی آهنگ رشد مجموعه اقتصاد اتحاد شوروی تقریباً ۴ برابر آهنگ رشد آمریکا است.

اتحاد شوروی در برتومناسیات سوسیالیستی توانسته است سال به سال سطح رشد اقتصادی خود را به امریکانزدیکتر سازد. اگر روسیه تزاری در سال ۱۹۱۳ باندازه ۱۲٫۵ درصد امریکامحصولات صنعتی تولید میکرد، اتحاد شوروی در سال ۱۹۵۰ باندازه ۳۰ درصد، در سال ۱۹۵۷ باندازه ۴۷ درصد در سال ۱۹۶۵ باندازه ۶۵ درصد امریکامحصولات صنعتی تولید کرده است. بطوریکه دیده میشود اتحاد شوروی با سرعت فاصله خود را از امریکامیکاهد. حتی اگر آهنگ رشد صنعتی هشت سال ۱۹۶۵-۱۹۵۷ را که مجموعاً بهترین سالهای رشد صنعتی امریکابوده است، ملاک قرار دهیم (در این مدت آهنگ رشد صنایع شوروی کمی بیش از ۲ برابر آهنگ رشد صنعتی امریکابوده) در سال ۱۹۵۷ اتحاد شوروی از لحاظ حجم تولید صنعتی از امریکا جلو خواهد افتاد. در سابقه اقتصادی اتحاد شوروی بی تردید پیروز خواهد شد. تجربه تاریخی اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی برتری آشکار سیستم اقتصاد سوسیالیستی را نشان میدهد.

\* \* \* \*

دینامیسم سیستم اقتصاد سوسیالیستی همیشه خواستار پیشرفت سریعتر بوده است. امکانات درونی سوسیالیسم همیشه بیشتر از نتایج حاصله بوده است. باینجهت حزب کمونیست اتحاد شوروی هرگز به پیروزیهای بدست آمده اکتفا نکرد. است. مردم شوروی برهبری حزب کمونیست پیوسته در جستجوی ذخائر غیرمکشوف رشد سریعتر اقتصاد کشور هستند. ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم از راهی ناشناخته انجام میگردد. تمام قانونمندیهای سوسیالیسم هنوز شناخته نشده است. فقط طی جستجوهای بیشمار، آزمایشهای بزرگ، کارخلاق و اقدامات جسورانه و از خلال اشتباهات گذرا و ناکامیهای موقت میتوان راه را برای آینده بهتر و درخشانتر بشری هموار ساخت. مردم شوروی همیشه در جستجو بوده اند و هنوز هم هستند. اقداماتی که در سالهای اخیر در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی اروپا بمنظور استفاده بهتر و بیشتر از قانونمندیهای اقتصاد سوسیالیستی و برای تکامل کاررهبی اقتصاد واجتماع انجام میگردد، گام تازه ایست در راه مغرنج ساختمان کمونیسم.

اتحاد شوروی تنها کشوری بود که در بدترین شرایط بکار ساختمان سوسیالیسم پرداخت، زیرا برای نخستین بار در جهان، بدون دسترسی به تجربه گذشته، در محاصره درندگان امریالیستی و با اقتصادی بسمنعقب مانده دست اندر کار ساختمان سوسیالیسم گردید. پیروزی درخشان نخستین آزمایش شگرف تاریخی پیروزی عظیم اندیشه های کمونیسم علمی، پیروزی بی نظیر کارخلاق توده های از بند رسته، پیروزی در رانسانز نیوغ بشری است.

# ایده‌ال انقلاب

/ این شعر بهار تحت تأثیر انقلاب اکثر سروده شده است /

تایکی خانه خراب است ، جهان است خراب  
تایکی ملك امیراست ، امیراست زمین  
تا ز "قیومت" نام است و نشان ز "استعمار"  
سقط از آبادی و عمران جهان است چنین  
آن زمان گیتی آباد و بشر آزاد است  
که شود آزاد از بندگی ژاپن ، چین  
لرد را دست شود کوتاه از غارت هند  
امپراطوری از تخت شود تخته نشین  
یک وطن گردد و یک خانه همه توده خاک  
آدمی زاده یکی دوده و اندر یک دین  
تا چنین نیست ، جهان است ز بنیاد خراب  
خلق در جنگ و جدل ، خاک بخون است عجین

# شعله انقلاب

/ بهار بمناسبت نخستین اخبار در باره انقلاب روس /

آن چه شعله است کزان راهگذر می آید  
یا چه برقی است که دایم بنظر می آید  
زاده فکر من است اینکه پس از چندین قرن  
بسفر رفته و اکنون ز سفر می آید  
دیده بگشای و در اغوش بگیرش ، کز مهر  
پسری بر سر بالین پدر می آید  
پاوسر میشکند راه خرابیات ، ولی  
مرد وارسته از این راه بسر می آید  
ای دل از کوتاهی دست طلب شکوه مدار  
صبر کن ! عاقبت آن نخل بهر می آید  
هر کجا بگذرد آن سرو خرامنده ، بهار  
خاک راهش بنظر کحل بصر می آید .

# پیام لنین

/ از شکوهی یزدی به مناسبت آمدن براوین نخستین پیک لنین بایران / \*

گرچه در آغاز استقلال و آزادی ما  
از لنین سرچشمه گیرد وز مرام او نفاذ  
از براوین حامل تبلیغ و پیغام لنین  
یاد دارم مرده ها زان پیک فرخ بی بیاد  
گفت مارا دوره شوم تزاری درگذشت  
انقلاب سرخ دارد پرچم آئین و داد

## به مناسبت دهمین سال انقلاب

/ از فرخی یزدی /

ز حمتکشان به خطه مسکو شدند جمع  
از بهر شرکت دهمین سال انقلاب  
من هم بنام ملت ایران سپاس گوی  
بر قاعدین نامی عمال انقلاب  
با پای جان به تربت پاک لنین بیا  
تا بنگری به مقبره تعال انقلاب

---

\* خود براوین ( در "اسناد سیاست خارجی شوروی"، جلد اول صفحه ۷۱۲، چاپ مسکو، بزبان روسی) در باره سفر خود بایران و احساسات ایرانیان چنین مینویسد: " برای من بهیچوجه ممکن نیست شرح بدهم که اعلام این خبرها چه تاثيری در ایرانیان باقی میگذارد. همینقدر میگویم که تهران از فرط هیجان و شادی عمومی به لرزه درآید. است. از پس صفوف پیشمار نمایندگان و اشخاص جد اگانه برای درود و تهنیت پیش من می آیند، که برای من وقت آزاد باقی نمانده است. حتی در خیابانها بافتخار من به شادمانی کف میزنند."

گزارش در باره

## سینارهای علمی حزب ما

بمناسبت پنجاهمین

## سالگذشت انقلاب کبیر اکتبر

بهروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت فرارسیدن سالگرد بزرگ پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تصمیم گرفت بیک سلسله اقدامات دست بزند؛ گذراندن سه سینار علمی در مراکز مختلفی که در آنجا امکان کافی و تدارک علمی لازم وجود دارد، انتشار شماره های مخصوص "دنیا"، "مردم"، "آذربایجان" و برنامه ویژه "بیک ایران"، تشکیل جلسات ویژه اکتبر در مراکز مختلف حزب در داخل و خارج کشور، شرکت در مراسم بین المللی و انتشار مقالات در مطبوعات جهانی و غیره و غیره نمونه هایی است از این اقدامات.

از سه سینار علمی که تحت عنوان "انقلاب اکتبر و ایران" باید تحت نظر شعبه تبلیغات و فعالیت ایدئولوژیک حزب برگزار شود، تاکنون دو سینار خاتمه یافته است. بهروی کمیته مرکزی برای این سینارها پیامهایی فرستاد است که در آغاز تشکیل سینار بسمع شرکت کنندگان آنها رسید است. در این پیام از جمله چنین گفته شده است: هدف بهروی کمیته مرکزی حزب توده ایران از دائرکردن این سینار علمی فقط تجلیل از این سالگرد، مهمترین واقعه تاریخ انسانی نیست بلکه در عین حال برای آنست که از تجارب این حادثه جهانی - تاریخی هرچه بیشتر بسود کامل نهضت رهایی بخش و انقلابی کشور ما و همه خلقهای میهن ما و برای روشن کردن تاریخ جنبش انقلابی در میهن ما استفاده شود. بهروی کمیته مرکزی خرسند است که سازمان مادر مسکو موفق شده است این سینار را تدارک بپند و تشکیل دهد.

انقلاب اکتبر یک واقعه جهانی - تاریخی دوران ساز است و نقطه عطف شگرفی در مسار سرحیات انسانی است. انقلاب اکتبر آغاز پیدایش جوامع بی طبقات و رها از استثمار و استعمار است. انقلاب اکتبر پیدایش اوج نهضت های انقلابی و رهایی بخش برضد سرمایه داری و امپریالیسم است. این

تاریخ تشابه خلقهای شوروی متعلق نیست. این تاریخ متعلق به همه خلقهای همه کشورهای جهان است. بهمین جهت جریان یاد آوری از انقلاب اکبر در این نیمه پرافتخار بیک وظیفه جهانی، بیک عمل بین المللی بدل شده است.

میهن ما با اتحاد جماهیر شوروی، زادگاه پرافتخار انقلاب کمپرسوسیا لیستی اکبر دارای هزاران کیلومتر مرز مشترک است. حوادثی که در همسایه شمالی ما گذشته، پیوسته در سرنوشت کشور ما تا شیرزنی باقی گذاشته است. جنبش‌های بخش و انقلابی میهن ما پیوسته از جنبش انقلابی خلقهای شوروی فیض و الهام گرفته است. این تا "تیرد رتکامل مادی و معنوی کشور ما، در بسط و گسترش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ما کاملاً محسوس است. انقلاب اکبر در تاریخ کشور ما نیز از نگاه بزرگی است. ما بسیاری از دستاوردهای امروزی خود را باین واقعه بگیرد بونهم و بهمین جهت بررسی این انقلاب و تا "تیرات آن در جهان و ایران برای ما یک وظیفه مقدس است." سومین سمینار علمی قرار است در آستانه پنجاهمین سالگرد، و نیز قرار است مجموعه سخنرانیهای اصلی که در این سه سمینار انجام گرفته و میگیرد در کتابی بنام "انقلاب اکبر و ایران" بدون و منتشر گردد. مسلماً این کتاب هم از جهت سیاسی و تاریخی و هم از جهت آموزشی دارای ارزش جدی خواهد بود و بر بخشی از تاریخ معاصر کشور ما روشنی خواهد افکند و تجارب غنی آنرا جمع‌بندی خواهد کرد. بعلاوه نقش احیاگر انقلاب اکبر و دوستی ایران و شوروی را در زمینه استقلال سیاسی و اقتصادی و ترقی اجتماعی و اقتصادی ما پنحوی برجسته مبرهن خواهد ساخت.

هیئت تحریریه مجله دنیا سودمند همدان است جریان تفصیلی دو سمینار علمی برگزار شده را با اطلاع خوانندگان ارجحند خود برساند. در موقع خود جریان سمینار علمی سوم نیز منتشر خواهد کرد. مطالبی که در شماره سخنرانان اصلی سمینار در این شرح آمده است تریهای سخنرانیها است که نکات عددی هر سخنرانی را در بر میگیرد. متن اصلی این سخنرانیها چنانکه گفته شد در کتاب جداگانه منتشر خواهد گردید.

## جریان سمینار علمی اول

سمینار علمی اول با سخنرانی افتتاحی رفیق پهلوسن رحمانی (دکتر در تاریخ) مسئول اداره سمینار علمی در آذربایجان آغاز گردید. سپس پیام بوری کمیته مرکزی به سمینار خوانده شد و نگاه سخنرانها آغاز گردید. در این سمینار ۱۲ تن سخنران اصلی و عدّه ای سخنرانان (که سخنان گزارش دهند) اصلی را تکمیل میکردند. یاد اطرافان اظهار نظر نمودند. سخن گفتند. بلائیه عدّه ای از حاضران در سمینار رحمت شرکت ورزیدند. در این سمینار جمعی از ایرانشناسان و دانشمندان محل حضور یافتند. از طرف بوری کمیته مرکزی در این سمینار رفیق احسان طبری حضور داشت. سمینار در محیط فعالیت نظری و سیاسی و بشکلی رضایت بخش جریان یافت.

نخستین سخنران اصلی سمینار علمی رفیق احمد امین زاده (دکتر در فلسفه) بود که تحت عنوان "انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر و دموکراتیک انقلابی در ایران" سخن گفت. رفیق امین زاده گفت: "وضع سیاسی ایران یعنی ناتمام ماندن انقلاب مشروطه و آغاز جنگ اول جهانی به ارتجاع ایران امکان داد از تحقق نظام مشروطه واقعی و بسط آندیشه دموکراتیک انقلابی در کشور جلوگیری بعمل آورد و حال آنکه برای چنین گسترشی زمینه و شرایط لازم وجود داشت. ولی پیروزی انقلاب اکثر در روسیه عامل قوی و نیرومند قوت اتحاد دموکراتیک و انقلابی در ایران شد. در این شرایط در ترکیب پیروزی بطور اساسی دگر و وارد بود: یکی از آنها از "موقیتهای" بدست آمده جنبش مشروطیت خرسند بود و برای خود در ایران ضرر نمیشد که این نهضت را ادامه دهد و در مرتبه بعد میکشید تا وضع موجود را حفظ کند. این گروه پیروزی انقلاب اکثر را حادّه ای مساعد برای تأمین استقلال ایران میسر و مایل نبود که از تأیید لفظی این انقلاب فراتر رود. کسانی مانند سید حسن تقی زاده و تدین و امثالهم را میتوان جز این گروه شمرد. و اما گروه دوم به نتایج نیمه تمام انقلاب مشروطیت راضی نبود و مایل بود آنرا ادامه و گسترش دهد. نمیخواست با وضع کشور سازگار کرد و با آن مبارزه میکرد و مدخل اشکار و نهان امپریالیسم بیوزنه انگلیس در مورد داخلی کشور او را از خود بد میساخت و وظیفه خود میسر که طبقه انکل فتود الهارا از صحنه حیات سیاسی و اجتماعی ایران برون راند. خود به پیروزی انقلابی که این اندیشه ها الهام میداد از پیروزی انقلاب اکثر الهام گرفت و میکشید تا از زمین پرولتاریای روسیه رافرا گیرد و با کلیه وسایل تسلیح این کولونیک تلاش مینمود تا توده های مردم را بآب و تاب آشنا سازد. در یک کلمه این گروه بر ضد نظام کهن قرون وسطایی برخاست و به اکثر و لنین بزرگ صمیمیت فراوان نشان داد. از این قیبلند: شمیخ محمد خیابانی، محمد تقی خان پسیان، میرزاده عشق، فرخی یزدی، میرزا کوچک خان و دیگران. البته در درجه پیکری انقلابی این افراد تفاوت داشت ولی دموکراتیک انقلابی این افراد در مسامحه حیات اجتماعی ما تا تیر عمیق گذاشت و زمینه را برای بسط اندیشه های مارکسیستی فراهم ساخت."

پس از پایان سخنرانی رفیق امین زاده نصیحت سخن به رفیق آگاهی (آگروه در فلسفه) رسید. وی تحت عنوان "انقلاب اکثر و گسترش مارکسیسم - لنینیسم در ایران" سخن گفت. رفیق آگاهی متذکر شد که:



" تحت تا " شیرکون پاریس در آخرین ربع قرن نوزدهم برای اولین بار در ایران صحت از سوسیالیسم معاصر به میان آمد. مطالعه علمی اسنادی که در دست است ما را به این نتیجه میرساند که از لحاظ عمق طرح مسائل و دامنه آن این دوران را ماقبل تاریخ اشاعه مارکسیسم - لنینیسم در ایران بنامیم. تاریخ گسترش مارکسیسم - لنینیسم در ایران با دوران لنینی تکامل مارکسیسم مقارن است. " اجتماعین عامیون " یا سوسیالدموکراسی ایران در این امر نقش بنهاد گذار ایفا کرده است. این سازمان با تک همه جانبه حزب سوسیالدموکرات کارگری روسیه که بر اساس آن لنین قرارداد داشت، پدید آمد. تصادفی نیست که اول برنامه این حزب بود که به فارسی ترجمه شد. مطبوعات مترقی این دوران به مارکس، انگلس، لنین، لوتی اوگوست بلانکی، لوتی بلان اشاره میکنند ( روزنامه " ایران " سال ۱۸۸۰ ) ولی به علل مختلف سوسیالیسم دموکراسی انقلابی نتوانست در ایران برداشته عمل خویش بیاورد. و در اشاعه مارکسیسم - لنینیسم کامیابی خاصی بدست آورد. لذا باید دوران انقلاب مشروطه و پیش از آن را در دوران نفوذ افکار سوسیالیسم علمی در ایران شمرده. پیروزی اکثر شرایط ضروری را برای اجرا آرماتهای سوسیالیستی در همسایه شمالی ما فراهم آورد. تحت تا " شیر این چرخش عظیم تاریخ و با تشکیل حزب کمونیست ایران در دوران اشاعه اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی در ایران آغاز گردید. در صفحات جراید حزبی و سندی یکتایی مانند " اقتصاد ایران " ، " حقیقت " ، " پیکار " و غیره و مجله " خلق " ، " جرقه " ، " ستاره " سرخ " ، " دنیا " و غیره اندیشه های سوسیالیسم علمی و اقتصاد و فلسفه مارکسیستی با تحصیل کم یا بیش مورد توضیح و تشریح قرار گرفت .

در تا " شیر اکثر مبارزه فکری در ایران شدت میگیرد. بحران دموکراسی به روزی عمیق تر میشود . دموکراتهای پیکر و رادیکال بموضع دموکراتیسم انقلابی دموکراتهای انقلابی بموضع مارکسیسم - لنینیسم منتقل میگرددند. پیرویه ترکیب آرماتهای مبین پرستانه با آرماتهای سوسیالیستی آغاز میگردد. اندیشه راهائی وطن و تا " مین استقلال آن در زیر رهبری و حاکمیت سیاسی طبقه کارگر بسط می یابد . فعالیت دکترونی ارانی فرزند فد اکار مردم ایران و خلق آذربایجان در این امر تا " شیری شکسرف داشته است . پیرویه گسترش مارکسیسم - لنینیسم پس از سقوط رضاشاه و با تشکیل حزب توده ایران و احزاب دموکراتیک آذربایجان و کردستان وارد مرحله تازه ای میشود که مشخصات آن بقراریزیرین است :

- ۱) در اجرا " علمی مارکسیسم - لنینیسم سازمانهای پیش گفته به موفقیت های مهمی ولو مسوقت دست می یابند ؛

۲) تبلیغ مارکسیسم - لنینیسم در این دوران در سطحی عالتر انجام میگیرد ؛

۳) دامنه شعول و گسترش این اندیشه هاد مبدوم وسیعتر میگردد . اگر اندیشه سوسیالیسم و کمونیسم در دوران فعالیت سوسیالدموکراسی انقلابی انعکاس خود را بطور عمده در نوشته های اجتماعی و سیاسی و تاحدی ادبی و در دوران فعالیت حزب کمونیست ایران در زمینه های اقتصادی و فلسفی و تاحدی علمی می یافت در این دوران نفوذ آن همگه اشکال شعور اجتماعی : ادبیات ، هنر ، اقتصاد ، فلسفه ، علم و غیره راد بر میگردد ؛

۴) تشدید مبارزات ایدئولوژیک که از تا " شیر انقلاب اکثر آغاز گردید در اثر پیروزی شوروی بر فاشیسم آلمان و ملیتاریسم ژاپن و پیدایش یک سلسله کشورهای سوسیالیستی در اروپا و آسیا و آمریکا باز هم حدت خاصی کسب میکند ؛

۵) با وجود واکنش ارتجاع ایران تا " شیر اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی در فعالیت روشنفکران و خلاقیت متفکران پشاهنک کماکان ادامه دارد . پیرویه تاریخی فراگرفتند اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم از طرف توده های وسیع ایران ادامه دارد و بسط مییابد و تعمیق میشود .

پس از سخنرانی رفیق آگاهی رفیق عون اللهی ( دکتور تاریخ ) تحت عنوان " انقلاب اکثر و

جنبش کمونیستی و کارگری در ایران سخن گفت. وی گفت :

" انقلاب اکتبر عصری نهاد رتاریخ بشر آغاز کرد و جنبش کارگری راد رکشورهای رشد یافته تقویت کرد وانراد رسمت انقلابی سوق داد. در عین حال به بسط جنبش کارگری درکشورهای مستعمره ووابسته تکانی نیرومند داد. کارگران ایران با الهام گرفتن از اکتبر نخستین حزب طراز نوین خود یعنی حزب " عدالت " را بنیاد هشتند. اتحادیه های کارگری تحت رهبری این حزب پدید شد. در سالهای ۱۹۱۷-۱۹۲۰ جنبش کارگری ایران وارد مرحله نوین تکامل خود کرد پد که دارای مشخصات زیرین بود :

- الف ) گذار از تشکل خود بخودی به تشکل آگاهانه؛
- ب ) تجمع آگاهانه کارگران و زحمتکشان در پیرامون اتحادیه ها؛
- ج ) افزایش نقش کارگران در مبارزه ضد استعماری و ضد فئودالی؛
- د ) در آمیختن مبارزه سیاسی با مبارزه اقتصادی.

بر پایه حزب عدالت حزب کمونیست ایران پدید شد و تحت رهبری این حزب جنبش کارگری وارد مرحله " فعالیت منظم " گردید. در دوران قیامهای آذربایجان و گیلان و خراسان ( ۱۹۲۱-۱۹۲۰ ) نقش اتحادیه های کارگری بسی افزایش یافت. طبقه کارگری از قوای محرکه این قیامهاست. بدینسان نقش سیاسی کارگران و پیشه وران که در همه اشکال مبارزه ( از میتینگ و تظاهرات و اعتصابات سیاسی گرفته تا قیام مسلح عالیترین شکل مبارزه ) شرکت میورزند ، افزایش مییابد. در سال ۱۹۲۲ " اتحادیه کارگران ایران " تشکیل شد که در رشد خود آگاهی سیاسی کارگران و توده های زحمتکش نقش بسیاری داشته است. در سالهای ۱۹۲۷-۱۹۲۰ اعتصابات اقتصادی به اعتصابات سیاسی بدل شد. در سال ۱۹۲۷ کنگره دوم حزب کمونیست تشکیل گردید و در جنبش کارگری ایران تا " شیرافران " داشت. در سالهای ۱۹۴۰-۱۹۳۰ رشد صنایع ایران بشکل نسبی سرعترشد و در نتیجه ترکیب کارگران ایران نیز دگرگون گردید. در سالهای ۱۹۴۰-۱۹۳۰ هجوم ارتجاعی به جنبش کارگری ایران بالا گرفت.

در دوران جنگ دوم جهانی " حزب توده ایران " تا " سپس گردید و تحت رهبری این حزب " شورای متحد مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران " بوجود آمد. در سالهای ۱۹۴۷-۱۹۴۱ تاخت و تاز ارتجاع آغاز میگردد ولی با مقاومت توده های زحمتکش روبرو میشود. در سالهای ۱۹۵۰-۱۹۴۳ جنبش کارگری در ایران بیش از پیش قوت میگیرد. حزب توده ایران مراکز نیمه علنی اتحادیه ای این فعالیت رار رهبری میکند. در این دوران جنبش کارگری از سه مرحله گذشته است :

الف ) از آوریل ۱۹۵۰ ( اعتصاب نسا جان شاهی ) تا آوریل ۱۹۵۱ ( حکومت دکتر صدق ) ،

ب ) از آوریل ۱۹۵۱ تا سقوط قوام ) تا اوت ۱۹۵۳ ( کودتای شاه - زاهدی ) ،

ج ) از ژوئن ۱۹۵۲ ( سقوط قوام ) تا اوت ۱۹۵۳ ( کودتای شاه - زاهدی ) .

پس از این تاریخ جنبش کارگری به مبارزه خود در شرایط بسیار دشوار فشار و تضییق و سرور تحت رهبری حزب توده ایران ادامه میدهد. طبقه کارگر ایران علاوه بر مبارزه برای خواستهای صنفی و طبقاتی خود در جنبش ضد امپریالیستی نقش بزرگی ایفا میکند.

پس از پایان سخنرانی رفیق عون اللهی رفیق عباسعلی زنجویی تحت عنوان " انقلاب کبیر سوسیالیستی

اکتبر و کمترش مطبوعات دموکراتیک - لنینیمی - لنینیمی در ایران " سخن راند. وی گفت :

" مطبوعات دموکراتیک یعنی بخشی از مطبوعات مارکسیستی - لنینیمی ایران بر پایه زندگی اجتماعی و سیاسی کشور در آغاز قرن بیستم و در دوران جنبش رهایی بخش ملی و انقلاب مشروطیت پدید شد. نخستین انقلاب روسیه ( ۱۹۰۵-۱۹۰۷ ) در پیدایش و تکامل این مطبوعات نقشی معدنیسی ایفا کرد. تحلیل وضع دشوار حقانان، کارگران و دیگر قشرهای زحمتکش ، دفاع از حقوق و مطالبات مردم ، توضیح نقشی که توده های زحمتکش میتوانند در مبارزه علیه استبداد و امپریالیسم و بخاطر دموکراسی و نجات ملی بازی کنند ، تأیید اینکه د روسیه وجود دارد : روسیه تزاری و خلق انقلابی

روس و ضرورت برخورد صحیح باین مسئله - اینهاست آن مسائلی که در مرکز توجه مطبوعات دموکراتیک و انقلابی قرار گرفت. از جمله این مطبوعات عبارت بودند از روزنامه های: "مجاهد"، "صحر اسرافیل"، "آذربایجان"، "انجمن"، "مکافات"، "فریاد"، "نهبان"، "ناله ملت"، "خاورستان"، "ایران نو" و غیره.

مضمون انقلابی مطبوعات مترقی ایران با پیروزی اکثریت بسط و تکامل تازه ای یافت و مطبوعات مارکسیستی - لنینیستی طراز نو پدید آمد که از جهت کیفی در سطح عالیتری قرار داشت. جرائد و مجلات متعلق به حزب کمونیست ایران نخستین نهاد یان اندیشه های اکثریت بودند. از این قبیل اند: "بیمبرق عدالت"، "حریت"، "کمونیست ایران"، "لوی سرخ"، "ایران سرخ" و غیره. این مطبوعات به شایستگی نقش مبلغ و مروج و سازمانده جمعی را ایفا کردند.

دردوران بعد جریان سرکوب جنبش ملی دموکراتیک در کشور باز هم نتوانست از تاثیر نیرومند اندیشه های انقلاب اکثریت در مطبوعات مترقی ایران جلوگیری بعمل آورد. در سالهای ۲۰ قرن کسوفی روزنامه های زیرین انتشار می یابد: "کار"، "اقتصاد ایران"، "تکامل"، "طلوع"، "تجدد"، "طوفان"، "نصیحت"، "قرن بیستم"، "پیکار"، "ستاره سرخ". این جراید تا حد معینسی به امر اشاعه اندیشه های اکثریت در ایران خدمت کردند. کاراید ثولولیک و بطور کلی خلافت پهلویستیک این مطبوعات شایسته توجه است.

در صفحات این مطبوعات وظائف حاد سیاسی و اجتماعی زندگی کشور بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و در موضوعات زیرین مطرح میگردد:

الف) تاکتیک و اصول مبارزه علیه رژیم ارتجاعی و ستم استعماری،

ب) تعریف خصلت انقلاب ایران بوظایف و نیروهای محرک آن،

ج) مبارزه در راه حاکمیت سیاسی به مثابه مسئله عدالت انقلاب و اشکال آن،

د) ضرورت ایجاد اتحاد کارگرد هقان و اهمیت این امر،

ه) توضیح وضع توانفرمای زحمتکشان و دفاع از حقوق آنان در مبارزه علیه استعمار و ارتجاع داخلی،

و) تبلیغ دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی اتحاد شوروی و غیره.

دولت رضاشاه که از اشاعه اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی بوسیله مطبوعات کمونیستی و بطور کلی از فعالیت حزب کمونیست در کشور متوحش شده بود قانون کذائی ۱۳۱۰ را که بقانون سیاه معروفست و هدف آن سرکوب حزب کمونیست و نیروهای مترقی کشور بود، از مجلس گذراند. ولی قصاص خونین دولت شاه نتوانست اراده مروجین اندیشه های مارکسیستی را درهم شکنند. در شرایط نوین روشهای با نرمش و اسلوهی تبلیغاتی تازه ای برای اشاعه تئوری کمونیسم علمی ماهرانه بکار می رود. مجله "دنیا" که در این دوران انتشار یافته است نقش بزرگی در توضیح فلسفه مارکسیستی و احکام عدالت پالکتیک ایفا کرده است.

تجربه مبارزه ترقیخواهان ایران در دوران حکومت رضاشاه تا تاریخ سقوط این حکومت نشان میدهد که علیرغم قصاص خونین و اخلاکگره های ایدئولوژیک که از طرف ارتجاع و استعمار دنبال میشود مطبوعات انقلابی دموکراتیک علیرغم وقفه های کوتاه مدت به فعالیت خود ادامه میدهند. و بدین ترتیب الهام اکثریت در طول زمان در مطبوعات مترقی ایران عمیقتر و قویتر میشود.

اشاعه اندیشه های اکثریت بوسیله مطبوعات ایران نقش موثری در تکامل آگاهی طبقاتی و اعتلا سطح فکری و سیاسی کارگران و زحمتکشان و پرورش آنها باروح پیشاهنگان جنبش رهائی بخش ملی داشته است.

اصول مسلکی و سنن پهلویستیک مطبوعات انقلابی و دموکراتیک ایران بر بنیاد واقع بینی انقلابی

مبتنی بودند، در تکامل نظیر این مطبوعات دردوران بعدی تا<sup>۱</sup> شهر ژرفی درآشت. این اصول و سنن در سالهای جنگ و بعد از جنگ دوم جهانی کماکان وجهه<sup>۲</sup> همت مطبوعات انقلابی و دموکراتیک بود و بدین ترتیب این مطبوعات اندیشه های اکثر را بازمه بنحوی ژرفتر درآهان زحمکشان رخنه دادند<sup>۳</sup>.

پس از سخنرانی رفیق عباسعلی زئوری بانو ایراندخت ابراهیمی " دکتر در تاریخ " تحت عنوان " انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر و جنبش رهائی زنان در ایران " سخن گفت . بانو ابراهیمی گفت : " پیروزی اکثر و استقرار حاکمیت شوروی در آذربایجان شوروی در بسط و گسترش جنبشها بخش ایران تا<sup>۴</sup> شهرزادی داشت. انقلاب اکثر که برای اولین بار بزنان روسیه آزادی واقعی عطا کرد به رشد جنبش زنان سراسر جهان و از انجمله ایران نکاتی نیرومند داد. طی سالهای ۱۹۲۰-۱۹۲۷ در ایران یک سلسله جمعتهای زنان پدید آمد که برای رهائی خود از قیود قرون وسطایی به تلاش برخاستند .

دردوران استبداد رضاشاه زنان ایران از عده<sup>۵</sup> ترین حقوق سیاسی و مدنی محروم بودند و وضع اقتصادی و اجتماعی آنان نیز رقت بار بود. در سالهای ۳۰ دولت کلیه<sup>۶</sup> سازمانهای مترقی کشور را سرکوب کرد و از انجمله جمعیت زنان تعطیل شد. با اینحال دولت خود مجبور شد اقداماتی در جهت دادن برخی آزادیهایی بعمل آورد. در سال ۱۹۳۲ دولت کنگره<sup>۷</sup> زنان خاورزمین را در تهران دعوت نمود که در آن نمایندگان کشورهای مختلفه در باره<sup>۸</sup> وضع زنان سخن گفتند. پس از سه سال رژیم استبدادی رضاشاه تصمیم گرفت کشف حجاب را عملی سازد و این تصمیم را بمعرض اجرا گذاشت. همچنین بزنان اجازه داد که در برخی موسسات دولتی بکار مشغول شوند. ولی وضع زنان از لحاظ حقوقی تغییری نیافت .

دردوران پس از جنگ دوم جهانی و در نتیجه<sup>۹</sup> پیدایش سازمان حزب توده<sup>۱۰</sup> ایران جنبش دموکراتیک و مترقی زنان ایران بار دیگر نیرو میگیرد. " سازمان زنان " تشکیل میشود و این سازمان میکوشد تا زنان را نخست در تهران و سپس در شهرستانها متشکل سازد. در این دوران زنان درسراسر کشور و از انجمله در آذربایجان دست بمبارزه برای رهائی و آزادی خود میزنند. بطور عده<sup>۱۱</sup> این مبارزه در صفوف اتحادیه های کارگری انجام میگردد. در سال ۱۹۴۵ در آذربایجان " جمعیت زنان آذربایجان " تشکیل میشود. زنان در جنبش دموکراتیک آذربایجان هم دوش مردان شرکت میکنند .

دردوران اوج نهضت نجات بخش ملی یعنی در سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۳ زنان ایران در صفوف مقدم بمخاطرات آزادی، استقلال و صلح مبارزه میکنند. در نتیجه<sup>۱۲</sup> مبارزات طولانی که زنان ایران تحت رهبری سازمانهای مترقی انجام داده اند، رژیم کنونی مجبور شد است برخی حقوق سیاسی و از انجمله حق انتخابات بزنان بدهد. در شرایط کنونی زنان ایران با استواری تمام در راه حقوق و رهائی اجتماعی خود مبارزه میکنند و این مبارزه بویژه بدست آوردن حقوق مدنی، تا مین حق مادری، مسئله<sup>۱۳</sup> طلاق و ارث و غیره است .

کامیابیهای عظیم زنان شوروی که بمسبب برکت انقلاب اکثر بدست آمده، مهد<sup>۱۴</sup> الهام زنان ایران و نبرد برای حقوق اجتماعی خود و در مبارزه برضد ارتجاع و امپریالیسم است .

پس از پایان سخنرانی رفیق ایراندخت ابراهیمی نیت سخن به رفیق تقی موسوی ( دکتر در تاریخ ) رسید . موضوع سخن رفیق موسوی عبارت بود از : " انقلاب اکثر و جنبش کیلان ( ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ ) " . وی گفت :

" در آستانه<sup>۱۵</sup> جنبش کیلان ایران دچار بحران اقتصادی و سیاسی عمیقی بود. در ایران اعتلا<sup>۱۶</sup> جنبش دموکراتیک و رشد مبارزه ضد امپریالیستی مشهود بود. امپریالیسم انگلستان و گردانندهای اشغالگر روسیه تزاری از سوسی میکوشیدند این جنبش را مشتت سازند و عمال آلمان قیصری و عثمانی از سوسی در یر میکوشیدند تا از این جنبش بسود مقاصد خود استفاده کنند. در این شرایط پیروزی انقلاب فوریه در روسیه و سرنگونی تزار تا<sup>۱۷</sup> شهرمغنی و روحی بزرگی در زحمکشان ایران داشت .

وضع جغرافیائی و شرایط طبیعی کیلان نقش مثبت در پیدایش ، بسط و گسترش این جنبش ضد امپریالیستی داشته است . جنبش کیلان دهقانان تهیدست و میانه حال و پیشه روان شهرنشین و روشنفکران مرفقی و قشر پائینی روحانیون و بهرروازی تجاری و غیره را در بر گرفت . در آن حال در فعالیت کمیته " اتحاد اسلام " که بر رأس جنبش قرار گرفته بود اشتباهات جدی دیده میشود . کمیته نامبرده برنامه واحدی تنظیم کرده بود که تا حدودی منافع قشرهای ذکر شده را منعکس میکرد .

انقلاب کمپروسوسیالیستی اکثر در شرکت کنندگان جنبش کیلان تا شیرزادی داشت . این جنبش بهیژه پس از استقرار حاکمیت شوروی در پاکو قوت گرفت . شرکت کنندگان جنبش کیلان بر ضد مدخله کران انگلیس و گارد سفید روس که میخواستند از راه کیلان به قفقاز رخنه کنند و قدرت را در آنجا بدست گیرند ، با دلاوری و قهرمانی نبرد کردند . تضعیف جنبش کیلان در نخستین دوره رشد آن نتیجه روش مردود و تساهل حدی تسلیم آمیز جناح راست کمیته " اتحاد اسلام " بود .

دوره دوم جنبش کیلان با سیر ظفرنومون انقلاب اکثر در قفقاز و ترکستان مقارن است . انقلاب اکثر در پیدای ری خلقهای شرق بهیژه ایران تا شیر شکر فداشت . کوچک خان رهبر جنبش کیلان در این دوران میگوید تا پساً روسیه انقلابی را بطه د اثر کند . کمیته جدید انقلابی در امر جذب توده های وسیع دهقانی کامیابهای تازه ای بدست می آورد . ارتجاع ایران و امپریالیستهای انگلیس که از سرایت نمونه حاکمیت خلقی در قفقاز و آسیای میانه هراسناک بودند ، در این دوران کوشیدند با کلیه وسائل استقرار روابط بین شرکت کنندگان جنبش کیلان و قفقاز انقلابی را مانع شوند . پیروزی نهائی حاکمیت شوروی در آذربایجان شوروی و سرکوب کامل ناوگان ضد انقلابی در آبهای جنوبی بحر خزر از جانب ناوگان نو بنیاد سرخ به جنبش کیلان کمک موثری کرد و در اعتلا آن تا شیر بخشید .

سومین مرحله جنبش کیلان عبارتست از پیدایش جمهوری کیلان . دولت موقت انقلابی جمهوری کیلان و شورای نظامی و انقلابی یکی از عده ترین وظایف خود را در آن میدانستند که سراسر کشور ایران را از رهقه اشغالگران انگلیسی رهائی بخشند . درست در همین شرایط است که نخستین کنکرة حزب کمونیست ایران تشکیل شد . افق محدود و قدان تصمیم استوار بهرروازی نقش منفی خود را در جنبش بازی کرد و نیروی متحد ارتجاع ایران و امپریالیسم انگلستان موفق بسرکوب جنبش گردید . جنبش کیلان به نسلهای بعدی انقلابی در کشور درسهای عبرت آموز داد .

پس از سخنان رفیق تقی موسوی رفیق جبرئیل روئین دژ (دکتر در تاریخ) رشته سخن را بدست گرفت . موضوع صحبت رفیق روئین دژ عبارت بود از : " انقلاب اکثر و جنبش خیابانی در آذربایجان " وی چنین گفت :

" در سالهای جنگ اول جهانی و در نخستین سالهای بعد از جنگ ایران و از انجمله آذربایجان در چهار شرایط دشواری بود . بازگانی داخلی مخمل شده بود . نقل و انتقال سپاهیان انگلیسی از جنوب شمال و کوشش امپریالیسم بریتانیا برای تهدیل ایران به مستعمره کامل خویش پایه های اقتصادی کشور را بعد جدی متزلزل ساخت . بازارهای سنتی صادراتی کشور بسته شده بود . پیروزی انقلاب اکثر در این شرایط منبع الهامی برای مردم آذربایجان بود و منجر بد آن شد که این مردم بمبارزه رهائی بخش وضد امپریالیستی دست زنند . انقلاب نخستین روسیه در ۱۹۰۵ در پیدایش جنبش مشروطیت نقش زبادی داشت و انقلاب اکثر در پیدایش یک سلسله جنبشهای انقلابی که در سالهای ۲۰ در ایران روی داد ، موثر واقع شد . حتی قبل از انقلاب فعالیت عده ای از بلشویکهای روس در ارتش تزاری مقیم آذربایجان شوروی و روش مثبت سربازان و افسران انقلابی روس نسبت به انقلاب بیون ایرانی در انتشار اندیشه های رهائی بخش لنین در آذربایجان و اعتلا عومی خلق در این سامان تا شیر فراوانی داشته است . تا شیرات عمیق و مثبت اکثر از سوشی و مقاصد شوم امپریالیستهای بریتانیا برای تهدیل ایران به مستعمره که در قرارداد ۱۹۱۹ منعقد بهین وثوق الدوله و امپریالیسم انگلیس منعکس شده بود ، از

سوی دیگر مردم را به نبرد برانگیخت. در این شرایط جنبش آذربایجان تحت رهبری شیخ محمد خیابانی آغاز گردید و این جنبش در بین جنبشهای نظیر در شمال کشور مقامی خاص احراز نمیکند. یکی از مختصات جنبش خیابانی در آنست که در راه آن حزب معینی قرار داشت و این حزب دارای اساسنامه و برنامه خود بود و قبل از آنکه قدرت را بدست گیرد مدت دو سال فعالیت تبلیغی و سازمانی و سیمعی انجام داد. حزب در روزنامه ارگان خود که "تجدد" نام داشت مقاصد خویش را تشریح مینمود و بدینسان توانست در بسبب توده ها موثر باشد. شعارهای عمده جنبش بقرار زیر بود:

الف) بهبود وضع مردم،

ب) تأمین حقوق ملی مردم آذربایجان،

ج) اجرا رفهرم فرهنگی و بهداشتی.

شخصیت برجسته خیابانی در نهضت تأثیر بزرگی داشت ولی در عین حال محدودیت جهان بینی او و نقائص اسلوب کار مبارزه اش به نتایج منفی منجر گردید و عواقب آن برای انقلاب شوم بود. ارتجاع ایران بسبب جنبش خیابانی متوحش شد، آنرا بباد افترا گرفت و سرانجام با حمایت مستقیم امپریالیستهای انگلیس جنبش را مبرکوب و پیشوایش را نابود ساخت. علل اساسی شکست جنبش بقرار زیرین است:

۱) جلب ناکافی توده های مردم و ضعف تشکل آنها،

۲) ناستواری و تزلزل رهبری در مبارزه علیه دولت ارتجاعی مرکز،

۳) کمبهداد در بضرورت اجرا اصلاحات ارضی.

جنبش خیابانی در زندگی سیاسی و اجتماعی ایران و بویژه آذربایجان تأثیر عمیق باقی گذاشت و تجارب آن مورد توجه انقلابیون نسلهای بعد قرار گرفت.

پس از پایان سخنرانی رفیق روشین در نشست سخن به رفیق جعفر مجیری (دکتر در هنرشناسی) رسید. رفیق مجیری تحت عنوان "انقلاب اکثر و قیام کللد در خراسان" سخن راند. وی گفت:

"در استانه این قیام (۱۹۱۹-۱۹۲۱) از لحاظ اقتصادی و سیاسی وضع توانفرمائی در کشور حکمروا بود. مبارزه طبقاتی حدت یافته بود. تظاهرات علیه سلطنت و امپریالیسم گسترش می پذیرفت. پیروزی آذتبر عناصر مترقی را در نبرد بخاطر رهائی کشور الهام بخشید. از شمال غربی تا شمال شرقی کشور قیامها و مبارزات مسلحانه در گرفت و همین مبارزات بود که نگذاشت ایران به مستعمره امپریالیستها بدل شود. روزگار تیره زحمتکشان خراسان خود سرپهای فتود الهام، هرج و مرج و فقر و فلاکتی که در این ناحیه حکمفرما بود، تناقضات اجتماعی را تشدید کرد و کار را به انفجار کشاند. قیام سراسر خراسان را فرا گرفت. در این دوران کلل محمد تقی خان پسیان بعنوان یک رجل انقلابی برجسته نضج کامل روحی یافته بود. قیام بسرپرستی او انجام گرفت. در نتیجه پیروزی قیام در رشته نظام، بهداشت، معارف، امور مالی رفهرمهایی بعمل آمد و برخی از مالباختهای ارضی ملغی گردید.

ارتجاع داخلی به همراه امپریالیستهای انگلستان و بدست احد قوام السلطنه و رضاخان سردار سپه قیام را مبرکوب کردند. علل اساسی شکست قیام بقرار زیرین است:

الف) سطح ضعیف تشکل نیروها،

ب) کافی نبودن درجه وحدت نیروهای مترقی،

ج) کمبهداد در فعالیت عمال انگلیس که علیه قیام مشغول کار بودند،

د) نوسان و تزلزل پیروزی خراسان،

ه) توجه ناکافی به حل مسئله ارضی.

تحلیل علل ناکامی قیام خراسان موید این نکته است که ضعف وحدت و تشکل نیروهای مترقی علیه ارتجاع و امپریالیسم ناچار به پیروزی ارتجاع و وحدت فاجعه منجر میشود.

کلنل همیان دست مصمم انقلاب اکثر و حکومت شوروی بود. در آثار ادبی ایران برای قیام خراسان ارزشی عالی قائل شدند. این جنبش به امپریالیسم در کشور ما ضربه زد و روحیه انقلابی را در مردم بالا برد و از این نقطه نظر آفریننده و سنجهای نوین انقلابی بوده است.

پس از سخنرانی رفیق مجبوی رفیق البرزی (دکتر در تاریخ) رشته سخن را بدست گرفت. وی تحت عنوان "جنبش دموکراتیک آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۵) سخنرانی کرد و گفت:

"انقلاب اکثر نقطه چرخش در تکامل جنبش کارگری و رهایی بخش ملی جهانی است. حکومت کارگری و دهقانی که در نتیجه پیروزی این انقلاب پدید شد در مورد کلیه کشورهای سیاستی دارای کیفیت نسبی اعمال نمود که مبتنی بر برابری حقوق و مودت است. روابط ایران و شوروی که از زمان انقلاب اکثر بر این پایه قرار گرفته است برهائی ایران از اسارت کامل در دست امپریالیستهای انگلیس کفک شایانی کرده است. در جریان جنگ دوم جهانی در ایران این خطرواقعی پدید شد که کشور بدست نشانده المان فاشیستی و مرکز تهدید و تحریک علیه مرزهای شوروی مبدل گردد. در این شرایط ارتش شوروی بمرزین کشور ما منتقل گردید و حیات سیاسی کشور آغاز دموکراتیزه شدن گذاشت و این امر شرایط اوج فعالیت نیروهای دموکراتیک و ضد فاشیستی را در کشور فراهم ساخت. در این دوران در آذربایجان سازمانهای سیاسی مختلفی بود که در میان آنها پیرو فعالیت حزب توده ایران در آذربایجان اهمیت ویژه ای کسب میکند. حزب توده ایران در این استان کوشش همه جانبه ای در امر متشکل کردن کارگران و دهقانان و جذب آنها بمبارزه علیه سیاست ارتجاعی و ضد دموکراتیک حکومت مرکزی مبدول میباشند."

از سال ۱۹۴۱ تا سال ۱۹۴۵ جریان مبارزه مردم آذربایجان بطور کلی بنحو زیرین بود: در شهرها بزرگ توده های مردم بگرد سازمان سیاسی خود مجتمع شده و ناخرسندی خود را از سیر امور بوسیله تشکیل میتینگهای انبوه و تظاهرات خیابانی نشان میدادند و دهقانان در روستاها به فعالیت بیشتری تظاهر میکردند و گاه سلاح در دست مالکان و زائد ارههارا از آبادیها میبراندند. تمام این نکات نشان میداد که در آذربایجان نوعی وضع انقلابی حکمرانست که مردم این سامان دیکر مایل نیستند بشیوه کهن زیست کنند و محافل حاکمه نیز قادر نیستند بشیوه کهن بر آنها حکومت نمایند.

مخالف حاکمه ایران از بسط مبارزه مردم آذربایجان در راه حقوق خود و علیه استعمار و ارتجاع نگران شدند و کلیه سعی خود را مبدول داشتند تا از تحقق حقوق حقه مردم آذربایجان جلوگیری بعمل آورند. شکست فاحش فاشیسم به مردم آذربایجان الهام بخشید تا برای کسب حقوق ملی و آزاد بهای دموکراتیک در کشور دست به پیکار زنند. حزب دموکرات آذربایجان بر این پایه پدید شد تا در چارچوب مراعات استقلال و تمامیت ارضی ایران برای مقاصد خویش مبارزه کند.

دولت ملی و دموکراتیک آذربایجان در نتیجه پیروزی قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴ پدید شد و بطور عمده راه غیر سرمایه داری را در پیش گرفت. جنبش ۲۱ آذر و نیز جنبش دموکراتیک کردستان نقطه اوج مبارزه رهایی بخش ملی خلقهای ایران بود و در بسط آتی این جنبش رهایی بخش تا شیروان گداشت.

پس از پایان سخنرانی رفیق حسین البرزی نهضت سخن به رفیق علی کلاویز (دکتر در اقتصاد) رسید. رفیق کلاویز تحت عنوان "انقلاب اکثر و جنبش رهایی خلق کرد" سخن راند. وی گفت:

"انقلاب اکثر حاکمیت سرمایه داران و مالکان را در روسیه برانداخت و حاکمیت شوروی را مستقر ساخت که تکیه گاه جنبشهای رهایی بخش ملی در سراسر جهان و از انجمله خلق کردستان قرار گرفت. دولت شوروی از همان نخستین ماههای وجود خود توجه خلق کرد را با فعالیت سیاسی خویش جلب کرد. پس از نخستین جنگ جهانی مضامین سرمایه داری در ایران آغاز بسط و گسترش نهاد و این امر تشکل طبقه کارگر را در کردستان ایران تاحدی تسریع نمود و این طبقه کام درجده مبارزه انقلابی گداشت. در نتیجه تشکیل حزب کمونیست ایران و تهدیل طبقه کارگر کشور به نیروی مستقل در صحنه

مبارزه سیاسی انتشار اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی در کردستان ایران نیز تسریع شد و جنبش رهایی بخشی ملی خلق کرد بدینسان مضمون نوی یافت . یکی دیگر از تاثيرات اکتبر در جنبش رهاشی بخش کرد آنست که در نتیجه سقوط حکومت مستبد رضاشاه حیات سیاسی ایران تاحدی دموکراتیزه شد و رود ارتش رهاشی بخش شهری و عوامل سیاسی دیگر شرایط نهنی در کشور پدید آورد . این شرایط بخلق کرد امکان داد باردیگر مطالبات حقه خود را که از جهت شکل و مضمون مطالبات گذشته فرقی داشت ، مطرح سازد . این یک دوران کاملاً تازه ای در جنبش رهاشی بخش خلق کرد است که در نتیجه پیروزی اتحاد شهری بر آلمان فاشیستی و ژاپن امپریالیستی پدید گردید . این جنبش از سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۶ ادامه و وسعتی شکرف یافت . اکنون نیز اقتدار اردوگاه سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی موثق ترین ، نیرومندترین و طبیعی ترین تکیه گاه نهضتهای نجات بخش ملی و از انجمله جنبش مردم کرد علیه ارتجاع ایران و امپریالیسم جهانی است .

پس از سخنرانی رفیق علی گلایه رفیق ماشا اله بیچزاده (دکتر در اقتصاد) رشته سخن را در دست گرفت . وی تحت عنوان " همکاری اقتصادی و فنی ایران و شوروی " سخن گفت . رفیق بیچزاده گفت :

" پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر شرایط ایجاد خصلت برابر حقوقی و مدت آمیز مناسبات اقتصادی و فنی ایران و شوروی را بوجود آورد . بسط این مناسبات از همان نخستین سالهای ۲۰ قرن کنونی شروع شد . قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی که بنا به ابتکار روسیه شوروی منعقد گردید مرحله ای تازه در تاریخ اقتصادی و سیاسی ایران پایه نهاد . قرارداد ۱۹۲۱ همکاری برابر حقوق اقتصادی و کشور ایران و شوروی است و طبق آن کلیه امتیازات اقتصادی و سیاسی روسیه تزاری در ایران ملغی گردید و تمام سرمایه ها و امتیازات تزاری بلا عوض و مجاناً بایران واگذار شد . موافق قرارداد ۱۹۲۱ قرارداد ادروس و انگلیس منعقد در سال ۱۹۰۷ لغو شد . چنانکه میدانیم این قرارداد ایران را بدو منطقه نفوذ انگلستان و روسیه تقسیم میکرد . بدین ترتیب شرایط تکامل مستقلانه کشور ما فراهم آمد .

همکاری اقتصادی و فنی ایران و شوروی در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ به گسترش بازرگانی بیندو کشور منجر گردید و در تکامل کشاورزی و صنعت موثر بود . در این دوران شرکتهای مختلفه مختلط بازرگانی و کشاورزی و صنعتی ایران و شوروی تشکیل شد و این شرکتهای باحیا و بسط بازرگانی ما بیندو کشور و تکامل کشاورزی ایران که از نخستین جنگ جهانی آسیب دیده بود ، کمک کرد .

قرارداد بازرگانی ایران و شوروی منعقد در سال ۱۹۲۷ بعد قابل توجهی اقتصاد کشور ما را از عواقب مضر بحران اقتصادی جهان سرمایه داری ( ۱۹۲۹ - ۱۹۳۳ ) محفوظ داشت و بعد معنی به توازن بازرگانی خارجی ایران کمک رساند .

مناسبات بازرگانی ایران و شوروی در سالهای جنگ دوم جهانی ادامه یافت و علیرغم دشواریهای دوران جنگ ، اتحاد شوروی کمکهای خود را بکشور ما موقوف ساخت .

در سالهای اخیر همکاری اقتصادی و فنی بین ایران و شوروی بسط یافته است و این امر در تکامل اقتصاد کشور نقش بزرگی را ایفا میکند و در ایجاد صنایع سنگین در ایران تاثير مساعد عمیقی خواهد داشت . در نخستین سالهای ۶۰ یک سلسله موافقت نامه ها و قراردادها بیندو کشور منعقد شده است که به بسط جدی مناسبات بازرگانی بیندو کشور منجر خواهد گردید .

ساختن ایستگاه برق آبی بررود ارس و بسط شلالت ایران در سواحل جنوبی خزر و ایجاد کارخانگان گدازی در اصفهان و ماشین سازی در اراک و استخراج معدن در تهران و ساختن لوله گاز و چندین سیلو در نواحی کشاورزی همه و همه بکمک اتحاد شوروی انجام میگردد و انگیزه نیرومند اعتلا اقتصاد و صنعتی شدن کشور ما خواهد بود .

پس از پایان سخنرانی رفیق بیچزاده رفیق سهراب طاهر یکی از شعرای ادبای چنانی زبان



تحت عنوان "انقلاب اکثر و ادبیات آذربایجان" سخن گفت . وی گفت :

"تحت تا" شیرانقلاب اکثر در ادبیات آذربایجان تحولات اساسی رخ داد و جنبهٔ خفیت این ادبیات که از سابق نیز وجود داشت، تشدید شد . در دوران قیام خیابانی ادبیات آذربایجان سیر تکاملی معینی را گذرانده است . چهرهٔ لنین و وصف اکثر یکی از مواضع مهم ادبیات آذربایجانی در این دوران است . تا" شیر اکثر بویژه در اثر شاعر بزرگ آذربایجانی میرزا علی محمد جز ششمی مشهور است . در دوران جنگ دوم جهانی و جنبش دموکراتیک آذربایجان، ادبیات دموکراتیک و رئالیستی در این سالها تکاملی بهمیناقه می یابد . ادبیات و فرهنگ پیشرو شوروی در این دوران در ادبیات آذربایجان تا" شیر مثبتی دارد . ادبیات آذربایجان شوروی بویژه نقش مهمی در این تکامل ایفا میکند . در این دوران شعرا و نویسندگانمانند میرمهدی اعتماد ، علی فطرت ، شهریار ، ابراهیم ذاکر ، عاشق حسین جوان ، بالاش آذرباغلی ، علی توده ، حفزه خشکناهی ، بگلر حائلی و دیگران ظهور میکنند .

پس از سرکوب جنبش دموکراتیک آذربایجان در ادبیات این سالها سه جریان دیده میشود :

۱) جریان دموکراتیک و رئالیستی (در میهن و در مهاجرت) ،

۲) جریان دولتمخواهانه ،

۳) جریان پان ایرانیستی آشکار .

انقلاب اکثر در ادبیات آذربایجان هم از جهت مضمون و هم از جهت شکل تا" شیر مثبت مترقی داشت و رئالیسم سوسیالیستی به برکت ادبیات شوروی در این ادبیات جای ویژه ای دارد .

علاوه بر سخنرانان اصلی عدای سخنیار در بارهٔ مسائل مطروحه در سمینار علمی اظهار نظر کردند از جمله رفا :

جلال زاهدی دربارهٔ آنتی کونیم و نظریات جامعه شناسی بهرژواژی در ایران ؛

فاطمی باشنگی دربارهٔ اشاعهٔ افکار مارکسیستی و مکتب ماتریالیسم دیالکتیک در میان روشنفکران ایران ؛

میرآقازری دربارهٔ نقش حزب عدالت در زندگی سیاسی ایران ؛

اسد یعقوبیان دربارهٔ گروههای مختلف بهرژواژی ملی در ایران و شیوهٔ صحیح برخورد با آنها به پیروی از دروسهای انقلاب اکثر ؛

عبداله قاضی دربارهٔ روشهای مختلفی که بهرژواژی ایران در برابر انقلاب اکثر اتخاذ کرده است ؛

خلیل میرزاجان زاده دربارهٔ خاطرات خود او در مورد فعالیت حزب عدالت ؛

علی شمیده دربارهٔ اصل انترناسیونالیسم پرولتری و احترام عمیق زحمتکشان ایران نسبت به لنین ؛

بانوستارهٔ دانشیان دربارهٔ تا" شیر اکثر در جنبش زنان ایران ؛

جعفر اخگری در مورد خاطرات خود از نهضت خیابانی ؛

صادق پادگان دربارهٔ نارسائیهای جنبش خیابانی بحالت عدم شرکت دهقانان در آن و اهمیت

درس اکثر راجع به نقش دهقانان ؛

ابوالفضل هاشمی دربارهٔ جنبش دموکراتیک آذربایجان و نقاط قوی و وضعیفان ؛

لطفعلی اردبیلیان دربارهٔ نقش فدائیان در این جنبش ؛

سخن گفتند .

## جریان سمینار علمی دوم

سمینار دوم را رفیق بقراطی عضو کمیته مرکزی سازمان کوهپایه‌ها آغاز کرد و پیام بهروری کمیته مرکزی را قرائت نمود. در این سمینار هشت تن سخنران اصلی و به همین تعداد سخنرانان در اطراف مسائل مربوط به انقلاب اکبر ایران سخن گفتند. در این سمینار جمعی از ایران شناسان بنام شرکت جستند و برخی از آنان سخنرانیهایی ایراد کردند. سمینار در محیط فعالیت نظری و سیاسی رضایت بخشی جهان یافت.

پس از سخنان رفیق بقراطی نوبت سخن برای نطق افتتاحی به رفیق احسان طبری داده شد. رفیق طبری در سخنرانی خود گفت: «ما امروز سمینار علمی انقلاب اکبر ایران را به پیشواز پنجاهمین سال مهمترین حادثه تاریخ انسانی - انقلاب کبیر پرولتاریا سوسیالیستی اکبر آغاز می‌کنیم».

برپا داشتن مراسم این سالگذشت بزرگ تشا و وظیفه مردم شوروی که افریننده این رویداد شگرف بوده اند نیست. بلکه وظیفه سراسر بشریت است. زیرا انقلاب اکبر فصلی است از تاریخ جهان، فصلی است از تاریخ هر کشور جداگانه، سرآغاز یک انسانیت نوین است.

در باره انقلاب اکبر و عظمت نقش تاریخی آن کوهی کتاب و مقاله نوشته شده و میشود. طبیعی است که در گفتار کوتاه خویش قادر نخواهم بود حتی گوشه ای از این مطلب پهناور، ژرف و شورانگیز را احاطه کنم. کافی است که بگویم این انقلاب هم اکنون تا ثمرات رهگشا و درانسازی در تاریخ بشر کرده، هنوز در آینده مظاهر و نتایج شگرفتری از آن بروز خواهد کرد.

آن مظاهر عظیمی که تاکنون از این انقلاب ناشی شده است عبارتست از پیدایش نخستین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی جهان - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - و سپس در نتیجه جنگ دوم جهانی و پیروزی ارتش شوروی بر دد فاشیسم، پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی. بسط جنبش انقلابی کارگری در پنج قاره جهان، استحکام روزافزون احزاب طراز نوین کارگری، بسط نیرومند جنبش صلح، دموکراسی و ترقی، فرو ریختن بنای شوم استعمار و رشد نیرومند جنبش رهایی بخش ملی، بالارفتن سطح دراکه و نقاد اجتماعی در سراسر جهان، دامنه داشتن تکرر علمی و راسیونالیستی در قبایل شیوه های تفکر غیر علمی و خرافاتی و غیره و غیره - چنین است تراژمانه عالی این انقلاب.

خود این پدیده ها که در جای خود عظیم است، بنیادهای خویش منشا تحولات تازه بتازمای در جهان شده و خواهد شد.

با انقلاب اکبر بشر شروع کرد بدوران جبراجتماعی خاتمه دادن حکم معروفی است: اختیار جبر شناخته شده است. انسان با کشف و دریافت قوانین مکانیک، فیزیک، شیمی، بیولوژی و روانشناسی شرایط غلبه بر جبر طبیعی را فراهم ساخته و میکند. انسان با کشف و دریافت قوانین جامعه و تاریخ شرایط غلبه بر جبراجتماعی را فراهم میسازد. نقش شگرف مارکسیسم - لنینیسم در کشف و دریافت قوانین حرکت و تحول تاریخ و ایجاد آگاهانه محملهای نظری و عملی غلبه بر جبراجتماعی است. با انقلاب اکبر بشر دست به تغییر نظام اجتماعی و آفرینش آگاهانه جامعه نو بنهاد زد که باید الهای دیرینه بشری و آرزوهای امروزی او توافق دارد. این امر از جمله یک پیروزی عظیم دانشهای فلسفی و اجتماعی انقلابی، یک واقعه بی مانند در

سراسر سرگذشت پرهیجان بشری بود. این آزمایشی بود در مقیاس تاریخ و انسانیت. آرزوی مارکس کسه میگفت فلسفه تاکنون جهان را توصیف میکردند و اینک باید دست بکار تغییر آن زنند، عملی شد. معلوم شد که مارکسیسم - لنینیم نقطه اتکا\* اهرم نیرومند انقلاب خلق را بد رستی در یافته و توانسته است با آن جهان را بر حلقه بالاتر اوج دهد. معلوم شد که مارکس حق داشت که میگفت اندیشه پارخنه در توده ها به نیرو و مبدل میشود. معلوم شد که سخن سوسیالیستهای آرزو پرست که جهانی بی طبقات آرزو میکردند، تنها پند آری زمین نبود. است. پنجاه سال پر حاد نه\* گذشته نشان داد که خواستههای انقلابی در خطوط عده بهروز شده است و راهی. که مارکسیسم - لنینیم برای خروج از بن بست جامعه های صفتی بر حرمان و امتیاز فرماندهی و فرمانبری نشان داده است. حق بوده است و باید این راه را با فیض گرفتن از تجاربه باغنی کردن احکام و شیوه ها، با امید و استواری دنبال کرد. مبارزه در این راه عالیترین محتوی زندگی انسانی است. زندگی و مرگ در این راه زندگی و مرگی است شریف، زیرا در سمت تکامل و اعتلاء\* تاریخی است.\*

سهی رفیق طبری در سخنرانی افتتاحی پس از نشان دادن تأثیر انقلاب اکبر در شعبون مختلف حیات جامعه ما و ذکر یک سلسله واقعات تاریخی گفت:

" یکی از گرانبها ترین گنجینه هائی که انقلاب اکبر در اختیار جنبشهای انقلابی و ملی گذاشته، گنجینه تجارب انقلابی یعنی شیوه دگرگون ساختن جامعه سرمایه داری و نظامات فئودال - پاتریارکال به جامعه سوسیالیستی و تجارب ساختمان جامعه نوین است. مردم شوروی با تحمل تمام فراز و نشیب این تجربه عظیم، حتی شکر فیکر کردن سراسر بشریت دارند. بشریت نسبت با نهای حق شناس و سپاسگزار است. لنینیم - پرچم اید هئی انقلاب اکبر، چراغ راهنمای بشریت مترقی در تلاش برای ساختن انسانیت نوین است. لنینیم بسط خلاق مارکسیسم است. به مومن جهت برخلاف برخی دعاوی اید تولوج - های سرمایه داری بین مارکسیسم و لنینیم پیوند سرشتی است. مارکسیسم - لنینیم آموزشی است ضد دکامتیک، نفاد، خلاق، انقلابی. این آموزش همچنانکه لنین گفت قدر قدر است، زیرا در سمت است. این آموزش دم نیست. رهنمای عمل است. این آموزش آئین نیست و از اصول جامد منشا نمیگیرد، بلکه از واقعات، از زمینه جوشان و حاصلخیز زندگی بر میخیزد. این آموزش در عصر ماکه انقلاب علمی و فنی بر توانی در جهان است و تجارب ساختمان سوسیالیسم و جنبشهای رهائی بخش روز افزون است، گنجینه مقولات احکام، اسد لالات خود را دم مئی تر و دقیقتر میسازد.

ما کونیستهای ایرانی در مبارزه خود علیه انحرافهای چپ و راست که در حزب ما و در نهضت رهائی بخش ملی پدید میشود، از گنجینه مارکسیسم - لنینیم و شیوه تحلیل مارکسیستی - لنینیستی الهام و مدد میگیریم. مثلاً در مبارزه با مافوقیستهای ایرانی - این پیروان ایرانی خط مشی مافوقیست دین - با موقیت از اندیشه های لنین در مورد چونکی انقلاب اجتماعی و راه مصلح ما بین عامل عینی و ذهنی در این انقلاب استفاده میکنیم. مافوقیست ها به پیروی از گفته های مافوقیست دین که تفنگ راهشها ابزار تغییر جهان میداند، راه قهرآمیز راسر نظر از شرایط زمانی و مکانی، مطلق میکنند و جنگ چریکی را بعنوان تنها شکل راه قهرآمیز و وظیفه مبرم و بلاواسطه همه احزاب کونیستی در همه کشورها می شمارند و بدینسان میکوشند تا کونیستهای ایرانی را در شرایط نامساعد اجتماعی بجهاد هیک خط مشی بی سرانجام و ماجراجویانه بکشانند. حزب توده ایران در مقابل تئوری ولوتاریستی و بلانکیستی انقلاب تئوری سرا با علمی انقلاب لنین را قرار میدهد و محاسبه شرایط عینی و ذهنی، محاسبه وضع انقلابی و حد آمادگی و شکل انقلابی را ضروری می شمارد. ما همچنین در پرتو آموزش لنین علیه آن نظریات اپورتونیستی و ریزینونیستی راست که کرنش در برابر خود بخودی، نفی تئوری و سازمان انقلابی، دنباله روی، تاکنیک پیرو و رفورمیسم را موعظه میکنند، بسود دفاع از ضرورت حزب انقلابی طراز نوین بولتاریا و نبرد بیکوتیوریک، سیاسی و اقتصادی وی برای اجسرای انقلاب مبارزه میکنیم. سوسیال دموکراسی راست در دوران ما میکوشد با سوء استفاده از پدیده کیش شخصیت که در شرایط معینی در برخی کشورهای سوسیالیستی پدید شد، خود ضرورت عمل آگاهانه و متشکل انقلابی

رائفی کند و بدینسان لئینیمس را تحت علامت سؤال قرار دهد. مادر اسخ میگویم : پدیده های منفی که در مسیر تکامل سوسیالیسم بروز کرد ، به هیچوجه ناشی از ماهیت سوسیالیسم یا شعرة استراتژی و تاکتیک لئینسی انقلاب و ساختن جامعه نوین نیست و نمیتواند باشد ، بلکه دارای علل تاریخی واجتماعی بکلی دیگر است. لئینیمس در شرایط ماخواه از جهت ارزبایی امپریالیسم و سرمایه داری معاصر ، خواه از جهت نشان دادن راه انقلاب ، خواه از جهت نشان دادن راه ساختمان جامعه سوسیالیستی صحت و اهمیت خود را حفظ کرده است. هم در قبال اوانتورپسم و ثنوبلانتکسیم مائوشیستی و هم در قبال رفورمیسیم سوسیالدموکراسی بهترین پاسخ به نیازمندیهای نظری و عملی انقلاب است.

مادر مبارزه انقلابی برای تحول جامعه ایرانی و ساختن زندگی نو در این کشور باید براهی برویم که پیشوای انقلاب اکثر - لئین نشان داده است. این راهی است مطمئن و آزموده. <sup>شیت</sup> سپس رفیق طبری وظایف سمینار حاضر را تشریح کرد و رفا با هر خود مستقل خود مسائل مطروحه را بمیان می آورد تا ضمن یک بحث خلاق و همه جانبه ماهیت مسائل مطروحه روشن تر گردد و سرانجام نوبت صحبت را به نخستین سخنران سمینار رفیق احد علیرضدی (دکتر در اقتصاد) داد.

رفیق رضدی سخنرانی خود را تحت عنوان "توسعه و تحکیم مناسبات ایران و اتحاد شوروی ضامن استقلال اقتصادی و سیاسی ایرانست" آغاز کرد. وی گفت : "انقلاب اکثر اصول و موازین نوی راد مناسبات بین المللی پایه گذاری کرد. اجرای این اصول از طرف دولت اتحاد شوروی نه فقط مناسبات ایران را با کشور بزرگ همسایه شمالی اش برپایه های نوی که از ریشه با مناسبات گذشته متفاوت بود مستقر ساخته بلکه در مناسبات کشورهای امپریالیستی با ایران ، در اجرای سیاست های استعماری آنان نیز تا شیب همزمان بود.

دولت نو بنیاد شوروی با اعلام طرد سیاست استعماری روسیه تزاری ، لغو قرارداد های جا برانه و امتیازات آن دولت در ایران حسن نیت کامل خود را در استقرار و توسعه مناسبات با ایران نشان داد و این مناسبات را برپایه های متین و مستحکم استوار ساخت. دولت شوروی با پیگیری تمام این روش را تا به امروز تعقیب نموده است.

علیرغم مزایای سیاسی و اقتصادی که مناسبات ایران و شوروی برای مردم ایران در برداشته علیرغم خواست مردم توده های ایران در توسعه و تحکیم این مناسبات هم چنین علیرغم تلاشهای پیگیر و دائمی دولت شوروی در این راه ، نه تنها مناسبات بین دو کشور تا چند سال اخیر از حدود مناسبات بازرگانی پافراتر ننهاده ، بلکه جریان پیشرفت همین مناسبات نیز دارای فراز و نشیب هایی بوده و در دوره های معین با ایجاد وقفه ها و رکود هایی سیر عادی این مناسبات دستخوش اختلال گردیده است. پیشرفت عادی مناسبات بازرگانی بین دو کشور بادوره های متناوب رکود قطع میشود. ایجاد دوره های رکود در نتیجه تاخیر سیاست های دول معین امپریالیستی است. در این دوره ها سیاست ضد ملی دولت ایران و وابستگی آن به امپریالیسم پیش از پیش آشکار میگردد. مشخصه هر دوران رکود وخیم تر شدن وضع اقتصادی و سیاسی کشور است که برای جلوگیری از آن دلتنها ی وقت در ایران به اقدامات اصلاحی ، از جمله بهبود روابط با اتحاد شوروی دست میزنند و همه آنها قانوننمندی و ضرورت توسعه و تحکیم مناسبات ایران و شوروی را در امر پیشرفت اقتصادی ایران نشان میدهند.

از اوایل سالهای ۶۰ و بطور مشخص از سال ۱۹۶۲ مناسبات دو کشور بهبود می یابد و وارد مرحله نوین پیشرفت خود میشود. شاخص مناسبات ایران و شوروی در مرحله کنونی عبارت از آنست که این مناسبات از چارچوب روابط بازرگانی خارج شده رشته های وسیعی از اقتصاد ، بازرگانی ، ساختمان ، مناسبات فرهنگی و غیره را در بر میگیرد.

در حال حاضر مردم ایران شاهد دو برخورد متضاد به امر پیشرفت و ترقی میهن خود میباشند :

برخلاف مناسبات اقتصادی و فنی کشورهای پیشرفته سرمایه داری که هدفش نفوذ هرچه بیشتر انحصارات امپریالیستی در ایران، غارت ثروت‌های ملی و دسترنج مردم ایران، جلوگیری از رشد مستقل اقتصادی کشور و تبدیل ایران بزمکه اقتصادی امپریالیستی است. همکاریهای فنی و اقتصادی اتحاد شوروی با ایران و کلیه کشورهای کم‌رشد ضامن تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی آنهاست.

پیشرفت و توسعه دامنه همکاریهای اقتصادی و فنی ایران با اتحاد شوروی مواضع امپریالیسم را در ایران سست میکند و از این طریق نیز به تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی ایران کمک مینماید.

میزان تحقق امکاناتی که مسئله بهبود روابط ایران با اتحاد شوروی در کمک به استقلال میهن ما در بردارد با موقعیت امپریالیسم در کشور، با مناسبات دولت ایران با امپریالیسم و با میزان وابستگی آن به امپریالیسم بستگی دارد. رژیم کنونی ایران که رشته‌های کلیدی اقتصاد کشور را در اختیار امپریالیسم گذاشته، رموز سرمایه امپریالیستی را در کلیه شئون اقتصادی میهن ما تثبیت نموده است، با اقتضای خصلت خود و بعلت تصداتی که در برابر امپریالیستها دارد قادر نیست از مزایای بالقوه مناسبات ایران و شوروی بطور کامل برخوردار شود و از آن بشا به وسیله ای بخاطر آزادی کامل و قطعی از یوغ اسارت با امپریالیستی و تا سیر انحصارات خارجی استفاده نکند.

انجام این وظیفه تنها با پیروزی جنبش نجات بخش ملی در ایران و استقرار رژیم ملی و دموکراتیک در کشور مقدور است.

پس از پایان سخنرانی رفیق رصدی نهم گزارش دوم به رفیق ج. جوانشیر (دکتر در تاریخ) رسید. رفیق جوانشیر سخنرانی خود را تحت عنوان "پنجاه سال همزیستی مسالمت آمیز" انجام داد. وی در سخنرانی خود گفت:

"مردم ایران که انقلاب کبیر اکثر در همسایگی دیوار بد یواران پیروز شده از اولین مللی است که با مسالمت لنینی همزیستی مسالمت آمیز از نزدیک و در عمل آشنا شده است. مردم ایران میتوانند با اتکا به تجربه شخصی خود در باره صحت این سیاست قضاوت کنند.

همزیستی مسالمت آمیز با انقلاب اکثر زاده شده است. یادداشت‌هایی که دولت شوروی در زمان حیات لنین با ایران داد و استنادی که پیروان مناسبات در کشور منتشر نمودند حاوی همان تعریفی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز است که در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی مصوبه کنکرة ۲۲ آن داده شده است.

قطر در يك مبارزه شدید با امپریالیسم و ارتجاع است که همزیستی جای خود را در روابط بین المللی باز میکند. مناسبات ایران و شوروی از زمان پیروزی اکثر تا انعقاد قرارداد ۱۹۲۱ بین دو کشور نمونه درخشانی از مبارزه و پیروزی همزیستی مسالمت آمیز را بدست میدهد.

ایران در جنگ جهانی اول بیطرف بود. اما بیطرفی ایران در دوران سلطه مطلق امپریالیسم محترم شمرده نمیشد. با پیروزی انقلاب اکثر زمینه و امکان عینی اجرای سیاست بیطرفی از جانب ایران فراهم شد. قرارداد ۱۹۲۱ از یک نظر قرارداد بیطرفی ایران بود و باین بیطرفی رسمیت حقوقی میداد.

اما از قریب انقلاب اکثر طبقات حاکم ایران تمایل تسکین ناپذیری برای نقض بیطرفی ایران و پیوستن به امپریالیسم در مبارزه با اتحاد شوروی احساس میکنند. این تمایل که اولین بار در قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس تجسم یافت بالاخره به همکاری در بار پهلوی با امپریالیسم آلمان در جنگ دوم جهانی انجامید.

بیطرفی در جنگ اگرچه پیوستن ایران بود، اما بهمه خواستههای نیروهای ملی آن جواب نمیداد. نیروهای ملی ایران خواستار اجرای چنان سیاستی بودند که در زمان صلح نیز ایران را از فشار امپریالیسم در امان دارد. این سیاست "موازنه منفی" نام گرفت. محتوی مشخصی که در این عبارت - که چند انرسانیت - گنجانیده میشود این بود که ایران به هیچ دولت خارجی امتیازی و منافعی در خاک خود قائل

نشود و بر اساس حقوق برابر با همه کشورهای ما مساوات خود را توسعه دهد.

"موازنه منفی" قبل از انقلاب اکثر غیر قابل اجرا بود. همزیستی مساوات آمیز که شوروی اعلام و اجرا کرد با این سیاست روح تازه ای داد و استعداد حیات بخشید. از این پس "موازنه منفی" جنبه ضد انگلیسی شد بدتری پیدا کرد. هنگامیکه دولت شوروی همه امتیازات تزاری را در ایران د اوطلبانه لغو کرد بنابراین اصل "موازنه منفی" میبایست امتیازات انگلیس نیز لغو شود. نظرها بسوی بزرگترین امتیاز انگلیس در ایران در نفت جنوب متوجه گردید. نطفه آن فکری که در سالهای ۱۹۵۰ در شمار ملی شدن نفت فرو موله گردید با انقلاب اکثر بسته شد.

در سالهای پس از جنگ دوم جهانی برخی از عناصر و سازمانهای ملی ایران کوشیدند که "موازنه منفی" را به غلط تعبیر کرده و رتک ضد تزاری آنرا که قبل از آنکه در اتحاد شوروی مبوط کنند و حتی امپریالیسم امریکارا "نیروی سومی" حامی ایران معرفی نط پند. این تعمیرات جغایی ضررهای فراوانی بنهضت ملی ایران زد و اینک بطور عده و روشکست شده است. "موازنه منفی" در نظر هواداران اصیل آن سیاستی است که بطور روز افزونی بمسایست مستقل ملی، مسایست عدم تعهد و همزیستی مساوات آمیز نزدیک شده است. ایران یکی از کانونهای پیدایش و تکوین مسایست عدم تعهد است.

در زمان مانقطه مقابل سیاست "موازنه منفی" و یعدم تعهد سیاستی است که شاه آنرا عوامل فیهانه "ناسیونالیسم مثبت" نامیده است. این مسایست بنا به تصریح بنیاد گذاران آن علیه همزیستی مساوات آمیز ایران و شوروی (و بطور کلی کشورهای سوسیالیستی) و علیه بیطرفی ایران متوجه است. این سیاست با بدترین زهر ضد کمونیسم آغشته بوده و روید در پیمانهای امپریالیستی و واگذاری منابع ثروت ملی ایران را به امپریالیستها موعظه میکند. "ناسیونالیسم مثبت" خواستار ایجاد یک "کنسرسیوم" سیاسی و اقتصادیک بزرگ بین نیروهای امپریالیستی برای حمایت از رژیم موجود میباشد.

اجرای مسایست "ناسیونالیسم مثبت" به اعتراف شاه از روزیکه وی بسلطنت رسیده آغاز شده و ایران از اولین کانونهای جنگ سرد است. با اینحال ارتقا این مسایست تا حد مسایست دولتی ایران فقط پس از کودتای ۲۸ مرداد (۱۹۵۳) مقدور شده و کودتای ۲۸ مرداد در عین حال کودتایی علیه دوستی ایران و شوروی بود.

"ناسیونالیسم مثبت" با منافع مردم ایران و با منافع صلح بین المللی در تقاض است. اجرای آن با مقاومت شدیدی و وسیعترین قشرهای مردم ایران و دولتهای صلح دوست جهان مواجه شده و مبارزه سیاسی شدیدی را برانگیخته است. در سالهای پس از کودتای ایران هیچ حادثه مهم سیاسی - از آمدن رفت کابینه ها و ترورهای سیاسی گرفته تا "انقلاب سفید" شاه - نمیتوان یافت که بنوعی با این مبارزه مبوط نباشد.

اجرای پیگیر سیاست همزیستی مساوات آمیز - که پس از کنگره بیستم نیرو و توان جدیدی یافته - از جانب شوروی و موقعیتهای این سیاست در صحنه بین المللی موقعیت هواداران آنرا در ایران بسیار تحکیم کرده و پیروزیهای قابل ملاحظه ای برای آنها تأمین نمود. اینک میتوان اید "ناسیونالیسم مثبت" را روشکست شده دانست. حتی خود شاه ظاهرا از آن روی بر میگردد. با اینحال نباید فراموش کرد که ایران همچنان عضو پیمانهای نظامی امپریالیستی است و اهرمهای مهمی در سیاست و اقتصاد ایران در دست امپریالیستهاست.

برخی تغییرات که در روش سیاسی ایران داده شده با تأخیر متناهی در حکومت توأم نبوده و این امر خطر بازگشت را در خود نهفته دارد.

همزیستی مساوات آمیز آلترناتیوی جز جنگ ندارد. بعبارت دیگر از نظر منافع ملت ایران آلترناتیوی ندارد. این تنها سیاستی است که نیروهای ملی ایران میتوانند و باید از اجرای هر چه پیگیرتر آن حمایت کنند. حزب توده ایران در تمام دوران موجودیت خود از بیطرفی ایران و از دوستی پایدار ایران و شوروی

دفاع کرده و خواهد کرد.

مخالفین "چپ" همزیستی مسالمت آمیز در ایران نظریاتی را تبلیغ میکنند که ریشه ایرانی نداشته و با تجربه ملت ایران و منافع جنبش ملی ایران در تناقض است. در تاریخ پنجاه ساله اخیر ایران چنان رجل مہین پرست و چنان جبران سیاسی سالی رانمیستوان یافت که هوادار دوستی ایران و شوروی نباشد. کسانی که در جامه ملی در این دوستی اخلال کرده اند سرانجام از روی دشمنان مردم سرد راوردہ اند. پس از پایان سخنرانی رفیق جوانشیر نسبت صحبت برای ادای گزارش سوم به رفیق مہسدی کپهان (دکتر در اقتصاد) رسید. وی تحت عنوان "تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در رهائی ایران از قیود اقتصادی واجتماعی" سخن گفت. رفیق کپهان در سخنرانی خویش گفت:

"پہرزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نہ فقط حاکمیت دولتی را بہ ایران برگردانید بلکه امکانات وسیعی برای تحکیم استقلال ملی و سیاسی آن فراهم آورد. پہرزی انقلاب اکتبر همچنین در رهائی ایران از قیود اقتصادی واجتماعی اهمیت بزرگی داراست.

انقلاب اکتبر برای رهائی ایران از قیود اقتصادی دارای اهمیت انکارناپذیر است:

تہدیل ایران ابتدا بہ کشوری نیمہ مستعمرہ و سپس در ہدہ دوم قرن بیستم تقریباً مستعمرہ امپریالیسم قبل از ہر چیز منعکس کنندہ رشد اقتصادی این کشور در دوران سلطہ کامل سرمایہ داری جہانی وامپریالیسم می باشد.

حتی از نیمہ دوم قرن نوزد ہم اقتصاد ایران بصورت اقتصادی نیمہ مستعمرہ در می آید - این کشور بزرگہ مواد خام کشاورزی و بازار امپریالیستی بدل می کرد و نقاط گہی اقتصاد آن در دست انحصارات و دلی امپریالیستی و در نہنہ اول دولتین انگلستان و روسیہ تزاری متمرکز می شود.

در ابتدا ای قرن بیستم امپریالیسم سلطہ خود را بر ہمدہ جوانب اقتصاد ایران برقرار نمود و اہرمہای عمدہ ای نظیر کمکاتہ بازرگانی خارجی، وسائل مخابرات و ارتباط، مالہیہ، بانکہا و تاندازہ ای صنایع محلی و تجارت داخلی را در دست خود گرفتہ بود. بعلاوہ امپریالیسم ایران را بہ اسارت قرضہ ہا و وامہائی در آوردہ بود کہ ہر یک وسیلہ فشار سیاسی و غارت اقتصادی بود. امتیازات و حقوق برون مرزی کہ سرمایہ داران، شرکتہا و انحصارات خارجی اخذ نمودہ بودند آزادی عمل کامل آنہا را در غارت ثروت ایران و استثمار نمودہ ہای زحمتکش فراهم می ساخت.

سرمایہ داری جہانی وامپریالیسم قبل از آنکہ سلطہ سیاسی و نظامی کامل خود را در دوران قبل از جنگ جہانی اول در ایران برقرار سازند این کشور را تماماً بہ اسارت اقتصادی در آوردہ بودند.

پہرزی انقلاب اکتبر حق حاکمیت دولتی ایران را احیا نمود و آغاز رہائی از اسارت اقتصادی این کشور را بنیان گذاشت.

انقلاب اکتبر ملت ایران را از فشار مجموعہ امتیازات اقتصادی تزاریسم کہ بہ تسلط سیاسی و نظامی بر ایران اتکا داشت رہائی بخشید. اولین اقدامات دولتی جوان شوروی در محو امتیازات گمرکی، بانکی، راہہا، وسائل مخابرات و غیرہ در ایران، همچنین لغو کلیہ قروض و واگذاری بلاعوض تمام داراییہای دولت تزاری در ایران بہ مردم ایران، در احیا استقلال اقتصادی ایران نقش قاطعی ایفا کرد.

سیاست اقتصادی اولین دولت سوسیالیستی جہان ضربات شگندہ ای بہ سیستم سلطہ اقتصاد امپریالیسم وارد نمود، مواضع اقتصادی امپریالیسم را در ایران عمیقاً ضعیف ساخت و بدین وسیلہ زمینہ وسیعی برای رشد اقتصادی ایران فراهم آورد.

پہرزی انقلاب اکتبر برای رہائی کامل ایران از قیود اقتصادی امپریالیسم، استثمار و استعمار نوین امکانات مساعدی فراهم آورد. ہیئت حاکمہ ایران در چشم پوشی و عدم استفادہ از این امکانات مسئولیت تاریخی مہمی بعهدہ دارد.

نیروهای مترقی ایران توسعه روابط اقتصادی و ملی ایران و شهری و دیگر دول سوسیالیستی اروپای شرقی را تبریک میگویند. تنها پیروزی یک روش واقعا مستقل و ملی در ایران است که کامل از امکانات وسیعی را ممکن میسازد که بهبود همه جانبه روابط ایران و کشورهای سوسیالیستی را برای تسریع در رشد اقتصادی ایران داراست.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر برای رهائی ایران از قید اجتماعی تا میروی شایان داشت : جریان عمومی رشد سرمایه داری جهانی و امپریالیسم از رشد سرمایه تجاری و ارتقا آن به سطح سرمایه صنعتی در ایران جلوگیری نمود. سرمایه تجاری که هنوز ثانیه دوم قرن نوزدهم در دست تجار ایرانی جمع شده بود چون با هجوم کالا و سرمایه خارجی به اقتصاد ایران مواجه گردید اجبارا بسوی خرید اراضی و شرکت در تولید مواد خام کشاورزی باب بازار امپریالیستی روی آورد. بدین ترتیب تجار عده در ردیف ملاکین قرار گرفته و به تشدید استثمار دهقانان پرداختند. از اینجاست که انقلاب اجتماعی پدید آمد. قشر ملاکین کمزور در دانشگاه جامعه ایران شده. این جریان تبدیل ایران بزائده بازار امپریالیستی را تسریع کرد و ترمز رشد نیروهای مولد و روابط تولیدی گردید.

پیدایش و تحکیم موقعیت سیاسی ملاکین کمزور در جریان عده و مسلط تغییرات اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بشمار میآید. این جریان را تسلط سرمایه داری و امپریالیسم در جهان به جامعه ایران تحمیل نمود.

در دوران سلطه مطلق سرمایه داری و امپریالیسم ایران از امکان بکار بردن ماشین و استقرار صنایع ملی بر اساس نیروی محرکه مکانیکی محروم بود. امپریالیسم کلیه کوششهای ایران را در ایجاد اولین کارخانه های تولید ماشینی با تمام قوا سرکوب نمود. مالا راه پیدایش و تشکیل پیروزی و پیروانهای صنعتی در ایران در دوران نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بسته بود.

انقلاب اکثریت با درهم شکستن سلطه مطلق سرمایه داری و امپریالیسم امکان رشد طبیعی اجتماعی و اقتصادی را به ایران باز گردانید. با درهم شکستن تسلط انحصاری سرمایه داری و امپریالیسم بر نتایج دانش بشری در زمینه علم و تکنیک، انقلاب اکثریت امکان استفاده از ماشین و مزایای تمدن صنعتی را به ایران عرضه داشت. بدینوسیله مانع پیدایش و تشکیل پیروانهای صنعتی در ایران از میان برداشته شد. پیدایش و تشکیل پیروانهای صنعتی در ایران در پنجاه ساله پس از پیروزی انقلاب اکثریت جریان رشد یافتند. تغییرات اقتصادی و اجتماعی بشمار میآید.

تبدیل سوسیالیسم به عامل تعیین کننده ترقی جامعه بشری شرایط مساعد تری برای تقویت نیروهای مترقی در جامعه ایران و پیروزی انقلاب ملی و مکرراتیک فراهم میآورد. به همین جهت علیرغم دشواریهای موجود نیروهای مترقی ایران باخوش بینی به آینده مینگرند و با الهام از پنجاهمین سالگرد پیروزی انقلاب اکثریت مبارزه خود را برای رهائی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران ادامه میدهند.

پس از پایان سخنرانی رفیق مهدی کیهان نوبت سخن به رفیق شمس الدین بدیع (دکتر در اقتصاد) رسید. موضوع سخنرانی رفیق بدیع "انقلاب اکثریت و نهضت کارگری ایران بین دو جنگ جهانی" بود. رفیق بدیع در سخنرانی خود گفت :

"مضمون اساسی آید ه های سوسیالیسم - د مکرراتیک انقلابی در ایران در دوره انقلاب ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ عبارت بود از: مبارزه انقلابی علیه استبداد شاهی، برقراری قانون اساسی پیروان، د مکرراتیک، د مکرراتیک کردن دستگاه اداری دولتی. این آید ه هاد رقیاس تمام ایران فقط بشکل صوری و بتفصیحات ملاک - کمزور عملی شد."

برخورد سوسیالیسم د مکرراتیک انقلابی ایران که پیشروان نهضت انقلابی کارگری در این دوران بودند به مسائل مربوط به برنامه انقلاب تا مقدار بسیاری معینی بود. آنها همگام با سایر رهبران انقلاب ۱۱ - ۱۹۰۵ که از زمین خلق و یا طبقات متوسط حتی ثروتمند برخاسته بودند نپیش میرفتند.



در زمان اولین جنگ جهانی ایران از جانب طرف مخاصم اشغال گشت. در دوره آخر جنگ و در آستانه انقلاب اکثر مسئله آزادی ملی از وابستگی خارجی، به مضمون اساسی نهضت مردم ایران تبدیل شد. در عین حال مبارزه در راه رفاههای دموکراتیک، مبارزه علیه استبداد قاجار از دستور روز خارج نگشت.

انقلاب اکبر با تأثیرات عمیق عینی خود در تغییر سرنوشت استقلال ایران تأثیر بزرگی در توسعه مبارزات ملی - دموکراتیک در ایران نمود.

علیرغم تلاشهای فراوانی که از طرف آگاهترین رهبران کمونیست در نهضت کیلان انجام شد، آنها موفق نشدند کمیته واحد عمومی ضد امپریالیستی بوجود آورند. در شرایط بحرانی و متضاد دیکتاتوری رضا شاه کمونیستها مبارزه در راه رهایی طبقه کارگر را با جانفشانی ادامه دادند ولی آنها نیز از جمله در اثر اشتباهات خود و یک سلسله دلایل عینی نتوانستند از صورت یک سازمان محدود محلی خارج گردند و به یک حزب وسیع توده ای مبدل شوند.

فعالیت حزب کمونیست بخصوص پس از آنکه دکتر ترقی ارانی به ایران بازگشت و باره احیا شد. ارانی بر اساس های کاملاً تازه ای شروع به ایجاد سازمانهای حزبی در ایران نمود.

کمونیستهای ایران در این دوره با دگرگونی شرایط آزمون و آرایش نیروهای طبقاتی آنروز در مقابل خویش وظائف زیر را گذاردند: تجدید تشکیل سازمانهای اولیه حزب، مبارزه در راه دموکراسی، مبارزه در راه بهبود وضع اقتصادی طبقه کارگر و دهقان، توسعه مارکسیسم - لنینیسم در بین طبقات مختلف و بخصوص روشنفکران و محصلین و تهیت کارهای کمونیستی.

با آنکه سازمانی که ارانی در آن نقش عمده را ایفا میکرد از لحاظ تعداد بسیار کوچک بود ولی افکار مارکسیستی در اثر فعالیت صحیح آنها بزودی اشاعه یافت. کمونیستهای ایران با استفاده از نزدیکی با کشور شوروی در سالهای بین دو جنگ جهانی کار تبلیغاتی در راه انتشار ایده های میهن پرستانه و دموکراتیک و طبقاتی در بین اقشار مختلف جامعه ایران انجام دادند.

پس از پایان سخنرانی رفیق شمس الدین بدیع نیت سخن بر رفیق جواد زربینه (دکتر در فلسفه) رسید. موضوع سخنرانی رفیق زربینه "ایده اکبر و جنبش کارگری و انقلابی در کشور" بود. رفیق جواد زربینه در سخنرانی خود گفت:

"ایده اکبر که یکی از علل عمده پیروزی این انقلاب بزرگ است عبارتست از مارکسیسم - لنینیسم یعنی انطباق خلاق مارکسیسم بوسیله لنین بزرگ در شرایط امپریالیسم. لنینیسم راه مشخصی را برای ایده های سوسیالیسم علمی، راه مشخص ساختن جامعه نوین سوسیالیستی را نشان داد و تحولی عظیم در عقول و قلوب ایجاد نمود. امواج انقلاب اکبر از همان آغاز وقوع اندیشه های رهاننده خود را نیز بشکوه آورد و جنبش کارگری ایران را از جهت کیفی به مرحله عالی تری ارتقاء داد."

در تحت تأثیر ایده اکبر جنبش های رهایی بخش توده های ایران قبل از سایر کشورهای شرقی اوج گرفت (قیام خیابانی در تهریز در سال ۱۹۲۰ و انقلاب کیلان سالهای ۲۱-۱۹۲۰). با تشکیل حزب کمونیست هدف، تاکتیک و شعارهای جنبش رهایی بخش توده های ایران کاملاً تغییر یافت. انقلاب توده های ایران که تا تشکیل حزب کمونیست فقط جنبه ملی داشت بعد از تشکیل آن با حفظ جنبه ملی خود خصوصیت طبقاتی و انترناسیونالی میخورد گرفت. حزب کمونیست در مطوعات خود مارکسیسم - لنینیسم را تبلیغ مینمود. ولی نشر ایده فلسفی مارکسیسم - لنینیسم در ایران بشکل سیستماتیک از ارانی آغاز میشود.

در جریان نبرد اتحاد شوروی با فاشیسم آلمان و سقوط دیکتاتوری رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ کمونیستها از زندان آزاد شده و حزب توده ایران را تشکیل دادند. حزب توده ایران محصول جبری و قانونی مجموعه تضاد های اقتصادی و سیاسی مرحله معین رشد تاریخی جامعه ایرانست. با تشکیل حزب توده ایران جنبش کارگری و رهایی بخش کشور ما وارد مرحله نوینی میشود.

جامعه ایران از لحاظ کاراید ثولونیک انقلابی سه وظیفه عده و اساسی را به عهد ۳ حزب توده ایران محول کرد :

۱- پرورش افکار سیاسی و آگاهی طبقاتی در طبقه کارگر و افشاء دشمنان طبقاتی کارگر،  
۲- نشر و توسعه مارکسیسم - لنینیسم در ایران . باید گفت که حزب ما این دو وظیفه را بخوبی انجام داد .

۳- وظیفه سوم عبارت بود از انطباق مارکسیسم - لنینیسم در شرایط ایران یعنی تحلیل دقیق واقعیت جامعه ایران ، معین کردن نیروهای محرک جنبش رهاشی بخش توده های ایران ، و تعیین استراتژی صحیح جنبش . ولی حزب علیرغم کوششهای پرثمر نتوانست این وظیفه خود را چنانکه باید و شاید انجام دهد و این امر میتوان یکی از عوامل ناکامی حزب ما و جنبش رهاشی بخش توده های ایران در دوره های اخیر شمرده .

طرح برنامه جدید حزب توده ایران و اسناد و مدارک دیگری که حزب در مسالهای اخیر منتشر ساخته و میسازد واقعیت جامعه ایران را بدستی منعکس میکند و در این برنامه استراتژی مبارزه انقلابی در مرحله کنونی و دموکراتیک آن صحیح معین شده است . برای جامعه عمل پوشاندن آن مشکلات عینی و ذهنی وجود دارد . ولی در نتیجه عمیق شدن تضاد های طبقات و قشرهای مترقی ایران از طرفی و طبقات حاکمه ایران از طرف دیگر و در نتیجه تغییر تناسب نیروهای جهان منفع سوسیالیسم و دیگر نیروهای ملسی و دموکراتیک و در نتیجه مبارزه اصولی و پیگیر حزب امکان عملی شدن آن فراهم میگردد و تردید نیست که اید ۳ اکثر در جامعه ایران پیروز خواهد شد .

پس از پایان سخنرانی رفیق زیننه نسبت سخن به رفیق حبیب فروغیان ( دکتر د ر فلسفه ) رسید . رفیق فروغیان تحت عنوان " تاء ثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در نهضت جنگل و انقلاب کیلان " سخن راند . وی در سخنرانی خود گفت :

" ایراق را بدون اغراق میتوان در راس کشورهای دانست که سرنوشتشان باروسیه و حوادثی که در نیم قرن پیش در این کشور رخ میداد بستگی مستقیم و کامل دارد .

پیش از انقلاب اکثر تمام شئون اقتصادی ، سیاسی ، اداری و نظامی ایران تابع سیاستهای استعماری دول بزرگ سرمایه داری و قبل از همه امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری بود . بانحساب قرارداد ۱۹۰۷ میان روسیه تزاری و انگلستان در پاریس ایران عمل بعنوان یک کشور مستقل از عرصه خارج شد .

در آستانه انقلاب اکثر ایران در حال نزاع بسر میبرد و انقلاب اکثر چون دم مسیحا به پیکر بهجان میهن ما جان بخشید و به فرزند ان غیر و میهن پرست ایران که در گوشه و کنار کشور برای نجات میهن جان در کف نهاد - مردانه مبارزه میکردند الهام و نیرو داد .

یکی از مهمترین مراکز نهضت آزاد میبخش در ایران در مسالهای بلافاصله پیش و پس از انقلاب اکثر استان کیلان بود . این نهضت در تاریخ ایران بنام نهضت جنگل و سپس انقلاب کیلان نامیده میشود . نهضت جنگل و انقلاب کیلان روهیمرفته هفت سال یعنی از اواخر سال ۱۹۱۵ تا اواخر سال ۱۹۲۱ میلادی مطابق ۱۹۲۴ - ۱۳۰۰ شمسی بطول انجامید .

در مدت این هفت سال نهضت جنگل و انقلاب کیلان با فراز و نشیبها ، پیروزی و شکستهای فراوانی روهیمر کردید ، برنامه و هدف آن تغییر کرده و از صورت یک گروه مسلح چند نفری بیک نهضت عظیم و وسیع توده ای در آمده است .

نهضت جنگل و انقلاب کیلان را میتوان به ۳ مرحله عده و تقسیم کرد که مستقیما بانقلاب اکثر در روسیه و برقراری حکومت شوروی در قفقاز مربوط است :

الف - از شروع نهضت جنگل تا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه

در این مرحله مبارزان جنگلی از عده ای افراد مسلح که تعداد آنها بر حسب حوادث کم و زیاد میگردد به است عبارت بود. مانند مسکن و ماوای آنها بطور عده جنگل و قرا در افتادگیان و کار عده آنها شهبخون زدن به ارتشهای اشغالگر خارجی بود. است.  
در این مرحله برنامه و هدف جنگلها بطوریکه خود آنها میکنند :  
قبل از هر چیز تا همین استقلال واقعی مملکت ایران، اصلاحات اساسی در مملکت، رفع فساد تشکیلات دولتی و طرفداری از یگانگی عموم مسلمانان بود. است.

ب - از انقلاب اکتبر تا استقرار قلمی حاکمیت شوروی در قفقاز (اکتبر ۱۹۱۷ - مه ۱۹۲۰)

در این مرحله تحت تأثیر انقلاب اکتبر و سرنگونی استبداد تزاری در روسیه توده های وسیع مردم کیلان بنهضت جنگل جلب شده از آن طرف آری میکنند. وضع جنگلها از لحاظ نظامی بهتر گردید. مبارزات مسلحانه آنها توسعه و تعمیق یافته قسمت اعظم استان کیلان تحت نفوذ آنان در میآید.  
تحت تأثیر انقلاب سوسیالیستی در روسیه و در نتیجه توسعه شرکت کونیستهای ایران (حزب عدالت) در نهضت جنگل در برنامه و هدف جنگلها تغییرات ماهوی بوجود آمده عناصر مبارزات طبقاتی در آن پیدا میگردد.

ج - از پیروزی و استقرار قلمی حاکمیت شوروی در قفقاز تا پایان انقلاب کیلان و نهضت جنگل (مه ۱۹۲۰ - اواخر ۱۹۲۱)

در این مرحله که بنهضت خود آنرا میتوان به سه دوره تقسیم کرد در اثر پیروزیهای ارتش سرخ در جنبه های قفقاز و شکست و عقب نشینی ارتش استعماری انگلیس نهضت کیلان توسعه و عمق مییابد و تمام کیلان و قسمت از نواحی مجاور آنرا فرامیگیرد. توده های وسیع مردم و طبقات و اقشار مختلف بنهضت و انقلاب جلب میگردد و در آن شرکت فعال میبرزند. در کیلان دولت انقلابی و جمهوری شوروی بوجود میآید. برخی اصلاحات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی صورت میگیرد. کیلان مهمترین مرکز انقلابی ایران میشود و بنهضت آزاد بخش در سایر نواحی کشور تأثیرات نیک میبخشد و بالاخره در نتیجه برخی اشتباهات رهبران انقلاب و پیدایش و تشدید اختلاف در میان نیروهای شرکت کننده در آن و عوامل دیگر نهضت جنگل و انقلاب کیلان از طرف قوای دولتی و عناصر ضد انقلابی سرکوب و ب خاک و خون کشیده میشود.

با آنکه انقلاب کیلان و نهضت جنگل پیروز نگردد و برنامه و هدف آن و آمال و آرزوهای مبارزان انقلابی کیلان جامعه عمل نپوشید نهضت جنگل و انقلاب کیلان در آزادی میهن ما ایران از قید استبداد امپریالیسم و پیداری ملت ایران نقش موثری بازی کرده است.

پس از پایان سخنرانی رفیق فروغیان رفیق علی بیات (دکتر اقتصاد) تحت عنوان "انقلاب اکتبر و جنبش ضد قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران" سخن گفت. وی در این سخنرانی گفت:

"حکومت شوروی در نخستین روزهای بعد از انقلاب اکتبر به همه جهانیان اعلام کرد که از حقوق آزادی ملی تمام ملل جهان دفاع میکند. حکومت شوروی اعلام کرد که همه ملل اعم از بزرگ و کوچک، قوی و ضعیف، پیشرفته و عقب مانده، در مناسبات بین المللی باید از حقوق برابر و یکسان برخوردار باشند و این حق مسلم ملل باید محترم شمرده شود."

انقلاب اکتبر و پیروزی آن ملل مظلوم را به پیروزی در مبارزه امیدوار ساخت، زیرا نخستین قیام موفق توده های وسیع زحمتکش بود. روسیه شوروی نمونه روشن، مظهر بارز حقوق برابر ملتها، و مناسبات دوستانه آنها بود و به همه جهانیان نشان میداد که در سراسر جهان نیز باید از اصول برابری

حقوق ملتها و مناسبات واقعا دوستانه بین آنها پیروی کرد. انقلاب اکثر راه نهل بازآیدی ملی را که همان راه مبارزه قطعی در زیر پرچم وحدت و تشکل است، بهمه ملت مستعد به نشان داد و جنبشهای رهائی بخش ملی را در سراسر جهان و از جمله در ایران تحت تأثیر عمیق قرار داد.

چهل و هشت سال پیش (نهم اوت ۱۹۱۹) قرارداد ادی بین هیئت حاکمه ایران و دولت انگلستان با مضمون رسید و انتشار آن موجب احساسات خشم آلود ملی را برانگیخت و مردم در مبارزه علیه این قرارداد ۱۹۱۹ که انگلستان با کمک عمال خود با ایران تحصیل کرده بود، ضریب بسیار جدی با استقلال سیاسی و اقتصاد ایران میزد، ارتش و مالیه و کمرکات ایران بدست بیگانگان می افتاد. حکومت شوروی در مبارزه علیه این قرارداد اسارت بار به آمد مردم ایران آمد.

برخی مدعی هستند که وثوق الدوله و هد ستانش از عقد قرارداد کوبانظر سوئی ند داشتند و پسر آن بود ند که باید با کمک انگلستان ایران را در جاده ترقی انداخت. اما د آرک و اسناد غیر قابل تردید و انکار دردست است و ثابت میکند که زماند اران ایران با انعقاد این قرارداد عادلانه و عاید اخیانت کرد ند و در برابر این خیانت به ایران و یاختند متب انگلستان رشوه و نشان و حتی قول روعده تأمین مالی و پنهانندگی در خاک امپراطوری برای خود گرفتند.

قرارداد ایران و شوروی در ۱۹۲۱ نقطه مقابل قرارداد اسارت آور ایران و انگلیس در ۱۹۱۹ است. قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی نمود آروشنی است از ماهیت ضد امپریالیستی دولت شوروی و در آن هرگونه نظرات استعمارگرانه و توسعه طلبانه بشدت محکوم گردید و بجزئیت میتوان گفت که با مضمون آن مرحله جدیدی در روابط ایران با دنیا خارج کشود شده است.

در این قرارداد بارد یکر خودداری روسیه از اعمال سیاست زهر نسبت با ایران، موگد اتا میگرد و روسیه شوروی امتناع خود را از شرکت در هرگونه اقدامی که موجب ضعف و یا نقض حق حاکمیت ایران باشد اعلام میدارد، و تمام قراردادها و پیمانهای راکه حکومت سابق روسیه با دولتهای ثالثی بزبان ایران بسته بود فاقد اعتبار می شمارد. دولت جوان شوروی طبق مفاد این قرارداد از کلیه امتیازاتی که دولتهای تزاری بزهر و قهر در ایران بدست آوردند و همچنین از وامهای دولت ایران بدولت تزاری صرف نظر میکند.

انعقاد قرارداد ۱۹۲۱ ایران را از خطری که استقلال و حاکمیت آنرا تهدید میکرد نجات داد و زمینه مساعدی برای تأمین استقلال اقتصادی ایران فراهم ساخت. جریان چهل و شش سال گذشته نشان داد که فقط یک دولت ملی قادر است از این زمینه مساعد چنانچه شاید و باید استفاده نماید.

پس از پایان سخنرانی رفیق بیات رفیق امینو ال (دکتر راد بیات) تحت عنوان "تأثیر انقلاب اکثر در ادبیات ایران" سخنرانی کرد. رفیق امینو ال در سخنرانی خود گفت: "کشور ما در اوج حد و ثروت انقلاب کبیر اکثر به منطقه نفوذ و نیروی امپریالیستی بزرگ انگلستان و روسیه تزاری تبدیل گردید. متکثرین و سخنران مینندوست و دموکرات امثال میرزا عبد الرحیم طالب زاده تبریزی، ادیب پیشاوری، ادیب المعافک، وحید دستگردی، ملک الشعرای بهار و غیره در آثار خود با خشم سوزان از مظالم امپریالیستی انگلستان و روسیه تزاری یاد میکنند.

تحت تأثیر انقلاب کبیر اکثر جنبشهای ملی و آزاد پخواهانه در کشور ما بسط یافت. موضوع انقلاب کبیر اکثر در ادبیات ما دعوت به انقلاب در ایران، با اظهار شادمانی در سقوط تزارسم و پیروزی زحمتکش روسیه و نیروهای انقلابی و دموکرات ایران و لغو قرارداد ۱۹۰۷ و تأمین استقلال سیاسی در ایران توأم است (اشعار لاهوتی، سید اشرف گیلانی، واعظ کیوانی، وحید دستگردی، محسن دستگردی، دهقان کرمانی، فرخی یزدی، ملک الشعرای بهار و غیره).

در طی پنجاه سال اخیر بتدریج آثار فراوانی چه به نظم و چه به نثر ایجاد گردید که موضوع عمدتاً

آنها انقلاب کبیرا کثیر و تا میر آن در رهائی ایران از قید امپریالیسم، وصف سیمای لنین، ستایش از نظام سوسیالیستی شوروی، وصف انسان شوروی و غیره است. مجموعه این آثار میتوان تحت عنوان واحد: ادب ویژه اکتبر تحت بررسی قرار داد.

مشخصات عدد ۸ ادب ویژه اکتبر از این قرار است:

**الف - وصف سیمای درخشان لنین:** مبارزه علیه تزارسم، موضوع الغای قرارداد ۱۹۰۷ و امتیازات کوناگون حکومت تزاری در ایران، پشتیبانی دولت جوان شوروی از ایران بانام لنین ارتباط ناگسستی دارد. لنین در آثار سخنوران ایران: عارف قزوینی - عشقی - لاهوتی - وحید دستگردی - محسن دستگردی - یحیی رحمان - واعظ کیهانی - یزدان بخش قهرمان - طبری - زاله - علی اصغر معینپان - ناصر عاملی - شهاب فردوس - میلانی - دریا - شکوهی و غیره.

**ب - سیمای انسان شوروی:** انسان دارای جهان بینی سوسیالیستی در آثار شعرا و نویسندگان ایران: شهریار - شهاب فردوس - سایه - صادق سرمد - طبری - نوشین - واله - سپنتا - آهنگده - اردشیر - ابوتراب جلی - افراشته - فیروز فیروزنیا - مهدی پارسی - فرخ و غیره توصیف شده است.  
**ج - نظام شوروی بعنوان بهترین نمونه نظامات اجتماعی در آثار اجتماعی یاد بی: حبیبی - مهدی - سعید نفیسی - ملک الشعرای بهار - دکترزاد منش - طبری - محمود تفضلی - بزرگ علوی - دکتر کشاورز - فرزند و غیره وصف شده است.**

ادب ویژه اکتبر بخش عدله ای از ادبیات مترقی ایران و نیروی محرک و الهام دهنده آنست که بر پایه عوامل زیر بنیاد گرفته است:

۱- سنن عالی بشر و دستاورد بیات کلاسیک ایران خاصه هسته های سالم ادب تصوف،

۲- ادبیات ملی و وطنخواهانه دوران انقلاب مشروطه (۱۹۱۱-۱۹۰۵)،

۳- ایده های روشن انقلاب کبیرا کثیر.

ویژگیهای ادب اکتبر جنبه انترناسیونالیستی آن، دفاع از منافع حاکمیشان خاصه طبقه کارگر، روح مبارزه، خوش بینی و امید به پیروزی نهایی انقلاب و غیره است.

ادب ویژه اکتبر با کامیابیهایی درخشان کشور اتحاد جماهیر شوروی، زادگاه لنین، هر روز بارورتر و غنی تر میشود.

در جریان بحث راجع به گزارشها عدله ای از رفقا شرکت مجدانه کردند. مثلاً رفیق صدق در تحت عنوان "در پیرومون پنجاه سال همزیستی مسالمت آمیز ایران و شوروی"، رفیق سهراب زمانی تحت عنوان "تا شیرانقلاب اکتبر در تحول اجتماعی ایران"، رفیق پناهیان تحت عنوان "انقلاب اکتبر و مسئله لشو کا پتولا سیون در ایران"، رفیق یوسف لنگرانی تحت عنوان "درباره فعالیت حزب کمونیست ایران در انقلاب گیلان"، رفیق قائم پناه تحت عنوان "تا شیرپیروزی اکتبر در قیام کتلند درخاسان"، رفیق فتحی خشکناهی تحت عنوان "تا شیرمعنوی اکتبر در تکامل ادبیات فارسی و ادبیات ایرانی"، رفیق کاظم شیدر "درباره کله شوروی بکشورهای کم رشد" سخنرانی کردند. در پایان جلسه رفیق زاله بدیع پس از سخنرانی کوتاهی قطعه شعر دل انگیزی بنام "حماسه" قرائت کرد. علاوه بر رفقای نامبرده جمعی دیگر از حضار جلسه و از انجمله چنانکه گفته شد برخی از مهمانان در بحث و سخنرانی شرکت کردند. در پایان رفیق احسان طبری ضمن سخنرانی نهایی خود نتایج بحث را جمع بندی کرد و از مهمانان و سازمان دهندگان جلسه پرشرم علی از جانب کمیته مرکزی و بهروری آن سپاسگزاری نمود.

س ر و د

## مرغ طوفان

از ماکسیم گورکی

باد بره‌امون سر سپید دریا ابرهای تیره قام را آکنده میکند. مرغ طوفان باشکوه فراوان همانند آذرخش شبرنگ در میان ابرها در پرواز است. گاه بر امواج دریا شهبال فرو می‌کوبد و گاه زمین آسا بسوی ابرها می‌پود. بانگ میکشد و ابرها در بانگ جسورانه اش آهنگ شادی رامی‌نیوشند. در این بانگ عطش طوفان است! ابرها در این بانگ نیروی خشم، شرار شور و اطمینان به پیروزی رامی‌نیوشند. کاکلی‌ها در برابر طوفان می‌نالند، می‌نالند و سرگردانند و آماده اند تا هراس خویش را در ژرفای دریا پنهان سازند.

و یا غوها نیز می‌نالند. لذت رزمهای زندگی برایشان نامفهوم است و ضربات تندر آنها را بی‌عناک می‌سازد.

و پنگوئن نادان پیکر فریه خود را در میان صخره‌ها پنهان میکند. تنها مرغ مغرور طوفان است که بال کشاده و آزادانه بر سرکف‌های سیمین دریا می‌گذرد. ابرهای سیاه دمدید عبوس تر و نازل تر بر دریا فرود می‌آیند و امواج به پذیره تندر برمی‌خیزند، می‌خروشند و از هم می‌گسند.

تندر غران است. امواج کف‌خشم آلود بر لب می‌نالند و با باد سرکش در می‌تیزند. هم اکنون با د کله‌ای از امواج را در آغوش می‌فشرد و با چنان غیظی سوزان بسوی صخره‌ها پرتاب میکند که پیکره آنها مانند کوهی از زرد خورد و خاکشیر میشود.

مرغ طوفان همانند آذرخش شبرنگ خروشان در پرواز است و مانند زمین از میان ابرها میگذرد و بسا شهبه خویشت کف دریا را می‌پوشاند.

بنگرید! وی اینک مانند اهریمن مغرور و تیره رنگ طوفان در تگ و تاز است. می‌خندد و می‌گریه. بر فراز ابرها می‌خندد و از شادی گریان است.

این اهریمن هوشیار در پیست که در خشم تندر خستگی احساس میکند. او با هر دارد که ابرها نخواهند توانست خورشید را پنهان دارند، آری نخواهند توانست.

باد می‌وزد، تندر می‌غرد.

گله ابرها چون شعله کبود قام بر مغاک دریا در جنبشند. دریا پیکانهای آذرخش را در میریایسد و در گرداب خویش خاموش میکند. تابش این آذرخشها درست همانند مارهای آتشین بر دریا می‌پیچد و محومیشود. طوفان! بزودی طوفان خواهد شرید.

و این مرغ طوفان جسور است که در میان آذرخشها بر فراز دریائی که از بسیاری خشم می‌توفد- می‌پودد مانند پیمبری می‌خروشد:

— بگذر غرنده تر بشورد طوفان!

## درشای گهونیسیم

خرد فندانه است ، هرکس آنرا میفهد ، سهل و آسانست  
توگه بهره کش نیستی ، میتوانی آنرا دریایی  
تراسزنده است ، پس از آن آگاه شو  
بیخردان بیخردانه اش میخوانند  
پایدها را پایدش میدانند  
ولی دشمن پایدی و بیخبری است  
بهره کش آنرا تبه کاری میسعد  
ولی ما میدانیم  
پایان تبه کاری است  
دیوانگی نه ، بل  
پایان دیوانگی است .  
چیستان نه ، بل  
پاسخ چیستانها است .  
اینست آن ساده ترین چیز  
که کارستش دشوار است .

## پرسش های یک کارگر

چه کسی شهرهفت دروازه ای "تب" را بنانهاد ؟  
درکارنامه ها از پادشاهان نام میبرند .  
آیا این پادشاهان بودند که صخره هارا بدوش کشیدند ؟  
و چه کسی شهر بابل را که چندین بار ویران شد ،  
بار دیگر برپاداشت ؟ سازندگان شهر زردین "لیما"  
درچه خانه هائی بسر میبردند ؟  
سازندگان دیوار چین بکجا رفتند ، هنگامیکه  
دیوار پایان یافت ؟ رم بزرگ  
پراست از بناهای پیروزی . آیا چه کسی آنها را برپاکرد ؟  
قیصرها برچه کسان ظفر کردند ؟ و آیا بیزانس پرنام و آوازه

ساکنان خود را شهادت‌رکاخ‌ها جای میداد ؟ حتی در  
اتلانتید افسانه‌گون هنگامیکه دریا طعمهٔ خویشرامی بلعید ،  
غرق شوندگان بردگان خود را ند امیدند .

•

اسکندر جوان برهند پیروز شد .  
ولی آیا او تسه‌ایود ؟  
قیصر گلهارا مغلوب کرد  
ولی آیا او حتی یک طباخ باخود نداشت ؟  
فیلپ پادشاه اسپانی گریست زمانیکه کشتیه‌هایش  
غرق شدند . آیا د پگری نگریمت ؟  
فردریک دوم در جنگهای هفت ساله پیروز شد .  
جز او چه کسی پیروز شد ؟  
بر هر صحیفه ای فتوحی ثبت است .  
ولی ضیافت ظفرراکه بر پاداشت ؟  
و در هر د هسالی مردی بزرگ برخاست  
ولی هزینه اش باکه بود ؟

•

برای هرروایتی  
پرمشی است .





## ارزیابی ها و گواهی ها

" بالاخره لنین اعلام نمود که عهد نامه ۱۹۰۷ روس و انگلیس را پاره کرد م و کلیه امتیازات دولت جابر تزاری در ایران ملغی است. این عظا هرات ایجاد هیجانی در افکار عمومی ایران کرد و مردم غرق شادی شدند و به یکدیگر تبریک میگفتند."

(دکتر متین دفتری - "خاطراتی از عنوان جوانی"  
سالنامه دنیا - صفحه ۶ - سال ۱۳۴۰)

" انقلاب روسیه روح افسرده آزاد خواهان ایران را جوان و زنده نمود و من در نتیجه انقلاب مزبور باز خود را برای دخول در جامعه نگارندگی حاضر ساخته و تشکیلات سیاسی د مکر آنها نیز بیشتر این اقدام را تسریع نمود."

(بهار، دیماجه نهمهار، سال ۱۲، دوره ۴)

" علاقه ایرانیان به لنین از این جهت است که این مرد بزرگ همواره نسبت به میهن عزیز ما ابراز علاقه کرده و کمک های فراوان که در تشدید روابط حسنه بین دو دولت دوست و همسایه موثر بوده است به ملت ایران نموده است. از جمله لنین قرارداد های قبل و بعد از ۱۹۰۷ را که با استقلال و حاکمیت دولت ایران صدمه وارد می آورد، باطل کرد."

(دکتر امیرعلایی وزیر سابق - پیام نو، شماره ۴  
سال ۱۳۲۵ - صفحات ۳-۴)

" ملت ایران خاطره لنین و دوستی کشور صلح دوست او را عزیز می شمارد، زیرا فراموش نمی کند که لنین و کشور شوروی از همان آغاز تاریخ خود دوستی و دوستی بطرف ملت ایران دراز کردند و زنجیر های اسارتی را که تزارها بگردن کشور ما گذاشته بودند در هم شکسته، عهد نامه های ظالمانه ای را که بر این ملت تحمیل شده بود و بهمان شوم ۱۹۰۷ را که جهانخواهران آنروز بزبان ما بسته بودند، پاره کردند. آری مردم ایران دوستی شوروی و ایران را عزیز می شمارند."

(دکتر علی اکبر قیاض استاد دانشگاه - پیام  
نو، شماره ۵، سال ۱۳۳۰)

" چنانکه من در گذشته دیده ام، اگر دولت اتحاد جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین المللی ایران غایب شود، برای مادر هوای آزاد هم تنفس دشوار است."

دکتر محمد مصدق

" این سفری که با اتحاد شوروی کردم نخستین سفر من به آن سرزمین پس از انقلاب اکثر و برقراری حکومت شوروی بود. دولت شوروی قوام کامل یافته بود و با سرعتی شگرف که در تاریخ جهان نظیرند ارد از ذخیره عظیم ملل خود نیروی گرد آورد. بود که دیگر در ترازوی جهان کسی نمیتوانست آنرا نادیده بگیرد. سازندگان بی های جاوداتی این ساختمان عظیم که بزرگترین بناهای فرزندان می بود نظر احترام و اعجاب همه جهانیان را جلب کرده بودند."

( سعید نفیسی - زندگی و کار و هنر ماکسیم گورکی ،  
تهران ۱۳۳۵ ، صفحات ۳ - ۴ )

" ماباد ولت بزرگ و پرشور و پرجمعیت و توانائی در سراسر شرق و شمال همسایه ایم و این دولت ، اتحاد جماهیر شوروی است. ماباد با این همسایه و این دولت عظیم که نژاد های مختلف را با قانونی یکخواخت بهم اتصال داده و آنها را بحرکت سرپیی واداشته است آشنا باشیم، دوست باشیم و یکدیگر را بخوبی بشناسیم."

( ملك الشعراء بهار ، پیام نو ، سال اول ،  
شماره ۷ ، ۱۳۲۳ ، صفحه ۲۸ )

" بار سفر بستم و در اکتبر ۱۹۱۶ چهار ماه پیش از شروع انقلاب به روسیه رفتم و در پتروگراد آنروز و لنینگراد امروز اقامت کردم تا بوسیله کشتی دنباله سفرم را بگیرم و راه دریاهای دور را آغاز کنم. اما وجود زبرد ریائی های آلمان در آبهای ساحلی روسیه مانع از این سفر شد و در همین هنگام بود که ناکهان انقلاب آغاز شد و شورش بزرگ همه جانبه ای در گرفت. من از نزد یک لنین رادیدم و در سخنرانیهای متعدد او حاضر بودم. در آن موقع من زبان روسی را بخوبی نیکم میکردم و حرفهای لنین را خیلی خوب می فهمیدم. نمیتواند باور کنید روزیکه لنین در مالکن یکی از بناهای کارگری شهر پتروگراد اعلامیه انقلاب را خواند و من در پائین این پنجره ایستاده بودم، چگونه تحت تاثیر و زیر نفوذ کارشگرف او قرار گرفتم. میدانید در آنروز عظیم لنین چه گفت؟ او در اولین جملات نطق انقلابی خودش الفای قرارداد تقسیم ایران بین روس و انگلیس، چشم پوشی از همه مزایا و مطالبات مالی دولت تزاری در ایران، الفای کاپیتولاسیون را از نقطه نظر دولت تازه شوروی اعلام کرد. کلمات لنین برای من که در آن پائین ایستاده بودم در حکم باز شدن در چپه ای بسوی آزادی، بسوی نجات ملت ایران بود."

( از خاطرات سید ضیاءالدین طباطبائی - شماره ۱۱۲۲  
تهران صهر مویخ اسفند ماه ۱۳۴۳ )

" ..... يك عامل خیلی بزرگ و بسیار مهم که نه تنها در آزادی سیاسی داخلی موثر بود بلکه در آزادی خارجی و بقای استقلال ایران موثرترین عامل و بزرگترین سبب بود. انقلاب بزرگ روسیه بود در سنه ۱۳۳۵ ( ۱۹۱۷ مسیحی ) که در موقع خود نسبت با ایران نعمت عظمی و در واقع يك موهبت الهی بود با این مملکت که از آن راه کرامت شده. آن انقلاب و سرنگون شدن رژیم امپراطوری برای ایران بزرگترین واقعه تاریخی ۱۵۰ سال اخیر بود و هیچ شکی نیست که اگر در پایان جنگ اول جهانی آن انقلاب پیش نیامده بود امروز نه از ایران و نه از ترکیه اثری وجود نداشت و یکبارہ بکام ازدها رفته بودند. آن انقلاب در حکم باز کردن طناب از گلولی يك مصلوب در آخرین نفر بود."

( سید حسن تقی زاده " تاریخ اوائل انقلاب و مشروطیت ایران " تهران ۱۳۳۸ صفحات ۶۷ - ۶۶ )

اسناد تاریخی و اشعار منتخبه سرایندگان ایرانی که در این شماره چاپ شده از سخنرانی ۱۰ استوار در سینمار علمی دوم گرفته شده است.



